دنیای ورزش

همه‌ملی‌پوشها به رینگ پشت کرده‌اند برای آنکه قصه «شوم» پاییز ۱۹۷۰ تکرار نشود!

پرو «در مار اکانایک مغلوب «بد» بود

نشریه ورزشی اطلاعات ـ قیمت ۳۰ ریال ـ سال هشتم ـ شنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ۲۵۳۷ ـ شماره ۳۹۳



پیکان جوانان ۵۶
ペイカン・ジャワナン
www.javanan56.com

یادداشتهای هفته

فرامرز تهرانی رفیع

عبور از دروازه‌های دیروز

۵شنبه و جمعه دو هفته قبل در تهران و شهرستانها رویهم ۶ دیدار در کادر بازیهای حذفی جام پهلوی و جام فدراسیون فوتبال برگزار شد که از استقبال تماشاگر و موجودیت فوتبال باشگاهی در اوج نشانی نداشت.

و این نمایشگر واقعیت ضربه سنگین و کشنده‌ای بود که تعطیل جام تخت جمشید بر پیکر تیمهای باشگاهی ما وارد آورده و بی تردید در بازگشت تیم ملی از جشنواره جهانی ارژانتین پنجمین روز جام را نیز با همین نزول کیفی خواهیم دید.

در کار برنامه ریزی مسئله‌ای بنام «ابتکار» و پیدا کردن راههای «سازنده» در شرایط استثنائی یکی از اساسی ترین نیاز های هرسازمانی است و ما در کار ورزش کمتر نشان داده‌ایم که در این راه «نو آوریهائی» همراه داریم.

در گیرودار اردوی تدارکاتی بازیهای مقدماتی جام جهانی تحت تاثیر انگیزه‌ای بنام کمک مالی به ۱۶ تیم حاضر در جام تخت جمشید، مسئولین فدراسیون فوتبال بگونه‌ای مختلف دو جام حذفی تدارک دیدند یکی انحصاری برای این ۱۶ تیم و دیگری سراسری.

بازیهای اختصاصی نام جام فدراسیون را گرفت و بازیهای سراسری نام جام پهلوی و درکار انجام این بازیها آنقدر کوتاهی، گسستگی و بی توجهی صورت گرفت که بازیهای مقدماتی به پایان رسید، دیدار های تدارکاتی جام جهانی هم انجام شد و در راه سفر به ارژانتین هنوز این بازیها به پایان نرسیده و شاید در بازگشت تیم ایران و آغاز روز پنجم (جام ششم تخت جمشید) هم بازیها هنوز ناتمام باشد.

بهر شکل اردوی تدارکاتی تیم ملی در راه آرژانتین آهنگ فوتبال ما را دوبار متوقف کرد یکبار در تیمه راه پایان جام پنجم و یکبار هم در روز های آغاز جام ششم ولی مسئله این است که در چنین روز هائی با چه برداشتی می توانستیم فوتبال را سر حال نگاه داریم و باشگاهها را از زندگی معمول خود دور نسازیم؟

تنها به نام جام حذفی دلخوش کردن، آنهم با مسابقاتی به این شکل گسسته سبب شده که در بازیهای هفته گذشته تیمها را در سطحی فقیر و بی تحرک ببینیم، از سوی دیگر بلیط فروشی مسابقات نیز چشم گیر نبود، چرا که تیمها دور از قرم دلخواه و در غیاب مهره های صاحب نام از استقبال فراوان برخوردار نشدند.

کشورهای صاحب فوتبال درگیرودار مسابقات مختلف بخصوص در اروپا طول جامهای گوناگون بگونه‌ای برنامه ریزی دارند که باشگاهها همیشه بیدار و آماده بمیدان میروند و شاید بهمین دلیل است که ضمن خشونت و سنگینی فراوان بازیها مهره های اسیب پذیر محدودتر است.

به بازیهای فوتبال قهرمانی باشگاههای هلند که نگاه می کنی، هنوز تیمهای انتخاب شده برای جام جهانی بازیهای باشگاهی را برگزار می کنند، ایتالیا در روز های اوج پایان است، اسپانیا قهرمان خود را شناخته ولی هنوز بازیها با همان حرارت ادامه دارد و بدنبال رئال مادرید، بارسلون - آتلتیکو بیلبائو برای مقام دوم جنگی نزدیکتر از دیگران دارند، هلند روز سی و سوم را پشت سر گذارده و در آلمان مونشن گلادباخ در اوج می درخشد.

ولی ما همه چیز را تعطیل کرده‌ایم در حالیکه، ابتدائی ترین اندیشه، این بود که طول این یکماه گذشته بگونه های متفاوت تیمهای باشگاهی را به تنهائی یا در محدوده گسترده تری با تشکیل یک تیم از یک یا دو تیم باشگاهی هر هفته ملی پوشان را بمیدان کشیم.

یا برای تیمها جامی حذفی بگونه‌ای که در گذشته‌ای نه چندان دور داشتیم برگزار کنیم، هر تیم که به دور بعد راه می یافت می توانست از مهره های تیمهای حذف شده استفاده کند، این گذشته از هیجان و بیداری اشتیاق تماشاگر را بیشتر می کرد یا راههای فراوان دیگر که در یک محدوده مشخص و تکرای برگزار کننده بازیهای ابتدائی نباشیم.

ولی در تمام موارد راحت ترین و پیش پا افتاده ترین برنامه را انتخاب کرده‌ایم، چرا که یا فرصت اندیشه نداریم یا دیدگاههائی چنان محدود را پذیرفته‌ایم که برایمان دشوار است باور کنیم خارج از محدوده های تکراری ما راههای دیگری هم هست و این مسئله‌ایست که سبب یکنواختی شده.

بهر حال در جام فدراسیون که برای تیمهای حاضر در جام تخت جمشید برگزار می شود، پرسپولیس - پاس طول نود دقیقه تلاش به نتیجه مساوی بدون گل دست یافتند و داراتی ۱۰۰ روی گل دقیقه ۳۷ حسین فداکار برق شیراز را مغلوب کرد.

این ۴ تیم در دیدار برگشت چهره فینالیستها را مشخص خواهند کرد، یعنی در مجموع دودیدار تیم موفق تر از هر بازی برگزار کننده بازی نهائی جام فدراسیون که نخستین سال تولد آن است و تحت تاثیر تشکیل اردو های تدارکاتی بعنوان یک «مسکن» بوجود آمده خواهد شد.

در جام حذفی پهلوی که ابتدا ۸۰ تیم در آن شرکت داشتند و در سه مرحله برگزار می شود، ملوان - ذوب آهن تاج و هما به دور نیمه نهائی رسیدند.

ذوب آهن ۳-۰ روی گلهای علیرضا شوقی در دقایق ۷ و ۴۳ و محمد مهدوی در دقیقه ۳۲ شهپر را شکست داد. تاج با گل دقیقه ۶۸ مجید نوروزی آرارات را حذف کرد، ملوان در دقیقه ۱۰۵ در وقت اضافی ابومسلم را در بندر مغلوب نمود و هما با گلهای احمد تقوی و جعفر نوروزی بعد از وقت قانونی به ترتیب در دقیقه ۱۰۰ و ۱۱۰ مقابل نیرو به پیروزی رسید و اهواز با درآمد ۲۵هزار تومان شادمان ترین میزبان روز از لحاظ بلیط فروشی بود.

به این ترتیب بازیها در سطح امید برگزار نمی شود و تیمها ارزش حقیقی خود را ندارند، بهمین دلیل باید در گیرودار این برنامه ها با یک شناخت گسترده بدنبال راههای سازنده‌ای باشیم که تماشاگر - بازیکن - باشگاه و فوتبال را شاداب و بیدار نگاهدارد.

تنها برگزاری یک برنامه بدون پی گیری - تدبیر نو و جستجوی راههای موفقیت شاید جای خالی را پر کند ولی موجودیتی پایدار نخواهد داشت، مسئله شناخت ورزش با موجودیتی پایدار و قابل گسترش با بازدهی با ارزش از لحاظ کمی و کیفی در کار مالی و سطح آن رشته ورزشی است.

اگر چنین نکنیم سالها و سالها، برگرد یک محور خواهیم چرخید و این سرگیجه اجازه نخواهد داد دایره‌ای گسترده تر برای برنامه ها، تدارک ببینیم و مرز های کهنه را بشکنیم، در حالیکه در نخستین قدم نیاز داریم با «نوآوری» ها مرز های کهنه را بشکنیم و از دروازه های دیروز عبور کنیم.

حسین حصاری

مسئله روحی

چندروز قبل از حرکت تیم کشتی راه آهن به نایل، حبیب فتاحی ملی پوش اعزامی به مونرال را دردفتر مجله ملاقات کردم، طفلکی صورتش تکیده تر و شکسته تر از پیش نشان میداد، چشمان گودرفته و استخوان های برجسته گونه‌اش حاکی از تلاش بی انتهای اودر تمرینات بود، باشوخی سرصحبت را باازبازکردم که حبیب مثل اینکه قصدداری پس از دو، سه سال بازهم به ۴۸ کیلو برگردی؟!

در حالیکه بزحمت لبخندی در چهره‌اش پدیدار شده بود گفت: ۴۸ کیلو... چه عرض کنم ولی برای ۵۲ کیلوهم دشواری سنگینی وزن دست از سرم بر نمیدارد گفتم، بامشکل بزرگت ضعف در خاک چه کردی؟

گفت: با همت عباس خجسته پور برادر کوچک مربی تیم وراه آهن بمقدار قابل توجهی ضعف در خاک را جبران کرده‌ام ولی خود میدانم همه این زحماتی که من و امثال من میکشند مثال کوبیدن مشت برسندان است.

علت این طرز تفکر و ناامیدیش را پرسیدم گفت: رئیس فدراسیون عنوان کرده که در مسابقه های جهانی مکزیک فقط ۴ کشتی گیر بزم آور - قشنگ - سلیمانی وسوخته سرائی حاضر خواهند شد و بقیه برای بازیهای آسیائی باید خودرا آماده کنند.

باتردید گفتم اگر چنین مطلبی صحت داشت، حتما بگوش ماهم میرسید ولی چهره مصمم اوحاکی از این مهم بود که رئیس فدراسیون بهرشکل این عقیده را عنوان کرده ولی بچه دلیلی و بچه خاطری، از نظر ماپوشیده است.

ناامیدی فتاحی بحدی بود که دقایقی چند بااوصحبت کردم و اورا قانع ساختم که فدراسیون در جستجوی مهره های ثمربخش است و بفرض اینکه چنین هدفی را با گفتن کلماتی عنوان کرده قصدش تهییج دیگران بوده و این یک تصمیم قطعی نیست.

فتاحی که ازرومیکرد سخنان مادرست باشد با قول اینکه شایستگی خودرا نشان دهد از ما خداحافظی کرد و رفت.

خوشبختانه قول و قراراوچند روز بعدبه ثبوت رسید و تیم کشتی راه آهن درعرصه مبارزات بین المللی نایل با موفقیت فراوان به انتهای خط رسید و فتاحی نیز از جمله یکی از مردان طلائی ایران در نایل بود.

پیروزی راه آهنی ها سبب شده بود، رئیس فدراسیون در گفتگو بایکی از روزنامه های عصر پایتخت عنوان کند که قهرمانان ایران اندک، اندک صاحب اعتماد بنفسی دلپذیرمیشوند و بکلامی دیگر ارزشهای نهفته خودرا باور میدارند.

وقتی اظهار نظررئیس فدراسیون کشتی را درباب پیروزی قهرمانان ایرانی خواندم، در عجب شدم که رئیس فدراسیون چه زود تغییر ماهیت داده بود و چه زود ۱۸۰ درجه تغییر جهت نشان میدهد! زیرا همین چندی قبل بود که رئیس فدراسیون عنوان کرده بود، که چیزی دربساط کشتی نیست و هرچه هست باید دوباره سازی شود! دورازاین کلمات ضدونقیض ودوراز تصورات رئیس فدراسیون که هفته به هفته تغییر میکند، باید عنوان کرد که اگر هم چنین تصمیمی قراراست از سوی فدراسیون کشتی گرفته شود، این تصمیم بعدازمسابقه های انتخابی و پس از سه مسابقه بین المللی کشتی باید گرفته شود.

زیرا در حدفاصل مسابقه های جهانی لوزان تااین تاریخ بواسطه برنامه های متعدد قهرمانان ایران دورازاستراحت واقعی بوده اندوهمیشه بنوعی مطرح!

کیفیت در حال صعود آنها چیزی بوده که حتی رئیس فدراسیون را واداشته که عنوان کند، که ملی پوشان و بزرگان ایران حالا صاحب اعتماد بنفس شده اند.

اگر این مهم مورد تائید است چرا پس بخود اجازه میدهید درآستانه سه آزمایش بزرگ مسابقه های ارتشهای جهان - قهرمانی جهان و بازیهای آسیائی تخم یاس و بدبینی را دردل کشتی گیران بکارید؟ اگر فراموش نکرده باشید درروزپایانی مسابقه های لوزان ایران با ۶ فینالیست کاررا آغاز کرد و براستی اگر در چند مورد بخصوص ایران صاحب شانس بود، قادر بود به افتخاراتی بیشتر دسترسی پیداکند.

درست که برزگر تک مرد افتخار ایران خودرا از صحنه قهرمانی کنار کشیده ولی برعهده فدراسیون کشتی است که روحیه دیگر ملی پوشان را آنچنان بالابرد، که آنها را شایق به کارشان نماید. نه اینکه در آستانه چنین برنامه های مهمی، با کلمات غیر اصولی روحیه تک، تک نفراتی را که برای رسیدن به دروازه های تیم ملی ماهها تلاش کرده‌اند، ماهها ریاضت کشیده اند تاشاهد افتخاررا در آغوش بگیرند ضعیف و خراب کنید.

آقای رئیس فدراسیون بایدمتوجه باشند اعتماد بنفسی که معترف هستند قهرمانان ایران در ایتالیا بدست آورده‌اند با کلمات امید بخش دراندیشه و مغزقهرمانان فرومیرودنه اینکه با کلمات یاس آور و ناامید کننده این راهمیشه بیادداشته باشید که قبل از هرچیز مسئله روحی قهرمانان باید درنظر گرفته شودتاباتکیه برقدرت روحی آنها و آمادگی بدنی بلند پروازی آغاز کنند.

حسین جباری

«پـــل» های تفاهم

ورزش مشتزنی، یک دوره برزخ را میگذراند. رئیس تازه فدراسیون مشتزنی، عقیده دارد که او واعضای فدراسیون کار میکنند و بیکار نشسته‌اند که هر چه پیش آید، خوش آید. وآنگاه همه هستی ورزش مشتزنی به فنا برود... اما، اکثریت دست اندرکاران ومربیان مشتزنی، در پنهان واشکار، خلاف این را میگویند... میگویند که همه چیز خوابیده ودنیای مشتزنی سوت وکور است. فدراسیون فقط در درون یک هال ودفتر خود، کار میکند، وبه زیبائی دفترش همت میگمارد، در حالیکه در کنار این دفتر، هیچگونه تغییری در سالن مشتزنی بوجود نیامده است.... رئیس فدراسیون مشتزنی میگوید، که ما کارهایی در دست بررسی ومطالعه داریم، وحتی من تا پاسی از شبها، می نشینم، وکتابهایی را که از آمریکا برایم فرستاده‌اند، ترجمه میکنم، و بزودی ترجمه فارسی این کتاب‌های آموزشی را در اختیار مربیان واحیانا مشتزنان نوپا ودیرپا قرار میدهیم وبکمک رسانه‌های گروهی میکوشیم که گام های اول را در زمینه آموزش برداریم. آموزش مشتزنی.. آموزش صحیح داوری و...

تنی چند از مربیان که در جریان چنین کارهای فدراسیون قرار گرفته‌اند ، میگویند، کتاب دردی از مشتزنی ما درمان نمیکند، و تاکنون، اگر هم موفقیتی نصیب مشتزنی شده، از کتاب ودفتر تحصیل نشده است: از جمله موفقیت پارسال..... وباز رئیس فدراسیون مشتزنی را عقیده بر اینست، که تا کار از پایه واساس درست نشود، ومشتزنی از بیخ وبن بازسازی نگردد، این جور موفقیت‌ها، چون نسیمی به فنا میرود. عمری طولانی نمیکند وما باید اساس کار را درست کنیم، وبعد، بپردازیم به مسایلی دیگر.....

از این اختلاف نظرها، میان دو طرف فراوان وجود دارد. یعنی میان فدراسیون، وبرخی مربیان وداوران ومشتزنان، که تنی چند از آنها نظرات خود را بصراحت عنوان میکنند، وتنی چند از آنها، اینجا وآنجا، چنین نظراتی را زمزمه مینمایند...

اختلاف سلیقه ونظر، از طبیعی‌ترین مسایل هر جامعه است، وحسن بزرگ کار در این جا، همانست که در جوامع دمکراتیک اعمال میشود: «شنیدن عقاید ونظرات... تحمل انتقادات... تحمل اعتراضات وواکنش مثبت در قبال اینگونه ابراز اندیشه واحساس...

ما، بی انکه یکطرفه قضاوت کنیم، وچشم بسته، فدراسیون مشتزنی، یا گروه معترض به شیوه وسیاق کار فدراسیون را قبول نمائیم، در وهله‌ی نخست، از فدراسیون مشتزنی میخواهیم، بی انکه در صدد برآید، که حق اعتراض را از مربی‌ها وداورها ومشتزنها ومعترض بگیرد وبویژه بی إنکه در صدد برآید، که جواب «های» هر جوان کم تجربه یا بی تجربه را با «هوی» محکم تر ودندان شکن تر پاسخ گوید، به برخی واقعیت‌ها که سالهاست در قلمرو ورزش مشتزنی وجود دارد، توجه کند، واز جمله اینکه، چون اکثریت قاطع عاشقان وخدمتگزاران مشتزنی، حکم «نوکران بی جیره ومواجب» را دارند، وبی هیچ چشمداشت وبی اینکه حاصل مالی یا معنوی شایسته از کوششهای خود بگیرند ـ سالها در کسوت های مختلف کمر زحمت وهمت بسته اند، وآنچه در مقدورات آنها بوده، انچه اندر فهم وتوانائی فکری وجسمی شان بوده، وانچه را که باصطلاح عامیانه «زورشان» میرسیده، بی دریغ در اختیار مشتزنی نهاده‌اند، وچون سیاست ورزش براین بوده است که پول کافی در اختیار مشتزنی قرار ندهد، فدراسیون هم، چیزی فراتر از اعزام یک مربی به خارج ـ آنهم مربیان انگشت نما ـ به جامعه مربیان وسازندگان مشتزنی نداده است، ودر نتیجه چون چیزی به آنها نداده، چیزی هم فراتر از آن نخواسته که اینان، بخاطر عشق وعلاقه درونی خود، به مشتزنی داده‌اند. در این میان، آنچه روابط گروه بی جیره ومواجب را با فدراسیون استحکام ودوام بخشیده، صرفا معنویات بوده است، ونه مادیات واین، براستی جای بسی خوشوقتی وشادمانی دارد.

ما حتی طی سالیان گذشته دیده‌ایم که بخاطر برقراری پل روابط معنوی میان دو گروه، مربیان انواع واقسام انتقادات مسئولان فدراسیون را متحمل شده‌اند، اما چون قادر به دل کندن از معنویات نشده‌اند، قادر به دل کندن از عشق خود ـ مشتزنی وتربیت مشتزن ولو بصورت غیر آرمانی ـ نشده‌اند، وامروز اعتراض وانتقاد مسئولی را شنیده، فردا، دوباره به فدراسیون بازگشته‌اند وبا لبخند همان مسئول مواجه شده واحساس نکرده‌اند، که کین وعنادی در میان است، ورو حیه خشک دیکتاتوری، وزورگوئی واختلاف شخصی وغیره...

حالا، حرف های هر دو گروه را ـ فدراسیون ومخالفین سیاست و سلیقه‌اش ـ را که میشنوی، هر دو طرف چیزی جز «حق» نمیگوید. هر دو طرف راست میگوید، ولی چون، پلهای تفاهم، بعلل مختلف فرو ریخته است، هیچیک از دو طرف حاضر به قبول اعتراض وعقاید صحیح یا نا صحیح دیگری نیست، واینست که ورزش مشتزنی دوره برزخی، را میگذراند. یعنی حد فاصل دوزخ وبهشت را، حد فاصل یک تغییرات روحی وعقیدتی وفکری را، وحد فاصل یک سلیقه ویا سیاست کهنه وتازه را که تنها با تغییر رئیس فدراسیون مشتزنی بوجود آمده است...

رئیس فدراسیون، راست میگوید، که کار را از بیخ وبن باید درست کرد وبه آموزش مربی وداور و مشتزن همت گماشت، ومربیان متعرض هم راست میگویند که تنها رسیدگی به وضع دفتر فدراسیون وتهیه کتاب وجزوه آموزشی نمیشود، موفقیت را تضمین کرد. هر دو طرف، در بسیاری از مسایلی که عنوان میکنند، حقانیت خود را به اثبات میرسانند، ولی، چیزی که در آن دوره برزخ مهم‌تر است ودر خور تامل وتفکر، اینست: «ملک حسین پورهایی که در خانه استیجاری خود حتی لقمه در دهان شاگردانی مثل ابراهیم زاده مینهاد وانهمه عاشق وپایبند تقویت وسلامت روحی وجسمانی وتکنیکی شاگردش بود، کارهایی نظیر مدیریت بیلیارد، را که میدانید، یعنی چه، در پیش میگیرند، ودرس عبرتی میشوند، برای مربیان آتی... درس عبرتی میشوند، برای انها که روی اسفالت های داغ، زیر گرمای طاقت فرسا، مشتزن تربیت میکنند. درس عبرتی میشود، برای انها که فکر میکنند، همه ارزشها با تغییر یک یا دو مهره در ورزش، به فنا نمیرود... وسرانجام، ملک حسین پورها، جای تاسف میشود، برای فدراسیون مشتزنی در هر دوره وهر زمان، وهرگاه سخن از نا ملایمات کوچک به میان میاید. ملک حسین پورها ضرب المثل میشوند... براستی، حیف از این آبادانی که با جیب تهی، ولی با تمام وجودش به مشتزنی عشق میورزید... این، از ملک حسین پور..... حالا، میائیم، مساعدیان‌ها را نگاه میکنیم و محمدی ها را... رئیس فدراسیون مشتزنی، اینان رامربی درجه یک نمیپندارد. ما، پندار او را هم قبول کنیم، این را مشکل میتوانیم، قبول کنیم، که مساعدیان های جوان ودلسوز در مشتزنی از سر وکول همدیگر بالا میروند، واگر «محمود» برود، «احمد» را جای او میتوانیم نشاند؟!

مربیان مشتزنی ما، مربیانی که در حد همین «مساعدیان» هاست، از شمار انگشتان دست تجاوز نمیکند، ورفتن اینها از مشتزنی، یعنی آغاز فاجعه‌ای تازه برای مشتزنی...

حالا، ببینید، اختلاف سر چیست؟ ما این را هم کنکاش کردیم. هیچ چیز نیست، مگر فقدان یک اسلحه «همزبانی» میان دو طرف... رئیس فدراسیون، میخواهد کلمه «انضباط» را باتمام قدرت در گوشها فرو کند، ولی مشکل «جوانی» را در نمی یابد، مشکل اینرا که اگر فردی را که در کاری زحمت کشیده، یکباره، وبخاطر مسایل قابل رفع ورجوع زیر لگد بی اعتنائی وفراموشی بسپری، چه خشم وعنادی در او بر می انگیزد، وچه روح بدبینی به همه، در وجود او تولید میکند... | اما، اشتباه مربیان جوان چیست؟

اینان، فضای تازه را بدرستی لمس نمی کنند، و ازاینرو، قادر به تطبیق خود با تمامی شرایط فضا نیستند. اما، اینهم دلیل نمیشود، که همه چیز بهم بریزد. خیلی ها، باهم درخیلی جهات اختلاف سبک و عقیده دارند. حتی دوبرادر که از شکم یک مادر زاده شده‌اند. حتی یک پسر با پدر. حتی دو رئیس فدراسیون و حتی دو مربی....

اصلا، دلیلی ندارد، که یک مربی، با تمامی عقاید درونی وباطنی یک رئیس باشگاه و یک مدیر دبیرستان و یک رئیس فدراسیون موافق باشد. هیچگاه چنین چیزی نمیشود. مربی، باید در چارچوب همان قواعد و همان چارچوب کار مربیگری با فدراسیون تطبیق کند. مربی می تواند، درچارچوب قوانین، کاری انجام دهد، مطابق قواعد قانونی و عرف و سنت و... فقط کافیست، که هرکس، مقداری در عقایدش تجدید نظر کند، و از درتفاهم و دوستی وارد آید. محیط ورزش، محیط صلح و دوستی است. محیط جنگ و جدال نیست. محیط درگیری، و زورگویی یکی به دیگری نیست. محیط هتاکی بزرگ به کوچک و کوچک به بزرگ هم نیست.

مساعدیان، اگر به تشخیص رئیس فدراسیون مشتزنی قادر نیست، مربیگری تیم ملی را برعهده بگیرد، قادر به تعلیم و تربیت عده‌ای مشتزن در باشگاهها که هست

ملک حسین پور هم مربی تیم ملی بوده، ولی حالا نیست. کوچار هم مربی تیم ملی بوده ولی حالا نیست. صادق علی اکبرزاده هم مربی تیم ملی بوده، ولی حالا نیست، و خیلی های دیگر... ما، نه رئیس فدراسیون را بخاطر عقایدش محکوم می کنیم، و نه مساعدیان ها را.... فقط می خواهیم که پل های تفاهم ساخته شود، و از هرکسی که دستی درکار مشتزنی داشته، بنحو شایسته استفاده گردد... حتی، از آن مربیان درجه سوم که وجودشان در مشتزنی و حضورشان در یک باشگاه، شمع هستی و وجود مشتزنی را در گوشه‌ای از تهران بزرگ روشن میسازد...

مشتزنی ما، اکنون دروضعی قرار دارد، که محتاج صدها مربی پیر و جوان و درجه یک و درجه دو و درجه سه است... ما اکنون در آستانه بازیهای آسیائی تایلند قرار گرفته‌ایم، و مردم از تیم قهرمان آسیا، انتظار درخشندگی و فتح را دارند، و انتظار تجدید قهرمانی آسیا را.... این سرمایه ها، طی سالیان سال، با امکانات این مملکت حاصل شده‌اند، و یکباره مثل علف نروئیده‌اند، که بهیچ انگاشته شوند ـ گو انکه همین علف ها هم آب و نور و خاک و کود لازم دارند که برویند، و رشد کنند، و روی سنگ خارا، مشکل می توانند، جان بگیرند، و قوام و دوام...

پرویز زاهدی

عادلانه نیست

«وقتی درکادر مسابقات جوانان یکی از بازیکنان با تخلف درکار سنی موجودیت یک تیم را به بازی میگیرد و زمانیکه یک مربی ببرن. تحقیق کافی یک بزرگسال را در جمع مبارزات جوانان بمیدان میفرستد ورزش رنگ دلپذیر خود را از دست میدهد و زیبائیهای آن با تردید فراوان همرنگ میشود.

وقتی در کار ورزش که باید پاک و بی غل و غش و مملو از جوانمردی و درستی باشد دست به تقلب و نادرستی میزنند و خیر یک ناهنجاری زودرس در اجتماع ورزش اوج میگیرد، دل آدم بیشتر میگیرد و سخت متاسف میشود!

آدمی همیشه به امید زنده است، امید به اینکه هر چه ندارد روزی به آن خواهد رسید و هر آنچه میخواهد در آینده دور، یا نزدیک صاحبش میشود.

آدمی بهمین امیدها است که زندگی میکند و برای یک زندگی بهتر و بی دردسر و پاک است که آنهمه تلاش میکند و جای کمال تاسف که می‌بینیم که حتی یکی از این جوانها در کار ورزش با گمراهی ها و کجرفتاریها اینده خود را خراب و خرابتر میکند.

در این سه چهار هفته‌یی که ازجام ولیعهد، مخصوص جوانان تهران میگذرد، تاکنون دوتیم پاس و شفق بکلی محروم شده‌اند. هما، بانک ملی و فردوسی مورد اعتراض قرار گرفته‌اند که هما تبرئه شده است اما دوتیم بانک ملی و فردوسی هنوز مدارک کافی بدست کمیته قضایی نداده‌اند که دال برتبرئه‌ی آنها باشد.

و در همه‌ی این موارد، اتهام اینست که «ناجوانی» خود را بجای یک جوان درتیم جا کرده است و در رده یی که حق نداشته است وارد شده است.

بماند که این شوق او به ورزش کردن و توپ زدن مورد احترام است وگرنه میرفت و بی‌هودگی میکرد، لاابالی میگشت، مزاحم پیرمرد و پیرزن میشد و انگل اجتماع لقب میگرفت. اما بهرحال تقلب و خلاف مفهوم دیگری ندارد. شکلش فرق میکند. میخواهد جعل امضاء باشد، یا بجای دیگری خود را جا زدن!

و این جوانها که راه خلاف را پیش گرفته و مربی، باشگاه و یک عده برگذار کننده را گول زده‌اند، بهرحال تقلب کرده‌اند و چنانکه هیچ خطایی پوشیده نمیماند گیر افتاده‌اند و با این کار نادرست، حتی سبب محروم کردن خود و یک عده جوان دیگر هم شده‌اند که گناه آنها را ده چندان میکند.

و همین نکته مارا وادانسته است که این مطلب را بنویسیم و بگوئیم که راستی با این تقلب‌ها چه باید کرد؟ و چگونه میشود جانب حق را گرفت و بیگناه را همچون چوب‌تر و خشک در کنار گناهکار نسوزاند.

از اینکه مقررات حکم میکند که هر تیم اگر با یک «ناجوان» بازی کند سزایش محرومیت ازتمام بازیهاست تردید نیست، اما نمیشود نادیده گرفت که در این میان گناهکار اصلی کمتر از بیگناهان ضرر میکند و این سبب میشود که بگوئیم در اجرای این عدل، بی عدالتی بیشتر از همیشه بچشم میخورد و سزا است که اگر تابحال، در گذشته هرچه انجام شده و تابحال هرچه تصمیم گرفته شده براین باب تازه که عادلانه‌تر است کمیته قضایی رأی خود را صادر کند.

پیشنهاد ما اینست که بازیکن متقلب و متخلف، خود آگاهی کامل از کاری که کرده است دارد و اوست که بعمد خودش را جای برادر کوچکتر یا بازیکن دیگر جازده است و از این حیث اگر ثابت شود که خلافی صورت گرفته، اوست که باید به شدیدترین وجه، حتی مادام‌العمر محروم شود.

اما، حتی درصورت اثبات این جرم کسی نمیتواند حکم قطعی برخلاف و تقلب مربی یا باشگاه بنماید. بسا که او نیز فریب بازیکنی را خورده است که اغلب در این سن و سال شناسنامه بدون عکس در دست دارد و یا کارت شناسایی از فدراسیون فوتبال و باستناد این کارتها است که از کانال سبز عبور کرده است.

میشود یک تیم را جریمه کرد. مثلا باخت با نتیجه ۳-۰ در همان بازی، میشود باشگاه را جریمه مالی کرد، اما محروم کردن یک عده جوان دیگر به گناه یک بازیکن متخلف هرگز عادلانه نیست.

اما چه باید کرد که جلو اینگونه تخلف ها گرفته شود؟ به گمان ما اینهم یک راه تقریبا ساده دارد: اینکه کلیه باشگاهها، از بدو ورود یک بازیکن خردسال یا نوجوان به تیمشان برای او یک کارت صادر کنند و تمام مشخصات او را به فدراسیون فوتبال و به هیئت ها بفرستند و هیئت های فوتبال هر شهر برای اینان، از همان آغاز شروع به فوتبال پرونده‌یی با عکس تشکیل دهد و باستناد همین پرونده اولیه به او اجازه بازی داده شود.

برای یکبار کافی است که چنین بایگانی ضروری تشکیل شود و در آغاز هر فصل با مراجعه به این پرونده ها وضعیت هر بازیکن روشن شود. و آنوقت تنها یک مورد باقی میماند که ممکن است هنوز راه تقلب را باز بگذارد. اینکه یک بازیکن ناگهان، سبز شود. مثلا از محلات.

عکسها و خبرها



روز «بکن بوئر»!

باشگاه کاسموس نیویورک اعلام داشت یکشنبه ۲۱ مه (۳۱ اردیبهشت ماه) «روز بکن بوئر» خواهد بود و دراین روز برای بزرگداشت توپچی پرآوازه آلمانی مراسمی درگیرودار مسابقه تیمهای «کاسموس ـ سیتیل ساندرز» انجام خواهد گرفت.

«بکن بوئر» درفصل پیش بعنوان «برجسته‌ترین فوتبالیست» حاضردرمسابقات قهرمانی باشگاههای آمریکای شمالی برگزیده شد و درفصل تازه نیز ضمن نمایش تحسین برانگیزش درعین حال درسایه رهبری و کاپیتنی ایده‌آلش، کاسموس درچهاردیدار برگزارپش درصحنه بازیها ۴ پیروزی داشته است، و باشگاه برای ارج نهادن برتلاشها و درخششهایش تدارک برپائی مراسمی برای بزرگداشت او را دیده است.

مدت این برنامه نیم ساعت میباشد و یک گروه ۷۵۰ نفری آلمانی بصورت فستیوالی آنرا پیش از مسابقه کاسموس (قهرمان) و سیتیل (نایب قهرمان فصل پیش) در «استادیوم جیانتز» نیویورک برگزار میکنند.

نکته دیگر اینکه درفصل کنونی، «بکن بوئر» تابحال در ۴ مسابقه برگزاری ۲ گل برای کاسموس بثمررسانده است.

فیلم سازان شوروی و المپیک ۸۰

سناریونویسان، فیلمبرداران و کارگردانان سینمای شوروی، «تلاشی بزرگ» را بمناسبت درپیش بودن بازیهای المپیک ۱۹۸۰ مسکو آغاز کرده‌اند. و هدف اینست تا زمان برپائی دیدارها هرساله تا ۲۵ فیلم، درمایه های «مستند ـ علمی ـ عامیانه» دراستودیوهای فیلم سازی شوروی درباره ورزش و المپیک تهیه شود که یک سری از این آثار درزمینه «قهرمانان المپیک» میباشد، که اکنون فیلم دردست تهیه، مربوط به «ویکتورسانیف» قهرمان روسی پرش سه گام المپیک مونیخ است. ضمن اینکه قبلا هم فیلمی درباره «نیکلای آندریانف» ژیمناست این کشور تهیه گردیده و درآن زندگی این چهره بزرگ که درالمپیک ۱۹۷۲ مونیخ ۵ مدال طلا بدست آورد، بنمایش گذارده شده است.

و با توجه به پیش‌بینی هائی که شده بنظر میرسد تا هنگام آغاز «المپیک ۸۰» درمسکو، حدود ۷۰ فیلم از فیلم سازان شوروی درزمینه ورزش و المپیک ساخته شده باشد.

دستمزدهای ۴ میلیون دلاری برای علی و اسپینکز

شبکه تلویزیونی آمریکا هفته پیش اعلام داشت که قراردادی برای پخش مبارزه «محمد علی ـ اسپینکز» با سازمان ترتیب دهنده مسابقه مزبور، امضا کرده است.

بولی که از طریق پخش تلویزیونی مسابقه، نصیب برپا کنندگان مبارزه میشود حدود ۵/۵ میلیون دلار تخمین زده شده. ضمن اینکه محمدعلی در صحبتی با خبرنگاران در مورد دستمزد دو مشت زن عنوان داشت، هرکدام از دو حریف ۴ میلیون دلار خواهند گرفت.

در مورد بلیط فروشی این مسابقه ها گفته شده، تا کنون در عین اینکه تبلیغاتی در میان نبوده حدود ۲۵۰۰۰۰ دلار بلیط فروشی شده است که این رقم بی تردید سخت بالاتر خواهد رفت.

محمدعلی در باره مسابقه مجددش با اسپینکز گفته است، نمیدانم با قهرمان شدن دگر باره، دنبال چه چیزی هستم ولی دوست دارم اولین مشت زنی باشم که سه بار در دسته سنگین وزن قهرمان شده باشد.

نکته دیگر در مورد این مسابقه اینکه درکنفرانس مطبوعاتی درنیویورک که ضمن حضور لئون اسپینکز و محمدعلی دو چهره پرآوازه دسته سنگین وزن یکس جهان برپا گردید، برگزاری مسابقه‌ای مجدد میان ایندو تائید شد.

شنبه ۲۵ شهریور تاریخی است که برای دیدار «علی ـ اسپینکز» در لاس وگاس تعیین گردید.

درکیروودار مصاحبه مطبوعاتی، از اسپینکز درمورد ماجرای دستگیری او با «کوکائین» و ماری جوانا سوال شد که قهرمان تازه جهان، پاسخی به آنها نداد و وقتی اصرار خبرنگاران درپرسشهای مجدد دراین باره بالا گرفت، محمدعلی فریاد زد: او را راحت بگذارید!

اسپینکز از سوی انجمن جهانی یکس بعنوان قهرمان دسته سنگین وزن جهان شناخته میشود که این مقام را با پیروزی با امتیاز درمبارزه‌ای ۱۵ روندی برابر محمدعلی بدست آورد.

باخت کریس به بیلی جین

دیدار تیمهای «اپل» نیویورک و «استرینگز» لوس انجلس درصحنه مسابقات قهرمانی تنیس زنان آمریکا شاهد پیروزی بیلی جین کینگ ستاره نامدار آمریکائی برابر کریس اورت اس بزرگ هموطنش بود.

بیلی جین که برای تیم نیویورکی بازی میکرد ۴ـ۶ (دیدارمادر یک ست است) کریس اورت را مغلوب کرد ضمن اینکه نیویورک درمجموع هم ۱۸ـ۳۱ به پیروزی دست یافت.

شش هفته از اغاز لیگ تنیس زنان درآمریکا می گذرد و بیلی جین تابحال درهر شش مسابقه‌اش پیروز بوده است، در حالیکه اورت هم پیش از این ۵ مسابقه قبلی‌اش را برده بود.



باز هم اشکال بر سر راه پیکار «بائی ـ واکر»!



جدالی دربیست، میان «فیلبرت بائی» دونده تانزانیائی و «جان واکر» رکورد دار نیوزیلندی دو ۱۵۰۰ متر جهان «رویداد»ی است که از سالها پیش، دنیای دوومیدانی انتظار آنرا می کشد ولی هرگاه بدلیل خاص مشتاقان از تماشای این نبرد محروم مانده‌اند.

«المپیک ۱۹۷۶ مونرآل» میعادگاهی بود که ضمن مدتها انتظار، بنظر میرسید این دو «بزرگ» بمصاف هم بروند، ولی تحریم بازیها از سوی کشورهای آفریقائی اجازه این دیدار را نداد و در پی آنهم مسئله اختلاف آفریقائی ها با نیوزیلند، پیکار اینان را نامیسر میساخت. تا اینکه ضمن رفع اختلافات، بازیهای مشترک المنافع بریتانیا مطرح گردید که قرارست مردادماه برادمونتون «کانادا» انجام گیرد، و گفته میشد مانعی دیگر باقی نیست.

ولی هفته پیش «جان واکر» طی مصاحبه‌ای تلویزیونی درلندن عنوان کرد، فکر نمیکند بتواند خود را برای حضور دربازیهای کشورهای مشترک المنافع و جدال بافیلبرت بائی آماده کند!

«واکر» مدتی قبل روی ماهیچه پایش عمل جراحی صورت گرفت که نیاز به زمان برای بهبود و بازگشت به شرایط عادیش میباشد و همچنین مسئله آمادگی بدنی برای مسابقه مطرح است.

بهرحال با چنین حال و روزی که برای برپائی این «دیدار جادوئی» وجود دارد، معلوم نیست آخر و عاقبت این مسابقه برگزار خواهد شد یا نه؟!

بورزوف ، عقایدش و المپیک سوم

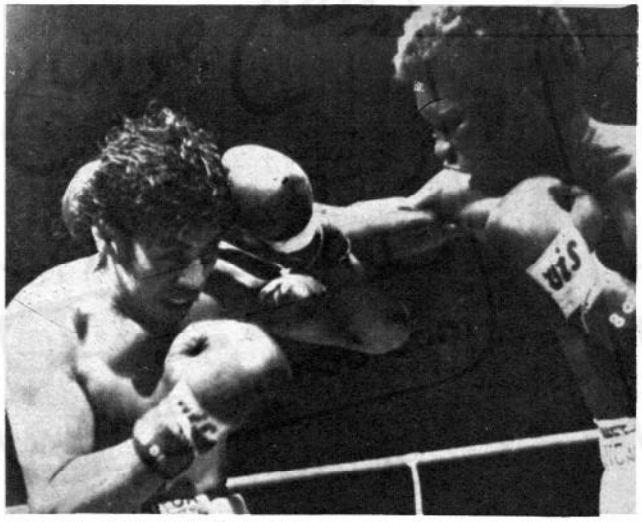


ستاره شهرت «والری بورزوف» دونده بزرگ روس درالمپیک ۱۹۷۲ مونیخ بود که درخشیدن گرفت و با تصاحب دو مدال طلای ۱۰۰ و ۲۰۰ متر به شهرت عالمگیری دست یافت و پس از آنهم دردیدارهای دو و میدانی المپیک ۱۹۷۶ مونرآل ۲ مدال برنز دیگر صید کرد.

و حالا جالب اینکه بعد از حضور دردو المپیک، بورزوف اندیشه شرکت در سومین المپیک را هم دارد و میخواهد دربازیهای ۱۹۸۰ مسکو دردو ۲۰۰ متر برای بچنگ آوردن «مدال طلا» با دیگر تیزتکان دنیای سرعت مبارزه کند.

بورزوف که دانشجوی فوق‌لیسانس انستیتوی تربیت بدنی «کی‌اف» است، عقیده دارد برخلاف این گفته که: زندگی «قهرمان» دردو و میدانی چندان طولانی نیست، با تکیه برتجربه های پژوهشی بدست آمده و اجرای برنامه های دقیق، حتی دردو و میدانی هم میتوان دوران طولانی پرفروغ و موفق باقی ماند. «بورزوف» همچنین معتقد است: برای «قهرمان» شدن استعداد شخصی ۸۰ درصد اصل مسئله است، ولی تنها با استعداد و بدون زحمت کشیدن، فکر خوب داشتن و رعایت روشهای تکنیکی، نمیتوان «قهرمان» شد.

یک آرژانتینی «قهرمان دنیا» است



عنوان قهرمانی دسته میان وزن بکس جهان حالا دراختیار یک مشت زن آرژانتینی است.
این آرژانتینی «قهرمان جهان»، هوگوکورو نام دارد و با پیروزی برابر «رودریگزوالدز» مشت زن معروف کلمبیائی این افتخار را بدست اورد.
عکس صحنه‌ای از مبارزه اینبو در«سان رمو» ایتالیا است که مشت زن ارژانتینی (چپ» برابر حمله «والدز» گاردگرفته است.

۲۶ کارت «قرمز» در یک مسابقه!!

آقای «گونزالس» داور مکزیکی درهنگام قضاوت یک مسابقه فوتبال کاری کرد که نه تنها درتاریخ فوتبال بی سابقه و استثنائی است بلکه بعید بنظر میرسد که حتی یکبار دیگر چنین حادثه‌ای اتفاق بیفتد!
این آقای داور هنگامیکه یک تیم آمریکائی درمکزیکوسیتی دیدارودوستانه‌ای برگزار میکرد، درگیرودار بازی ۲۶ بار «کارت قرمز» خودرا از جیب بیرون کشید!
وقتی که شما میدانید «کارت قرمز» برای اخراج کردن است، و اینکه تعداد بازیکنان دو تیم رویهم ۲۲ نفر میباشند، فوق‌العاده تعجب خواهید کرد، اما بهرحال بخوانید که جواب این مسئله چگونه است؟
مسابقه تیم آمریکائی و مکزیکی ها یک بازی فوق‌العاده خشونت بار و پرحادثه بود که دروهله اول «داور» ۷ بازیکن را از میدان اخراج کرد.
و مدتی بعد دامنه خشونت داخل میدان به بیرون زمین هم کشیده شد و رزروها، سرپرستان، مربیان و همراهان دو تیم به جان هم افتادند که این برخورد ۱۲ اخراجی از محوطه زمین داشت که حساب بیرون کشیده شدنهای «کارت قرمز» به ۱۹ رسید و مدتی بعد پای تماشاگران هم به میدان کشیده شد که این تماشاگران هم ۷ «کارت قرمز» گرفتند و رقم به ۲۶ رسید!
و فقط تنها نکته‌ای که درمورد این بازی عجیب و غریب درخبررسیده مشخص نگردیده است اینکه بالاخره مسابقه را کدام تیم برد؟ آمریکائیها و یا مکزیکی ها!

ماگد بورگ فاتح جام شد

«ماگد بورگ» درپی پیروزی ۰-۱ برابر دینامودرسدن جام فوتبال باشگاههای آلمان شرقی را تصاحب کرد.
گل پیروزی ساز ماگد بورگ را «مانفرد زاپه» کاپیتن ملی پوش این تیم درهشتمین دقیقه مسابقه باضربه سربشر رساند.
جالب اینکه ایندو درصحنه بازیهای جام قهرمانی نیز رقابت دارند که دینامو درسدن با یک امتیاز برتری نسبت به ماگد بورگ پیشتاز است.
این دوتیم روز بیست و دوم جام قهرمانی با هم مصاف دارند.



تصادم درپیست!

یک لحظه غفلت و لغزش سبب بوجود امدن چنین صحنه جالب و درعین حال خطرناکی درگیرودار تورنمنت دوچرخه‌سواری «بلومینگتون» آمریکا گردید.
حادثه با یک برخورد دورکابزن شکل گرفت و بعد هم پای جمعی دیگر که با سرعت درکنش و قوس پشت سر گذاردن یکدیگر بودند، بمیان کشیده شده و سرانجام شش رکابزن باین صورت درهم پیچیدند.
بهرحال ضمن اینکه صدمه جسمی سختی به هیچیک واردنیامد، ولی دوچرخه سواران تصادم کرده را از دست یافتن به مقام محروم ساخت، با این اطوال که دوچرخه برخی از آنها، ضمن سالم ماندن صاحبش، انطورصدمه دیدگی پیدا کرد که ادامه مسابقه با آنها مقدور نبود.

رکوردجهان ۲/۵کیلو بیشتر شد

«یانکوروسف» وزنه‌بردار بلغاری دسته سبک وزن، با بلند کردن ۳۱۷/۵ کیلو دردو حرکت یک ضرب و دو ضرب، در «مجموع» رکورد جهانی تازه‌ای برپا کرد.
«روسف» دریکضرب ۱۴۰ کیلو بالای سربرد و با ۱۷۷/۵ کیلو دردو ضرب، درمجموع ۲/۵ کیلو رکورد دسته سبک وزن دنیا را شکست.
حد نصاب قبلی مجموع (۳۱۵ کیلو) را «روبرتواروتیا» از کوبا دراختیارداشت.
وزنه‌بردار بلغاری درگیرودار مسابقات وزنه‌برداری قهرمانی بلغارستان درشهر «پلون» به این رکورد شکنی، موفق، شد.

دو بزرگ کنارمانده «ولز»!

«مایک اسمیت» مربی تیم ملی فوتبال ولز، هفته گذشته ضمن کنارگذاردن دو توپچی سرشناس ولزی جان توشاک و لیتون جیمز، اسامی بازیکنان منتخب این کشور برای شرکت درمسابقات قهرمانی بریتانیا را اعلام کرد.
جان توشاک که اکنون بازیکن و سرپرست تیم دسته سوم سوانسی انگلستان است تا فصل پیش درخدمت لیورپول بود و نقشی عمده درپیروزیهای این تیم نیز داشت. که بهرحال مایک اسمیت مربی ولز جائی به او و لیتون جیمز درتیم ملی نداد.
بازیکنان برگزیده ولزی برای حضور دردیدارهای قهرمانی بریتانیا اینها هستند: (نام های داخل پرانتز اسامی باشگاههای بازیکنان است)
دای دیویس (رکسهام)، گلن لتران (چسترفیلد) - مالکولم پیج (بیرمنگام)، جوی جونس (لیورپول)، دیویس جونز (نورویچ)، لیتون فیلیپس (آستون ویلا)، گرت دیویس (رکسهام)، جان ماهونی (میدلزبرو)، بریان فلین (لیدز)، تری پوراث (کاونتری)، کارل هاریس (لیدز)، مایک توماس (رکسهام)، فیل دوپر (کاردیف)، نیک دیسی (پی.اس. و «هلند»، الن کورتیس (سوانسی)، لس کارت رایت (رکسهام).

شکست «۰-۱۲» کاردست مربی داد!

بدنبال شکست عجیب «۰-۱۲» بورشیا دورتموند برابر مونشن گلادباخ که در آخرین روز مسابقات جام قهرمانی فوتبال باشگاههای آلمان غربی اتفاق افتاد، هیات مدیره باشگاه «تیم مغلوب» مربی تیم «اورتورهاگل» را از پستش برکنار ساخت و «سیگی هلد» ملی پوش سابق آلمان را بعنوان مربی تازه برگزید.
و بنا بگفته یکی از مسئولین باشگاه مزبور، «هیات رئیسه» همچنین جمعی از بازیکنان تیم را بدلیل نداشتن روح فداکاری و نشان دادن بی‌تفاوتی در گیرودار مسابقه به پرداخت ۲۰۰۰ مارک (حدود ۶۰۰۰ تومان) جریمه محکوم کرده است.
بورشیا مونشن گلادباخ که در مسابقات این فصل پس از کلن دوم شد، بدلیل معدل پائین تر در حساب گلهای زده و خورده پائین تر از رقیبش ایستاد و تحت این شرایط نیاز داشت در روز آخر هر چه بیشتر «گل» بزند، ولی علیرغم اینکه ۱۲ گل زد باز هم کاری از پیش نبرد.
یکی از روزنامه‌های آلمانی در بررسی نتیجه عجیب ۰-۱۲ نوشته است، فدراسیون فوتبال آلمان غربی بایستی در اطراف این بازی تحقق بیشتری کند.
و اشاره برانیست که امکان فراوان به تبانی میرود که بورشیا دورتموند راه دروازه‌اش را باز گذارده تا گلادباخی‌ها هر چه میخواهند گل بزنند تا شاید قهرمان شوند! ولی بهر حال نشدند.

مشتزنی انتخابی تهران و قهرمانی استان مرکزی

همه ملی پوشها به رینگ پشت کرده اند!

از مردان تیم قهرمان آسیا حتی یکنفر داخل رینگ نشد!



بهروز پنجه‌ای یکی از دو ملی پوش حاضر در مسابقه ها، با برتری کامل احمد ابراهیم خانی از کارگران را شکست داد. لواسانی قاضی رینگ دست مشتزن ملی شهیر را بالا برده است.

روز سه شنبه گذشته ـ ۱۲ اردیبهشت ـ روز آغاز مسابقه های مشتزنی انتخابی تهران و قهرمانی استان مرکزی بود... روزی که روشنگر صحت و سقم برخی شایعات و گمان ها و نظرها بود، و ازجمله اینکه، موضوع روگردانی مشتزنان ملی و سرشناس از رینگ، صحت دارد، و یا شایعه‌ای بیش نیست...! وقتی که لیست ۱۱۰ نفری شرکت کنندگان را دیدیم، به حقیقت آنچه پیش پینی کرده و هفته پیش، یادآوری اش کرده بودیم، عملا دست یافتیم:

«هیچیک از اعضای تیم ملی قهرمان آسیا، پرفراز رینگ نیامد و نیز هیچیک از مدعیان قهرمانی کشور و پوشیدن پیراهن ملی از استان مرکزی... فقط، بهروز پنجه‌ای و حسین علی نژاد، از جرگه ملی پوشها به رینگ آمدند، و این دو هم، شاید بخاطراینکه موقعیت شغلی‌شان ایجاب می کرد! از مشتزنان خوب و غیرملی، فقط سیمای «سعید علی بابائی» قهرمان تازه ۴۸ کیلو، و مهدی کاظمی امید تازه ۶۰ کیلو و چند نوباي امیدساز تهران و کرج و اراک، بچشم می آمد، و بدین ترتیب، اکثریت مطلق مبارزین را نوجوانان و جوانان تشکیل می دادند که همه‌ی سرمایه‌ی اغلب آنها در مشتزنی، مقداری شجاعت ذاتی بود، و شوروشوق جنگیدن، اماجنگیدن نه از روی حساب، و نه با اتکاء برتکنیک....

غایبان بزرگی که بجای حضور در رینگ تماشاگر بازیهای نوباها و مبتدی ها بودند، ناصر علی بابائی فاتح نقره آسیا، منصور صادقی ملی پوش خوش تکنیک، حسن ابراهیم زاده قهرمان خوش استیل آسیا، علی بحری کاپیتن تیم ملی در المپیک مونترال، علی جمشیدی اس قصرشیرینی و چهره مقتدر تیم ملی، و ماسیس هامبارسومیان پرافتخارترین و باسابقه‌ترین مشتزن ملی بودند که هرکدام را به حرف می کشیدی، بهانه‌ای برای عدم حضور خود در مسابقه ها می آورد. این، یعنی بی سروصدا پشت کردن ملی پوشها به مسابقه ها، و خداحافظی از رینگ، ولوانکه چندماهه باشد، و اخرالامر تغییراتی در تصمیمات ایجاد گردد.....

مشکل جبران «فنای سرمایه»ها

وضع مربیان هم بدینسان بود... برخی از مربیان را که همیشه درکنار رینگ می دیدیم، ندیدیم و فی‌المثل، «جبار فعلی» را که بتازگی از مشتزنی به مربیگری روی آورده، و قاعدتا بایستی رهبری بچه های «شهپر» را برعهده می گرفت....

از تیم های غایب هم باید گفت: تاج، که همیشه بیشترین مشتزن را در مسابقه ها داشت، رسما شرکت نکرده بود، و فقط تنی چند از تاجی ها، بخاطر عشق پیش ازحد به مبارزه، سر به سوی مسابقه ها برداشته و آمده بودند. نه از «بادیاه‌ی ملی پوش تاج خبری بود، و نه از چهره های تازه‌ای مانند، حسین صحرائی، محمد میقانی، «نخستین ماهرها» ـ که این بی تردید حکایت از عدم موفقیت برگزارکنندگان مسابقه ها و اعضای فدراسیون درجلب و جذب نیروها و سرمایه ها می کرد...

این مشتزنان، سرمایه های جوانی هستند، که با زحمات و کوششهای فراوان ساخته و پرداخته شده اند، و نبود اینان را یک روزه، و یک ماهه و حتی یکساله هم نمی توان جبران کرد.

ما درآستانه مسابقه های مشتزنی بازیهای آسیائی تایلند، نیاز داریم که این جوانان امیدساز وامیدآفرین، همچنان در رینگ ظاهر شوند، و مستمر تمرین کنند، مسابقه بدهند، و آمادگی روحی و جسمی و تکنیکی خود را حفظ کنند، و باتوجه به اینکه مشتزنی، ورزشی نیست، که لطمه های قطع تمرینات و مسابقه ها را درمدت کوتاه جبران کرد، بنابراین نتیجه می گیریم که دراین گیرودار، فدراسیون چاره ای ندارد، جز پی بردن به علل این پشت کردن ها، و این دلسردیها، و وضع مشکلاتی که وجود دارد.

ریشه این مشکلات را بایستی تا ۱۶ خرداد که مسابقه های قهرمانی کشور دریکی از شهرهای مشهد یا همدان و یا ساری انجام خواهد گرفت، یافت و بنحوی که صلاح و مصلحت است، مشتزنان خوب و سرمایه های حاصله از تلاش چندسال گذشته را بخدمت گرفت و کاری کرد، که این سرمایه ها، به رایگان فنا نشوند...

ما جز قهرمانانی که نام بردیم، و جوانان امیدآفرین مانند افشار اسدی که بیادمان آمدند، جوانانی چون جهانگیر صادقی، جوادوستائیان و نادر نیکخواه را هم داریم، که بشت خط نشسته بودند تا پیراهن ملی را بتن کنند، اما قافیه جنان شد، که اینها هم پراکنده شدند...

کمبود کادر فنی

هیات مشتزنی استان مرکزی ـ که بنابه یک عادت غلط، «هیات تهران» لقب گرفته! ـ برای برگزاری منظم مسابقه ها تلاش کرده، دراین خصوص موفق بود، اما آنچه کار هیات را مشکل می کرد، کمبود کادرفنی بود... و بهمین دلیل، دیدیم، که دو داور بین المللی، ناصرخلج و محمد بیگی یکی به عضویت هیات زوری درآمد، دیگری مسئولیت کمیته مسابقات را بعهده گرفت، و مبارزات را دو داور درجه یک و چند داور درجه دو قضاوت کردند.

در گیرودار همین کمبود کادر فنی و سفر بطرس و کوجا، به مسابقه های بین المللی امیر فتح اللهی رئیس سابق کمیته داوران فدراسیون هم نبود، که حداقل گوشه ای از کار را بگیرد، و ما نمی دانیم، عدم همکاری او با فدراسیون متاثر از چه تصمیم و چه حادثه‌ایست؟

در جریان مبارزات مشتزنان استان مرکزی، لباس «مربی» تیم ها هم بازیک مسئله بود: «مربیان، بی انکه گرمکن بپوشند، و نام و نشانی از مربیگری‌شان روی لباس آنها باشد، گوشه رینگ ظاهر شدند: چه لباس های رنگارنگ و گونه گونی؟!»

ازاین هم که درگذریم، بایستی از تماشاگر بگویم که این بار سالن بکس را پر نکرد. تماشاگران که با خرید بلیت /۵۰ ریالی می آمدند، بیشتر بخاطراینکه فلان بچه محل، و فلان فامیل نوروزدیکشان و یا همکار و همکلاسشان مسابقه می دادند، آمده بودند، و عده ای هم باسودای تماشای مبارزات خوب که شمار آن هم خیلی کم بود، و حتی در حکم کیمیا!

وقتی که مشتزنان نوپا، اکثریت شرکت کنندگان را تشکیل دهند، و درسال یکی، دوبار بیشتر رنگ رینگ مبارزه را نبینند، مسلم است که قادر به عرضه مبارزه ای دلنشین و تماشایی نمیشوند.

با این امید که فدراسیون مشتزنی درصدد برگزاری مسابقه های بیشتر و بهتر برآید، نتایج مبارزات سه شب را نوشته، یادآور میشویم که مسابقه های استان مرکزی امشب در امجدیه پایان خواهد گرفت و نامزدهای عضویت در تیم منتخب استان مرکزی مشخص خواهند شد.

شب اول

۴۸ کیلو: حسن طیبی پور (اراک) با علی سلیمانی (رضا پهلوی) برنده طیبی پور ـ مصطفی مهاجرانی (اراک) با علی انجیر (شفق) برنده مهاجرانی.

۵۱ کیلو: بهرام آنجیر (کرج) با علی پورمحمدی پیربازاری (ایران امروز) برنده آنجیر ـ رضا دباغی (جعفری) با محمداحمدی (کرج) برنده دباغی ـ جمشید صفائی (پله) با غلامرضا هاشمی (دخانیات) برنده صفائی ـ بهمن مهرافترا (ایران امروز) باسامونیل باغداساریان (اارارات) برنده مهرافترا ـ بختیار یوسفی (پله) با حسین صفرزاده (حمید) برنده یوسفی ـ سعید علی بابائی (گمرک) با سیروس جوهری (افسر) برنده بابائی ـ مهرداد محمدزاده (پله) با جواد صنعتی کاران (شهپر) برنده صنعتی.

۵۴ کیلو: ابراهیم ناظمی (دخانیات) با نبی الله هاشمی (کرج) برنده نبی هاشمی ـ محسن مهابادی (کارگران) با حسین شیروانی (شفق) برنده مهابادی ـ بیژن زعبی (جعفری) با مرتضی آقا مرادی (ایران امروز) برنده آقامرادی.

۵۷ کیلو: حمید حاج فرجی (افسر) با گریلور مگردچیان (جمشید) برنده حاج فرجی ـ کریم علیزاده (کرج) با نورمحمد محمدعزیزی (گمرک) برنده علیزاده ـ شاهین ملکیان (تاج) با حبیب مهابادی (گمرک) برنده ملکیان ـ حسن سماواتی (شفق) با شهرام رضائی (دخانیات) برنده رضائی ـ امیرحقی (جعفری) با عارف سفری (افسر) برنده سفری ـ حجت ملکی (کارگران) با عظیم شاهین (جعفری) برنده شاهین.

۶۰ کیلو: جعفر حاتمی (افسر) با گارنیک پاتوسیان (جعفری) برنده پاتوسیان ـ باقر رضائی (گمرک) با نصرت الله ایراندوست (پله) برنده ایراندوست.

شب دوم

۵۱ کیلو: حسن عبداللهی (جمشیدی) با صیفی کاران (شهپر) برنده صیفی کاران ـ سعید علی بابائی (گمرک) با بختیار یوسفی (پله) برنده بابائی ـ بهمن مهرافزا (ایران امروز) با جمشید صفائی (پله) برنده صفائی ـ سیروس بیغرزاده (افسر) با مهرداد فخر اور (شفق) برنده فخر اور.

۵۴ کیلو: یونس جباری (شفق) با امیر حمیدی (شفق) برنده جباری ـ رحیم نژاد اسماعیلی (کارگران) با مرتضی آقا مرادی (ایران امروز) برنده آقا مرادی ـ محسن مهابادی (کارگران) با نبی الله هاشمی (کرج) برنده هاشمی.

۶۳/۵ کیلو: بهروز پنجه ای (شهپر) با احمد ابراهیم خانی (کارگران) برنده پنجه ای ـ ابراهیم نصیرزاده (افسر) با عزت الله دادخواه (شفق) برنده نصیرزاده ـ سید محسن دزهون (شهپر) با محمد رضا آقائی (پله) برنده آقایی ـ اکبر دانشده (شفق) با حسین ربیعی (کرج) برنده ربیعی ـ زرژ یوسفیان (ارارات) با ابوالقاسم بحرینی (شهپر) برنده یوسفیان ـ مظفر بزمی (ایران امروز) با انور بخشی زاده (اراک) برنده بزمی ـ سعید گوهری (جعفری) با هادی سلطانی (ایران امروز) برنده گوهری ـ

۶۷ کیلو: محمد اسکندری (پله) با بهرام طفرائی (گمرک) برنده طفرائی ـ غلامرضا غفاری (حمید) با قدرت الله نظری (اراک) برنده نظری ـ احمد آماده (کرج) با رحیم اسکندرزاده (شفق) برنده آماده.

شب سوم

۵۷ کیلو: شاپور مورخ (ایران امروز) با حسن آقا طبیب (جمشیدی) برنده جمشیدی ـ عظیم شاهین (جعفری) با عارف صفری (افسر) برنده صفری ـ شهرام رضائی (دخانیات) با شاهین مُلکیان (تاج) برنده ملکیان ـ کریم علیزاده (کرج) با حمید رضا حاجی فرجی (افسر) برنده فرجی

۶۰ کیلو: علی نظیفی (پله) با علی صمدی (شفق) برنده صمدی ـ مهدی کاظمی (پله) با بهمن فضیلی (شهپر) بازی به علت اینکه مشت رها شده مهدی کاظمی همزمان با صدای زنگ، قابل کنترل نبود وبر چانه حریف نشست، بضرر کاظمی تمام شد. چرا که او با یک ناک دان از حریف پیش بود، وپیروزی اش چون وچرا نداشت، اما چون فضیلی گیج شده یا خود را به گیجی زده بود، وکف رینگ افتاده بود، کاظمی را بازنده اعلام کردند واو را نیز یعنی این برنده نداشت.

محمود غفاری (تاج) با مجید سعید آذری (ایران امروز) برنده آذری حشمت الله حسین زاده (جمشیدی) با عباس سیفی (شفق) برنده سیفی ـ علی صمدی (شفق) با علی پور غلامی (حمید) برنده صمدی ـ علی لطیفی (پله) با محمد رضا دارابی (کارگران) برنده لطیفی (حریف ادامه نداد) ـ بهمن فضیلی (شهپر) با عباس فرخی نژاد (کارگران) برنده فضیلی ـ فریدون وحدانی (کارگران) با مهدی کاظمی (پله) برنده کاظمی (حریف ادامه نداد) ـ حمید سعید آذری (ایران امروز) با حبیب کشاورز (شهپر) برنده سعید آذری ـ الماس پرتوی (جمشیدی) با محمود غفاری (تاج) برنده غفاری ـ نصرت الله ایراندوست (پله) با گارنیک پاتوسیان (شاه عزیز) برنده ایراندوست ـ عباس سیفی (شفق) با نصرت الله ایراندوست (پله) برنده ایراندوست.

۶۳/۵ کیلو: مارتین هاکوپیان (تاج) با مجید گوهری (جعفری) برنده جعفری (حریف اخراج شد) ـ مظفر برقی (ایران امروز) با ژرژ یوسفیان (شاه عزیز) برنده برقی ـ حسین ربیعی (کرج) با محمدرضا آقائی (پله) برنده ربیعی ـ ابراهیم نصیرزاده (افسر) با بهروز پنجه‌ای (شهپر) برنده پنجه‌ای.

۶۷ کیلو: علیرضا مردانی (پله) با حسن بدر طالع (گمرک) برنده مردانی (حریف حاضر نشد) ـ نظرعلیان ناخلو (پله) با هادی شریفی فر (شهپر) برنده شریفی فر ـ احمد آماده (کرج) با ناصر مهردادی (کارگران) برنده آماده ـ قدرت الله نظری (اراک) با بهرام طفرائی (گمرک) برنده نظری.

۷۱ کیلو: لطف الله مصداقی (جمشیدی) با محمد آغاسی زاده (افسر) برنده آغاسی زاده (اخراج حریف) ـ احمد عرب (دخانیات) با محمد بایسته (کرج) برنده بایسته ـ حسن علی «علی بیگی» (حمید) با محمد قندی (پله) برنده قندی

۷۵ کیلو: تمراز هوسپیان (شاه عزیز) با داود چمنی (دخانیات) برنده چمنی (حریف حاضر نشد).

برزیل ۳ - پرو صفر

پرودرمارا کانا یک مغلوب بدبود!

برزیل امید بزرگ جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین، در نخستین دیدار تدارکاتی‌اش پس از بازگشت از اروپا در خاک خود، تیم ملی پرو را با نتیجه ۳-۰ در هم شکست.

این بازی که در استادیوم ماراکانا «ریودوژانیرو» برپا گردید، طول ۹۰ دقیقه‌اش شاهد نمایشی دلپذیر از برزیلی ها بود.

ضمن اینکه بعد از بازی مفسران برزیلی در عین تمجید از کیفیت کار تیم خودی و «رینالدو» بازیکنی که ۲ گل برای برزیل بثمر رساند، از تیم پرو با انتقاد فراوان سخت گفتند و آنرا یک «تیم بد» خواندند!.

«رینالدو» که در وقت دوم در پی یک تعویض بمیدان آمد، طول ۳۱ دقیقه ۲ بار دروازه پرو را به سقوط کشاند و با گل دیگری که «زیکو» در سنگر حریف کاشت، پیروزی ۳-۰ بحساب برزیل گذارده شد.

«رینالدو» در یک نیمه‌ای که بازی کرد علاوه بر ۲ گل، نمایشی دلچسب از موجودیت و کیفیت کارش ارائه کرد که گفته میشود مکانی دلپذیر در تیم برای خود دست و پا کرده باشد. ضمن اینکه از دید صاحب نظران او یکی از بهترین بازیهای «یک مهاجم» در برزیل را طی چند ساله اخیر نشان داده است. و روزنامه نویسها از رهبران تیم خواسته‌اند به «رینالدو» در بازیهای آینده این شانس داده شود تمام ۹۰ دقیقه در زمین باشد.

ورزشی نویسهای برزیلی از سوی دیگر سخت از پرو انتقاد کرده‌اند و در باره‌اش نوشته‌اند این تیمی است که فقط میتواند با حریف درگیر شود و مسائل تکنیکی و تاکتیکی را فراموش می کند. برزیلی ها همچنین در باره پرو گفته‌اند این بدترین تیمی است که در سالهای اخیر در برزیل بمیدان آمده است.

و تنها نکته‌ای که ورزشی نویس های برزیل در مورد پرو مورد تائید قرار داده‌اند، گفته «مارکوس کالدرون» مربی تیم ملی پرو است که پیش بینی کرده: برزیل و ارژانتین فینال جام ۱۹۷۸ را برگزار خواهند کرد.

عکس روی جلد لحظه‌ای است از دیدار برزیل - پرو در مرحله مقدماتی انتخابی جام جهانی ارژانتین در منطقه آمریکای جنوبی که برزیل ۳-۰ پرو را مغلوب کرد و اینجا ادینهو (چپ - پیراهن زرد) بازیگر برزیلی با توفیلو کوبیلاس ستاره خط حمله پرو درگیر است.

۲۲ اسکاتلندی مسافر آرژانتین

«آلی مک لئود» مربی تیم ملی فوتبال اسکاتلند، هفته پیش دراستانه شرکت تیمش درمسابقات جام قهرمانی بریتانیا، اسامی ۲۲ بازیکن برگزیده خود برای حضور درجام جهانی ارژانتین را مشخص کرد. با حساب اینکه این اسامی درفاصله یک هفته به شروع بازیها به «فیفا» داده خواهد شد و تا آن زمان فرصت هرگونه دگرگونی درجمع نفرات برگزیده خواهد بود

نکته جلب دراین گزینش، کنار ماندن «اندی گری» و «یان والاس» است که با همه شهرت و اعتبارشان مربی اسکاتلند خط قرمز برنام آنها کشید!

و با نگاهی دیگر به مهره های انتخاب شده، گفته میشود خط میانی تیم ملی اسکاتلند استوار ترین گروه تیم را تشکیل میدهند که برای میانه میدان مردانی چون: آرچی جمیل، آسا هارتفورد، لومکاری، دون ماسون، بروس ریوچ و گراهام سوونس نامشان درمیان است.

مشکل بزرگ «مک لئود» مربی اسکاتلند گفته میشود درمورد دروژه بانها است که فکر او را بخود مشغول می کند ضمن اینکه «مک لئود» درگفتگوئی عنوان کرده است: «آلن روف» دروازه بان شماره یک تیم خواهد بود.

بهر حال ۲۲ بازیکن انتخاب شده اسکاتلند برای ارژانتین اینها هستند:

✱ جیم بلیت (کاونتری)، مارتین بوکان (منچستر یونایتد)، کنی برنس (ناتینگهام فارست)، بابی کلارک (ایردین) کنی دالگلیش (لیورپول)، ولی دوناچی (منچسترسیتی)، تام فورسیث (رنجرز)، آرچی جمیل (ناتینگهام فارست)، جو هاریر (ایردین)، آسا هارتفورد (منچسترسیتی)، سندی جور داین (رنجرز)، ویلی جونستون (وست برومویچ)، درک جونستون (رنجرز)، جوحوردان (منچستریونایتد)، استوارت کندی (ایردین)، لومکاری (منچستریونایتد)، دون ماسون (دربی کانتی)، گوردون مک کوئین (منچستر یونایتد)، بروس ریوچ (دربی)، جان روبرتسون (ناتینگهام فارست)، آلن روف (پاتریک تیستل)، گراهام سونس (لیورپول).

فینال جام حذفی فوتبال باشگاههای اروپا

اندرلشت، صید دوباره «جام»

ورزشگاه «پارک دوپرنس» پاریس، چهارشنبه پیش شاهد شکوهی تازه از مردان «اندرلشت» بود که برای دومین بار در تاریخ پیکارهای حذفی فوتبال باشگاههای اروپا، جام را به بلژیک بردند.

اندرلشت جدال سرنوشت را برابر «استریاوین» آتریش برگزار کرد که با فتح تحسین برانگیز ۴-۰ از سد این حریف پیروزمندانه گذشت.

اندرلشت اول بار درسال ۱۹۷۶ جام حذفی باشگاههای اروپا را ازان خود کرد، و درسال ۱۹۷۷ هم درفینال حاضر بود که ۲-۰ به هامبورگ آلمان غربی باخت و امسال هم سومین فینال را با پیروزی به آخر برد. گل اول بازی را در دقیقه ۱۴ «روبی رنسن برینگ» توپچی هلندی اندرلشت در دروازه استریاوین کاشت که روی پاس «نیلس»، با ضربه سر تیم خود را ۱-۰ پیش انداخت و در فاصله یک دقیقه به آخر وقت اول «ریسن برینگ» روی یک ضربه آزاد از پشت محوطه ۱۸ قدم گل دوم اندرلشت را هم بدست آورد.

و لحظاتی پیش از طنین گرفتن سوت پایان نیمه بود که «گیلبرت وان بیست» مدافع اندرلشت دربی نفوذی جالب با پیشروی تا داخل محوطه جریمه حریف، درحالیکه یک مدافع و دروازه بان حریف را پیش رو داشت، با شلیکی عالی گل سوم را برای تیم بلژیکی به ثبت رساند.

و همین بازیکن دردقیقه ۷۹ یکبار دیگر با نفوذی این چنین دومین گل خود و چهارمین گل اندرلشت را زد.

یک مساوی و یک پیروزی برای مکزیک

تیم ملی فوتبال مکزیک در دیدارهای اول و دوم خود در سفر تدارکاتی‌اش به اروپا را با یک مساوی و یک پیروزی به آخر برد.

مکزیکی ها در اولین مسابقه خود در اشتوتگارت برابر تیم آلمانی باشگاه اشتوتگارت به تساوی بدون گل دست یافتند و در مسابقه دوم در هلسینکی ۱-۰ تیم ملی فنلاند را مغلوب کردند.

گل پیروزی ساز مکزیکی ها در دقیقه ۹۰ بازی، روی شوت «هوگو سانچز» بدست آمد ضمن اینکه بازی فقط ۶۰۵۴ تماشاگر داشت!

۱۵۲ ورزشکار در اردوهای تدارکاتی بازیهای آسیائی

کمیته تشکیلاتی بازی های آسیائی به ریاست اصغر پیروی دبیر کل کمیته ملی المپیک ایران در آخرین نشستی که با حضور داود نصیری - جلال رسولی - مهدی نمازی زاده - تیمسار هوشمند الماسی - مسعود برومند و دکتر محمد توکل داشت، تصمیماتی در مورد برنامه های تدارکاتی تیم های ایران در هشتمین دوره بازی های آسیائی که بانیز امسال در فاصله روزهای ۱۸ تا ۲۹ آذرماه انجام میشود گرفت.

این کمیته برای برنامه های تدارکاتی تیم های دو و میدانی - مشت زنی - دوچرخه سواری - شمشیر بازی - فوتبال - تنیس - کشتی آزاد - کشتی فرنگی - وزنه برداری و واترپلو ۸۰ میلیون ریال اختصاص داده که فدراسیون ها در پناه این بودجه، مستقلا کارهای تدارکاتی رشته مخصوص خود را با سلیقه خود طرح ریزی کنند.

کمیته تشکیلاتی بازی های آسیائی در عین حال تا روز اول آبانماه به فدراسیون های دیگر نیز این شانس را داده تا اگر به اندازه های مورد نظر برسند در کنار منتخبین دیگر مواد راهی تایلند گردند!

اصغر پیروی دبیرکل کمیته ملی المپیک ایران طی گفتگوئی در اینمورد گفت: کمیته تشکیلاتی بازی ها دست فدراسیون ها را برای کارهای تدارکاتی باز گذارده و تاروز ۲۵ آبان ماه به آنها فرصت داد که تغیرات ملی پوش خود را معرفی کنند.

در وهله اول باید توجه داشت سوای فوتبال که خود برنامه ای جداگانه دارد، رشته های یادشده با سلیقه شخصی میتوانند برای تدارک یک تیم راهی تورنمنت خاصی نمایند و در تهران نیز میزبان تیمی دیگر باشند.

از این گذشته باز خود فدراسیون ها هستند که آزادی عمل کامل برای رسیدن به اوج خواهند داشت و کمیته تشکیلاتی بازی ها هیچ دخالتی در نحوه کار تدارکاتی فدراسیون ها ندارد و حتی برای آنکه شانس همه حفظ شود، دست آنها را برای فراخواندن نفرات امید به ارتو نیز در کنار نفرات اصلی کاملا بازگذارده که حق هیچ صاحب شانسی از میان نرود.

با این خصوصیات حداقل در رشته های دو ومیدانی ۱۲، مشت زنی ۱۵، دوچرخه سواری ۱۳، شمشیربازی ۲۴، فوتبال ۲۳ - تنیس ۷، کشتی آزاد و فرنگی ۳۰، وزنه برداری، ۱۵، واترپولو ۱۳ تن حق شرکت در اردوهای تدارکاتی را دارا خواهند بود.

آخرین اردوی تدارکاتی از ۱۷ آبان تا ۹ آذر در مجموعه آریامهر تشکیل خواهد شد و روز ۱۲ آذر، ۶ روز قبل از آغاز بازی ها کاروان ورزشی ایران بسوی تایلند راهی خواهد شد.

دو و میدانی در پایتخت

دیدارهای دو و میدانی تشویقی تهران صبح دیروز با حضور ۱۵۲ شرکت کننده دختر و پسر در استادیوم امجدیه برگزار گردید.

مسابقات پسران در ۷ ماده انجام گرفت و دیدارهای دختران نیز در ۵ قسمت بود که این نتایج کلی بدست آمد:

دختران:

۱۰۰ متر: ۱ - توران شادپور ۱۲/۷ ثانیه ۲ - میترا دانائی فرد ۳ - کارمن الله وردیان

پرش ارتفاع: ۱ - پری ناز درویش ۱۳۵ سانتیمتر ۲ - پرستو اصلانلو ۳ - انوشک فرزاد

۸۰۰ متر: ۱ - فریبا جعفر زاده ۲۳/۹ - ۲ دقیقه ۲ - ژینا سوکاسیان ۳ - نرگس بهجت

۴۰۰ متر با مانع: ۱ - ویکتور غریبیان ۷۰/۷ ثانیه ۲ - امیک داودی ۳ - ژانت سوکاسیان

پرتاب وزنه: ۱ - هاسمیک مانوکیان ۹ متر ۲ - ناهید پور حاجی ۳ - ویدا رضوی

پسران:

۸۰۰ متر: ۱ - رضا انتظای ۵۲/۶ - ۱ دقیقه ۲ علی رحیمیان ۳ - سعید علاف جعفری

پرتاب وزنه: ۱ - نادر فیض ۱۱ متر ۲ - ساسان حسام ۳ - علی حاتمیان

۱۰۰ متر: ۱ - ابوطالب قریشی ۱۱/۳ ثانیه ۲ - اکبر چهردار ۳ - کیومرث شهیدی

۴۰۰ متر با مانع: ۱ - مصطفی کیانی ۵۹/۶ ثانیه ۲ - سعدی بحیرائی ۳ - رافیک بوشا

۵۰۰۰ متر: ۱ - محرم یافتیان ۳۷/۷ - ۱۵ دقیقه ۲ - حسین فاضلی ۳ - کریس دانوون (تبعه انگلیس)

پرش ارتفاع: ۱ - محسن میهن دار ۱۸۰ سانتیمتر ۳ - مهدی ایزد یار ۳ - پرویز صدر

۴×۱۰۰ امدادی مختلط: ۱ - دانشکده ریاضیات و اقتصاد کرج ۴۸/۹ ثانیه (حسین مکاریها - اکبر چهردار - ویکتور غریبیان - کارمن الله وردیان) ۲ - تیم ورزشگاه امجدیه ۳ - تیم ورزشگاه نصیری

پیروزی تراکتور سازی در ترکیه

استانبول - علی نیکفرتار. فرستاده روزنامه اطلاعات:

تیم فوتبال تراکتور سازی، پس از ورود به استانبول، در تلاش ترتیب یک دیدار با یکی از تیم های باشگاهی ترکیه بود، که سرانجام قرعه فال بنام تیم «تاسی» ترکیه افتاد، و این تیم با بهره گیری از چند بازیکن خوب باشگاه های استانبول، به دیدار تیم تبریزی رفت.

دیدار دو تیم در استادیوم «وفا»ی استانبول با حضور جمعی تماشاگر انجام گرفت و به پیروزی تراکتور سازان منتهی شد.

اولین گل بازی را تراکتور سازی بمحض آغاز پیکار بثمر رسانید که عباس کارگر، یار جوان و تیز چنگ تراکتور سازی، پس از فراری سریع و جانهادن دو مدافع حریف، دروازه حریف را در ثانیه های اول گشود.

تراکتور سازان، که همچنان بر زمین و بازی مسلط بودند، در پی یک ضد حمله میزبان، گل مساوی را خوردند، اما در دقیقه ۳۸ بود که اصغر نوروزی گل پیروزی تراکتور سازان را به ثبت رسانید ودر نیمه دوم، مردان دو تیم بیشتر در میانه زمین درگیر بودند و خطری جدی دروازه‌ها را تهدید نکرد و بهرحال، تراکتور سازان، در حالی که شادمان از اولین پیروزی سفر اروپایی خود بودند زمین تیم تقویت یافته «تاسی» استانبول را ترک کردند.

مربی ژاپنی در تهران

این هفته یکی از برجسته ترین مربیان کاراته جهان از ژاپن برای آموزش مربیان و دارندگان کمربند های قهوه‌ئی و مشکی وارد تهران میشود و در امجدیه کار خود را دنبال خواهد کرد.

آقای «نایتو» قهرمان ۲۹ ساله ژاپنی که فعالیتی ۱۵ ساله در کار مسابقه، تمرین و تدریس کاراته دارد برای آموزش مربیان ایرانی وارد تهران میشود.

استاد ژاپنی که در سال ۱۹۷۷ موفق به اخذ کمربند دان ۴ شد از نقطه نظر تکنیکی و سرعت و دقت در حرکات یکی از بهترین های دنیاست که با سبک شوتوگان (اصیل ترین و بهترین سبک کاراته در جهان) مدارج ترقی را طی کرده است و قبل از ورود بایران استاد کاراته دانشگاه توکیو بوده است.

ستارگان جام جهانی



دنی مک گرین
(اسکاتلند)



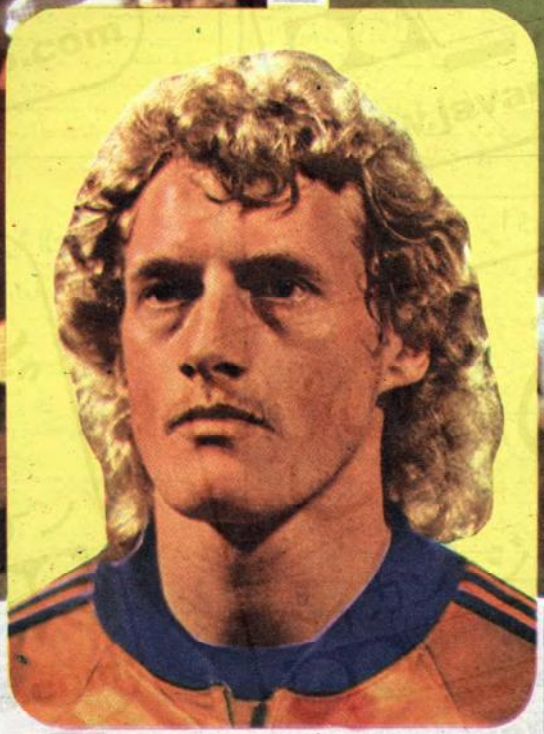
هکتور
چومپیتاز
(پرو)



ماریوس
ترسور
(فرانسه)



فرانکو کازیو(ایتالیا)



کیس کیست (هلند)



جان اوبلیتاس (پرو)- لوئیس پریرا (برزیل)



ریسن برگن (هلند)



یان توماژوسکی (لهستان)



نوردکویست (سوئد)

جام ولیعهد

جوانان تاج، تنها فاتح روز چهارم

از بانکی‌ها بیشتر از این انتظار میرود

این محرومیت عادلانه نیست



اگر چه، تنها تاجی ها بودند که از میدان حریف خود فاتح بیرون آمدند، اما بازار تقلب و بازار اعتراض همچنان ادامه دارد و کم کم دارد کار بجایی میرسد که پس از هر دیدار باید بدست مربیان و سرپرستان تیمها خیره شد که ممکن است با یک نامه اعتراضیه و یکصدتومان پول نقد خود را به «جاوشی» سرپرست این بازیها برسانند و از او رسیدگی به اعتراضی را که دارند بخواهند.

پس از پاس و شفق که از دور مسابقه ها خارج شدند. تیمهای فردوسی و بانک ملی نیز بداشتن بازیکن غیرمجاز مورد اعتراض و اتهام حریفان خود قرار گرفتند که از این میان بانکی ها خیلی زود و با یک بررسی ساده تبرئه شدند و حرف محمدصلاحی مربی افشین در این مورد بجایی نرسید. اما در مورد تیم فردوسی، هوشنگ ظفری سمبه‌ی پرزورتری داشت. او با اتکاء به سابقه‌یی که از قاسم باغی داشت و او را از زمانیکه تیمی بنام حمید را رهبری میکرد، میشناخت، روی او اعتراض کرد.

بازیکن تیم فردوسی متهم است که از شناسنامه برادرش ابراهیم سوء استفاده کرده است و درجواب این اتهام ورد ان بازیکن مامور شد تا برود و شناسنامه برادرش را که ادعا کرده است در خارک زندگی میکند بیاورد. او دو سه هفته‌یی فرجه دارد تا خود را تبرئه بنماید وگرنه تیم فردوسی و او بهمان سرنوشتی دوچار میشوند که پاس و شفق پیش از ان دوچار شده بودند.

ناگفته نماند که اولتیماتوم شدید بیژن معتمدی، رئیس هیئت فوتبال تهران نیز بجای خود باقی است و بنابراین تهدید اگر تعداد تیمهای محروم به ۵ برسد بازیهای جوانان تعطیل خواهد شد که گمان میرود با شناختی که از او داریم این تهدید، زیاد هم جدی گرفته نشود!

نکته جالب دیگر که در این روزها مطرح شده است رسیدگی به کارمربیانی است که سال پیش برسرتیمها بوده‌اند و با اشاعه تقلب و بی توجهی به کار شاگردان خود، موجب برهم خوردن نظم و تولید بی قانونی شده‌اند و نتیجه‌ی آن بی نظمی و تخلف ها جویی است که حالا تیمهایی چون پاس، شفق و دیگر تیمها میخورند.

این رسیدگی ممکن است تا پای مواخذه و محرومیت آن گروهی پیش برود که دخالت و اعمال نظر آنان در اینگونه تخلف ها حتمی شده باشد.

تاج، تنها برنده

درچهارمین روز، هما و پرسپولیس، حریفان شفق و پاس استراحت داشتند. چهار دیدار دیگر مساوی شد و تنها تاجی ها بودند که جوانانشان هم مثل بزرگترها آرارات را یک برصفر بردند و این دیدار که در میان هفته و در خانه آراراتی ها انجام شد در شرایطی بود که تاج از دو مهره‌ی بسیار خوبش محروم بود. یکی شاهرخ بیانی که در جشنواره کان اسیب دید و هنوز رهایی نیافته است و دیگری مجیدنوروزی که بدلیل فوت پدرش از همراهی با جوانان تاج محروم ماند.

بجز این دیدار که تا حدی از هیجان برخورداری داشت و دیدار دو تیم بانک ملی و افشین که زیبا و سریع بود و از حساسیتی خاص برخوردار بود، دیگر تیمها نتوانستند ان جذبه و گرمی روزهای اول را دردل تماشاگران زنده نگهدارند.

شاید استراحت پرسپولیس در این روز، عقب افتادن دیدار تاج بمیان هفته و محرومیت پاس دلیلی براین سردی و کم هیجانی دیدارهای روز چهارم باشد اما اینکه تیمهایی چون شهباز، تهران جوان و راه‌آهن، با آن سابقه‌ی خوب، در مقابل حریفانی چون فردوسی، ابوسلم و شهربانی که از بازیکنان گمنام‌تری تشکیل شده‌اند، نتوانستند برتری خود را ثابت کنند و سه دیدار بدون گل که این شش تیم بجا نهادند، از دلایل دیگر سردی بازیها در روز چهارم باشد.

دارایی در زمین آرارات با کارگران به نتیجه یک بر یک قناعت کرد. حتی نزدیک بود بازنده شود با آنکه چیزی از حریف خود کم نداشت و آهنگی موزونتر و بازی روانتری نشان میداد، اما آنچه دارایی را از عذاب میداد، قلمرو حریف، سرسختی و دوندگی پایان ناپذیر کارگران بود که گل اول را نیز به کارگران داد و نتیجه نیمه اول را بسود این تیم کرد.

اما دارایی همه گاه خطرناک بنظر میرسید، چرا که مطمئن‌تر بازی میکرد و سرانجام گل دقیقه ۵۵ لواسانی، گل دقیقه ۳۷ بهرامی را پاک کرد.

دارایی که هنوز یک دیدار عقب مانده با راه‌آهن دارد بدون باخت با یک پیروزی و دو مساوی روز چهارم را درپی نهاد. اگر دارایی یک مهاجم گلزن دیگر در کنار اکبرفرامرزی میداشت این تیم میتوانست یکی از مدعیان این دوره باشد.

ضریب اطمینان

✱ دیگر دیدار مهم این روز را که از زیبایی خاصی برخوردار بود، بانکی ها و افشینی ها برگذار کردند که اگر افشین کمی برتجربه تر بود و از فرصتهایش سود کامل میبرد، حتی از پیروزی هم بدور نبود. اگر چه مالک اوجاقی، بهترین دروازه‌بان جوانان تا امروز، همچنان سنگربان شجاع بانک و قوت قلب تیمی است که همیشه در بین جوانان تهران مطرح بوده است.

بانکی ها با گل دقیقه ۲۸ نبوی ۵ دقیقه بیشتر خوش نبودند که یعقوبی گل مساوی را برای افشین زد. اگر چه مسعود صوفی، چهاربار به تنهایی مالک اوجاقی را روبروی خود دید و تسلیم شجاعت، شهامت و دیدخوب او شد، اما افشین در کارگروهی نیز تیم موفقی بود و این را میشود نتیجه‌ی تأثیر رضا گل محمدی بازیکن خط میانی این تیم دید که چرخ تیم خود را براحتی راه می اندازد.

برای بانکی ها وجود کرم سوری، کاپیتن نوجوانان ایران درکان و نعمت‌زاده، تکنیکی‌ترین بازیکن تیم ملی نوجوانان باید بهترین امتیازهایی باشد که این تیم را بجایی برساند، بویژه آنکه مالک اوجاقی را هم درون دروازه دارند و این هر سه، در سه صف مختلف ضریب اطمینان بانکی ها را بیشتر میکند. اما بانکی ها با این مساوی دوچار کمی لنگی شدند، بخصوص که این تیم حریفانی چون تاج، هما و شهباز را در کنار دارد و باید خیلی دست بعصا و مطمئن راه برود تا همچنان برافتخارات همیشگی‌اش در سطح جوانان تهران صحه بگذارد.

✱ اما تهران جوانها که تنها به پیروزی برجوانان تاج دل خوش دارند، از پس آخرین تیم جدول، یعنی ابوسلم برنیامدند. برای تهران جوانها این، سومین مساوی است. هما و کارگران هم بدون گل تهرانجوان را از پیروزی بازداشتند و سبب شدند که این تیم اگر چه گل خورده ندارد، از حیث گل زده نیز یکی از ضعیف‌ترین خطوط حمله را همچون فردوسی و ابوسلم عرضه کند. کمبود یک تمام کننده و میل بازی در میانه میدان و احتیاط برای گل نخوردن دلایلی است که تهران جوان را با ۵ امتیاز، و با ۱ گل زده و بدون گل خورده در ردیف هفتم قرار دهد.

ابوسلم، فردوسی و شهربانی که درحال حاضر ضعیف‌ترین تیمهای این دوره هستند، بدون شک از ناهماهنگی بیشتر از کم تجربگی و گمنامی بازیکنان خود زیان میبرند.

حتی ابوسلمی ها با یک خط دفاعی محکم، قادرند هیچ حریفی را اجازه عبور به حریم دروازه خود ندهند در حالیکه «یحیی نمینی» را با تکنیکی خوب در خط میانی دارند. او آنقدر نیرو دارد که اغلب در خط دفاع و حمله نیز حضور دارد.

برای مساوی

✱ برای مساوی شهباز هم یک دلیل مسلم وجود دارد چرا که ظفری مربی این تیم، آرزوهای زیادی درسر دارد. برای مثال او میکوشد که بازیکنان خود را چند «پسته» و کامل بار بیاورد و اغلب آنها را جابجا میکند و بسیک تیمهای بزرگ میخواهد کمتر چهره ثابتی به تیمش بدهد، که این از یکسو بسیار خوب و از سوی دیگر بزیان تیمی است که مهره هایش هنوز خیلی جوانند.

چنانکه فرستادن «امیرخسروی فرد» را بخط حمله و جدا کردن او را از خط میانی، که رهبری خوبش سبب نظم و آهنگی خوب در این تیم میشد، باید سبب نزول این تیم در مقابل فردوسی دانست، اگر چه شهبازیها دلخوش به اعتراضی هستند که شواهد نشان میدهد این تیم را به دو امتیاز برساند.

راه‌آهن و شهربانی بی هدف‌ترین تیمهای این روز بودند، تنها دوبار درطول بازی دروازه بازیها را با توپ روبرو دیدیم. اگرچه راه‌آهنی ها یک بدبیاری هم داشتند. اینکه بهترین بازیکن این تیم، حسین خیراندیش دیر به ورزشگاه آریامهر رسید و روی سکوها به نظاره نشست.

✱ تاج در میانه هفته با آرارات روبرو شد. گل دقیقه ۴ حجت اکبری این تیم را در کنار هما، یکی از مدعیان جام قرارداد. تاجی ها امیدوارند که با وجود نوروزی و بازگشت بیانی روزهای خوش تری داشته باشند.

رده بندی گلزنها

۳ـ گل: جمشیدآبیاری (شهباز)، فریدون رادبوی (هما)، حسن نبوی (بانک ملی)

۲ گل: ایرج آریانژاد (پرسپولیس)، مسعودصوفی (افشین)

۱ گل: فرزین محمدی (هما)، ناصرمحمدخانی و منوچهرشفقیان (راه‌آهن)، هوشنگ فرکی (شهربانی)، سیامک کاویانپور و حجت اکبری (تاج)، اکبرسلطانیه (شفق)، هنریک کشیشیان و ویگن عنبرجیان (آرارات) امیرخسروی‌فر (شهباز)، حمیدخرمن داروحمید عسگری (پرسپولیس)، کریم رسولی (تهران جوان)، علیرضا خیرخواه (پاس)، علی کرم‌سوری (بانک ملی)، مجید معصوم بیگی و ابوالفضل بهرامی (کارگران)، حمیدلواسانی (دارایی) و یعقوبی (بانک ملی).

نتایج روز چهارم

✱ بانک ملی ۱ (دقیقه ۲۸ حسن نبوی) ـ افشین ۱ (دقیقه ۳۳ یعقوبی)

✱ تهران جوان صفر ـ ابوسلم صفر

✱ راه آهن صفر ـ شهربانی صفر

✱ شهباز صفر ـ فردوسی صفر

✱ دارایی ۱ (دقیقه ۵۵ حمیدلواسانی) ـ کارگران ۱ (دقیقه ۳۷ ابوالفضل بهرامی)

✱ آرارات صفر ـ تاج ۱ (دقیقه ۴ حجت اکبری).

ایرج آریانژاد (با پیراهن روشن) یکی از امیدهای پرسپولیس و از بهترین گلزنان جوانان تهران است. ترمش و انعطاف و سرعت عمل او در خط حمله، او را یکی از مهاجمان زهردار و بیدار معرفی کرده است. در اینجا او را مقابل ابراهیم زندی مدافع افشین می بینیم.

جوانها کم کم دارند رشد میکنند و صاحب قدوبالایی متناسب میشوند. این جوانها که حالا دارند درجام ولیعهد بازی میکنند، نوید میدهند که نسل تیم ملی را تا دو سه سال دیگر بلندتر، جسورتر و پرطراوت‌تر کنند.

این حمیدحضرتی مدافع راست بانک ملی است که در مقابل مسعودنورایی خط میانی شهباز، بدفاع آمده است.

کمک محتاج ترین ها به ورزش محتاج ما!



حسین جباری

مسابقه تازه‌ای که «انجمن های شهر» شهرستانها برای وضع عوارض تریاک بنفع ورزش گذاشته‌اند، درعین حال که نشانگر حسن نیت و علاقمندی این انجمن های ملی به سلامت روحی و جسمانی نسل جوان مملکت است، برخی سطور مقاله‌ای را که چند سال پیش، سردبیر ما نوشته بود، در ذهن نگارنده مجسم میسازد: «مقاله‌ای مفصل و گویا، در این زمینه که ورزش ما، جز بودجه سالانه خود، نیاز به کمک های جنبی دارد، تا نیازهای تاسیساتی و تشکیلاتی خود را بنحو کامل، تامین کند و نیازهایی دیگر را...» دران هنگام که وضع عوارض رنگارنگ و متعدد برکالاهای مصرفی و خدمات شهری و چیزهای دیگر، بدینسان رواج و گسترش نیافته بود، و بار عوارض و مالیات کمتر برروش مردم احساس میشد، سردبیر ما، پیشنهاد کرد که برفروش موادمخدر، مشروبات الکلی، و بویژه فروش سیگار فقط یک ریال عوارض وضع گردد و پولی که از این رهگذر حاصل میشود، بنفع ایجاد تاسیسات ورزشی تازه، و توسعه و گسترش ورزش در سطح کشور، مصرف گردد...

این پیشنهاد جالب، درست در شرایطی مطرح شد، که نه شمار عوارض اینسان بود، و نه میزان آن ـ و درچنین اوضاعی مساعد و مناسب، سردبیر ما، فقط خواستار وضع یک ریال عوارض بنفع ورزش شده بود...

پس از انتشار این مقاله، رئیس وقت سازمان منحله تربیت بدنی اعلام کرد که از چنین پیشنهادی بکر، استقبال کرده، با تمام قدرت به ایجاد منابع درآمدهای تازه برای ورزش، همت خواهد گماشت، که البته، این موضوع، شامل مرور زمان و مسایلی دیگر شد، اما آنچه جای تعمق داشت، این بود، که کسی فراتر از دایره‌ی مسئولان ورزش، و کسی از اعضای انجمن های ملی، و کسی از اعضای موتر دیگر جامعه، پیدا نشد، که بگوید، بابا، بیائید، این حرف حساب و این ایراز عقیده منطقی و این پیشنهاد بکر و بدیع را قبول کنید، و چاره‌ای بیندیشید، که ورزش از این پریشانی مالی نجات یابد، و ماهها و سالها را با «فوت‌لایموت» سرنکند و بودجه‌ای درحد نیازهای بیکران و بیشمارش پیدا کند...

حالا، چند سالی از آن تاریخ میگذرد، که می بینیم، یک روز انجمن شهر همدان، از وضع عوارض برتریاک بنفع ورزش سخن می گوید، و در این زمینه تصمیماتی دال برحصول ۵ ریال عوارض از هر گرم تریاک اتخاذ می کند، و یک روز انجمن شهر کرمانشاه، و همه این گفته ها و یا تصمیمات ایجاد سروصدا کرده، حکایت از توجه دلسوزانه زعمای امورشهری به سلامت روح و جسم و نفس نسل جوان مینماید...!

احتیاج ورزش به محتاج!

این موضوع، گرچه حکایت «مرغ همسایه غازاست» را دارد، بنابه دلایل و عللی بحث فراوانی را بر می انگیزد:

«کسانی که فکر چند سال پیش مجله ما را اینروزها در محافل و مجالس خود مطرح می کنند، و پیرامون آن، بحث و فحص کرده، تصمیم می گیرند، که از فلان تریاکی و حشیشی، بابت هرگرم موادمخدر ۵ ریال عوارض بنفع ورزش دریافت دارند، متاسفانه حتی در تقلید و کپی برداری هم اشتباه می کنند، و بویژه در این زمینه که بی توجه به عده معتادین و قدرت پرداخت این انسانهای غلتیده در نگون بختی، آمده اند، و ورزش را محتاج کسانی زبون و پریشان و بی توان میسازند، که خود، از همه محتاج‌ترند، به یاری گرفتن، به توان یافتن، و به کمک طلبیدن از انسانها که نه تنها در زمینه مالی، بلکه در هر زمینه انسانی و معنوی....

در این گیرودار داستان شنیدنی اینست که در کرمانشاه، ۹۰درصد پول عوارض تریاک را میخواهند، به فوتبال بدهند ـ و آنهم فقط به تیم فوتبال باشگاه، بیستون که به شهرداری کرمانشاه تعلق دارد ـ و بقیه را یعنی ده درصد باقیمانده را به سایر ورزشها!! داستان گدا به گدا، رحمت بخدا ما نمی دانیم، در شهر کرمانشاه و همدان و غیره چند معتاد واقعی وجود دارد، و این معتادان، تا چه حد می توانند، تاوان اعتیادشان را به نوعی بدبختی باز پس بدهند، اما با این امید که فرماندار و انجمن شهر کرمانشاه، و انجمن شهر همدان و انجمن های دیگر عوارض تریاک را بیشتر از تریاکی های تفننی و مال و منال دار وصول کنند، از این انجمن های ملی، تقاضا داریم، که اگر قصد خدمت واقعی به ورزش مملکت دارند، به این نظرات ما، توجه کافی مبذول دارند که هر چه باشد، حداقل در ورزش، ده براهن بیشتر از انجمنی ها پاره کرده ایم...!

عوارض ناپایدار...

بستن عوارض برکالاهای مصرفی و خدمات شهری بنفع ورزش، اگر چه فکر خوبیست، ولی بدین سیاق که در شهرها تسری پیدا می کند، چند عیب کلی دارد:

ـ نخستین عیب، اینست که وضع عوارض برتریاک، حکم نوعی جریمه و مجازات و تنبیه را دارد، برای کسانی که برحسب ندانم کاری یا بعلل روانی و پاره‌ای مسایل خانوادگی یا اجتماعی، گرفتار چنگال سیاه اعتیاد شده‌اند، و ما با توجه به اینکه بازده و نتایج اینگونه جرایم و مجازات های بی حساب و بی آموزش لازم در سطح خانواده و اجتماع را تجربه کرده ایم، بایستی هراس کنیم، از این احتمال خطر که فرممعتاد، از چنین مجازات ها و تنبیهات غیرمستقیم مالی، نتیجه‌ای منفی عاید خود و جامعه سازد و در پیمودن راه خطا، نوعی روحیه لجاجت و سماجت و انتقامجویی پیدا کند.

ـ عیب دوم، اینست که وضع عوارض برتریاک و تحمیل عوارض برمعتاد، بدین میماند که ما، افزایش سرمایه مالی و بودجه و امکانات مادی ورزش را برتغییرات وضع هوا بیندیم! یعنی بدین صورت که افزایش کمک اجتماع به ورزش، مستلزم اینست که حتما عده‌ای معتاد وجود داشته باشند، و دریی آنها و بموازات نیاز ورزش به امکانات فزونتر، افراد تازه‌ای برصندلی اعتیاد به موادمخدر بنشینند. آخر از کجا معلوم که حرف و همت وزارت پهداری و بهزیستی درمورد مبارزه با اعتیاد و گسترش دامنه اعتیاد و ترک اعتیاد معتادان درست از اب درآید؟!!!

بنابراین نه معتادان محکومند به اعتیاد ابدی، و نه غیرمعتادان محکومند به ابتلا به اعتیاد، و بار امکانات تازه برای ورزش را نمیشود، روی درآمدهای هوایی و عوارض دودی و ناپایدار نهاد...

منابع اصلی، نه فرعی

ـ عیب سوم اینست که ما عوارض را میخواهیم، از اخرین طبقه مصرف کننده بگیریم: و حرف اصلی و عمده و جای نتیجه گیری درست در همین جاست:

«گرفتن عوارض از یک معتاد، درست بدین میماند، که ما بخواهیم، برمصرف پرتقال عوارض ببندیم، و محتکر و بازرگان ومیداندار و عمده فروش و حتی خرده فروش را رها ساخته، از پائین ترین مصرف کننده، یعنی مشتریان مغازه ها و طراف ها عوارض بخواهیم: که حتما می دانید، طبقه کارمند و کارگر رقم اصلی این خریداران را تشکیل می دهند... به عقیده ما، وضع عوارض برتریاک و موادمخدر دیگر، هنگامی عادلانه خواهد بود، و هنگامی مفید فایده به حال ورزش، که ستاندن ۵ریال را از تریاکی ها رها ساخته، به طبقه های بالا دست دراز کنیم.

اخر چه اشکالی دارد، انجمنی که حسن نیت بخرج می دهد، و منبع درآمدی برای ورزش می تراشد، عوض اینکه معتاد خرده پا وضعیف را بچسبد، گریبان قاچاقچی ها و باندهای قاچاق بزرگ را بگیرد که هر روز، در صفحات حوادث و حتی سایر صفحات روزنامه ها می خوانیم، کیلو ـ کیلو، و حتی گاه خروار، خروار موادمخدر از آنها کشف میشود و نه گرم ـ گرم؟!!

ما چرا نیائیم، در انجمن های خود تصویب کنیم که بابت کشف هر کیلو تریاک، هرتنین و حشیش و دیگر موادمخدر پولی به ورزش داده شود؟ یا چرا نیائیم این ماده را تصویب کنیم که هرگاه باند قاچاقچی کشف میشود، منهای حق مخبری و حق پاداش که اصولا کسر میگردد، همه درآمد ناشی از کشف و ضبط کالاهای قاچاق و موادمخدر در کشور، درصندوق ورزش کشور ریخته شود؟

انجمن های ملی، اگر می خواهند که محبتی درحق ورزش مملکت و نسل جوان و آینده ساز مملکت بنمایند، بیایند، از این لطف و محبت ها بکنند که هم دردی را دوا می کند، و هم فشار را برروش کسانی وارد میسازد، که آگاه از غیرقانونی بودن یک کار دست به آن می زنند، و در سلامتی کامل جسمانی، اقدام به حمل و توزیع و فروش کالاهای قاچاق یا مواد مخدر مینمایند، و حتی زیرکی و ذکاوت را در حرفه‌ی خود، بجایی میرسانند که مخفیگاهها و پناهگاههای عجیب و غریبی برای فرار از چنگ قانون و عدالت میسازند...

یک ریال نه.. ۵ ریال!

حالا، از موادمخدر قاچاق در گذشته‌ایم، و وضع عوارض برسیگار را مورد بحث قرار می دهیم. با وجود نوشته چند سال پیش سردبیر ما، و زمزمه های ضعیفی که طی چند سال اخیر درمورد وضع عوارض سیگار بنفع ورزش درگرفت، هیچ انجمنی و هیچ مرجعی، بدین حرف منطقی توجه نکرد، و بهای سیگار، یک ریال بنفع ورزش بالا نرفت، اما نمی دانیم، اخیرا چه شد که یکباره بهای سیگار ۵ ریال بالا رفت، آیا، کسانی که این افزایش بها را تجویز کردند، نمی توانستند، یک ریال از ۵ ریال را بنفع ورزش منظور دارند؟!

عوارض برسیگار را چرا نباید از منبع تولیدوتوزیع و فروش عمده سیگار نگیریم، که می تواند، بزرگترین کمک مالی را به خزانه ورزش بنماید؟ اگر ما نمی آئیم که چنین کنیم، حداقل یک پنجم پولی را که از مصرف کننده بنفع تولید کننده و وارد کننده و فروشنده عمده می گیریم، برای ورزش بگیریم، آیا، اینهم نمیشود. که به بهانه‌ی اعتیاد، از هزاران باصطلاح سیگاری روزی یک ریال بگیریم و به ورزش بدهیم؟

چگونه است که ما پنج ریال به منبع تولید و عرضه می دهیم، ولی یک پنجم آن را به ورزش خود مصرف کننده و فرزندان همین مصرف کننده ها نمی دهیم که راه پدر معتاد به سیگار را نرود، و راه ورزش را از نوجوانی پیماید تا هوی وهوس پک زدن وهو کردن بسرش نزند؟!

وقتی نوبت ورزش میشود ...

حالا، می آئیم، برسر عوارض مشروبات الکلی...

باز همان موقع مجله «دنیای ورزش» خواستار وضع یک ریال عوارض بنفع ورزش شد، پنبه ها در گوشها رفت، کسی خم به ابرو نیاورد، اما بمحض اعلام افزایش بهای مشروبات الکلی، اتحادیه شهرداریها در اجلاس تبریز، مدعی عوارض شد، که بلی... درآمد ناشی از این عوارض باید در صندوق مشترک شهرداریها ریخته شود؟ تا این صندوق، پولی را که حاصل میشود، برحسب نیاز شهرداریها، بصورت وام در اختیار آنها قرار دهد...

جدا که جای حداقل یک «لبخند ملیح» هست!

شهرداری های ما که تامین فضای سبز و امکانات رفاهی و ورزشی از جمله وظایف آنهاست، نه اینکه کوچکترین قدمی در زمینه ورزش رنجه نمی کنند، اینجا، نقطه مقابل ورزش هم می ایستند! البته، ما مطمئن نبوده و نیستیم، که اگر این عوارض مورد بحث به شهرداری ها داده نشود، به ورزش داده میشود... منظور اینست که بگوئیم، آنجا هم که میشود، پولی برای غنای مادی ورزش تراشید، و آنجا هم که میشود، منبع درآمدی برای ورزش ایجاد کرد، مدعیان ورزش، بیکار ننشسته، جلوی منبع درآمد صف می کشند، انجمن شهر، فلان عوارض را بنفع شهرداری وضع می کند، و انجمن شهرستان فلان عوارض را بنفع خود، و انجمن ها و موسسات دیگر هم همینطور، اما هیچ انجمنی بخاطر ورزش این سرزمین، پستان به تنور نمی چسباند، و عوارضی، مالیاتی نمی بندد، و تا نوبت به ورزش میرسد، شیرعوارض در پستانها خشک میشود!!

بنابراین با توجه به اوضاع و احوال موجود، که بخشی از آن تشریح شد، پیشنهاد می کنیم که اگر انجمن های ملی، شهرداریها و موسسات دیگر بفکر کمک به ورزش نیستند، سازمان ورزش کشور هم لایحه‌ای تهیه و تقدیم نماید که براساس آن، یک مرجع وضع عوارض و مالیات بنفع ورزش، تاسیس گردد، تا این مرجع هم بفکر ورزش بیفتد و برای رهایی مسئولان ورزش از چنگ کمبود بودجه، عوارضی وضع کند، چون، ما که انواع و اقسام عوارض و مالیات را می دهیم عوارض و مالیات ورزش هم روی آن!!

افق تایلند هر روز روشن تر

برای آنکه پائیز ۱۹۷۰ ت

* با جلسه بازی نه اینکه بجائی نرسیده ایم، بهتر است از گذشته درس بگیریم و حوادث روزهای پیش را بعنوان تجربه یا تکیه گاه از پیش چشم دور نسازیم

* چینی ها در کنار ژاپن و دوکره از مدتها پیش برای پریدن از مانع قهرمان آسیا اسبها را زین کرده اند، در این میان ما چه کرده ایم

* نقش حقیقی کمیته فنی وزنه برداری چیست، آیا تائید شایستگی باشگاهها برای تمرین وظیفه این کمیته است یا برعهده هیات تهران؟

درشرائطی که افق بازیهای آسیائی تایلند روز به روز قابل رویت تر میشود وزنه برداری ایران هنوز حرکت جدی خود را برای نبرد با بزرگان شرق آسیا آغاز نکرده است، در حالیکه جمهوری خلق چین - ژاپن و دو کره از مدتها قبل «اسب» خود را برای پریدن از مانع قهرمان آسیا زین کرده اند و چهارنعل بسوی اوج می تازند!

از این جمع مدعی بنظر میرسد غول تازه بیاخاسته قاره یعنی چین تهدید کننده تر از دیگران باشد، چرا که برخلاف ژاپن و دوکره توازنی منطقی در گروه سبک و سنگین وزنه برداری این کشور بچشم میخورد و همین تعادل نسبی قدرتهاست که خط بطلان برخوش باوری قهرمان آسیا که بازهم چون گذشته خود را درسنگین وزن دراوج می بیند میکشد.

چینی ها که از هیچ گذرگاهی بی تفاوت نمیگذرند همین هفته گذشته در فرانسه ظاهر شدند و ماه آینده نیز از قهرمان آسیا دعوت کرده اند که در پکن و یکی دیگر از شهرهای جمهوریچین با برگزیدگانش پیکار کند.

هنوز از قبولی پاردعوت چینی ها فدراسیون وزنه برداری ایران خبری منتشر نکرده ولی گفتگوی ۲ تن از مقامات چینی در هفته گذشته با اسماعیل کدخدازاده عضو کمیته فنی و رئیس کمیته طرح و برنامه و دبیر کنفدراسیون آسیا بازگوی این مهم بود که چینی ها مایلند قبل از رویارویی درتایلند به هنگامه مسابقه های آسیائی سال ۱۹۷۸ بهرشکل موجودیت رقیب بزرگ خود را کاوش کنند تا چشم بسته قدم به مسلخ نگذارند، این کنجکاوی یا بهتر حریص بودن چینی ها در این رشته دلیل بزرگی است که چین نه تنها در وزنه برداری بلکه در جمیع مواد بازیهای آسیائی دوره هشتم دربی بزرگی است و هدف اول انها گام گذاردن بحریم غول بزرگ قاره یعنی ژاپن است.

کمیت، کیفیت را میسر میکند

برای رسیدن به مقصود می بینیم حتی در کشتی نیز جنبشی تازه از سوی چین آغاز شده و بزودی محمدرضاهنگدوست برای تعلیم همین چینی های گمنام درکشتی به پکن یا دیگر شهرهای قابل بهره برداری از کشتی میرود.

تردید نیست چین با تکیه برکمیت خیلی زود می تواند سری بین سرها درآورد و به کیفیت مورد نظر برسد، بخصوص که کشتی درسرزمین چین یک ورزش چندان بیگانه بحساب نمی آید. اگر درکشتی مدرن چینی ها تازه آغاز کرده اند ولی در وزنه برداری که ۳۰ مدال طلا، ۳۰ مدال نقره و ۳۰ مدال برنز تقسیم میشود، سابقه ای کهن دارند و یکی از روزنه هائی که انها را به ژاپن نزدیک میکند همین رشته قهرمانی وزنه برداری است.

در بغداد کام اول را چینی ها قرص و محکم برداشتند و برغم آن حادثه دسته پروزن که حذف یک چینی را در پی داشت ایران و چین در حالی به انتهای راه رسیدند که از نقطه نظر امتیاز دوکشور باهم برابر بودند ولی ایران بخاطر تفاوت رنگ مدالها و یک مدال بیشتر قهرمانی را از آن خود ساخت.

ولی از اردیبهشت ماه سال پیش تا به امروز ۱۲ ماه سپری شده و طول این زمان سیرصعودی چینی ها بمراتب چشم گیرتر از تیم قهرمان آسیا بوده و دلیل بزرگ این ادعا نمایش توفیق آمیز چین در اشتوتکارت بود و دیدیم این تیم در سطح بالاتری از ما قرار گرفت.

همین سایه، روشنهاست که فدراسیون وزنه برداری باید هوشیار باشد تا چشم بسته قدم به مسلخ نگذارد و همه هم خود را در حال حاضر مصروف جلسات پیاپی کمیته فنی نکند.

متاسفانه دستپخت چندین ساعته کمیته فنی چیزی نیست که بتوان آنرا باب طبع همگان دانست، بعنوان نمونه یکبار می شنویم پس از سه ساعت رکوردهای ورودی مسابقهٔ های قهرمانی ایران از کمیته فنی استخراج میشود، رکوردهائی که با آن سطح پائین بگمان ما بیش از ۵ دقیقه وقت نباید صرف آن شود.

یا در جلسه دیگر کمیته فنی که با حضور همه زعمای قوم وزنه برداری تشکیل شده، شایستگی ۱۴ باشگاه برای تمرین از سوی این کمیته مورد تائید قرار گرفته. در حالیکه اصولا ما تردید داریم که این تصمیمات و این مباحث بایستی در جلسه کمیته فنی مطرح شود، زیرا حل و فصل این قضایا را باید هیات تهران انجام دهد، البته اگر هیات تهرانی بمعنای وجودداشته باشد!

وظیفه کمیته فنی

عقیده داریم کمیته فنی بعوض اینکه برای رد یا قبولی این مسائل جلسه تشکیل دهد، باید در درجه اول تلاش داشته باشد با حفظ برنامه ای درست سرمایه های موجود را بسوی تکامل هدایت کند. درست که رئیس فدراسیون درهنگام معرفی اعضای خود عنوان کرد که ما زیرصفر هستیم و هیچ چشم به مدال و افتخار ندوخته ایم ولی نباید بعنوان اینکه یک فدراسیون قصد پایه سازی یا بهتر یک کار بنیانی دارد، از سرمایه های حاضر خود چشم پوشی کند.

فدراسیون وزنه برداری نمی تواند و نباید منکر موجودیت مردانی چون پاکیزه جم، فیض الله ناصری، مدنتصیری، شهرام یوسفی، یدالله باقری، حسن حکیمیان و دهها چهره دیگر که در کنار نصیری، والی، روحانی، کارگرنژاد و... می توانند الگوی آیندگان گردند باشد زیرا در وزنه برداری الگوها اگر خوب نمودار گردند، شوق و ذوق تعقیب کنندگان راه قهرمانی دوچندان میشود.

اگر فراموش نکرده باشیم در گذشته کج سلیقه گی ها و مسائل دور از ورزش سبب کناره گیری بعضی مهره های خوب شد. اگر بیاد داشته باشیم مردی چون «ناصردرودیان» در اوج قدرت در حالیکه شایستگی زیادی بمرزهای فراتر از آسیا را داشت توسط فدراسیون وزنه برداری از پیش روی بازماند و بناحق او را از اعزام به مکزیک محروم کردند. در حالیکه یواقع او مردی بود که بخوبی می توانست پاجای پای منوچهر برومند بگذارد و کارنامه ای بمراتب روشن تر از والی و کارگرنژاد اریابان کنونی سنگین وزن ایران و آسیا ارائه دهد ولی چرا چنین نشد، پاسخش را در نحوه انتخاب تیم و سیستم خاص طرز تفکر روسای وقت وزنه برداری باید جستجو کرد.

خودشناسی فراموش شده

حالا نیز درست گذشته را بنوعی دیگر تکرار می کنیم، فدراسیون وزنه برداری هنوز طول چند ماه گذشته کارش از جلسه بازی و مطالعه پیشتر نرفته است و از این گذشته تیم ملی را به امید خدا و به عنوان آینکه اردوئی تشکیل داده رها ساخته و حتما در پائیز آینده انتظار دارد این تیم معجزه کند.

حالا زمان درازی است که کشورهای پیشرفته برای اوج گرفتن طرق مختلفی را پیش کشیده و آنها را بطور عملی مورد آزمایش قرار داده اند. برای همه ملتهای پیشگام درکار وزنه برداری این واقعیت روشن شده که اگر وزنه بردار را «لای پرقو» قرار دهند و مرتب او را فقط به تمرین جدی تشویق نمایند بهره لازم نصیب آن وزنه بردار نخواهد شد، زیرا یک وزنه بردار در هر مقام و مرتبتی نیاز به خود شناسی واقعی دارد، این خودشناسی در تمرینات بواسطه مسئله وزن، نبودن داور، استفاده بهرطریق (بایند و بی بند وزنه زدن) و اشکالات متعدد دیگر امکان پذیر نیست و شایسته است فدراسیون وزنه برداری شرائطی بوجود آورد که وزنه بردار ملزم گردد. همیشه در فرم مطلوب باشد که البته این موظف بودن مسائل جنبی دیگری را پیش خواهد کشید که در این مطلب مورد توجه ما نیست ولی با برنامه ریزی و بوجود آوردن شرائطی برای خود شناسی می توان میزان آمادگی یک وزنه بردار را بمقدار قابل توجهی بالا برد.

روسوف وزنه بردار جوان بلغاری، قهرمانی که تا قبل از مسابقه های جهانی جوانان در صوفیه اشتهاری چندان نداشت، بعد از قهرمانی جوانان در اشتوتکارت هم بروی صحنه آمد و برغم اینکه چند رکورد جوانان را بازهم تغییر داد ولی تا مکان نایب قهرمانی ۶۰کیلو جلوتر نرفت.

ولی چند ماه بعد همین پدیده نوخاسته را در میدان بزرگی چون جام دوستی در یک وزن بالاتر دیدیم، اتفاق اینکه در وزن تازه نیز جوان بلغاری صعودی خیره کننده نشان داد و پس از اینکه رکوردهای تازه ای برای جوانان خلق کرد با مجموع ۳۱۰ کیلو قهرمان جام دوستی شد. این مقام را در شرائطی صاحب شد که نایبش، دارنده مدال نقره دسته سبک وزن جهان و المپیک بود.

ولی این درخشش پایان راه جوان ۱۹ ساله بلغاری نبود، زیرا سه شنبه پیش روسوف بازهم ۷/۵کیلو به رکورد قبلی افزود و در حقیقت ۲/۵کیلو رکورد مجموع جهان را که متعلق به «اروتیای» کوبائی بود شکست. اوردن این مثال بیان یک واقعیت قابل لمس است واقعیتی که نگذاشت روسوف قدرت، استعداد و شایستگی اش در ۶۰کیلو فنا شود و بفوریت او را به یک دسته بالاتر راهنما شد.

چه کسی این جوان امیدساز را با دردست داشتن یک عنوان جهانی به یک وزن بالاتر فرستاد؟ بی تردید روسوف خود به تنهائی این تصمیم را نگرفت و مربی او نیز در این جذرومد او را یاری کرده و مسلما در کمیته ای که نامش را ما کمیته فنی میگذاریم پس از تجزیه و تحلیل قدرت واقعی او این اجازه را به روسوف داده اند که در آستانه شکوفائی، قدرت واقعی خود را به نمایش گذارد.

مسلم بدانیم بهمین سادگی نوابغ راه خود را ادامه میدهند و بهمین آسانی از هرز رفتن باز میمانند، در حالیکه کمیته فنی ما کمتر به این مسائل واقعی نگاه میکند و اگر هم چنین نگاهی به وزنه برداری داشته باشد، نگاهش عمقی نیست، بلکه سطحی و زود گذراست بعنوان نمونه

میشود!

حسین حصاری

قصه «شوم» تکرار نشود!



محمود نامجو ابر قدرت وزنه برداری ایران در سالهای پیش در هنگامه مسابقه‌های جهانی ۱۹۵۷ تهران بخاطر کم کردن وزن نتوانست ارزشهای حقیقی خود را نمودار سازد، در این ناکامی بیش از آنکه نامجو مقصر باشد، رهبران فدراسیون گناهکار بودند!

بازیهای آسیائی سال ۱۹۷۴ تهران را در نظر بگیرید که چگونه ملکی کنار گذارده شد و چگونه از عطاراشرفی درآستانه بازیهای قهرمانی آسیا چندین بار رکوردگیری بعمل آمد و انقدر او را بدون منطق پائین و بالاکشیدند که اکنون عطاراشرفی در دسته میان وزن قادر نیست شایستگی های خود را بمعنای واقعی نشان دهد.

نامجو مثال زنده

مثالهای فراوان دیگری داریم که همه از عدم دقت کافی و شناخت حقیقی حکایت میکند. اگر نامجو را از یاد نبرده باشیم و قدرتمند بزرگ وزنه‌برداری ایران را با آن استعداد و قدرت پیش چشم درنظر آریم باید عنوان کنیم که او درسال ۱۹۵۷ تهران می توانست افتخاری بزرگ را صاحب شود. افتخاری که در یک دسته بالاتر برای او شکل میگرفت.

نامجو درست درآستانه مسابقه های جهانی سال ۱۹۵۷ تهران در دسته ۶۰کیلوئی ها به رکوردهای المپیک حمله کرد که در پایان حرکات سه گانه به رکورد ۳۵۲کیلو رسید، این مجموع فقط ۵۰۰گرم کمتر از رکورد قهرمان المپیک ملبورن در دسته پروزن بود ولی هیچ روشن‌بینی وجود نداشت که از هرز رفتن قدرت مرد افسانه‌ای وزنه‌برداری ایران جلوگیری کند و کمیته فنی اسمی آن زمان هم حرفی برای گفتن نداشت و دیدیم که نامجو در سالن تازه تاسیس محمدرضاشاه لای پتو قنداق شده بود تا گرم های آخرین را از تن خود دور کند!

نتیجه آن وزن کم کردن چنان مرد بزرگ وزنه برداری ایران را بسقوط کشید که سوای استوگف روسی، سنبلی نیز از او پیش افتاد. در حالیکه اگر نامجو در دسته پروزن حاضر میشد براستی ایران می توانست ترکیبی نیرومندتر نشان دهد.

مثالهای فراوان دیگری هم هست که بهمین اکتفا میکنم، و برای اینکه از اصل مطلب فاصله نگیریم ادامه میدهیم فدراسیون وزنه برداری اگر تلاش داشته باشد در این ۶ ماه فاصله تا بازیهای آسیائی تیم ایران را در چند میدان محک بزند، بی تردید نتیجه مطلوب‌تر خواهد بود.

گمان نکنیم صحنه مسابقه های مصر برای ما یک صحنه ایده‌ال بوده، هرگز! زیرا در این زمان پیروزی در میدانهای کم مرتبه ضمن اینکه از نقطه نظر روحی سبب ازدیاد قدرت وزنه‌بردار میشود ولی نباید ازیاد برد که پیروزیهای کاذب قهرمانی را به گمراهی هم میکشند!

بعنوان نمونه فدراسیون وزنه‌برداری بخاطر فاصله فراوان قدرت وزنه‌برداران روسی و میهمانان جام دوستی فقط یک تن را نامزد جام دوستی ساخت که آن یکی هم به سفر نرسید. در حالیکه برای فدراسیونی که عنوان میکند، در این ورزش همه چیز زیر صفر است، نباید ناکامی و شکست جام دوستی ضربه‌ای سنگین باشد.

مشکلات و انتظارات غیرمعقول

دو هفته‌ایست که اردوی سربالائی در داودیه تشکیل شده، همه از برومند مرد زحمتکشی که زندگی و هستی خود را بپای وزنه برداری گذاشته انتظار معجزه دارند، در حالیکه نه او برای آگاهی از تکنیکهای نوین این ورزش . در کلاسی شرکت کرده و نه اینکه مهره های مورد نظر او بدون استثناء درسر تمرینات ظاهر میشوند.

این مشکلات عدیده است که نمی گذارد باز دهی روشن برای وزنه برداری ما دربرداشته باشد، ولی اگر فدراسیون بودجه‌ای یا فرصتی در اختیار ندارد تا پرومندهای نوعی را در کلاس های مربیگری جهان شرکت دهد، حضور در صحنه های مختلف هم برای مربی و هم برای قهرمان آموزنده است. ولی این فرصتها را هم بخاطر مشکلات فدراسیونها به تیم ها، مردان و قهرمانان این رشته نداده و نمیدهیم.

شاید حالا در این زمان بواسطه بازیهای آسیائی و مسائل دیگر بازهم شاهد قدرت نمائی برگزیدگان خود در یک میدان بین المللی باشیم ولی مطمئنا باید بپذیریم اگر هدفی روشن نداشته باشیم پس از بازگشت از تایلند، سنگین وزنها باز هم کنار گذارده خواهند شد و نگاهها بسوی سبک ها خواهد چرخید، چون نوبت مسابقات جهانی میشود!

همین دوگانگی و همین شیوه غلط است که مانع از حصول نتیجه یک کار مداوم و درست میشود، اگر بپذیریم ما همیشه در قاره با حریفانی چون چین - ژاپن - کره شمالی - کره جنوبی - عراق و غیره روبرو هستیم باید همیشه مراقبت از سنگین وزنها را وظیفه اصلی خود بدانیم.

زیرا از همین امروز که زمزمه شرکت در مسابقه های جهانی پنسیلوانیا بگوش میخورد همگان میدانند اگر قرار براین باشد که تیمی یا نفراتی راهی صحنه شوند این جمع از گروه وزنهای ۵۲- ۵۶- ۶۰- ۶۷/۵کیلو گلچین خواهد شد و برای دیگران شانسی نیست تا به یک خودشناسی واقعی دست یابند!

درست که والی ها، کارگرنژادها با حدنصابهای معینشان شانسی درجمع غولان ندارند ولی بپذیریم با روش های متداول اینان بنوعی بی تفاوتی مبتلا شده اند و برفدراسیون وزنه برداری است که راه خود را در همین آغاز روشن کند.

یابسان ژاپنی ها ۱۰ مهره خود را در ۵ وزن پائین کنار هم بچینند و عنوان کند که شرکت در مسابقه های جهانی برای سنگین وزنها ممنوع است! که به اعتقاد ما این شیوه نمی تواند ثمربخش باشد، زیرا در مسابقاتی که بیش از ۲۰۰تن در آن شرکت می کنند فقط ۳۰تن به مدال و افتخار میرسند و دیگران دستشان از لمس عنوانها و افتخارات کوتاه میماند!

آیا ملت ها نمی دانند که برگزیدگا نشان قادر نیستند در جائی که ملل شرق اروپا با آن کیفیت ممتاز شرکت دارند به مدال و افتخار دست یابند؟ مسلما همگان به این واقعیت معترف هستند ولی عاملی بنام امید وکسب تجربه است که همگان را به مسابقه های بزرگ میکشد!

بهرحال ما نیز که عنوان قهرمانی قاره را بدوش میکشیم باید همه این سایه و روشنها را باور داریم و بپذیریم که والی ها، کارگرنژاد در صحنه حکومتی جاودانه ندارند ولی سرنوشت این مردان باید بگونه‌ای باشد که سنگین وزنهای جوان را علاقمند به طی و طریق راه آنان نماید.

ولی متاسفانه می بینیم که خشت اول کج گذاشته شده و همه چیز در مسیری غیرطبیعی پیش میرود و همین کج روی بوده که حالا از نداری ها سخن میرود و از کمبود مردان جانشین یاد میشود، اگر این را نیز باور داریم اشتباه گذشته را تکرار نخواهیم کرد، ایراد بزرگ در این است که در حفظ همین نفرات محدود تلاش لازم نمیشود و همه چیز را به امید خدا رها می کنیم.

ایراد بزرگ

ولی بپذیریم برای تیمی که بایستی درآذرماه امسال بسوی منزلگاه بازیهای آسیائی راهی شود این راه، راه آرمانی نیست و دلیل اینکه هیچگاه از خودسئوال نکرده ایم که چرا عطاراشرفی با آن قدرت تمرینی در هنگامه مسابقه ها یکباره نزول می کند، آیا علل ضعف فیض‌الله ناصری که در یکضرب مهارت بسزائی دارد. در صحنه مسابقات چیست؟ و از این گروه مثالهای دیگر که همیشه بی جواب مانده است.

در حالیکه بواقع مردان حاضر ما برغم همه موجودیت های قابل لمس، برغم همه شایستگی ها بواسطه میدان ندیدن نمی توانند هنرحقیقی خود را نشان دهند. در حالیکه،قهرمانان ایرانی نیز بمانند شوروی، بلغار و دیگر بزرگان که درسال دهها بار روی صحنه ظاهر میشوند،اولا اعتماد بنفس لازم را خواهند یافت، درثانی قدرت خود را هیچگاه دستکم نمیگرند و با همه وجود تلاش خواهند کرد که ارزشهای راستین خود را در مقابله با نام آوران نشان دهند.

می شنویم در تمرینات پاکیزه جم بسوی ۱۳۵ کیلو یکضرب گام برداشته، برای مردیکه رکورددار ۱۳۳کیلوئی این حرکت است، رسیدن به این رکورد یک کار فوق العاده نیست ولی متاسفانه کمتر در صحنه های بزرگ همین رکوردها تکرار می شود.

نصیری را بیاد آورید که هنوز هم با تکیه برقدرت، اعتماد بنفس، خلاقیت پایان ناپذیر می تواند در تنگناها ارزش های بزرگی نشان دهد، غیر از او که به اعتقاد دست‌اندرکاران یک نابغه بحساب میآید، چه کسی را داریم که بعنوان تکیه گاه آنها را باور کنیم.

درحالیکه به اسامی کوچولوهای خود که نگاه میکنیم به ناصری، ملکی ، یوسفی، دهخدا، پاکیزه جم، دهنوی، حکیمیان، باقری و.... برخورد می کنیم، همه صاحب استعداد، همه صاحب قدرت و همه صاحب علاقه در این ورزش هستند ولی قادر نیستند، در صحنه همه هستی خود را نشان دهند، چرا؟

درد بزرگ همین جاست که ما درپی یافتن علل درجازدن این مهره ها نیستیم و همه گناه را گردن وزنه‌بردار میاندازیم و از او توقعی بیش از حد داریم، سوای مسائل جنبی که به اعتقاد ما باید فدراسیون وزنه‌برداری در جهت مثبت آنها گام بردارد، گناه «رکود» را در چهره مربی جستجو می کنیم، در حالیکه در این میان فدراسیون وزنه‌برداری نیز خالی از تقصیر نیست فدراسیونی که باید برای اوج گرفتن مهره های خود در راه درست سرمایه گذاری کند، اگر از انجام وظیفه درست سرپیچی کند، بواقع تلاش مربی و قهرمان را بهیچ گرفته است و همه برنامه‌ریزیها و صرف وقت و سرمایه گذاری بهدر رفته است.

برای آنکه قصه شوم سال ۱۹۷۰ درپائیز امسال بازهم تکرار نشود، تلاش کنیم، همان شیوه‌ای را که چینی ها برای مبارزه با ما انتخاب کرده‌اند تعقیب کنیم و با اسلحه خود چینی ها بجنگ آنها برویم، دعوت فدراسیون وزنه‌برداری چین را بپذیریم و واقعیت قدرتهای خود را اندازه بگیریم.

از این گذشته اگر همه بزرگان وزنه‌برداری ایران در شرائط ایده‌ال نیستندوحشتی‌ازشکست درخانه چینی ها نداشته باشیم، زیرا این شکست را پس از تجزیه و تحلیل می توان در یک میدان گسترده‌تر و رسمی جبران کرد ولی اگر از مقابله با چینی ها با عنوان کردن مسائل نظیر اینکه بودجه نداریم، فرصت نیست و تدارک ندیده‌ایم یا مسائل دیگر طفره برویم از هم اکنون خود پایه شکست را پی‌ریزی کرده‌ایم و شک نکنید که در بانکوک نیز تکرار موفقیت سال ۱۹۷۴ از عهده‌ما خارج خواهد بود.

ارتباط غیرمستقیم

سرهنگ نصرت‌الله قهرمانی رئیس فدراسیون مشتزنی، نخستین

از باشگاهه
مشتزنی حم

مربی سابق تیم ملی مشتزنی در حد خواندن ونوشتن معلومات دارد، نه در حد مربیگری ملی!

برنامه «ارتباط غیر مستقیم» درنخستین هفته حیات خود، جای خوبی درمیان درگیران ورزش، وورزشدوستان بیشمار، باز کرد و ما را امیدوارتر از آنچه تصور می کردیم، ساخت. امیدوار به اینکه از این ابتکار هم، نتیجه‌ای پرثمر نصیب ما و شما میشود...

باور کردنی نبود.. ولی وقتی که روزانتشار مجله عده‌ای مستقیما نامه‌های خود را به مجله اوردندواین هفته سیل نامه های پست شده به دفتر مجله سرازیر گشت، صمیمانه باور و یقین کردیم که این برنامه، پیرزمندانه پیش خواهد رفت، و ارتباط ما باشما، مستحکم تراز پیش خواهد بود، و با ابعادی گسترده تر از پیش... ما، هفته پیش نوشتیم که موقع ارسال سئوالهای خود از میهمانان هر هفته، تمامی مشخصات خود را برای ما بنویسید، چرا که مترصد بودیم، مشخصات هرخواننده پرسشگر را بنویسیم، اما با این اشتیاق و علاقه‌ای که درخوانندگان مجله دیدیم، با یک مشکل مواجه شدیم: «کمبودجا، برای نوشتن همه چیز، و همه مشخصات خوانندگان محترم که از میهمانان هفته، سئوال های متنوع وفراوان میکنند» باتمام تاسفی که از این بابت میخوریم، تقاضا داریم که موقع ارسال نامه برای صفحات ارتباط غیر مستقیم، فقط نوشتن آدرس و نام محل اقامت خود را الزامی بدانید و نیز اگر خواستید، که عکسهایتان چاپ شود، یک قطعه ۳×۴ یا ۴×۶ خودرا برای ما بفرستید. باقی مشخصاتی که قبلا نوشته و از شما خواسته بودیم، با این همه نامه که دست ما می رسد، متاسفانه قابل چاپ نخواهد بود: یعنی شغل، سن، و مشخصات دیگر...

این هفته، نمونه هایی از آنچه همیشه چاپ خواهیم کرد، تهیه و چاپ شده که اکنون پیش روی شما قرار دارد و امیدواریم، الگویی روشنگر برای شما عزیزان باشد.

باز، خواهشمندیم از حاشیه پردازی خودداری کنید، و خلاصه نویسی را رعایت نمائید. بکوشید که فکر کنید، سئوالی اصولی و منطقی مطرح نموده، مبتلابه‌مشکلی را مطرح نمائید، تا پاسخ آن را بگیرید. بکوشید، سئوالاتی بیابید که دردی از دردهای ورزش را حل می کند ونمیگذارد که بلد، فراموشی همچنان پشت مسئولان ورزش را نوازش دهد! بکوشید، اگر قهرمانی میهمان «ارتباط غیر مستقیم» میشود، از او سئوالهایی تازه و بکر بنمائید. اینها، جالب و خواندنی است، نه پاسخ سئوالهای تکراری... هفته پیش، که نامه‌های شما را دریافت کردیم، به خوشفکری خیلی از دوستداران این صفحات امیدوار شدیم و حتی به نکته سنجی وتیز بینی برخی علاقمندان وعاشقان ورزش، احسنت گفتیم...

درانتظار نامه های شما، بویژه نامه های پرمحتوای شما هستیم، تا دست اندرکاران و مسئولان ورزش را یکی پس از دیگری روی صندلی غیابی! «ارتباط غیرمستقیم» بنشانیم، و جواب سئوالهای شما را بگیریم، و مخصوصا، جواب معماهایی را که برای شما ساخته و پرداخته شده، ولی حل نشده است....

سرویس رپرتاژ دنیای ورزش

میهمان هفته آینده:

جواد کلهر رئیس فدراسیون وزنه برداری

سرهنگ نصرت‌الله قهرمانی رئیس فدراسیون مشتزنی نخستین میهمان برنامه ارتباط غیر مستقیم «دنیای ورزش» که در برابر ۳۰ پرسش مفسر مشتزنی ما قرار گرفته بود، بدعوت ما صمیمانه پاسخ گفت، و پس از انتشار مجله، به پرسشهایی که مطرح شده بود، با این مقدمه کتبی پاسخ داد:

- «ابتکار جدید مجله دنیای ورزش را بخاطر ایجاد صفحات ارتباط غیرمستقیم برای پیشبرد ورزش کشور بویژه مشتزنی، ارج می نهم، و از اینکه مرا به عنوان اولین میهمان این برنامه برگزیده و دعوت کرده اید، از مسئولان صفحات «ارتباط غیرمستقیم» و همه دست اندرکاران مجله دنیای ورزش سپاسگزارم.

یقین کنید، به آنچه که پرسیده اید، با صداقت کامل پاسخ داده ام، و منهم مثل شما - شاید بیشتر از شما هم نگران ورزش کشور هستم. زیرا، وظیفه و مسئولیت خود را دو صدچندان با اهمیت تر از برخی کسانی که در این راه داد دلسوزی سرداده اندمی دانم...

برای داوری در هر امری، باید ابتدا بی غرضی و بی طرفی را شرط اول بدانیم، و این وظیفه بیشتر بر دوش ارباب جراید و مطبوعات و دست اندرکاران رسانه های همگانی حکمفرماست که باید از این وسایل مهم ارتباطی، نیک استفاده کرد، نه به عنوان حربه‌ای بر خلاف واقعیت ها...

پیش از اینکه به یکایک سئوالات پاسخ بگویم، این نکته را یادآوری می کنم که آیا مفسر پرسشگر، به «صحت سئوالاتی» که کرده اند اطمینان دارند یا نه؟ در غیر اینصورت، ایشان کمی این مسیر را تند و از روی کم لطفی پیموده اند، که البته، این را در جوابگویی به سئوالات، متوجه خواهید شد...»

پاسخ به شکست ایران

رئیس فدراسیون مشتزنی، در پی این مقدمه، به نخستین سئوال، مبنی براینکه: «دلیل شکست فاحش تیم ملی مشتزنی در مسابقه های کمربند طلایی رومانی چه بود؟» چنین پاسخ میدهد:

- «اگرچه تیم مشتزنی ایران در سالهای قبل توانسته که از مسابقات کمربند طلایی، مدال برنزی صید نماید، معذالک، هیچ وقت موفق نبوده است. در سال جاری ۱۳ کشور در عرصه پیکارهای کمربند طلایی حضور داشت، و تیم های قوی مانند کوبا، رومانی و شوروی، در بخارست حاضر بودند، و از این جمع، فقط مشتزنان چهار کشور توانستند، مدالی را بگردن اویزند...

- «شما چرا چنان تیم ضعیفی را به رومانی بردید؟ مگر مجبور بودید؟»

در برابر این پرسش، سرهنگ قهرمانی یک جواب کوتاه میدهد: «اعزام تیم ملی به مسابقه های کمربند طلایی، صرفا جنبه‌ی کسب تجربه دارد. فقط همین»

سئوال سوم این بود: اگر تمایل یا اجباری برای شرکت در مسابقه های کمربند طلایی رومانی وجود داشت، آیا این تمایل و اجبار، برای مسابقه های جهانی یوگسلاوی وجود نداشت که سفر تیم ملی لغو شد؟»

پاسخ این سئوال چنین است: «مسابقات کمربند طلایی با مسابقات جهانی که امسال در یوگسلاوی برگزار میشود، خیلی فرق دارد، و مسابقات جهانی در سطحی خیلی بالا، انجام میشود...»

رئیس فدراسیون مشتزنی در برابر اینکه «رفتن یک تیم ملی مشتزنی کامل یا حتی سه مشتزن ملی خوب به جام جهانی بهتر و مهمتر است یا رفتن دو داور؟» می گوید: اولا دو داور اعزام نشد، بلکه فقط یک داور ایرانی در یوگسلاوی حضور دارد، که او هم بدعوت فدراسیون بکس یوگسلاوی رفته، و نیز با ارسال بلیت هواپیما از کشور میزبان. آقای پطرس نازاربیگیان نیز فقط بخاطر اینکه نایب رئیس فدراسیون بین المللی مشتزنی است به یوگسلاوی دعوت شده، و به عنوان عضو هیات ژوری انجام وظیفه خواهد کرد.

البته، ایشان در امر داوری در مشتزنی اماتور جهان مقام شامخی دارد، ولی در مسابقه های جهانی یوگسلاوی، نقش «داوری» نخواهد داشت، بلکه نظارت بر کار داوران، از جمله وظایف اوست...

مساعدیان دانش کافی ندارد

سرهنگ قهرمانی در زمینه این شایعه که بر زبان مخالفان سیاست



همه پیشکسوتان و قهرمانان سابق مشتزنی را به همکاری دعوت کرده‌ایم و در بازیهای آسیائی تایلند، از مقام قهرمانی ایران دفاع خواهیم کرد.

ورزش مشتزنی آینده‌ای روشن دارد. این را براساس برنامه‌های حساب شده و سنجیده می گویم و دلیلی بر عدم اجرای این برنامه‌ها نمی بینم

میهمان «ارتباط غیر مستقیم» پاسخ می‌دهد:

ای فعال در ایت میشود



رئیس فدراسیون مشتزنی در گفتگو با حسین جباری نویسنده دنیای ورزش

و جاریست - «مبنی براینکه وی نه به همکاران تازه اش اطمینان دارد، و نه به اعضای سابق فدراسیون» - چنین جوابی دارد: «من و همکارانم از اعتماد و اطمینان متقابل برخورداریم و حضور همه روزه من در فدراسیون را نباید دلیل، عدم اعتماد به افراد تعبیر کرد. من، وظیفه‌ای دارم، و ماموریتی یافته ام، و باید احساس مسئولیت و وظیفه بکنم، و در این راه، از هیچ تلاشی فرو گذار نیستم، و میکوشم، با نظارت و کنترل بیشتر کارها، یک هماهنگی در واحدهای داخلی فدراسیون بوجود بیاورم، و حسن اجزای برنامه ها و طرحها را تحت نظارت دقیق دراورم...»

در مورد پاشیدن کمیته های فدراسیون مشتزنی نیز پاسخ اینست: «ما، نه تنها از کمیته ها، کم نمی کنیم، و کمیته‌ای را منحل نکرده ایم، بلکه کمیته هایی مانند آموزش، و جوانان بر کمیته های موجود افزوده ایم. منتهی، چون طی این مدت مشغول بررسی و مطالعه برنامه ها و سازماندهی فدراسیون بوده ایم، این تصور برای بعضی افراد پیش آمده، که ما نیازی به این کمیته ها نداریم، و آنها را منحل کرده ایم... انشاءالله، هنگامی که «سازمان جدید» فدراسیون را اعلام می کنیم، و همکاران تازه فدراسیون را معرفی می نمائیم، چگونگی کمیته ها روشن خواهد شد...

- «اختلاف شما با محمود مساعدیان مربی مشتزنی بر سر چه بود؟ چنین مربی جوانی که تازه از قهرمانی تیم خود در آسیا بوجد آمده بود، و عطش کار بیشتری داشت، چرا رانده شد؟

این پرسش را رئیس فدراسیون بدینسان پاسخ می دهد:

- «من، با آقای مساعدیان که جوان بسیار فعال و زحمتکش است، چه اختلافی می توانم، داشته باشم. او در مقامی نیست که بتواند، تیم ملی را در خارج از کشور رهبری و هدایت کند، زیرا اطلاعات مشتزنی وی، بسیار کم است و محدود به گواهینامه درجه دو او.

سطح معلومات آقای مساعدیان، در حد خواندن و نوشتن است. او تجارب کافی برای «کوچینگ» را ندارد، و حتی قادر به تکلم به زبان یکی از کشورهای عضو فدراسیون بین المللی اماتور نیست. از چنین شخصی برای رهبری تیم ملی بکس در خارج از کشور، چه انتظاری می توان داشت؟

نقطه مقابل ایشان، افرادی داریم که تجارب و اطلاعات و مهارت فراوان در ورزش مشتزنی دارند، و بزودی، هنگام معرفی همکارانم، با چهره‌ی آنها، اشنا خواهید شد...

اهانت محمدی

دهمین پرسش از رئیس فدراسیون مشتزنی چنین بود:

دلیل برکناری چند مربی مانند ایرج ملک حسین پور و محمدی چیست؟ اصولا، چرا این همه مربیان مشتزنی را از هم پاشانده اید که سکوت بر سالن بکس امجدیه و سالنهای باشگاهی حکومت کند؟»

سرهنگ قهرمانی می گوید: «آقای ملک حسین پور، در زمان تصدی من کناره گیری نکرده و تا کنون هم بمن مراجعه ننموده که بدانم، دلیل عدم فعالیت او چیست؟ اما در خصوص آقای محمدی، مربی باشگاه ایران امروز، باید بگویم که وقتی مسابقه های انتخابی مشتزنی در سالن بکس امجدیه انجام می گرفت، وی به رای داوران اعتراض کرد و با صدایی بلند، به فدراسیون و داوران اهانت کرد، که در نتیجه، نظم سالن بر اثر سروصداهای وی بهم ریخت...

این بود که کمیته برگزاری مسابقه ها، جلسه کرد و تصمیم گرفت، آقای محمدی را بر اثر اهانت به فدراسیون و داوران، و اخلال در نظم مسابقه ها، بمدت یکسال از مربیگری محروم و خلع ید کرد، و موضوع را برای اجرا و رعایت تصمیم فدراسیون به باشگاه ایران امروز، ابلاغ نمود.»

رئیس فدراسیون در باره اینکه تیم ملی جوانان می توانست با هزینه‌ای کم در مسابقه های قهرمانی جوانان آسیا در پاکستان شرکت جوید، ولی این سفر لغو شد «عقیده دارد، که ما تیم ملی جوانان نداریم، و هیچ گاه هم در مسابقات آسیائی جوانان شرکت نکرده ایم.»

وی در مورد اینکه در مقام رئیس فدراسیون به چه هدفی در مشتزنی اولویت میدهد و چه چیزی قسمت اعظم فکرش را مشغول کرده است، گفت: ما اولویت را به آموزش داده ایم تا پایه گذار مشتزنی در سطح وسیعی بین جوانان و نوجوانان باشد، و برای دست یافتن به چنین هدف آموزشی باید این برنامه ها اجرا گردد:

- «مدارک آموزشی با معیارهای مطمئنی تهیه وچاپ و منتشر گردد»

- «کلاسهای داوری و مربیگری در سطح مطلوبی تشکیل شود»

- «سعی شود که مربیان و داوران در کلاسهای بین المللی و قاره‌ای شرکت جویند»

- «قوانین و مقررات بین المللی بکس آماتور ترجمه و در دسترس کلیه پرسنل، یعنی مربیان و داوران و دست اندرکاران ورزش مشتزنی قرار داده شود»

سرهنگ نصرت‌الله قهرمانی در مورد شایعه اختلافی که میان اوویطرس نازار بیگیان پروزکرده و منجربه قهرچندروزه یطرس گردیده بود، گفت: ما با هم اختلافی نداشتیم که یطرس مشتزنی را ترک گوید و دوباره به آن بازگردد. او، آدمی مطلع و زحمتکش در مشتزنی است و فعلا بار سنگینی از بارهای مسئولیت و وظایف فدراسیون را بدوش می کشد...»

- بنظر شما، کجای کار مشتزنی بیشتر می لنگد؟

پاسخ این پرسش، مختصر داده میشود: «در شرایط فعلی نارسایی آموزشی چه از نظر علمی و چه از نظر عملی - و آن هم در سطح کشور» نصرت‌الله قهرمانی در خصوص اینکه چند سال یکبس کرده، و چند سال بود، از فضای یکبس فاصله گرفته بود، می گوید: «من در جوانی، یکبس می کردم، ولی هیچگاه در کادر فدراسیون نبوده ام... تنها بخاطر علاقه شدیدی که از دوران جوانی به مشتزنی داشته ام و اکنون شدیدتردارم، همیشه در کوران رکورد یا پیشرفت مشتزنی کشور بوده ام...»

«بهترین راه حل برای نجات ورزش مشتزنی از این فلاکت چیست؟» پاسخ سئوال بالا، اینست: «تعمیم و توسعه ورزش در سطح مدارس و باشگاههای کشور، بویژه از سنین پائین، و ایجاد رقابت در سطح مدارس و باشگاههای هر شهر، بعد هر استان، و آنگاه در رده یی بالاتر: کشور.

ما چنانچه بتوانیم، به چنین کاری دست بزنیم، زیربنای محکمی برای ورزش ساخته ایم، و موفقیت های آینده را هم تضمین کرده ایم.»

حمایت از باشگاهها و مربیان

- از رئیس سابق فدراسیون مشتزنی، چه میراثی برای شما باقی مانده است و آیا شما با ایشان، بخاطر همفکری تماس دارید؟»

قهرمانی میگوید: «ارزنده ترین میراث که از فدراسیون قبلی، برای ما بجا مانده، ممنوعیت مشتزنی در مدارس و آموزشگاههاست». در مورد اینکه آیا رئیس تازه فدراسیون درصدد برنیامده که از تجربیات ۱۶ ساله رئیس سابق فدراسیون استفاده کند و آیا تماس با او نگرفته؟ سرهنگ قهرمانی اظهار میکند: «متاسفانه به علت درگیریهای اقای امیرعلائی و مسافرت های وی به خارج از کشور تا کنون ممکن نشده که با او ملاقات کنیم ولی همیشه از راهنمایی های ایشان برخوردار بوده ام، و البته از طریق یطرس، که با او تماس دارد، و پل ارتباطی ما محسوب میشود...»

رئیس تازه فدراسیون در باره نبودن هیات مشتزنی در برخی مراکز استان و شهرستانها، می گوید: «روسای هیأت ها را شوراهای ورزشی شهرستانها و استانها انتخاب و پیشنهاد می کنند. و پس از تایید فدراسیون و تصویب دبیر کل سازمان ورزش رئیس و دبیر و اعضای هیات ها، مشغول کار میشوند. اما انتخاب و هدایت رئیس هیات بکس استان مرکزی، استثنائا از وظایف فدراسیون محسوب میشود، و اختیار این کار به ما واگذار شده است...

در مورد خداحافظی برخی از قهرمانان هم که پرسش شده، باید گفت: «از تاریخ تصدی من تا کنون حتی یک قهرمان ملی پوش با رینگ خداحافظی نکرده است و از شما تقاضا دارم که اگر کسی را سراغ دارید، نام او را ببرید.....»

- «آیا به اندازه نیاز ورزش مشتزنی، بودجه در اختیار فدراسیون قرار داده اند؟» پاسخ این سئوال هم چنین است:

- «بودجه فدراسیون مشتزنی نسبت به سال پیش، ۳۰ درصد افزایش یافته، و بگفته مسئولان سازمان ورزش، سال آینده از بودجه کافی برخوردار خواهیم بود.»

رئیس فدراسیون در مورد بازدید از باشگاهها و سالن های مشتزنی آنها و اینکه متوجه مشکلات باشگاههای صاحب مشتزنی، شده، یا نه» می گوید: «تقریبا، به تمامی باشگاههای تهران رفته، و سالن های مشتزنی و چگونگی فعالیت مشتزنان باشگاهها را دیده و به مشکلات و معضلات آنها، نیک وقوف یافته‌ام. باشگاهها تنها مراکزی است، که قهرمان تربیت می کنند، و مسئولان باشگاههای فعال در ورزش مشتزنی، مطمئن باشند که بطور قطع و یقین مورد حمایت و تقویت فدراسیون قرار خواهند گرفت و نیز ما، خواهیم کوشید که مربیان فعال و سازنده را مورد تشویق قرار دهیم.

فکر بازیهای آسیائی هستیم

سئوال دیگر اینست: «برای تامین کادر اداری و فنی و اموزشی فدراسیون چه فکری در سر دارید، و این فکر را چه زمانی عنوان می کنید؟» رئیس فدراسیون پاسخ می دهد: «در این زمینه ها، فکرهای اساسی کرده‌ایم، و از جمله، از همه پیشکسوتان و آگاهان دعوت کرده‌ایم که دست ما را در راه همکاری تازه و گسترده، بفشارند. خوشبختانه، از آنجا که عشق به ورزش مشتزنی، هنوز در دل بسیاری از اینان موج می زند، اکثرا به دعوت ما پاسخ مثبت داده‌اند، و ما ارزو داریم، که از حضور چنین افراد عاشق و علاقمند و آگاه، نهایت بهره‌برداری را بنفع پیشرفت کیفی و کمی ورزش بنمائیم...»

«از سازمان ورزش ایران، در وهله اول، چه توقع و انتظاری برای تقویت فدراسیون دارید؟»

سرهنگ قهرمانی می گوید: «ما از چنین سازمانی که عمری کوتاه دارد، انتظار اعجازآفرینی نداریم، ولی از رسانه های همگانی، بویژه نشریات ورزشی، انتظار داریم، که فدراسیون را در جهت تحقق و پیشبرد آرمانها و هدفها یاری دهند.» وی در این زمینه که برای حضور تیم ملی مشتزنی در بازیهای آسیائی تایلند چه اندیشه‌ای بسر دارد، و آیا اصلا فدراسیون بفکر حفظ موقعیت تیم قهرمان آسیا، هست یا نه؟ میگوید:

- «ما برای حضور تیم در تایلند، تدارک خوبی دیده‌ایم و از عنوان قهرمانی خود دفاع خواهیم کرد، اگر چه بعضی از کشورها، بویژه کره‌ایها فعالیت قابل ملاحظه‌ای می کنند تا در بازیهای آسیائی، خودی نشان دهند و افتخاری بچنگ آورند»

آینده روشن مشتزنی

- «اکنون عنوان «مربی تیم ملی مشتزنی» را چه کسی در اختیار دارد؟» قهرمانی در پاسخ می گوید: «با سر مربی و مربی تیم ملی در جلسه معارفه آشنا خواهید شد...» و بعد در زمینه ترتیب کلاس آموزشی برای تقویت کادر داوری یادآور میشود که بزودی، کلاسهای سیار داوری و مربیگری تشکیل میگردد، و نیازمندیهای ما در این زمینه از نیروی انسانی تامین میشود.

ما برای تقویت کادر داوری و مربیگری، نظام تازه‌ای برقرار می کنیم و کتاب و مدارک آموزشی هم - که اکنون زیر چاپ است - منتشر می کنیم.

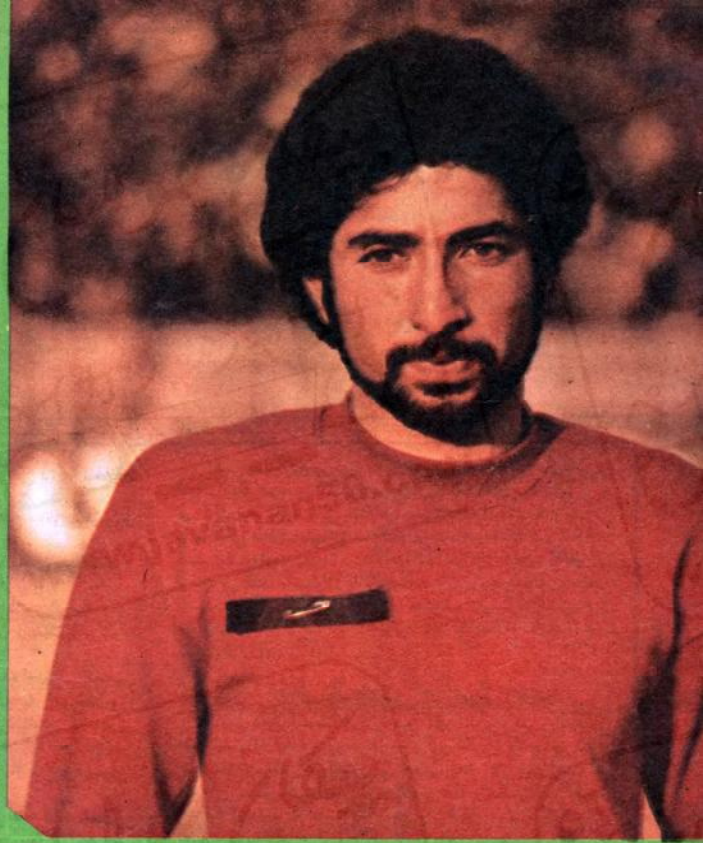
سئوال دیگر در این زمینه بود که گویا دخانیات تقبل کرده، هزینه سفر تیم ملی به مسابقه های جهانی را بپردازد، چرا که اکثر ملی پوشها، دخانیاتی اند.

رئیس فدراسیون گفت: تا امروز، باشگاه دخانیات چنین درخواستی نکرده است، و اگر هم حالا چنین پیشنهادی را بدهد، دیگر خیلی دیر شده است. اما، اگر دخانیات حقیقتا چنین فکری را دارد، و میخواهد، خدمتی به مشتزنی بکند، و کمکی به فدراسیون - بهنگام برپایی بساط مسابقه های اروپا که تیرماه انجام می گیرد، این محبت را بکند که مزید تشکر است...

آخرین سئوال به آینده ورزش مشتزنی مربوط میشود: تاریک؟ یا روشن؟ سرهنگ قهرمانی رئیس فدراسیون مشتزنی، با اتکا به طرح ها و برنامه هایی که در دست تهیه و تدوین دارد، می گوید: «این طرح ها، حساب شده است و دلیلی بر عدم اجرای آنها نمی بینم و فکر می کنم، با توجه به اینکه در این طرح ها و برنامه ها به آموزش و تعلیم اولویت داده ایم، بطور قطع و یقین ورزش مشتزنی، صاحب آینده‌ای موفق و روشن خواهد بود.



محمود حقیقیان (شهباز)



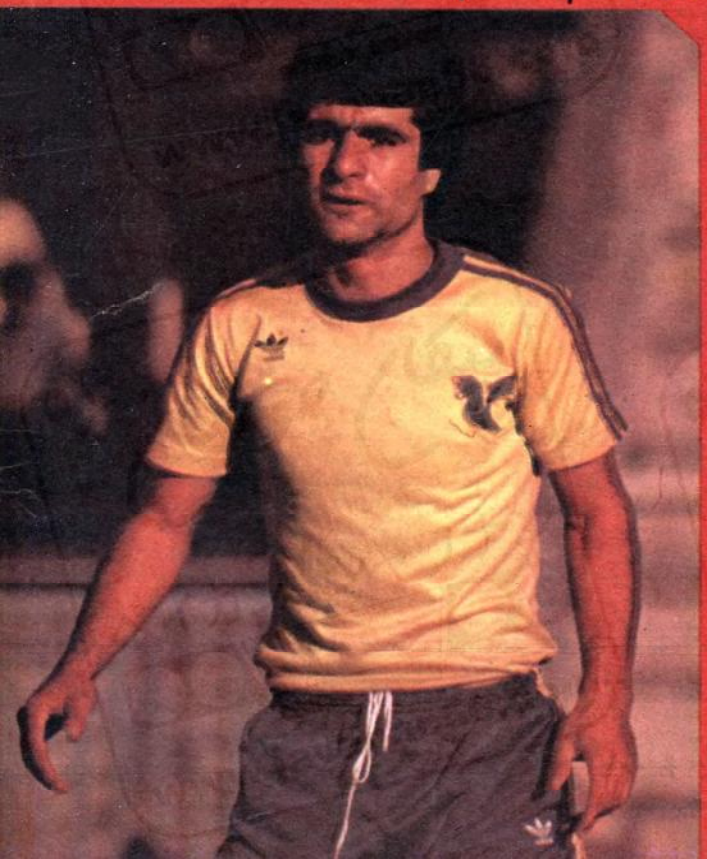
علی حیدری (شهباز)

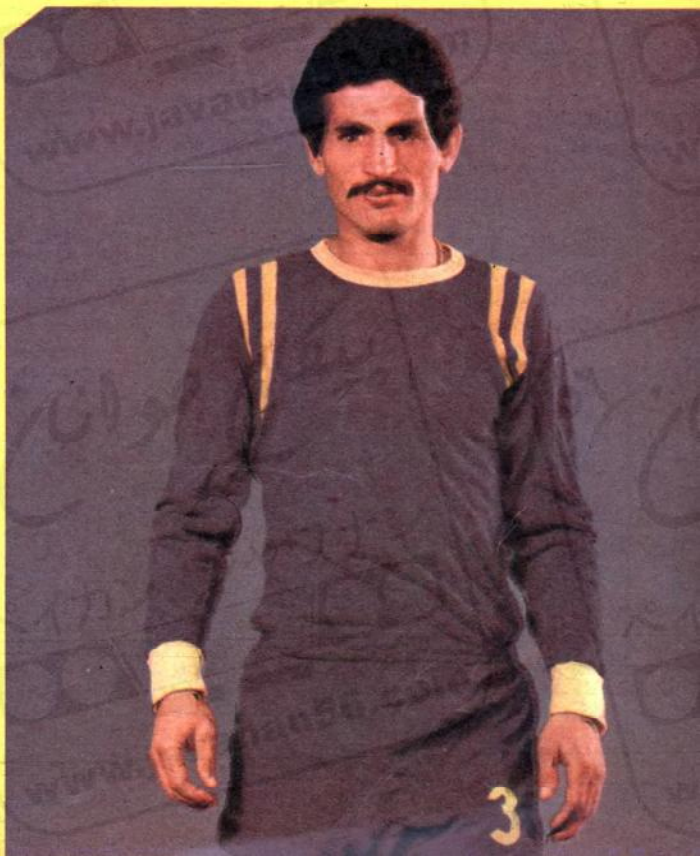
دنیای ورزش

نوستاره های جام ششم

علی کرم سوری (بانکملی)

بشیر رمضانی (هما)





ایران - بلغارستان

به این حرکت دفاعی اسکندریان نگاه کنید. یک مدافع چپ حرفه یی هرگز این چنین و با پای راست بدفاع از حریف مستقیم خود نمیپردازد. میرساند که او در مرکز دفاع و در سمت راست موثرتر از جناح چپ باید باشد.

شاید نداری و دست تنگی موجب شده باشد که او را در این سمت بکار بگیریم.

در اینجا اسکندریان را با کمی تاخیر رودرروی رانیوف مهاجم بلغار می بینیم. قیافه آرام مرد بلغار و چهره درهم اسکندریان حکایت از روز بد تیم ملی در برابر بلغارها مینماید. حریفی که هیچ چیز از قدرت فوتبال او ویا در چنته نداشت.



گفتگو بعد از دیدار ایران - بلغارستان

اشاره:

تیم ملی ما درسومین دیدار تدارکاتی‌اش با تیم ملی بلغار به نتیجه‌ی مساوی (۱-۱) رسید، اما باز هم حاجت تماشاگر ودست اندرکاران فوتبال را برنیاورد وصدای اعتراض از همه سو بگوش رسید. حتی مربی تیم ملی نیز برکار شاگردانش ایراد گرفت وصراحتا نارضایی خود را از همه‌ی بازیکنان ابراز داشت.

درچنین وضع وحالی، صرفنظر از آنچه خود به تفسیر بازی تیم ملی پرداختیم‌واشاره به نقاط ضعف ان نمودیم، به سراغ دیگر تنی چند از مربیان ودست اندرکاران وکارشناسان فوتبال رفتیم وبدین منظور با رایکوف (مربی یوگسلاوتیم ارارات)، جگیج (مربی یوگسلاوی الاصل تاج)، پرویز دهداری (مدیر تیم ملی زیر ۲۱ ساله ها)، جلال طالبی (مربی تیم ملی امید)، حسن حبیبی (مربی پاس) وحشمت مهاجرانی (مربی تیم ملی) به صحبت نشسته ایم تا هرکدام از دید خود مشکلات را بشکافند وراه حلی بنمایانند.

ولادیمیر جگیج (مربی یوگسلاوی الاصل تیم تاج)



جگیج، مربی آلمانی و یوگسلاوی الاصل تیم تاج نوی هردوسه جمله یی که میگوید، یکبارهم به این نکته اشاره میکند که مهاجرانی خودش باید تشخیص بدهد چه میکند. او مسئول است. او پاسخگو است و او باید عقیده و طرز فکرش را تحمیل کند.

و آنگاه وقتی با اصرار این جمله ها را گفت، برای آنکه جای ایرادی برای گفته ها و

زدراکو رایکوف (مربی یوگسلاو تیم آرارات):

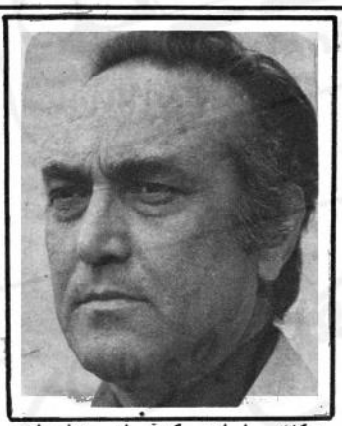


شش هفت سالی میشد که رایکوف در ایران بود. مدتی کوتاه با تیم ملی و زمانی دراز با تیم تاج و در این هر دو تیم چنان متهورانه و بی باک دست به جوانگرایی زد که همه را متحیر کرد، اما او آنقدر شهامت و جرات داشت که حرفش را بکرسی نشاند و نسل فوتبال را در این دو تیم چنان عوض کرد که خیلی از منتقدان آن روز پس از آن دعا گویش شدند.

رایکوف پس از آنکه با تاج بهم زد، چند ماهی با سپاهان کار آمد و چون در آنجا شرایطی باب طبع او نبود بار سفر بربست و به یوگسلاوی رفت. به تیم سابقش وودینا. اما ارارات‌ها پس از مطالعه و جستجوی فراوان طالب و خواهان او شدند و بار دیگر رایکوف را ـ که حالا زبان

پرویز دهداری (مدیرتیم ملی امید):

با این سیستم گل نمیزنیم، گل میخوریم!



پرویز دهداری سالها است که زندگی خود را وقف فوتبال کرده است، چه در آن زمانها که خود توپ میزد و یک شاگرد مدرسه سیزده چهارده ساله بود و چه در زمان ما و هم امروز که تیم ملی زیر ۲۱ ساله ها را برای سفر به تولون آماده میکند و در عین حال رهبری تیم صنعت نفت آبادان را بعهده دارد.

و اینها منهای آن دوران خاصی است که قدرت مربی گری و رهبری اش را با تیم «گارد» که بعدها به «هما» تغییر نام داد، ثابت نمود.

چنین مردی که خود همیشه یکی از بهترین ها بود و تکنیکی خوب داشت و در میانه میدان رهبری موفق و بازی ساز بشمار میرفت، یکی دیگر از کسانی است که ضعف تیم ملی را در دیدارهای تدارکاتی جستجو میکند و راه حلهایی، پیشنهاد میدهد:

بلغارها را که دیدم عالی نبودند. یک تیم معمولی و ضعیف با شیوه ی کشورهای حوزه ی بالکان. این تیم خیلی از سطح فوتبال ملی بلغارها فاصله داشت. یا لااقل در این سطح بازی نمیکرد.

اما از آنجا که نمیخواهیم به تجزیه و تحلیل تیم بلغار بپردازیم و برایمان تیم ملی ایران و اهمیت شرکت در جام جهانی ارزانتین مطرح است و ما دوست داریم که تیممان هر چه مجهزتر و بهتر به عنوان نماینده‌ی منطقه آسیا ـ اقیانوسیه ظاهر شود، هر آنچه باید در باره ی تیم ملی کشورمان میگویم.

اولین سئوالی که پس از مشاهده ی دیدارهای تدارکاتی برایم پیش آمد این بود که روشن شود مهاجرانی بازیکنان انتخابی خود را با توجه به یک سیستم خاص دعوت کرده است یا پس از گزینش و دعوت از افراد میخواهد سیستم معینی را برای مهره هایی که در اختیار دارد، در نظر بگیرد. البته این از اختیارات هر مربی است که هر کدام از این دو مورد را پسندید بکار برد. یا بهترین و نخبه ترین های فوتبال را گلچین میکند و بر حسب آمادگی و شرایط و خصوصیات آنها سیستمی را پیاده میکند و یا با توجه به شیوه یی که متناسب برای مسابقه های آینده اش، با حریفانی مشخص، میداند بازیکنانی را که صلاح میداند جمع وجور میکند. در اینصورت ممکن است بعضی بازیکنان خوب و سرشناس هم از اردو و از تیم ملی بیرون بمانند.

و با توجه بتمام مسئولیتهایی که یک مربی دارد، باید دست او را باز گذارد که هر طریقه را که صلاح میداند بکار برد. بعبارت واضح تر، مهاجرانی به اهمیت موضوع تیم ملی کاملا واقف است و از این حیث دید، تعصب و دقتش با یک مربی باشگاه فرق دارد. اگر همه در چشمی یک بازی را تعقیب میکنند او باید چهار چشمی به قضایا و اتفاقاتی که در زمین میگذرد، نگاه کند و هر چهار گوشه زمین را با کنجکاوی مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار دهد. شکل تیم را با این مطالعات است که باید تغییر دهد و سیستم تیمش را با همین تجزیه و تحلیل ها است که باید انتخاب کند.

با این وجود وقتی که تیم ملی ما در برابر بلغارها بازی میکرد، با آن تیمی که جلو یوگسلاوی وولز بازی میکرد از یک حیث وجه مشترک داشت و در واقع در این روز همان مشکلاتی را داشتیم که در آن روزها و این نکته ای قابل تامل میتواند باشد. مسائلی چون عدم همکاری در خط دفاع، فاصله ی نامتناسب بین هافبکها با مدافعان و مهاجمان و سرگشتگی و سردر گمی در خط حمله از مشکلاتی است که هنوز در تیم ملی رفع نشده است.

ملاحظه کنید. گلی که در برابر بلغارها خوردیم یک گل صددر صد مفت بود که سه مدافع ما هر سه داشتند بتوپ نگاه میکردند و یکی از بین این سه نبود که بازیکن بلغار را زیر نظر داشته باشد، بهمین علت هیچکس او را ندید که چطور بتوپ نزدیک شد و گل تیمش را زد.

تقریبا در همه ی نقاط زمین چنین اشتباهاتی دیده میشود و این نا هم آهنگی، تردید، بی توجهی بیازیکن حریف وجود دارد.

البته چیدن خط دفاع با هر خط دیگر با تشخیص و صلاحیت مربی تیم ملی بستگی دارد، اما گاهی میشود که ممکن است همه ی مهره ها درست در جای اصلی خودشان قرار نگرفته باشند و یک مربی از تغییر یا جا بجایی آنها با ترس و دلهره از عواقب وخیم آن که احتمالا پیش میاید، صرفنظر کند.

برای مثال میتوانم نظر خودم را بگویم، اگرچه با مهاجرانی است که آنچه خود میداند عمل کند. اگر من بجای او بودم نایب آقا را که یک بک چپ همه فن حریف واشنا به این نقطه است دراین محل قرار میدادم ودرمیان دفاع از اسکندریان والله وردی یک زوج کامل که جسور، پرحرکت وپرتوان اند، میساختم. درآنصورت این مشکل فعلی را نداشتیم که مردان دفاعی ما حتی نمیدانند درمحوطه ۱۸ قدم چه باید بکنند. با این تغییر مختصر، اغلب این افراد، با توجه به خصوصیاتی که خود دارند ودرتیم خود نشان داده اند، بوظایف خود آگاهی کامل نشان خواهند داد.

ویا درخط میانی، دیده شد که فاصله ی میان دفاع ومردان وسط زمین باندازه ایست که خیلی کمتر از حد معمول است. این سبب میشود که همیشه درزمین خودمان نیروهایمان را بسیج کرده باشیم وبا چنین کیفیتی وبا چنین سیستمی مطمئن باشید که بهیچ تیمی نمیتوانیم گل بزنیم اما همیشه درمعرض گل خوردن قرار خواهیم داشت.

ویا درخط حمله که همیشه تعداد فورواردها کم وبندرت غفور جهانی را داریم که اگر هم روی سراو توپی میرسد، اما کسی نیست که از کار او نتیجه بگیرد.

غفور یک بازیکن زحمتکش است که خوب میجنگد، خوب حرکت میکند. خوب سرمیزند، اما همیشه تنها است. باید شرایطی بوجود آورد وباو کمک کرد تا از این خصوصیاتش نتیجه بگیرد.

بنظرمن یک کمی روی مهره ها وروی پستهای افرادی که داریم باید مطالعه بشود.

چیدن مهره ها درزمین وهمکاری بین خطوط دفاعی، میانی وهجومی لازم است.

من قبول دارم که سیستم ۲-۴-۴ سیستمی کامل ومدرن است اما اجرای این سیستم برای بازیکنان ما خیلی مشکل است. از طرف دیگر فقط چیدن مهره ها بشکل ۲-۴-۴ نتیجه ای نمیدهد. باید بدانیم نقش دو مهاجم نوک چیست وچه خصوصیاتی را باید دارا باشند. باید بدانیم که چهار بازیکن میانی هرکدام چه وظایفی دارند وکدامیک باید نفوذ کنند، دفاع کنند و بازی ساز یا نگهدارنده وارامش دهنده باشند.

آیا درحال حاضر کسی دربین هافبکها دیده میشود که آن سرعت «هوش» سرعت انتقال وحضور ذهن را داشته باشد؟ آیا آنقدر نفس دارد که مرتب دررفت وبرگشت باشد؟. بموقع درخط حمله حاضر باشد وبموقع بکمک خط دفاع بیاید؟.

درحال حاضر همانطور که گفتم، عیب بزرگ تیم ما اینست که هم دفاع میکند، هم گل میخورد وباید فهمید که ما میخواهیم گل نخوریم وفقط بحفظ توپ بپردازیم، یا خیال داریم که اگر شرایطی پیش آمد، حتی برای گل زدن هم تقلا ونقشه یی داشته باشیم.

ناگفته نگذارم که نیت من از این ایراد گرفتن مداخله درکار مهاجرانی نیست واین کاملا دروظیفه ی مربی تیم ملی است که هرچه می پسندد انجام دهد وغرضی از این اشاره ها شاید کمک به او واصلاح معایب موجود ورفع مشکلاتی است که درحال حاضر، تیم ملی با آن دست به گریبان است.

البته ذهن مردم هم باید روشن شود که تیم ما درقالب هیچیک از ۱۵ تیم دیگر جام جهانی نیست. هریک از آن حریفان جهانی، سالها است که تجربه های بین المللی دارند وبعلت کیفیت خوب وبرخورداری از سازمانهای وسیعی که فوتبالشان را اداره میکند از همه جهات برفوتبال ما چربش وبرتری دارند.

مادرابتدای فوتبالیم وآنها سالهاست که ادامه میدهند. مالیگ ۵ ساله داریم وآنها ۵۰ ساله وصدساله ومعقول نیست که انتظاراتی بیش از حد از تیم ملی واز فوتبال خودمان داشته باشیم.

با این وصف توصیه ی من اینست که اگر هم درپی سیستم ۲-۴-۴ هستیم، آنرا با احتیاط اجرا کنیم، اما صرفا شکل دفاعی آنرا نپذیریم.

اگر بدانیم چه میکنیم واگر بدانیم بطور از مهره های موجود، با کمی تغییر درپست آنها، استفاده میکنیم، سیستم ۲-۴-۴ برای ما نامعقول هم نیست کار مشکلی است که بتوانیم آنرا پیاده کنیم، اما باید بکوشیم.

ودرخاتمه آرزو میکنم تیم ما، با عنوان نماینده آسیا واقیانوسیه، شایسته ی این انتخاب وگزینش باشد.

هافبکها قلب یک تیم اند و تیم شما قلب ضعیفی دارد

اظهارنظرهایش باقی نماند تاکید میکند که هرکس میتواند عقیده‌ی خودش را بگوید اما آنکه بایددرباره تیم ملی تصمیم نهایی را بگیرد مهاجرانی است.

جگیج که درروز دیدار تیمهای ملی ایران و بلغارستان درجایگاه خبرنگاران بتماشا نشسته بود اینطور درباره مردان ما و جریان بازی این روز به قضاوت نشست.

«اولا نمیخواهم مربی تیم ملی فکر کند که به کار او ایراد میگیرم. شاید او هم با من هم عقیده باشد و شاید هم من و او دو مسیرفکری مختلف داشته باشیم. انتظار دارم که او از حرفهای من نرنجد و امیدوارم که سلیقه‌ی شخصی من مفید باشد و مورد استفاده او قرارگیرد.

آنچه من از تیم ایران دیدم خیلی کمتر از آنست که قبلا از تیم ایران دیده بودم. تیم شما میتواند خیلی بهتر از اینها باشد و مهاجرانی میتواند بمراتب تیمی قوی‌تر و مثبت‌تر از اینکه درمقابل بلغارها قرارداده بود دراختیار داشته باشد.

بچه ها خیلی کند بودند. خیلی با توپ ورمیرفتند و خیلی تاخیر و تردید میکردند تا آنرا بیکی دیگر برسانند. از حیث بازی گروهی خیلی ضعیف نشان میداد و درمعنا هیچ فکر و هدفی نداشتند و بدون آنکه نقشه‌یی درسرپرورانند، بی نظم و بی آهنگ میدویدند.

مهره هایی که مهاجرانی بمیدان فرستاده بود آنقدر سنگین و تنبل بودند که من بعید میدانم درمسابقه های بین‌المللی و درارژانتین، با این بدنهای بی رمق کاری از پیش ببرند.

البته صحیح نمیدانم که بکار مربی تیم ملی ایراد بگیرم و چیزی بگویم که مزاحم کار او باشد و بخود اجازه نمیدهم که درکارش دخالت کنم چرا که او را یک مربی خوب و موفق میدانم اما از آنجا که از طرف یک نشریه ورزشی مورد سئوال قرارگرفته‌ام، لازم است هرآنچه فکر میکنم و هرآنچه بنظرم صحیح میرسد برای شما بگویم.

درکار مربی‌گری باید شهامت داشت و اگر پیش آمد که یک جوان ۱۶ و ۱۷ ساله هم از یک بازیکن بزرگ و قدیمی، اما کند و کم کار بهتر بود. بمیدان فرستاد. متاسفانه مربیان شما دراین مورد، اغلب شهامت کافی بخرج نمیدهند و نتیجه آن میشود که درسطح ملی نیز هنوز بازیکنان ۳۰ ساله چند تایی دارید که قادرهستند چرخ تیم شمارا روان بگردانند.

مسلما شما نخواهید توانست با این افراد مسن درآرژانتین ظهور خوبی داشته باشید و اگرچه دیراست اما ضرورت تغییر و تعویض چند تا از این مهره ها کاملا بچشم میخورد.

شما نگاه کنید به چهره تیم ملی برزیل که به سفرارو پایی آمده بود و درتدارک جام جهانی بود، آنها فقط یکی از مهره هایی را که درمونیخ بهمراه داشتند هنوز هم درتیم ارژانتینی خود بخدمت دارند و شما از آن تیم که درالمپیک مونترال و مونیخ داشتید چند تا را باقی نگهداشته‌اید.

من فکر میکنم مهاجرانی از عاقبت ناپیدا و نتیجه های احتمالا بدتیمش درآرژانتین می ترسد و بدین لحاظ همه‌ی فکر خودش را متوجه با تجربه‌تر ها کرده است.

او باید بداند که با این افراد نمیشود خوب کار کرد. نمیشود آنها را بکار سنگین کشید. نمیشود افکار و حرکاتشان را تغییردادد. آنها آنقدرییواش و کند و سنگین شده‌اند که فقط بدرد فوتبال آسیا میخورند.

بیادبیاورید که بلغارها و یوگسلاوها با آنکه خسته و فرسوده بودند، حتی درمقابل تیم شما عرق نکردند درحالیکه بلغارها ضعیف‌ترین تیم خود را بتهران آورده بودند. وقتی یک تیم، درچنین شرایطی نتـواند کاری صورت دهد بیقین درارژانتین وضعی بمراتب مشکلتر و اندوه بارتر خواهد داشت.

میدانید. راستش اینکه یک اردوی یکماهه بیش از این باید نتیجه بدهد. اما من از این اردوی یکماهه چیزی ندیدم.

علاوه برسنگینی و کندی که درنزد همه دیده میشد، مهره هایی که درزمین دیدم کمتر صاحب این خصوصیات‌اند که همدیگر را خوب ببینند و خوب حرکت کنند، خوب پشتیبانی کنند. اغلب مهره هایی که درتیم شما می بینیم غافل و بدون تجربه درکار دفاعی هستند و کمتر میدانند چگونه باید حمله کنند و موقعیت تیم را دراین دو مورد تشخیص بدهند.

البته اعتقاد همکار من درتیم ملی شاید چیز دیگری باشد و من و او دو طرز فکر مختلف داشته باشیم، اما من تغییرسیستم و تغییرافراد و یا جابجایی آنها را می پسندم.

برای مثال، هرمربی میداند که قلب یک تیم را هافبکها میسازند. این قلب باید خستگی ناپذیر کار کند و بهمه‌ی بدن خون برساند. البته من خودم هم درتیم تاج با چنین مشکلی روبرو هستم و مدام درپی آنم که این خلاءها را درتیم تاج بپوشانم و شاید چنین حساسیتی باشد که درتیم ملی هم فکرم متوجه این منطقه و کمبودی است که بچشم میخورد و از آنجا که مثل یک مربی خودم را جای مهاجـرانی میگذارم، تشـخیص میدهم که دانایی‌فرد، نظری و قاسمپور سه بازیکنی هستند که میتوانند میانه‌ی زمین را درتیم ملی شما بخوبی بپوشانند. آنها هرسه خوب فکر میکنند. سرعت عمل دارند. بازی ساز هستند. درکار دفاعی مداخله و مهارت دارند و بکار حمله میتوانند موثر و مددیار باشند.

من بارها این موضوع را به هرکس که پرسیده است گفته‌ام و باز هم میگویم که اگر قرارست درآرژانتین موفق باشید و درفوتبال سریع و بی رحمی که آنجا وجوددارد. پیش باخته نباشید باید تغییراتی درتیم خودبدهید، آنها را جرات کنید. ریسک داشته باشید و برای مثال این سه بازیکن را درمیانه میدان مورد امتحان قراردهید.

هرچه زودتـــر نسل کنونی تیم ملـی را عوض کنید

فارسی را بخوبی صحبت میکند، بتهران کشیدند.

مرد یوگسلاو، مرد آشنای فوتبال ما و آگاهترین مربی خارجی به احوال تیم ملی ایران، یکی از نظارتگران دیدار ایران ـ بلغارستان بود. حرفهایش درباره تیم ایران شنیدنی و قابل تعمق است و از آنرو که بی نظرتر از خیلی ها به این بازی ندارکاتی نگریسته، بهتر میتواند زیر و بمها را رو کند:

«اینطور که من دیدم تیم شما با فقر بازیکن روبرو نبود. آنها که جوانتر بودند و بجای دیگران وارد میدان شدند همه نشان دادند که قادرند تیم شما را راه بیندازند و کم از قدیمی ها ندارند و این تردید را بوجود میاورند که چرا زودتر بفکر آنها نیفتاده‌اید و نخواسته‌اید که تغییری در چهره‌ی تیم خود بدهید.

عقیده من اینست که شما هر چه زودتر نسل تیم خود را عوض کنید، موفق تر خواهید بود. همان کاری که من هفت هشت سال پیش کردم. اما تعجب من اینست که پس از این همه سال باز همانها در فوتبال شما باقی مانده‌اند. و کسی نتوانسته است یا به او میدان نداده‌اند که به تیم ملی راه یابد.

صرفنظر از این مسائل در تیم شما نه تاکتیک انفرادی خوبی بچشم میخورد و نه از تاکتیک تیمی خبری هست که بشود روی مسائل مربوط به آن انگشت گذارد و ایرادی گرفت و این نه گناه تیم ملی است و نه گناه مربی آن.

فوتبال شما حتی در سطح باشگاهی این کمبودها را دارد و اگر هر چه زودتر برای رفع آن نکوشید زیان بزرگی خواهید دید. مطمئن باشید اگر فوری و جدی بکار تاکتیکی نپردازید همینجا میمانید و درجا میزنید.

نگاه کنید، بیشتر بازیکنان شما بدون توپ نمیدانند چه کنند. وقتی صاحب توپ میشوند با آن به هنرنمایی فردی میپردازند و کاری به تیم و موفقیت آن ندارند. در حقیقت آنها تیم را فدای خود میکنند و فرق بازی خوب و بازی قشنگ را نمیدانند.

من شاهد بازی تیم شما در پرایر تیم ولز هم بودم. تیم شما عادت دارد که با ۳۰ تا چهل ضربه خودش را به دروازه حریف برساند و میدیدید که ولزیها برای رسیدن به دروازه از سه ضربه بیشتر استفاده نمی بردند.

بسیار دیده شد که پاسها غلط است. بدون توپ هیچ حرکت مثبتی دیده نمیشود. بازیکنی که توپ را با تاخیر زیاد بدیگری میسپارد کار خودش را تمام شده میداند و برجا میماند. در تیم شما فقط یکی را می شود دید که حرکت دارد و او نیز همان کسی است که توپ دارد یا همانست که با حریف مستقیم و صاحب توپش درگیری پیدا کرده است. دیگران همه تماشاگرند. تماشاگرانی که بی حرکت به حرکت توپ مینگرند.

فوتبال شما در حال حاضر بجایی رسیده است که نمیتوان از این مسئله بسادگی و بی اعتناء گذشت. باید مربیانی بسازید که فوتبال مدرن را بشناسند. در کلاسهای علمی و عملی و دوره های بخصوصی که برای اینگونه مربیان، در دنیا تشکیل میشود، شرکت کنند و بکار تکنیکی و تاکتیکی بازیکن و تیمی که زیر نظر دارند، جدی تر بپردازند.

فدراسیون فوتبال ایران در راه جهانی شدن و بالا بردن شوق مردم و انجام مسابقات، افزودن بر کمیت بازیکن خوب کار کرده است اما متاسفانه درست در شرایط و موقعیتی قرار گرفته‌اید که اگر دیر بجنبید همه‌ی این زحمات هدر میرود.

یونان هم مثل شما بود، وقتی باشگاه پاناتینایکوس‌آن موقعیت جالب اروپایی و جهانی را پیدا کرد و با این نام بلند آوازه شد، توجهی به این نکته نکردند و نتیجه آن شد که خیلی زود آن حباب ترکید. شما نباید این اشتباه آنها را تکرار کنید.

دومین موردی که بفکرم میرسد اینست که در حال حاضر نباید از مهاجرانی انتظار معجزه داشته باشید. او نمیتواند از یک دوچرخه یک هواپیما بسازد. مهاجرانی نباید اشتباه کند که میتواند با بدن سازی و در مدت دو ماه تیم ایران را در حد تیمهای دیگر جام جهانی قرار دهد.

وبهمین دلیل باید بکوشد تا مردم با واقعیت ها روبرو شوند، او باید مردم را قانع کند که فوتبال ایران یک حسود و ثغوری دارد، یک حجم و ارتفاعی دارد، نمیتواند از سقف معینی بیشتر پرواز کند.

باید مردم را آگاه کند که یک تیم در موقعیت بدن سازی و آمادگی نمیتواند سر حال و با طراوت باشد و اغلب دیدارهای دوستانه یا رسمی در این مواقع نتیجه‌ی خوبی نمیدهد.

باید بجمعیت حقیقت را گفت. باید تماشاگر از همه‌ی مسائل تیم ملی‌اش با خبر باشد تا کمتر دستخوش احساسات شدید شود و در مقابل تیم ملی کشورش جبهه بگیرد. باید مردم، همه بدانند که تیم ملی تا زمان برگزاری جام جهانی آرژانتین دو ماه وقت داشته است که یک ماه را با بدن سازی گذرانده و یک ماه را بکارهای تاکتیکی میپردازد و قصد از این دو ماه تدارک، این بوده است که در ارژانتین، به اوج آمادگی بدنی و روحی برسد.

صحبت از روحیه شد. باید به این تیم بیشتر روحیه داد. هر کس و با هر مسئولیت باید در جهت بالا بردن روحیه تیم ملی بکوشد. در انصورت مطمئن باشید نتیجه‌ای بهتر از این خواهید گرفت. چرا که در حال حاضر غیر ممکن است بتوانید «کلاس» تیم خود را عوض کنید. آن هم با این زمین بد پر پستی و بلندی که من در ورزشگاه آریامهر دیدم، چه میشود کرد؟

حرف دیگری هم با مهاجرانی دارم. اگر میخواهد مربی خوبی باشد نباید بترسد. ترس بزرگترین بلای جان یک مربی و یک تیم است. اگر من جای مهاجرانی بودم هر چه زودتر نسل تیم ملی را عوض میکردم. اگر چه کلی دیر شده است و اگر چه صلاح نبوده است که در فاصله‌ی دو ماه تا جام جهانی، آن همه بازیکن را به اردو بخواند، اما همین حالا هم دیر نشده است. باید جرات داشته باشد و از جوانترها حمایت کند. آنها را که من دیدم کمتر از دیگران نبودند که از زمین بیرون رفتند. آنها بازیکنان با استعدادی بودند.

اینکه میگویم تا دیر نشده به جوانها باید اجازه بازی داد از آن جهت است که مبادا شما هم اشتباه یوگسلاوها را تکرار کنید. آنها نیز در جریان مسابقه های خود، ناگهانی به جوانگرایی پرداختند و ضرر کردند. اگر شما هم مجبور شوید در روزهای نزدیک به جام جهانی یا در خلال آن ایام جوانها را بمیدان بفرستید بهمان روز و حال می افتید.

باز هم حرفهایم را خلاصه میکنم.

ـ به این تیم روحیه بدهید، نمیشود به آنها کلاس داد.

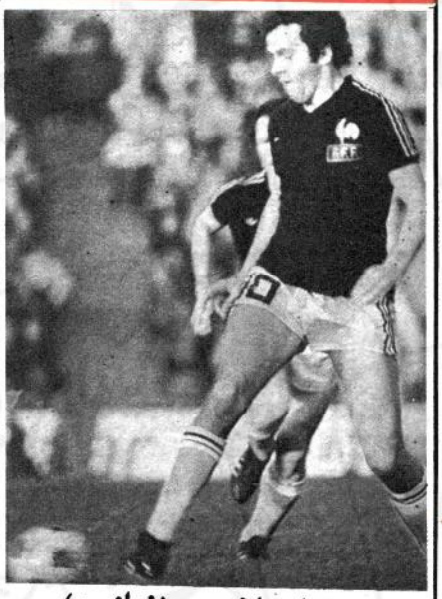
ـ به مردم حقیقت را بگوئید، بد و خوبش را.

ـ باجرات باشید، نسل تیم ملی را عوض کنید.

ـ هر چه زودبفکر مربیانی باشید که بتوانند به تیم خود درس تاکتیکی بدهند.

تهیه و تنظیم از:
فرامرز تهرانی رفیع

با ستارگان «جام جهانی» بهتر آشنا شوید!



میشل پلاتینی (فرانسه)

- نام: میشل پلاتینی
- محل تولد: جوئیوف.
- تاریخ تولد: ۲۱ ژوئن ۱۹۵۵.
- باشگاه: ا.اس.نانسی (فرانسه).
- قد: ۱/۷۰متر.
- باشگاه قبلی: جوئیوف.
- وضعیت خانوادگی: ازدواج کرده‌ام.
- نوع اتومبیل: «رنو۵».
- بازیکن مورد علاقه: ماریوس ترسور (کاپیتن تیم ملی فرانسه ـ باشگاه المپیک مارسی).
- تیم مورد علاقه جز تیم باشگاهی فعلی خود: جوئیوف.
- سخت‌ترین بازیکنی که تابحال درمیدان برابرش قرار گرفته‌اید؟

ـ ماریوس ترسور.

- فراموش نشدنی‌ترین مسابقه؟: دیدار با تیم ملی بلغارستان که فرانسه با پیروزی دران به جام جهانی آرژانتین راه پیدا کرد.
- بزرگ‌ترین «شادی» که تابحال در فوتبال داشته‌اید؟: رسیدن به بازیهای جام جهانی آرژانتین.
- سخت‌ترین ناکامی که داشته‌اید؟

ـ شکست در دیدارهای مقدماتی جام جهانی در دوبلین برابر تیم ملی ایرلند که وقتی باختیم فکر کردم دیگر به آرژانتین نخواهیم رسید.

- برنامه مورد علاقه تلویزیونی؟

ـ برنامه های ورزشی.

- خواننده مورد علاقه: سیلوی مارتین
- هنرپیشه های مورد علاقه؟: الن‌دلون و بریژیت باردو.
- موثرترین عامل برای پیشرفت در فوتبال:

ـ پدرم «الدو» که علاقمندی به فوتبال را درمن بوجود آورد.

- افتخار بین‌المللی: پوشیدن پیراهن تیم ملی فرانسه.
- چه آرزوئی دارید؟

ـ در بازیهای آرژانتین درخشش داشته باشم.

- اگر فوتبالیست نمیشدید، فکر میکنید چه کاره میشدید؟

ـ معلم ورزش.

- علاقه دارید چه شخصیت جهانی را ملاقات کنید؟

ـ هیچکس بخصوص را!

طغیان علیه کوتینهو!

روزی که «کلودیو کوتینهو» مربی تیم ملی فوتبال برزیل اسامی ۴۰ بازیکن برگزیده خود، برای حضور در اردوی تدارکاتی جام جهانی آرژانتین را اعلام کرد و نامی از «پائولوسزار» توپچی سیاه این دیار بمیان نیاورد، صد ها برزیلی مقابل «فلراسیون فوتبال برزیل» اجتماع کردند و فریاد زدند: ما «زاگالو» را می خواهیم، ما «پائولو سزار» را می خواهیم، ما «کوتینهو» را نمی خواهیم!.

«زاگالو» در سال ۱۹۷۴ ، جام جهانی مونیخ مربی تیم ملی برزیل بود که پس از بدست آوردن مکان چهارمی بازیها پس از المان غربی، هلند، لهستان، بار سفر خود را بست و به کویت رفت و حالا مدتی است به برزیل بازگشته و مربی تیم باشگاهی «بوتافوگو» میباشد و با توجهی که تماشاگران برزیلی درگیرودار این مسئله به او نشان دادند و خواستارش شدند، بنظر میرسد گناه ناکامیش در «مونیخ» بخشیده شده باشد.

«پائولوسزار» در برزیل محبوبیت خاصی دارد و در کنار اینکه بازیگری پر توان است، در بیرون از میدان زندگی خاص و مجللی دارد که مورد پسند «کوتینهو» نیست!

او در گرانترین رستورانها غذا می خورد و اوقات بیکاریش را با دختر ها در دانسینگ ها می گذراند و این همان چیزی است که «کوتینهو» آن را نمی پذیرد.

در برزیل بنظر میرسد یک بازیکن میان فوتبال و دوستی با دختر ها یکی را انتخاب کند، همچنانکه «فرانسسکو مارینهو» هم بهمان دلیلی خط خورد که «کوتینهو»، پائولوسزار را انتخاب نکرد.

«مارینهو» که از انتخاب نشدن خود سخت ازرده است، در این باره می گوید: من می توانم تیمی تشکیل دهم که برگزیدگان برزیلی برای جام جهانی را شکست دهد، ولی بهر تقدیر منهم مثل همه دیگر برزیلی ها، امید دارم برزیل در ارژانتین پیروز شود و انتظار قهرمانی اش را می کشم.

✱ ولی بهر صورت پس از هیاهوی برزیلی ها برابر نحوه انتخاب کوتینهو، حالا بار دیگر آرامش بر قرار شده است تا بعد چه پیش آید و اگر برزیل در ارژانتین مغلوب شود، اتوقت است که باز «طغیان» بر علیه کوتینهو شکل گیرد.

خانه بزرگ برزیلی ها در آرژانتین

اقامتگاه تیم ملی فوتبال برزیل درگیرودار بازیهای جام جهانی آرژانتین، خانه‌ای بزرگ واقع در اردوگاهی به مساحت ۱۳۵۰۰۰ مترمربع خواهد بود.

این خانه که در فاصله ۱۵ مایلی استادیوم «ماردل پلاتا» (محل دیدارهای تیم برزیل در گروه سوم) قرار دارد، دارای ۳۷ اتاق و یک سالن بزرگ است و همچنین آشپزخانه‌ای که آشپزهای برزیلی میگویند این بزرگ‌ترین آشپزخانه‌ای است که تا بحال دیده‌اند.

در این اردوگاه زمینهای فوتبال و پارکهای متعدد قرار دارد و تا پیش از آغاز دیدارهای جام جهانی، تیم ملی ارژانتین میزبان مسابقات درآنجا اردو خواهد داشت.

غذای سنگین پیش از مسابقه!

یک نکته جالب و البته بدور از مسائل تکنیکی و تاکتیکی درمورد تیم ملی فوتبال برزیل بخوانید که در نوع خود شنیدنی است.

این نکته مربوط به برنامه غذائی بازیکنان میشود که برزیلی ها شیوه‌ای متفاوت با حال و روز معمول برگزیده‌اند و جریان بدینصورت است که برخلاف خیلی ها که میگویند آخرین غذای پیش از مسابقه بایستی «سبک» باشد، برزیلیها ضمن خوردن یک وعده مفصل و کامل غذا راهی میدان میشوند که این سبب تعجب فراوان شده است.

غذای پیش از بازی فوتبالیستهای برزیل را: سوپ جوجه، برنج، استیک، سیب‌زمینی، میوه یا پنیر و آب معدنی تشکیل میدهد، در عین اینکه پس از بازی هم جوجه و برنج به آنها داده میشود برزیل با این روش غذائی موفق شده است سه جام جهانی را نیز تصاحب کند!

گفت و شنود با کاپیتن های جام جهانی:

چهارمین کاپیتنی که از جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین وفوتبال دیارش این هفته برای شما سخن میگوید، «روبرتو ریولینو» کاپیتن بزرگ ملی پوشهای برزیل است، رهبر میدان مردانی که با این اندیشه وهدف می آیند تا فاتح «جام ۷۸» باشند ودرسیمای بزرگ ترین «شانس» فتح عنوان قهرمانی. نگاهها را ملتهبانه در پی خود دارند.

« برزیل» نه تنها امید تردید نا پذیر آمریکای جنوبی درشکار بزرگ جام است که از حالا همه جنوبیها تلالو قهرمانی را درچهره توپچیهای آن می بینند، بلکه اروپائیها نیز «برزیل» را بعنوان قدرتی شایسته وغیر قابل انکار در کورس صیدجام می ستایند.

«سه بار فتح جام جهانی» اوج افتخاری است که فوتبال ملی یک سرزمین بخود دیده و «برزیل» هم شکارچی این «افتخار» بوده است، برزیلی ها راه پرفروغ خود درصحنه پیکارهای «جام جهانی» را از سال ۱۹۵۸ آغاز کردند، بازیهای سوئد که برزیل با پیروزی درجدال برابر مردان سرزمین میزبان «قهرمانی» را به جنگ آورد.

درحالیکه پیکار برزیل ـ سوئد درفینال «جام ۵۸» پرگل ترین فینال درتاریخ جام جهانی تابدینجای راه است که با ۷ بار سقوط دروازه ها سرانجام برزیلی ها با پیروزی ۵ـ۲ از میدان سرفراز بیرون آمدند. بعداز دیدارهای سوئد، دربازیهای ۱۹۶۲ شیلی و ۱۹۷۰ مکزیکو، برزیل دوبار دیگر سایه های قدرت جادوئی خود را درسایه ساقهای معجزه ساز مردانتش بر «فوتبال دنیا» کشاند در «مکزیکو ۷۰» کارلوس البرتو کاپیتن تیم ملی برزیل بود وبا دستهای او بود که «جام ژول ریمه» برای همیشه به برزیل برده شد تا با سیمای فاتح همیشگی اش آنرا نگاه دارد.

نگاهها دنبال بخت بزرگ

در «مونیخ»، بازیهای جام جهانی ۱۹۷۴ «برزیل بزرگ» مکانی بالاتر از چهارم بدست نیاورد ودرپی شکست از لهستان با نتیجه ۰ـ۱ درمسابقه رده بندی بود که حتی به مدال برنز هم نرسید.

وپس از دیدارهای ۱۹۷۰ مکزیکو، حالا یکبار دیگر «امریکای جنوبی» میزبان جام جهانی است ونگاهها درپی پیدا کردن بخت های بزرگ قهرمانی وسرنوشت ساز نیز بیش از همیشه بسوی جنوبیها است وبالاتر از همه آنها هم «برزیل» مقتدر نشسته است.

المان غربی وهلند از اروپا وآرژانتین از آمریکای جنوبی دیگر بزرگانی اند که درکورس قهرمانی، نام آنها درمیان است، درعین اینکه «دنیای توپ گرد» دیدی دیگر به برزیل دارد که «صیاد» جام ۷۸ باشد، و «کاپیتن ریولینو» نیز آن توپچی است که با قهرمانی برزیل، جام را خواهد گرفت.

او کاپیتن ملی سرزمینی است که فوتبال با خون فرزندانش آمیختگی دیرین دارد واحساس به آن چیزی درحد یک پرستش است.

گناه و تقصیر در فوتبال برزیل، جزائی بزرگ دارد واسان بخشیده نمیشود. «ریولینو» را درکنار قدرت تپش وهمه شکوه وعظمتی که دارد، باید مضطرب ترین کاپیتن در صحنه آرژانتین هم دانست، میلیونها برزیلی بی آرام وپرجوش وخروش از او درمیدانها «پیروزی وقهرمانی» میخواهند واگر چیزی جزآن شود «عصیان وهیاهو» بدنبالش خواهد آمد وهمینهاست که «بازیهای ۷۸» را پرالتهاب ترین «میدان» برای کاپیتن روبروتو خواهد کرد، مردی که درجام ۷۰ مکزیکو هم با تیم ملی برزیل بود، ولی حالا یک کاپیتن هم هست واین به همه چیز برای او رنگ دیگری میدهد.

تیم بهتر، باید پیروز شود

بهر تقدیر حاصل گفت وشنود با «ریولینو» چنین است که آنرا برایتان میاوریم، گفت وشنودی دراطراف جام جهانی وتیم ملی فوتبال برزیل.

✱ بسیاری از عقاید فوتبال دوستان برآنیست که در «جام جهانی آرژانتین»، برزیل فاتح «قهرمانی» خواهد شد، درکنار این نظر عمومی خود شما بعنوان «کاپیتن برزیل» چه عقیده‌ای دارید؟

ـ نخست اینکه وجود چنین طرزاندیشه‌ای نسبت به «برزیل» موجب غرور ما است، و در پاسخ به سئوال هم باید بگویم من هم «برزیل» را یکی از شانسهای «قهرمانی» میدانم.

ـ تیم ما برای تصاحب «جام جهانی ۷۸» شرایط ووضعیت قابل تعقیبی دارد که البته فعلا نقایصی هم درکارمان هست که برای استواری بیشتر، «کلودیو کوتینهو» مربی تیم بایددربرطرف کردن آنها موفق شود.

✱ کیفیت بازیهائی که دردیدارهای مقدماتی جام جهانی در کالی «کلمبیا» برابر پرو و بولیوی برگزار گردید و اصولا موجودیت کار برزیل، از دیدخودتان چگونه بود؟

ـ درهنگام آن بازیها، مدت کوتاهی بود که «کوتینهو» مربیگری تیم ملی را بدست گرفته بود و «تیم» هنوز نسبت به گذشته دگرگونیهای چندانی نداشت و اینکه مربی بتواند درکار تیم نظریاتش را پیاده کند.

بهرحال برای ما مهم همان بود که مسابقات را بردیم و به ارژانتین راه پیدا کردیم، و دیگر اینکه به نظرمن هرتیمی درمیدان «بهتر بازی کند پیروز هم میشود و این درست نیست که تیمی بهتر باشد ولی پیروز نشود و «برزیل» هم درمیدانهای «کالی» پیروز شد.

شانسها برابرند

اما درکنار همه اینها حرفها اینرا بگوییم که «برزیل واقعی» را درارژانتین ببینید، بازیهای مقدماتی را فراموش کنید و «برزیل ۷۸» را بخاطر بسپارید!

✱ اصولا فکر میکنید در «جام جهانی آرژانتین» این مسئله امکان داشته باشد که «قهرمانی» نصیب تیم اروپائی گردد؟

ـ مطمئنا بله! من معتقد هستم تیمهای

روی موج جام جهانی...

فوتبال ایران از دید خبرگزاری ها

خبرگزاریهای خارجی درکش و قوس مسائل خبری خود، در عین حال تفسیرها و بررسیهائی نیز از قلم نویسندگانشان در اطراف حوادث روز دارند که در دوران کنونی، اینگونه مطالب درباره جام جهانی آرژانتین و برنامه هائی است که درحول و حوش آن صورت می گیرد.

و بتازگی هم با در نظر گرفتن بازیهای تدارکاتی اخیر جمعی از تیمهای برگزیده برای جام جهانی، نگاهی به گروهی از این تیمها شده است که بررسی کوتاه درباره فوتبال ایران را برایتان می آوریم:

✱ ایرانیها حرف چندانی برای آنکه از هاله ناشناخته بودن، در بازیهای آرژانتین بیرون آیند نشان نداده اند.

ایران در دو دیدار تدارکاتی اول خود، برابر یوگسلاوی صفر-صفر مساوی کرده و از ولز ۰-۱ شکست خورد در حالیکه هر دو مسابقه هم در تهران بوده است.

تکیه عمده تیم ایران بردفاعش میباشد که بنظر میرسد درهم شکستن آن دشوار باشد ولی عدم سرعت عمل درکار دفاعی سبب میگردد، دست حریفان را در مقابله با آن بازتر کند تا کمتر دچار اشکال شوند.

پروئی ها: اسکاتلند و ایران را می بریم!

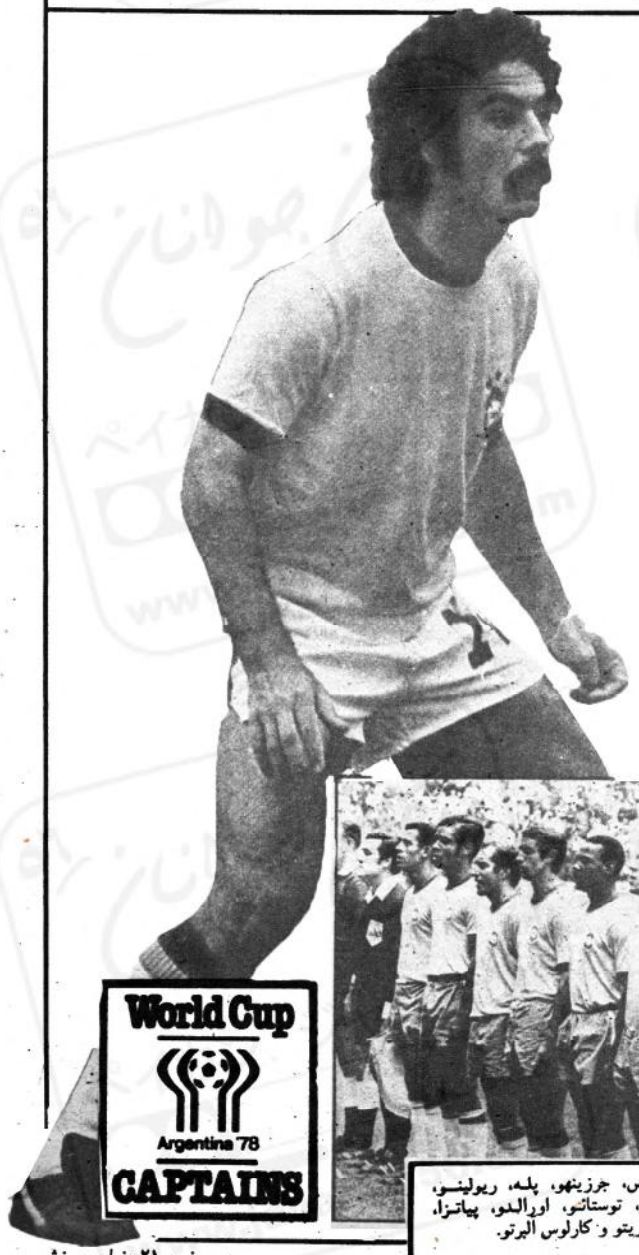
«مارکوس کالدرون» مربی تیم ملی فوتبال پرو که زیر فشار انتقادات مطبوعات کشورش، بالاخره بار سفر به اروپا را بست تا بازی یکی از حریفان پرو در جام جهانی آرژانتین را تماشا کند، دست خالی و ناکام راه بازگشت را در پیش گرفت:

«کالدرون» برای تماشای مسابقه «اسکاتلند - ایتالیا» راهی ایتالیا شده بود ولی اسکاتلندیها در این مسابقه مهره های ذخیره خود را بمیدان فرستادند و مربی پروئی نتوانست، چیزی از قدرت و موجودیت تیم بریتانیائی دستگیرش شود.

نکته جالب در مورد پرو اینست که بازیکنانش گفته اند، در آرژانتین، ۲ مسابقه از سه دیدار خود در گروه چهارم را برابر اسکاتلند و ایران خواهند برد و همراه هلند به یک چهارم نهائی میروند. ولی در برابر این عقیده، جالب تر اینکه تماشاگران پروئی چندان با نظر خوش به حرف بازیکنان ملی خود نگاه نمیکنند و بقول معروف چشمشان آب نمیخورد که این ادعا، درست از آب درآید و پرو به یک چهارم نهائی برسد.

۴- روبرتو ریولینو (برزیل)

«شکوه» برزیل را در آرژانتین ببینید!



اروپائی برای بدست آوردن جام درارژانتین همانقدرشانس دارند که تیمهای آمریکای جنوبی از آن برخوردارند. و اگر بیائیم تیمهای بزرگ اروپا و آمریکای جنوبی را با مقایسه بازیکن به بازیکن بررسی کنیم، می بینیم اختلاف چندانی میان قدرت های تیمی وجودندارد.

✱ آیا این واقعیت دارد که «فوتبال برزیل» میکوشد تا بعضی ویژگیها وخصوصیات اروپائیها را درکار خود وارد سازد؟

- ما احتیاج نداریم چیزی از «فوتبال اروپا» برای خود بگیریم، «برزیل» با شیوه کار خودش سه بار «فاتح جام جهانی» شده است، آیا به قدرت بیشتری هم نیازمند هست؟

درجام جهانی ۱۹۷۴ هنگان فوتبالی را که هلند ارائه داد، تحسین کردند، درحالیکه این نخستین باری بود که هلندیها به فینال میرسیدند و تا پیش از این، فکر میکنم حتی به بازیهای جام جهانی راه هم پیدا نکرده بودند! از چنین تیمی «برزیل» چه میتواند بگیرد؟

مسئله دیگر وواقعیت امرانیست که «فوتبال برزیل» فقط درراهی که خودش پیدا کرده بایستی قدم بردارد و این بدلیل موقعیت و شرایط این ورزش درسرزمین ما است.

هر چه روزنامه ها بخواهند!

دربرزیل «روزنامه نگاران» بزرگترین مسئله اند. با قدرت فراوان و نقشی غیرقابل انکار درسرنوشت «فوتبال» و هرچیزی بایستی همانطور شود که آنها میخواهند و اگر غیراین باشد با نوشته هایشان و انتقادهای کوبنده، جنجال بپا میسازند و بعنوان مثال برایتان میگویم که سرنوشت مربی قبلی تیم ملی برزیل «اوسوالدو براندائو» را روزنامه نگاران تعیین کردند. او دردوران مربیگریش حتی یک مسابقه را هم نباخت ولی روزنامه ها فقط پیروزی میخواستند و بالاخره هم «اوسوالدو» رفت.

برای روزنامه های برزیلی فرق نمیکند که مسابقه ای دوستانه است و یا فینال جام جهانی، آنها فقط میخواهند «برزیل» بازی را ببرد، حتی با نتایج ۰-۱۰ و ۰-۲۰!..

بنا براین اگر برزیل بخواهد دنبال روشهای تازه و دگرگونی در کارش هم برود، نیاز به زمان برای آزمایش دارد و قاعدتا بایستی اندیشه «پیروزی» در دیدارهایش را نداشته باشد، و اتوقت است که مشکل روزنامه و سر و صدایشان پیش می آید و بهر تقدیر این را هم باید بگویم که وجود چنین شرایطی خود یکی از دشواری های «فوتبال برزیل» است که همیشه فقط بایستی به «برد» فکر کند.

✱ در مورد عوض شدن های مربیان تیم ملی برزیل و اثراتش چه میگوئید؟

✱ از دید من تغییر مربی، بخصوص در گیرودار انجام مسابقات، بهیچ شکل درست و اصولی نمیتواند باشد.

چه بازیکنان تا بیایند با روش کار «مربی» و برنامه هایش خود را تطبیق دهند، با تعویض مربی بایستی شکل تازه ای را دنبال کنند. ضمن این که تا پذیرفتن حال و هوای تازه و جا افتادن مجدد تیم، به «زمان» احتیاج است که همین کار را دچار وقفه میکند.

فردا را کسی ندیده!

✱ تحت این شرایط فکر میکنید «کلودیوکوتینهو» تا بازیهای «جام جهانی» پست مربیگری خودش را حفظ کند؟!

- این را هیچکس نمیداند که فردا چه پیش خواهد آمد! فقط من امیدوارم که او در پستش باقی بماند.

✱ شما بیش از ۱۰۰ دیدار با «تیم ملی» برزیل داشته اید، و در همه آنها نیز از بازیکنان بزرگ و پر فروغ تیم خود بوده اید، خودتان کدام مسابقه را «انتخاب» میکنید؟

✱ - با تیم ملی برزیل دیدارهای فراموش نشدنی زیاد داشته ام، ولی فینال جام جهانی ۱۹۷۰ مکزیکو میان همه یک استثناء است که نمایش واقعی از قدرت فوتبال برزیل نشان داده شد.

برزیل آن فینال را ۴-۱ از ایتالیا برد و برای بار سوم به «قهرمانی دنیا» دست یافت.

✱ فکر میکنید «برزیل» یا کشور دیگری بتواند بار دیگر تیمی بقدرت «برزیل ۷۰» داشته باشد؟

✱ نه، گمان نمیکنم چنین چیزی پیش آید، «تیم برزیل ۷۰» بیرون از اندازه های دنیای امروز بود که دیگر نه برزیل و نه سرزمین دیگر نمیتواند به حد قدرت آن دست یابد!

✱ «بزرگ ترین توپچی دنیای توپ گرد» از دید شما چه کسی است؟

✱ - برای داشتن این لقب هیچ فوتبالیستی شایسته تر از «پله» نمیتواند باشد.

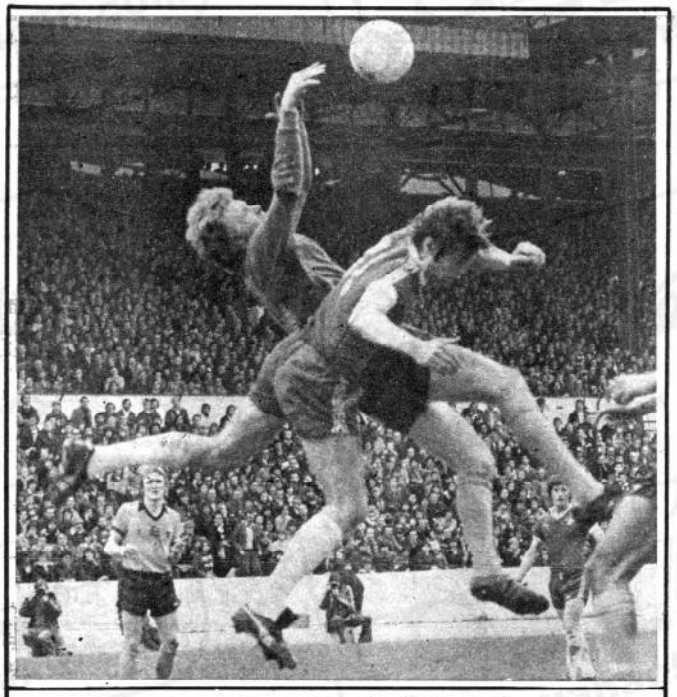


تیم «برزیل ۷۰» چیزی بیرون از اندازه های دنیای امروز بود؛ و اینها مردانی اند که در «مکزیکو ۷۰» قهرمان دنیا شدند؛ از راست:

فلیکس، جرزینهو، پله، ریولینو، کلودوالدو، توستائو، اورالدو، پیاتزا، جرسون، بریتو و کارلوس آلبرتو.

فوتبال دراروپا

انگلستان «فینالیست» ۶ گل خورد!



«وولوز» با پیروزی ۲ـ۱ مقابل منچستر یونایتد گامی بزرگ در راه گریز از سقوط به گروه دوم برداشت، این صحنه‌ای از بازی گذشته وولوز برابر چلسی است که «ایریال پاتس» دروازه‌بان وولوز توپ را از فراز یک مهاجم حریف مهار می کند.

راه چندانی تا پایان پیکارها در انگلستان باقی نمانده است، سرنوشت «جام قهرمانی» را توپچیهای نایتنگهام فارست تعیین کرده‌اند و در قعر جدول هم در سقوط نیوکاسل و لیترسیتی حرفی نیست ضمن اینکه اینرا هم میتوان گفت تیم سوم سقوط کننده نیز «وستهام» است که فقط یک معجزه قادر به نجات آن از رفتن به گروه دوم میباشد.

ناتینگهام فارست «صدرنشین قهرمان» بازیها یکی از دیدارهای تشریفاتی‌اش، مقابل بیرمنگام را با تساوی بدون گل به آخر برد، و این در عین اینکه برای ناتینگهام دیداری بی تفاوت بود، ولی یک امتیازش برای بیرمنگام سبب گردید، درست در میانه جدول قرار گیرد و از همسایه‌اش ایپسویچ یک قدم فاصله گیرد.

ایپسویچ که امروز (شنبه) بازی فینال جام حذفی انگلستان را در استادیوم ویمبلی «لندن» مقابل ارسنال برگزار میکند، با نتیجه حیرت برانگیز ۱ـ۶ دیدار با استون ویلا را باخت! و در میدانی دیگر اورتون هم ۰ـ۶ چلسی را در هم کوبید.

«باب لاج فورد» توپچی معروف اورتون ۲ گل از ۶ گل تیمش را بثمر رساند و رقم گلهایش در این فصل را تا ۳۰ بالا برد که توانست جایزه ۱۰۰۰۰ پوندی روزنامه دیلی اکسپرس را تصاحب کند. دیلی اکسپرس این جایزه را برای اولین فوتبالیستی که رقم گلهایش در این فصل به ۳۰ برسد تعیین کرده بود.

جالب اینکه «لاج فورد» گل دوم خود در دیدار با چلسی را که سی امین گل او بود، یک دقیقه بخاتمه وقت بازی از نقطه پنالتی در دروازه حریف جای داد.

گذشته از ۲گل لاج فورد، ۴ گل دیگر اورتون را مارتین، نیل روبینسون، بیلی رایت و میک لیونس بدست آوردند.

آستون ویلا هم با ۶ گل ایپسویچ را شکست داد و این برای «بابی روسون» مربی ایپسویچ سخت غم‌انگیز بود که در آستانه فینال بزرگ امروز «جام حذفی» دفاع تیمش را اینطور متزلزل و تسلیم پذیر دید.

جان دیهان (۲)، اندی گری، بریان لیتل، فرانک کاروِدوس و گوردون کوانس گلهای آستون ویلا را زدند

✱ در استادیوم هایبوری «لندن» آرسنال با یک گل به خواسته‌اش برابر میدلزبرو رسید و «فرانک استایلتون» با گشودن سنگر میهمان دلیل پیروزی ۰ـ۱ آرسنال گردید.

✱ وستهام با شکست ۰ـ۲ در مصاف لیورپول، حالا در شرایطی مکان بیستم را باوولوز شریک است که ۳۲ مسابقه‌اش انجام داده و دیدار دیگری ندارد، در حالیکه وولوز ۲ بازی برایش باقیمانده و با حساب اینکه یکی از ایندو بایستی از گروه اول برود بنظر میرسد شانسی برای وستهام باقی نباشد چرا که یک مساوی در دو دیدار بقای «وولوز» در گروه اول را تضمین خواهد کرد.

لیورپول برای پیروزی ۰ـ۲ بروستهام در هر نیمه یک گل زد، در وقت اول «تری مک درمونت» دروازه حریف را گشود و گل دوم لیورپول را هم دیوید فایر کلوف به ثبت رساند.

✱ منچستر یونایتد که برای دیدار با وولوز، در خانه حریف بمیدان رفته بود پس از اینکه در وقت اول با گل «بریان گرینهوف» ۰ـ۱ میزبان را پشت سر داشت، در نیمه دوم با گلهای مارتین پاچینگ و مل اونس برای وولوز، بازی را ۱ـ۲ باخت.

✱ در استادیوم مین رود منچستر، در بی کانتی جدالش با میزبان خود منچستر سیتی را با تساوی ۱ـ۱ به آخر برد، اساهارتفورد توپچی ملی پوش اسکاتلندی منچسترسیتی با پاسی طلاتی پایه گل اول بازی را گذارد که «مایک چانون» با زدن ضربه نهائی دروازه دربی کانتی را گشود.

ولی منچسترسیتی با این گل فقط ۱۲ دقیقه حریف را زیر سایه خود داشت و «جری والی» با زدن گل مساوی برای دربی کانتی، باعث گردید بازی ۱ـ۱ به آخر برده شود. این مسابقه حدود ۴۰۰۰۰ تماشاگر داشت.

✱ از گروه دوم بولتون، توتنهامپتون و توتنهام درجدال راه پیدا کردن به گروه نخست سربلند شدند، بولتون ضمن تساوی بدون گل دربازی آخرش باقولهام قهرمانی را تصاحب کرد و سوتنهامپتون و توتنهام هم با تساوی صفر ـ صفر گام آخر صعود را برداشتند.

نتایج روز چهل و یکم

آرسنال ۱	میدلزبرو صفر
آستون ویلا ۶	ایپسویچ ۱
بریستول سیتی ۱	کاونتری ۱
اورتون ۶	چلسی صفر
لیترسیتی ۳	نیوکاسل صفر
منچسترسیتی ۱	دربی کانتی ۱
نورویچ ۱	وست برومویچ ۱
ناتینگهام فارست صفر	بیرمنگام صفر
کوئینز پارک رنجرز صفر	لیدزیونایتد صفر
وستهام صفر	لیورپول ۲
وولوز ۲	منچسترِیونایتد ۱

رده بندی: ۱ـ ناتینگهام فارست ۶۲ امتیاز ۲ـ اورتون ۵۵ امتیاز ۳ـ لیورپول ۵۴ امتیاز ۴ـ آرسنال ۵۲ امتیاز ۵ـ منچسترسیتی ۵۱ امتیاز ۶ـ وست برومویچ ۴۹ امتیاز ۷ـ کاونتری ۴۸ امتیاز ۸ـ آستون ویلا، لیدز یونایتد ۴۶ امتیاز ۱۰ـ منچستریونایتد ۴۲ امتیاز ۱۱ـ بیرمنگام ۴۱ امتیاز ۱۲ـ نورویچ ۴۰ امتیاز ۱۳ـ دربی، میدلزبرو ۳۹ امتیاز ۱۵ـ بریستول سیتی، ایپسویچ ۳۵ امتیاز ۱۷ـ کوئینز پارک رنجرز، چلسی ۳۳ امتیاز ۱۹ـ وولوز، وستهام ۳۲ امتیاز ۲۱ـ نیوکاسل، لیترسیتی ۲۲ امتیاز.

آلمان غربی

«دفاع»، کلنی‌ها را قهرمان کرد!

بالاخره این گل شماری بود که سرنوشت را تعیین کرد و فاتح این جنگ داغ هم مردان کلنی شدند که بخاطر سه گل خورده کمتر جام قهرمانی این فصل را مال خود کردند.

در روز آخر کلن ۵ـ۰ سنت پائولی را شکست داد و مردان مونشن گلادباخ با نتیجه شگفت آور ۰ـ۱۲ بورشیا دورتموند را در هم کوبیدند و چنین کیفیتی حساب گلهای زده هر دو حریف را «۸۶» کرد و درنگاه به گلهای خورده، کلن با ۴۱ گل خورده، «سه گل» کمتر از مونشن گلادباخ خورده بود.

بدین شکل کلن جام قهرمانی فصل ۷۸ـ۷۷ را صید تور بزرگ خود کرد و اینرا بیش از هرچیز مدیون دفاع خود است که «مایه قهرمانی»اش گردید.

گذشته از جدالهای پرگل گلادباخ و کلن در روز آخر برابر حریفان باخت ۵ـ۰ بایر مونیخ عجیب بود که برابر کایزر زلاوترن اتفاق افتاد!.

اما برخلاف بایریها، تیم دیگر مونیخی بازیها شادمانی بزرگ داشت که در روز پایان از سقوط گریخت، «مونیخ ۱۸۶۰» که انتظار میرفت یکی از دو سقوط کننده باشد در جدال آخرین ساربروکن را ۰ـ۲ مغلوب کرد و به لطف معدل گل بهتر براین رقیب پیشی گرفت و ساربروکن هم اه سنت پائولی راهی دسته دوم گردید.

نتایج روز سی و چهارم (آخر)

بوخوم ۲	فورتونا دوسلدورف ۱
هرتابرلین ۳	هامبورگ ۲
دویز بورگ ۱	شالکه صفر
«مونیخ ۱۸۶۰» ۲	ساربروکن صفر
اینتراخت فرانکفورت ۲	براشنو یک صفر
کایزرزلاوترن ۵	بایرمونیخ صفر
اشتوتگارت ۲	وردربرمن صفر
سنت پائولی صفر	کلن ۵
بورشیا دورتموند صفر	موشن گلادباخ ۱۲

رده بندی: ۱ـ کلن ۴۸ امتیاز (قهرمان) ۲ـ بورشیا مونشن گلادباخ ۴۸ امتیاز ۳ـ هرتا برلین ۴۰ امتیاز ۴ـ اشتوتگارت ۳۹ امتیاز ۵ـ فورتونا دوسلدورف ۳۹ امتیاز ۶ـ دویزبورگ ۳۶ امتیاز ۷ـ اینتراخت فرانکفورت ۳۶ امتیاز ۸ـ کایزر زلاوترن ۳۶ امتیاز ۹ـ شالکه ۳۴ امتیاز ۱۰ـ هامبورگ ۳۴ امتیاز ۱۱ـ بورشیا دورتموند ۳۳ امتیاز ۱۲ـ بایر مونیخ ۳۲ امتیاز ۱۳ـ اینتراخت براشنویک ۳۲ امتیاز ۱۴ـ بوخوم ۳۱ امتیاز ۱۵ـ وردربرمن ۳۱ امتیاز ۱۶ـ «مونیخ ۱۸۶۰» ۲۲ امتیاز ۱۷ـ ساربروکن ۲۲ امتیاز ۱۸ـ سنت پائولی ۱۸ امتیاز.

فرانسه

نتایج روز سی و هفتم

رون صفر	نانت صفر
ماناکو ۴	متز صفر
استراسبورگ ۱	سوشو ۱
مارسی صفر	ترویس ۱
نانسی ۲	سنت اتین ۱
لیون ۱	نیس ۱
رمس ۳	لاوال ۱
بوردوصفر	رن ۱
والسیتس ۱	نیم ۱

رده بندی: ۱ـ موناکو ۵۱ امتیاز ۲ـ نانت ۵۰ امتیاز ۳ـ استراسبورگ ۴۸ امتیاز.

ایتالیا

«یوونتوس» برابر ۷۰۰۰۰ تماشاگر «قهرمان» شد

فقط یک روز دیگر تا پایان جدالهای «جام قهرمانی» در ایتالیا باقی مانده است، ولی تساوی ۱ـ۱ پیشتاز در استادیوم المپیک رم، «سیمای قهرمان» را پیش از رسیدن به روز آخر پدیدار ساخت.

یوونتوس با ۴ امتیاز برتری نسبت به نزدیک ترین «ویچنزا»، برای مصاف با «رم» به پایتخت رفته بود. «ویچنزا» در قالب نایب پیشتاز برای اینکه امیدهایش در کورس دست یافتن به جام استوار بماند، در عین اینکه خود نیاز به پیروزی در دیدارش با پروگیا داشت، یوونتوس نیز میبایست به «رم» میباخت. «ویچنزا» خود، پروگیا را برد و با شکست ۱ـ۳ حریف ۲ امتیاز تازه بچنگ آورد، اما رمیها از پس یوونتوس بر نیامدند و با تساوی ۱ـ۱ قهرمان شناخته شد.

چه در فاصله یک روز بپایان پیکارها، حساب برتریهای یوونتوس در اوج سه امتیاز است که با این حال وروز حتی شکست در نبرد آخر هم «جام» را از دست یوونتوس بیرون نخواهد آورد.

۷۰۰۰۰ تماشاگر در استادیوم المپیک رم گرد آمده بودند تا مصاف یوونتوس را برابر میزبان پایتخت نشین تماشا کنند، تا ۷ دقیقه بپایان نیمه نخست قفل دروازه ها همچنان بسته بود تا اینکه سرانجام «روبرتو بته گا» مرد ملی پوش خط حمله یوونتوس، با نمایشی دلپذیر از قدرتش سنگر رم را به سقوط کشاند.

او از نیمه زمین تیم خود پا بتوپ شد وآنقدر پیش رفت وهر که را سر راهش آمد در پیل کرد تا به دروازه «رم» رسید وشوت او با عبور از زیر بدن پائولو کونتی دروازه بان حریف برتور نشست.

اما شادی های «یوونتوس» برای گام برداشتن در راه پیروزی، بقائی چندان طولانی نداشت وسه دقیقه بعد از سوت آغاز وقت دوم، «سوت گل مساوی» برای رم نیز در میدان طنین گرفت وشلیک «آگوستینو بارتولومی»، پیشتاز را از رویای پیروزی بیرون آورد وحساب ۱ـ۱ شد ضمن اینکه «مساوی» در این بازی، همانقدر برای یوونتوس ارزش داشت که «پیروزی میارزید»

در ویچنزا، میزبان با التهاب واضطراب قدم بمیدان مصاف «پروگیا» گذارد، ضمن اینکه قلبش نیز در هوای «رم» می تپید صدر نشین در انجا چه میکند؟

جدال «ویچنزا ـ پروگیا» سخت خشن وپر حادثه بود که در گیرودار آن «ارنستوگالی» دروازه بان ویچنزا و«میشل نایی» مدافع پروگیا روی خشونت، اسیب دیده زمین را ترک کردند.

در دقیقه ۳۲ «چکارینی» مدافع پروگیا یک گل به تیم خود زد!. ودر پی آن در دقیقه ۳۵ «بانولوروسی» نتیجه را ۲ـ۰ کرد وهمین بازیگر در دقیقه ۵۵ گل سوم را هم بحساب «ویچنزا» نوشت، که این یکی از نقطه بنالتی بود. وبالاخره در دقیقه ۶۲ فرانکو واینانی تنها گل پروگیا را بثمر رساند.

اضطراب میلانی ها

✱ در استادیوم سانسیرو میلان ۲۵۰۰۰ تماشاگر زیر باران مصاف لازیو ومیلان آمد. را دیدند که شاهد شکست ۱ـ۰ میزبان هم شدند.

«لونیجی مارتینی» یار لازیو زنده تنها گل بازی بود که در فاصله ۵ دقیقه بپایان وقت (دقیقه ۸۵) گل پیروزی ساز تیمش را در سنگر حریف کاشت.

✱ بازی بولون ـ نابل بدون گل به آخر برده شد پیش از آغاز این مسابقه پلیس «استادیوم بولون» را مورد جستجوی کامل قرار داد واین بخاطر گزارشی بود که گفته میشد احتمال کار گذاردن بمب در استادیوم در میان باشد.

✱ ودر حالیکه میلان آ. ث در خانه بازی بالازیورا ۱ـ۰ باخت، میلانی دیگر «اینتر»، توانست در «جنوا» یک امتیاز از حریف بگیرد.

«آنجلو کاسترو نارو» در دقیقه ۲۰ جنوا را پیش انداخت، ویتری ۱ـ۰ میزبان تا دقیقه ۷۷ ادامه داشت که بالاخره «پیترو آناستازی» اینتر را از شکست نجات داد وگل او حساب را ۱ـ۱ کرد.

با برگزاری دیدارهای روز بیست ونهم ضمن اینکه «قهرمان» شناخته شد، سرنوشت مکانهای دوم وسوم در روز آخر تعیین میگردد، با این حساب که ویچنزا با یک امتیاز پیشی نسبت به تورینو شانس بهتری دارد.

«میلان آ. ث» مقام چهارم برایش بدون تردید است، همچنین عنوان پنجم برای اینترمیلان.

نتایج روز بیست و نهم

بولون صفر	نابل صفر
فوجیا ۲	وروناصفر
جنوا ۱	اینتر میلان ۱
ویچنزا ۳	پروگیا ۱
میلان آ. ث صفر	لازیو ۱
پسکارا ۱	فیورنتینا ۲
رم ۱	یوونتوس ۱
تورینو ۳	اتلانتا ۲

رده بندی: ۱ـ یوونتوس ۴۲ امتیاز ۲ـ ویچنزا ۳۹ امتیاز ۳ـ تورینو ۳۸ امتیاز ۴ـ میلان آ. ث ۳۶ امتیاز ۵ـ اینتر میلان ۳۴ امتیاز ۶ـ نابل ۲۹ امتیاز. ششقش

بلژیک

مساوی حکم قهرمانی «بروژ» بود

«اف. سی. بروژ» برای قهرمان شدن فقط به یک تساوی درروز آخر نیاز داشت، مردان پیشتاز درحالیکه ۲ امتیاز از نایب صدرنشین «اندرلشت» فاصله داشتند، قدم بمیدان مصاف لوکرن گذاردند و هنگامیکه سوت پایان طنین گرفت نتیجه ۱ـ۱ روی تابلو، حکم قهرمانی «بروژ» بود.

«اندرلشت» رقیب بزرگ بروژی ها درکورس قهرمانی، بانتیجه دلپذیر ۰ ـ ۳ وارگم را درهم کوبید ولی این نقشی درقهرمان شدن بروژ پدید نیاورد، درحالیکه همه امید اندرلشت این بود که اف. سی. بروژ به لوکرن ببازد و کار به گل شماری بکشد که چنین نشد.

«بروژ» در شرایطی فاتح جام این فصل باشگاههای بلژیک شد که سال پیش هم به چنین افتخاری دست یافت، ضمن اینکه فینالیست جام باشگاههای اروپا نیز شده و قرار است بازی سرنوشت را برابر لیورپول انگلستان برگزار کند.

نتایج روز سی و چهارم

لالوویر ۱	برینگن صفر
لوکرن ۱	اف. سی بروژ ۱
راسینگ وایت مولن بیک ۳	کورترای صفر
آنت ورپ صفر	استاندارد صفر
لیرسه ۶	بوم ۲
اف. سی. لیژ ۱	بیرشوت ۱
اندرلشت ۳	وارگم صفر
به ورن ۲	سرکل بروژ ۱
چارلروی ۲	وینتراسلاگ ۱

رده بندی: ۱ـ اف. سی. بروژ (قهرمان) ۵۱ امتیاز ۲ـ اندرلشت ۵۰ امتیاز ۳ـ استاندار ۴۹ امتیاز ۴ـ لیرسه ۴۷ امتیاز ۵ـ به ورن ۴۰ امتیاز.

ترکیه

نایب پیشتاز باخت

۴ هفته دیگر تا پایان جدالها در ترکیه باقی است و «فنر باغچه» با ۴ امتیاز پیشی در راه «قهرمانی» پیش میرود.

مردان «فنر باغچه» این هفته را با گرفتن ۲ امتیاز از آداناسپور بپایان بردند که با کاشتن یک گل در سنگر حریف به این پیروزی دست یافتند.

نتایج روز بیست و ششم

آداناسپور صفر	گالاتاسرای صفر
آلتای ۲	سامسون ۱
آنکارا گوکو ۱	دیار باکار صفر
اسکی شهیر ۱	بولواسپور صفر
فنر باغچه ۱	آداناسپور ۱
مرسین ۱	بورسا اسپور ۱
اوردو اسپور صفر	بشیکتاش ۱
زونگولداک ۱	ترابزون صفر

رده بندی: ۱ـ فنرباغچه ۳۸ امتیاز ۲ـ ترابزون ۳۴ امتیاز ۳ـ گالاتاسرای ۳۲ امتیاز ۴ـ آداناسپور ـ ۳۱ امتیاز ۵ـ آلتای ۲۸ امتیاز.

اتریش

نتایج روز سی و پنجم

اینسبروگ ۶	رابیدوین ۱
وینا ۱	وینیست ۱
گرازر ۱	استورم گراز صفر
استریاوین ۳	آدمیرا واکر ۲

رده بندی: ۱ـ استریاوین ۵۵ امتیاز ۲ـ رابید ۴۱ امتیاز ۳ـ اینسبروگ ۳۹ امتیاز ۴ـ استورم ۳۶ امتیاز ۵ـ گرازر ۳۳ امتیاز.

اسپانیا

یک «مثلث»، مدعی «نایب قهرمانی» است

یک شکست ناپهنگام، امید های مردان بارسلون را برای چنگ انداختن به مکان نایب قهرمانی متزلزل کرد.

مردان بارسلون که در کورس «صید جام» جدال با رئال مادرید را باختند، با ناکامی این هفته در مصاف رایو و الکانو، دوم شدن آنها نیز در سایه تردید قرار گرفت!

چه حالا در فاصله یک روز بپایان دیدار ها سه مدعی شانه به شانه برای «نایب قهرمانی» شدن جنگ و جدل پیدا کرده اند که: والنسیا و اسپور تینگ، در کنار بارسلون این مثلث را تشکیل میدهند.

«رئال مادرید» که پیشاپیش قهرمانیش مسجل شده است این هفته ۰ ـ ۳ هر کولس را مغلوب کرد و حساب امتیازاتش را تا ۴۵ بالا برد.

«الش و اتلتیکو مادرید» انگشت نماترین بازی روز را برگزار کردند، اینان طول ۹۰ دقیقه ۸ بار دروازه یکدیگر را گشودند که هردو باسهمی مساوی از امتیاز و گل میدان را ترک گفتند.

نتایج روز سی و سوم

رئال سوسیداد ۲	اتلتیکو بیلباتو ۱
والنسیا ۴	رئال بتیس ۲
رایووالکانو ۲	بارسلون ۱
الش ۴	اتلتیکو مادرید ۴
اسپورتینگ ۳	کادیز صفر
بورگز صفر	راسینگ صفر
رئال مادرید ۳	هرکولس صفر
اسپانول صفر	لاس پالماس ۱
سویلا ۲	سالامانکا ۱

رده بندی: ۱ ـ رئال مادرید ۴۵ امتیاز ۲ ـ والنسیا، بارسلون، اسپورتینگ ۳۹ امتیاز. ۵ ـ اتلتیکو بیلباتو ۳۸ امتیاز.

یوگسلاوی

نتایج روز بیست و نهم

ووپوودینا ۲	سارایووا صفر
او. اف. کا ۱	پارتیزان ۲
اوسی جک ۲	رادینکی ۲
هایدوک ۲	ریجه رادنیکی ۲
ترپکا ۱	المپیا ۱
سلیک ۲	ولز صفر
دینامو ۳	بوراک ۱
ستاره سرخ ۴	زاگرب صفر
بودو کتوست ۲	اسلوبودا ۱

رده بندی: ۱ـ پارتیزان ۴۷ امتیاز ۲ـ ستاره سرخ ۴۵ امتیاز ۳ـ هایدوک ۳۵ امتیاز ۴ـ دینامو ۳۳ امتیاز ۵ـ ریجه کا ۳۱ امتیاز ۶ـ اسلوبودا ۲۹ امتیاز.

پرتغال

پورتو و بنفیکا دور از دسترس همه

برای قهرمان شدن فقط پورتو وبنفیکا در کورس مانده اند. پورتو با ۴۲ امتیاز پیشتاز است وبنفیکائی ها با یک امتیاز اختلاف در پی آن گام بر میدارند.

ضمن اینکه براگاو اسپورتینگ با اختلاف فاحشی نسبت به اینان، سخت از قافله اوج عقب افتاده اند وتهدید کنندگی خود را از دست داده اند.

در روز بیست وچهارم، «صدر نشین» کوبنده ترین چهره همه میدانها را بنمایش گذارد وبا پیروزی ۵ـ۱ برابر وارزیم دیدارش را به اخر برد. ضمن اینکه بنفیکا هم با شکست ۳ـ۰ اکادمیکا فاصله یک امتیازی خود با صدر را پایدار نگاهداشت.

نتایج روز بیست و چهارم

اکادمیکو صفر	بنفیکا ۳
براگا ۲	پورتیمونتنس صفر
ستوبال ۱	اسپینهو ۱
استوریال صفر	بوآویستا ۱
پورتو ۵	وارزیم ۱
فیرنسه صفر	گیمارس ۱
ریوپله ۱	بلتنسس صفر
اسپورتینگ ۳	ماریتیمو صفر

رده بندی: ۱ـ پورتو ۴۲ امتیاز ۲ـ بنفیکا ۴۱ امتیاز ۳ـ براگا ۳۲ امتیاز ۴ـ اسپورتینگ ۳۱ امتیاز ۵ـ بلتنسس ۲۹ امتیاز ۶ـ گیمارس ۲۶ امتیاز ۷ـ بوآویستا ۲۳ امتیاز ۸ـ ستوبال ۲۲ امتیاز.

شوروی

نتایج روز چهارم

آرارات ایروان ۱	نفتچی ماکو صفر
شاختر ۲	دنپر ۱
دینامو کیف ۳	اسپارتاک مسکو صفر
دینامو تفلیس ۲	چرنومورتس ۱
دینامو مسکو ۲	زارپاورشیلوگراد ۱
تورپدومسکو ۳	زنیط لنینگراد صفر
کاتیرات آلماآتا ۳	تاشکند ۲
زسکاسکو ۲	لوکوموتیو مسکو ۱

رده بندی: ۱ـ تورپدومسکو، دینامو تفلیس ۷ امتیاز. ۳ـ شاختر ۶ امتیاز ۴ـ زنیط لینتگراد، کاتیرات آلماآتا ۵ امتیاز.



هیچکس منکر تکنیک خوب و بازی حرفه یی عادلخانی نیست. او هرگاه که صاحب توپ شد در حفظ آن موفق بود و هر پاسی که داد دقیق بود و نشان داد که از حیث قدرت بدنی اشکالی ندارد، اما معلوم نبود که چکاره است. یکی از دو مهاجم نوک است یا یک گوش سازنده؟ این یکی از عیبهای بزرگ او و تیم ملی بود.

با آنکه نظری، یکی از مردان موفق میدان دیدار ایران، بلغارستان بود، اما او نیز هنوز به آمادگی دلخواه نرسیده و فشار تمرینات یکماهه او را نیز از پا در آورده است.

ارزش واقعی او در مهار حریف و نفوذهای گاه بگاه و کمک به خط حمله است اما در روزی که همه سردرگم مینمودند او هم گرفتار بود.

در این عکس او را می بینیم که براحتی از دو بازیکن بلغار عبور کرده است.



دیدار بدون گل تیم ملی ایران برابر بلغارستان



جام حذفی فدراسیون

مسلم خانی و غلامحسین پیروانی درگیر برسر یک توپ این عکس زیبا را بوجود آورده‌اند.
خانی در اندازه های خوب، فرمانده‌ی واقعی دارایی بود و در این روز که دارایی کاملا برق شیراز را در تنگنا قرار داده بود، خانی یکی از بهترین های تیم تهرانی بشمار میرفت.

←

جام حذفی فدراسیون

حمیدرخشان، یک پرسپولیسی در محاصره‌ی چهار پاسی افتاده است. هوشنگی (شماره ۱۲) روبرروی او ضرابی در کنارش و دوپاسی دیگر در سمت عقب هیچ راه خروجی برای او باقی نگذارده‌اند.

↓



دنیای ورزش



جام حذفی پهلوی

ارارانی ها با تعصب و جنگندگی خاص با تاج روبرو شدند، در حالیکه وجود رایکوف سبب شده بود که آنها دانسته و با هدف بدنبال توپ بدوند با اینحال، تاج که در خط میانی مردانی چون مراغه چیان، معلچگر و مطیعی را داشت، سرانجام ارارات را حذف کرد. این معلچگر است که دو ارارانی را در کنار دارد.

←

زیر نظر: وحید بدیعی



شطرنج

همکاران این هفته:
محمدصلحی، وحید امیر کیائی

دام برای حریفان تازه کار

اگر حریف شما یک شطرنجباز تازه کار است با استفاده از این دام ساده می توانید به یک پیروزی ساده دست پیدا کنید. شما برای شروع بازی دفاع بطروف را برگزیده‌اید و سیاه با این شروع بازی ناآشنا است.

1.e4,e5 2.Cf3,Cf6 3.Cxe5,Ce4? 4.Dxe2?



4.....Cf6?? 5.Cc6-.....

سیاه با یک اشتباه فاحش وزیر خود را از دست می دهد شاه سیاه با وزیر کیش است و باید رفع کیش نماید. حالا او هرکار بکند سفید با اسب وزیر را می گیرد.

شاهکاری جاویدان

پیکارهای قدیمی شطرنج شاهکارهای جاویدانی هستند، که هنوز الگوی بسیاری از قهرمانان شطرنج درگوشه و کنار دنیا می باشند آلخین، تیهزویچ، کاپابلانکا..... نامهای فراموش نشدنی تاریخ شطرنج هستند.

چیدن بازیهای قدیمی شطرنج و مقایسه آنها با پیکارهای امروز مقایسه جالبی است که سیر پیشرفت شطرنج را به شما نشان می دهد.

(سن سباستیان ۱۹۱۱)

سیاه تیچمن | سفید نمیزویچ

1-e4, e5 2-Cf3, d6 3-d4, Cf6 4-Cc3, Cb d7 5-Fc4, Fe7 6 oo, oo 7-De2, c6 8-Fg5, h6 9-Fh4, Ch5 10-Fg3, C.F 11-H.C, b5 12-Fd3, a6 13-a4, Fb7 14-Ta d1, dc7 15-a.b, a.b 16-g4, Tf e8 17-d5, b4 18-P.P, F.P 19-Cb1, Cc5 20-cb d2 Dc8 21-Fc4, g6 22-g3, Rg7 23-Ch2, Fg6 24-f3, Dc7 25-Tf e1, Th8 26-Cd f1, h5 27-P.P, T.P 28-Fd5, Ta h8 29-FxF D.F 30-Dc4, Db631-Rg2, Ce6 32-Te2, Cd4 33-Te e1, Db7 34-T.C, P.T 35-Cg4, Db6 36-f4, Fe7 37-Td1, f5 38-Cf2, P.P 39-D.P-, D.D 40-T.D, d5 41-g4, Fc5 42-Td1, Th4 43-T.P, F.C 44-R.F, T.P 45-Re3, Tc8 46-R.P, tc4.47.Rd3, Tc.f

(مونت کارلو ۱۹۰۲)

سیاه جانوسکی سفید ماسون

1- e4, e5 2— Cf3, Cc6 3—Fb5, a6 4- Fa4, Cf6 5-o-o, Fc7 6— Cc3, d6 7- F.C, P.F 8- d4, P.P 9- Cxp, Fd7 10- Pb3, Db8 11- Fb2, Db7 12- Te1, o-o-o 13- Dd3, Th e8 14- b4, Ff8 15- Ta-b1, d5 16-e5, Cg4 17 Cf3, g6 18-h3, Ff5 19- Dd2, Ch6 20- a3, Cg8 21- Cd4, Fe6 22- Ca4, Ch6 23- Dc3, Cf5 24- C.P, Td2 25- Cd4, C.c 26- D.C, Ff5 27- Tc1, Dc6 28- Cc3, h4 29-Ce2, Fh6 30-f4, Ff8 31- Df2, Fe6 32- Cd4, Db6 33- Tb8 Ff5 34-Fc3, Fe4 35-a4, c6 36-a5, Da7 37-Tb2, Tb7 38-Tf b1, Rd2 39-Rh1, Te b1 40-De1, Fe7 41-Cb3, Tb5 42-Fd4, Db2 43-Fc5, F.F 44-P.F, Tb4 45-Dh4, Rc8 46-Df6, Dd7 47-Rh2,De6 48-Dh8-,Rd2 49-Cd4, T.T 50-D.T, T.D 51-T.T, Rc7 52-C.D-, R.T 53-Cd4, Rc7 54-g4, h4 55-c3, Rd7 56-Rg8, rc7 60-Re3, Fg2 61-Cf3, F.P 62-C.P Fg4 63-Rf4, Fe2 64-Cf3, F.C 65-R.F

(نیویورک ۱۹۲۴)

سیاه تارتاکوور سفید کاپابلانکا

1- d4, f5 2-Cf3, e6 3 -c4, Cf6 4-Fg5, Fe7 5-Cc3, o-o 6-e3, b6 7-Fd3 Fb7 8-o-o, De8 9-De2, Ce4 10-F.F, C.C 11-P.C D.F 12-a4? F.C 13-D.F, Cc6 14-Tf b1, Ta-e8 15-Dh3, Tf6 16-f4, ca5 17-Df3, d6 18-Te1!, Dd719-e4 P.P 20- D.P, g6 21-g3?, Rf8 22-Rg2, Tf7 23-h4? d5? 24-P.P, P.P 25-DxT.h, D.D 26-T.D-, R.T 27-h5! Tf6 28-Th1, Rf8 29-P.P P.P 30-Th7, Tc6 31-g4, Cc4 32-g5, Ce3. 33-Rf3, Cf5 34-FxC!, 35-Rg3?, T.P. 36-Rh4, Tf3 37-g6! T.P. 38-Rg5, Tc4 39-Rf6, Rg8 40-Tg7-, Rh8 41-T.P, Te8 42-R.P, Te4 43-Rf6, Tf4. 44-Re5, Tg5 45-g7-, Rg8 46-T.P, Tg1 47-R.P Tc1 48-Rd6, Tc2 49-d5, Tc8 50-Tc7 Ta1 51-Rc6 T.p 52 d6

دختران اندیشمند



شطرنج با همه جاذبه هائی که دارد در میان دختران طرفداران چندانی ندارد و تعداد قهرمان خوب و فعال شطرنج در گروه دختران بسختی به تعداد انگشتان دست می رسد. یکی از معدود دخترانی که شطرنج را بصورت جدی دنبال می کند و شیفته این ورزش فکری است.

شهلا پورمند است شهلا با تجربه اندکی که دارد خیلی زود توانسته است موجودیت قابل بحث خود را به نمایش بگذارد و به جمع چهره های صاحب نام این رشته بپیوندد.

شهلا در سال ۱۳۴۰ بدنیا آمده است و تنها ۲ سال است که شطرنج علمی را آغاز نموده، او در این مدت زیر نظر مربی خود هادی بنکدار موفق شده است به جمع ملی پوشان دختر درآید و بر روی میز یک آموزشگاه های تهران علیرغم حضور چهره های با تجربه و پر قدرتی چون ویدا امیر کیائی، زهره صادق عمل، نسرین دلشاد و...

عنوان قهرمانی را به خود اختصاص دهد.

شهلا پورمند که دانش آموز ممتاز دبیرستان نوربخش می باشد غیر از شطرنج در زمینه تنیس روی میز نیز چهره‌ای موفق دارد و هم اکنون در مرحله نهائی مسابقات قهرمانی نوجوانان سرگرم رقابت با حریفان خود است.

در زیر یکی از بازیهای جالب شهلا پورمند را در برابر هما پاکتچی نایب قهرمان بانوان ایران از نظرتان می گذرانیم در این دیدار گرچه‌پورمند مغلوب حریف خود شده است ولی در تمام لحظات بازی برتری محسوسی نسبت به حریف خود دارد و شکست او ناشی از کم تجربگی اوست که نتوانست وقت مسابقه را بصورت درست تقسیم نماید و قبل از انجام حرکت چهلم در شرایطی که موقعیتی کاملا بهتر داشت پذیرای شکست گردید.

بدنبال این بازی یکی از پیروزیهای جالب پورمند را در برابر زهره شهسوار قهرمان سوم بانوان ایران ملاحظه می کنید.

سیاه: هما پاکتچی سفید: شهلا پورمند

1.d4,Cf6 2.c4,g6 3.Cc3,d6 4.e4,Fg7 5.Fe3,o-o 6.Dd2,Cg4 7.o-o-o,Cxe3 8.Dxe3,e5 9.d5,f5 10.Fd3,f4 11.Dd2,a5 12.b3,Fd7 13.Fc2,Ca6 14.f3,Tb8 15,a4,Cb4 16.g3,Dg5 17.g4,De7 18.h4,h6 19.Dg2,c6 20Ce2,Cxc2 21.Rxc2,Dd8 22.d5xc6,Fxc6 23.c5,Tc8 24.Txd6,De8 25.Thd1,Df7 26.Cd5,Fxd5 27.d1xd5,Tc7 28.Cc3,Tfc8 29.Df2,Rh7 30.Td8,De7 31.TxT,TxT 32.Rb2,Ff8 33.c6,b7xc6 34.Txa5,Da3- 35.Rc2,Fb4 36.Ta7-,Rh8 37.Db6,Fc5 38.Db7, FxT 39.DxT- وقت سفید تمام شد.

(0:1)

سیاه: زهره شهسوار (۰) سفید:شهلا پورمند (۱)

1.e4,e5 2.Cf3,Cc6 3.Fb5,Cf6 4.Fxc6,d7xc6 5.Cc3,Fg4 6.h3,Fh5 7.d3,Fe7 8.g4,Fg6 9.Cxe5,o-o 10.Cxg6,f7xg6 11.Fe3,Cd7 12.d4,Fg5 13.De2,Fx3 14.Dc4-,Rh8 15.f2xe3,D.h4 16.Rd2,b5 17.Dxc6,Dd8 18.Cd5,Tc8 19.Taf1,Te8 20.Tf7,Cf6 21.Cxf6, g7xf6 22Td7

(1:0)

براون برسکوی قهرمانی

نام شهر ریکیاویک در ایرلند را حتما به خاطر دارید.

شهری که بابی فیشر قهرمان پرآوازه آمریکائی درآنجا تاج قهرمانی شطرنج جهان را از شوروی گرفت و با خود به آمریکا آورد شهری که دیدار تاریخی فیشر و اسپاسکی درآنجا انجام شد و رویدادهای این مسابقه مدتها داغ‌ترین خبر ورزشی دنیا بود.

این شهر یکبار دیگر شاهد برگزاری رویدادی بزرگ در زمینه شطرنج بود ۱۱ استاد بزرگ سرشناس دنیا در کنار ۲ استاد بین المللی و ۳ استاد ملی هشتمین دوره مسابقات بین المللی ریکیاویک را برگزار نمودند و والتربراون امریکائی با کسب ۹ امتیاز فاتح این مسابقات گردید. آنتونی مایلز، هورت، لارسن، لومباردی، اولافسون، پگلایوفسکی، کوزمین، سمیکال، اوگارد، فلوی اولافسون، پترسون و اراتاسون مقام های دوم تا چهاردهم این مسابقات را بخود اختصاص دادند. نکته جالبی که دراین مسابقات جلب توجه می کرد سیستم تازه زمان بندی مسابقات بود. بطورمعمول در مسابقات بین المللی شطرنج دو شطرنجباز برای انجام چهل حرکت در مجموع ۵ ساعت وقت دارند که به هر بازیکن ۲/۵ ساعت مهلت اندیشیدن برای انجام چهل حرکت داده می شود. ولی در مسابقات ریکیاویک ۵ ساعت وقت قانونی مسابقه به شیوه تازه‌ای تقسیم گردید. به این ترتیب که هر شطرنجباز برای انجام ۳۰ حرکت اول ۹۰ دقیقه وقت داشت و برای انجام ۲۰ حرکت بعدی یکساعت.

به این ترتیب دوبازیکن در ۵ ساعت وقت قانونی خود ۵۰ حرکت انجام دادند.

گردانندگان مسابقات درمورد سیستم تازه تقسیم وقت اظهار داشتند:

طبق آماری که فدراسیون جهانی شطرنج برآورد نموده است. تنها ۴۷٪ مسابقات شطرنج قبل از ۴۰ حرکت به پایان می رسند. درحالیکه بین ۷۷٪ تا ۸۲٪ بازیها قبل از ۴۸ حرکت به اتمام خواهند رسید. به این ترتیب سیستم تازه تقسیم وقت تعداد بازیهای نیمه تمام را به حداقل می رساند.

والتربراون قهرمان مسابقات ریکیاویک نیز درمورد این روش تازه اظهار داشت: من مطمئن هستم که در آینده‌ای نزدیک همه مسابقات بزرگ دنیا به این روش برگزار میشود چراکه بازده آن بسیار مطلوب بوده است. ما امیدواریم که فدراسیون شطرنج ایران نیز که همیشه با مشکل بازیهای نیمه تمام روبرو بوده است. این روش را مورد مطالعه قرار دهد و در صورتیکه اثرا عملی دانست این روش در ایران نیز موردعمل واقع شود.

در زیر پیکارهای منتخب ما از مسابقات بین المللی ریکیاویک از نظر شما می گذرد.

سیاه: پگلایوفسکی سفید: براون

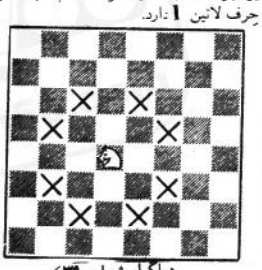
1 d4, ♘f6; 2 c4, e6; 3 ♘f3, d5; 4 ♘c3, c6; 5 e3, ♘bd7; 6 ♗d3, d×c4; 7 ♗×c4, b5; 8 ♗b3, b4; 9 ♘e2, ♗b7; 10 0-0, ♗d6; 11 ♘f4, 0-0; 12 ♖e1, c5; 13 d5, e×d5; 14 ♘×d5, ♖c8; 15 e4, c4; 16 ♘×f6+, ♕×f6; 17 ♗g5, ♕g6; 18 ♗c2, ♖fc8; 19 ♗f4, ♗×f4; 20 ♕×d7, ♕b6; 21 ♕f5, ♗h6; 22 e5, g6; 23 ♕h3, ♗g7; 24 e6, ♖×e6; 25 ♘g5, ♖×e1+; 26 ♖×e1, h6; 27 ♘×f7, ♕×f7; 28 ♕d7+, ♔g8; 29 ♖e7, ♕d4; 30 ♕e6+, ♔h8; 31 ♕×g6, ♗e4; 32 ♖×e4, ♕d7; سیاه: واگذار نمود (1-0).

زبان شطرنج

سفید برتری مختصری دارد ±	قهرمانی (ch)
سیاه برتری مختصری دارد ∓	مسابقات بین قاره ای (izt)
وضع سفید بهتر است ⩲	مسابقات کاندیدای قهرمانی جهان (ct)
وضع سیاه بهتر است ⩱	مسابقات دونفره (m)
سفید برتری برنده دارد +—	المپیاد (ol)
سیاه برتری برنده دارد —+	مسابقه مکاتبه ای corr.
وضعیت برابر است =	نظر مفسر RR
وضعیت نامعلوم است ∞	با ∟
جبران در ازاء ماتریال داده شده ⯹	بدون ∟̸
برتری گسترشی ↻	وغیره ‖
ازاد عمل ○	مراجعه کنید به →
وضعیت حمله ای ⇢	یکی از عملی ترین راه های آموزش شطرنج
ابتکار عمل ↑	استفاده از بازیهای تفسیر شده است در این روش
با حمله متقابل ⇆	ضمن اینکه خواننده از چیدن یک بازی جالب
زوگ زوانگ ⊙	شطرنج لذت می برد، می تواند با استفاده از تفسیر
مات #	نکات مثبت و منفی یک بازی را به راحتی دریابد.
حرکت خوب !	ولی مدتها مسئله متنوع زبان در ملل مختلف دنیا
حرکت عالی !!	باعث میشد تا تفسیرهای استادان بزرگ برای قشر
حرکت بد ?	خاصی قابل استفاده باشد. و چنانچه یک بازی
اشتباه فاحش بازنده ??	تفسیر شده بر روی کاغذ می آمد حجم زیادی را
حرکت جالب !?	اشغال می کرد.
حرکت مشکوک ?!	فدراسیون جهانی شطرنج برای رفع این دو
باطرح △	مشکل برای تفسیر بازی شطرنج علائم خاصی را
تنها حرکت □	بوجود اورد که با کمک این علائم هر شطرنجباز در
حرکت بهتر عبارت بود از ⌓	هر کجای دنیا که باشد می تواند از تفسیر بازیها
حرکت جدید N	استفاده کامل بکند. این علائم که در حقیقت زبان
ستون ⇔	شطرنجی میباشد در بسیاری از نشریات معتبر دنیا از
قطر ⁄	جمله اینفورماتوروانسی کهویدیای شطرنج استفاده
مرکز ⊞	می شوند.
جناح شاه ◀	ما نیز شما را به این علائم آشنا می کنیم و از این
جناح وزیر ▶	پس بازیهای تفسیر شده خود را با این زبان از نظرتان
نقطه ضعف ×	می گذرانیم.
آخر بازی ⊥	شما با نگهداری این علائم یک راهنمای کامل
برتری دوفیل ⇉	تفسیر بازی دراختیار خواهید داشت که می تواند در
باخت بعلت تمام شدن وقت ⊕	بسیاری از موارد شما را یاری کند.

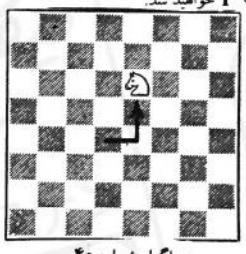
۶ـ چگونه شطرنج بازی کنیم

اسب در شطرنج با مهره های دیگر تفاوت کلی دارد و از ویژگی های خاصی برخوردار است بعنوان مثال مهره های دیگر شطرنج قادر نیستند از روی دیگر مهره ها چه خودی و چه از آن حریف عبور نمایند ولی اسب این قدرت را دارد و می تواند از روی سایر مهره ها عبور نماید. حرکت اسب نیز با حرکت سایر مهره ها تفاوت دارد، حرکت اسب شباهت زیادی به حرف لاتین **I** دارد.



دیاگرام شماره ۳۹

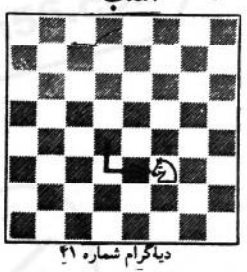
اسب در خانه **d4** قراردارد و می تواند به خانه هائی که با ضربدر مشخص شده است برود اگر مسیر فلشها را دنبال کنید، متوجه شباهت حرکت اسب با حرف **I** خواهید شد.



دیاگرام شماره ۴۰

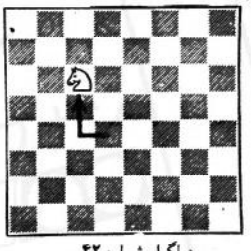
اسب به خانه **e6** رفته است حرکت اسب اول یک خانه براست و سپس دوخانه بطرف بالا بود و ترکیب این دو حرف **I** را تشکیل می دهد.

اسب



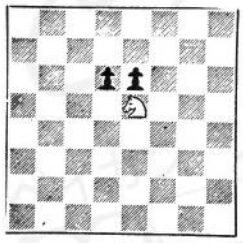
دیاگرام شماره ۴۱

اسب به **f3** امده است در این حرکت اسب یک خانه بطرف پائین و دوخانه بطرف راست رفته است که مجموع این حرکات نیز حرف **I** را تشکیل می دهد.



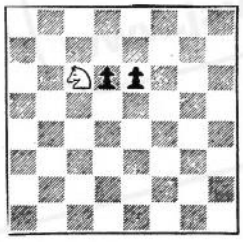
دیاگرام شماره ۴۲

اینبار اسب به خانه **c6** رفته است و برای این حرکت یک خانه بسمت چپ و دو خانه بسمت بالای صفحه حرکت نموده این حرکت نیز به حرف « I » بی شباهت نیست.



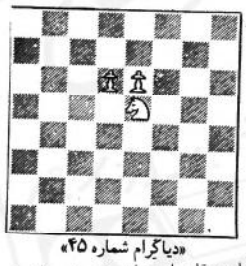
دیاگرام شماره ۴۳

اسب **e5** نمی تواند هیچیک از پیاده های سیاه را بگیرد



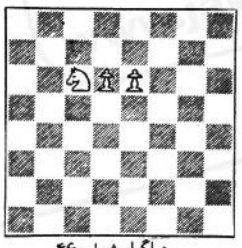
دیاگرام شماره ۴۴

ولی اسب می تواند از روی هر دو پیاده عبور نموده و در کنار انها قرار بگیرد



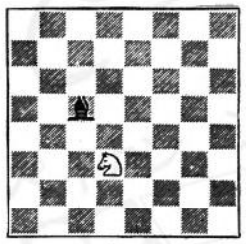
«دیاگرام شماره ۴۵»

ایا اسب قادر است از روی مهره های خودی عبور کند؟



دیاگرام شماره ۴۶

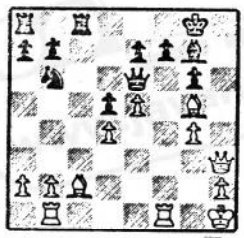
می بینید که اسب این قدرت را دارد که مهره های خودی و مهره های بیگانه را پشت سر بگذارد.



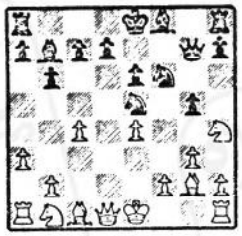
«دیاگرام شماره ۴۷»

اسب در خانه d3 قرار دارد و می تواند فیل سیاه را بگیرد

مسابقات ریکیاویک



سیاه: مایلز
سفید: اوگارد
1 d4, e6; 2 c4, b6; 3 d5, ♕h4; 4 e3, ♘f6; 5 a3, ♗b7; 6 ♘f3, ♕h5; 7 d×e6, f×e6; 8 ♗e2, ♕g6; 9 ♘h4, ♕h6; 10 ♗f3, ♘c6; 11 g3, g5; 12 e4, ♘e5; 13 ♗g2, ♕g7;



14 f4, g×h4; 15 f×e5, ♘g4; 16 ♗f4, 0-0-0; 17 ♘c3, ♗c5; 18 ♕d2, ♘×e5; 19 b4, h3; سفید: واگذار نمود (0-1).

سیاه: لارسن سفید: اولافسون
1 e4, ♘f6; 2 e5, ♘d5; 3 d4, d6; 4 ♘f3, g6; 5 ♗c4, ♘b6; 6 ♗b3, ♗g7; 7 ♘g5, d5; 8 0-0, ♘c6; 9 c3, ♗f5; 10 g4, ♗×b1; 11 ♕f3, 0-0; 12 ♖×b1, ♕d7; 13 ♗c2, ♘d8; 14 ♕h3, h6; 15 f4, h×g5; 16 f5, ♘e6; 17 f×e6, ♕×e6; 18 ♗×g5, c5; 19 ♔h1, c×d4; 20 c×d4, ♖fc8;

21 ♗f5, g×f5; 22 g×f5, ♕c6; 23 ♖g1, ♕c2; 24 ♖be1, ♔f8; 25 f6, سیاه: واگذار نمود (1-0).

سیاه: کوزمین سفید: آرناسون
1 e4, e5; 2 f4, e×f4; 3 ♘f3, d6; 4 ♗c4, ♗c7; 5 d4, ♘f6; 6 ♘c3, 0-0; 7 ♗b3, d5; 8 e5, ♘e4; 9 ♘×d5, ♗h4+; 10 ♔f1, b6; 11 c4, ♘c6; 12 ♗×f4, ♘f2; 13 ♕e1, ♗a6; 14 ♘×h4, ♘×h1; 15 ♔g1, ♘×d4; 16 ♖d1, c5; 17 ♔×h1, ♔h8; 18 ♘f3, ♘×b3; 19 a×b3, ♕c8; 20 ♕e4, h6; 21 ♗×h6, ♕e6; 22 ♗e3? ♖fd8; 23 ♘g5, سیاه: واگذار نمود (1-0).

سیاه: لارسن سفید: پطرسون
1 c4, e6; 2 g3, ♘f6; 3 ♗g2, d5; 4 ♘f3, ♗e7; 5 0-0, 0-0; 6 d4, ♘bd7; 7 ♕c2, c6; 8 ♖d1, b5; 9 c×b5, c×b5; 10 ♕c6, ♖b8; 11 ♗f4, ♖b6; 12 ♕c1, ♘e8; 13 ♘bd2, ♗b7; 14 ♘b3, ♖c6; 15 ♕d2, b4; 16 ♖ac1, ♕b6; 17 ♘e1, ♘ef6; 18 ♘d3, ♘e4; 19 ♗×e4, d×e4; 20 ♘dc5, ♗e8; 21 ♘×e4, ♖d8; 22 d5, e×d5; 23 ♖×c6, ♕×c6; 24 ♕×d5, ♕c7; 25 ♖c1, ♕×e2; 26 ♘d4, ♕×b2; 27 ♘c6, سیاه: واگذار نمود (1-0).

حماسه ب

این حماسه مردی است که شاید در تاریخ دنیای توپ گرد هرگز جهان برتولد دیگری چون او شهادت ندهد.
این پرشکوهترین قصه تولد و مرگ افتخارهای انسان‌ها است.

این نگاهی از بالا و کاوشی در قلب امپراطوری فوتبال برزیل است. آنجا که افسانه توپ گرد از حلبی آباد «رسیف» تا استادیوم پرشکوه «ماراکانا» در ریو با آهنگ «سامبا» شکل میگیرد.

دوست داشت مطلب را دنبال کند که جمله‌اش را بریدم، خندید و گفت: حاشیه رفتم، برای شناسائی بیشتر شما از فوتبال کشورم این توضیحات را میدهم، در باره استادیوم سازی حرف میزدم، حوصله داشته باشید.

معذرت خواستم و توضیح دادم که نه ـ نه کم حوصله نیستم، خیلی علاقمندم که شما بیشتر حرف بزنید و حاشیه و متن ندارد، فقط یک سئوال و آن اینکه شما اختلاف سلیقه ها را در باره انجام برنامه ها چگونه حل میکنید؟ متوجه نشد، دوباره توضیح دادم و پرسیدم وقتی شما در اجرای برنامه ای با دیگری اختلاف نظر دارید، در کارها مسئله را چگونه حل میکنید؟

ـ با رای گیری!

* و بعد چه میشود؟ در جلسات بعدی و برنامه های بعدی روی عقاید خود تعصب نشان نمیدهید و این اختلاف سلیقه روی رابطه ها اثر نمیگذارد؟

ـ چرا اینطور فکر میکنید؟

سئوال کردم، اینطور فکر نمیکنم، ولی واقعیت این بود که دقیقا اینطور فکر میکردم چون دنیای فوتبال ما اینقدر کوچک است که آدمها برای نفس کشیدن میکوشند یکدیگر را پس بزنند، دنیای فوتبال ما آنقدر کوچک است که حتی اعتماد و اطمینان آدمها بخودشان مورد تردید است چه رسد به اعتماد و اطمینان خانواده ها، بیرحمانه و بدون احساس زیر پای یکدیگر را خالی میکنند و هر کس در اندیشه انجام آن چیزهائی است که در مغزش خانه کرده.

با پول خود مردم

اینجا همه به گروههای متفاوتی تقسیم شده‌اند و هر گروه در برابر گروه دیگر قد کشیده‌اند بدون آنکه اصلا کاری به این کارها داشته باشند که کدام عقیده و راه صحیح است و کدام ناصحیح! ولی چگونه میتوانستم، این درد را برای «کوری» بازگو کنم؟

ادامه داد که ما در جلساتمان فریاد میزنیم، نظریه یکدیگر را رد میکنیم، روی افکار خود تعصب داریم، خشمگین میشویم و از آنچه که گفته‌ایم به سختی دفاع میکنیم ولی همه مسائل مربوط به عقیده های ما است، نظر شخصی نداریم و در پایان جلسه به این فکر نمیکنیم که عقیده ما بر دیگران تحمیل شده یا عقیده دیگران بر ما.وقتی از جلسه خارج میشویم همه چیز تمام شده و باز دوستیها و برادری ها ادامه دارد، ما دوستهای خوب یکدیگریم که در راه سازندگی زندگی مشترکمان فوتبال دست در دست یکدیگر داریم.

خوب از استادیوم سازی میگفتم: شما در قلب تمام شهرهای بزرگ و کوچک برزیل استادیومهای غول پیکر فوتبال را می بینید و بدون تردید هیچ کشوری هر قدر غنی، از لحاظ عظمت و تعداد استادیومها به پای برزیل نمیرسد، با این توضیح که کشور ما با همه عظمت فقط صد میلیون جمعیت دارد.

ساده تر بگویم خودمان لطیفه ای داریم که میگوئیم اگر تمام مردم برزیل به استادیومها بروند باز هم تریبونها پر نخواهد بود و گروهی میتوانند برای نشستن ۲ یا ۳ صندلی را تصرف کنند، با اینهمه چرخ اقتصاد فوتبال ما میگردد و باز هم استادیومهای تازه میسازیم!

ولی نه با پول دولت، با پول خود مردم و با سیاستی خاص که تحت تاثیر همان اعتماد و اطمینان مردم به سازمان فوتبال کشور ما است، ما سیاست، عوام فریبی، شعار دادن و حوادثی را که آدمها را تحت تاثیر آنی قرار دهد، دور ریخته‌ایم ما با مردم زندگی میکنیم و به آنها راست میگوئیم حتی در باره دروغ هامان راست میگوئیم.

ماصندلیهای استادیومها را از روی «ماکت» استادیومی که میخواهیم بنا کنیم پیش فروش می کنیم، یعنی صندلیها را میفروشیم و با پول آن استادیوم را می سازیم، بعد این صندلیها در «بورس» قرار میگیرد و تا چندین برابر قیمت فروش رفته ترقی میکند.

از همین پول صندلیها، استادیومها را بنا میکنیم، درصورت لزوم از بانکها وام میگیریم، وامهای چندین ساله که استادیومها را به «گرو» برمی دارند و طول سالیان دراز از درآمد استادیوم وامها را پرداخت می کنیم.

درکار ساختن استادیومها، باشگاهها پیشقدم هستند و هر باشگاه نیز خود یک استادیوم ورزشی دارد و آنها که ندارند در تدارک این ساختن هستند و حساب و کتاب مالی استادیوم از درآمد فوتبال جدا است، استادیومها خود یک برنامه جداگانه دارند ولی همه اینها در اختیار باشگاه است.

صندلیهای استادیوم در بورس!

تقریبا هر استادیومی که ساخته میشود حدود یک سوم یا نیمی از صندلیهای آن قبل از شروع ساختمان به فروش رفته و این بزرگترین شانس سازندگان درآغاز راه است که رقمی جالب برای شروع ساختمان دارند، صندلیها در تمام عمر و بعد از زندگی خریدار متعلق به اقوام خریدار میباشد و میتواند در بورس سالیانه، صندلی خود را بفروش رساند.

ولی در هر شرایط برای دیدار مسابقات باید حق ورود به استادیوم را پرداخت کنند و این حق ورودیه معمولا یک پنجم بلیط اصلی برای همان محل است، ما از «تو ـ تو» هم درآمدی فراوان داریم، مردم روی تیمها و روی شانس خود هر هفته «کوپن»های فراوانی را پر میکنند، ازاین راه ما بزرگترین تبلیغات ممکن را برای فوتبال انجام میدهیم.

در هر محلی، در هر شرایطی و در هر اجتماعی مردم تحت تاثیر حوادث بازیها از «تو ـ تو» صحبت میکنند، این سبب میشود زندگی فوتبال با زندگی مردم هم‌آهنگ باشد و گذشته از آن شرط‌بندیها به بودجه فوتبال ما کمکی بزرگ میکند که هر روز هم بیشتر و بیشتر میشود.

ما به این وسیله بازار کار هم برای آدمهائی که طول سالها در فوتبال تلاش کرده‌اند پیدا میکنیم و هزاران نفر در سراسر برزیل در این کار بزرگ سهیم هستند.

اینها همه سبب شده که فوتبال ما در یک گستردگی غیر قابل تصور در راه زندگی با مردم هر روز موفق تر از روز دیگر باشد.

سئوال میکنم، ورزش برزیل جز فوتبال در راه دیگری هم تلاش میکند؟

لبخند میزند و اضافه میکند، من فقط فوتبال را می شناسم و این ورزش ملی و محبوب ما است ولی بهرحال حتما تلاشهای دیگری هم داریم، مثلا در اتومبیلرانی هم مادردنیا جائی داریم ولی واقعیت این است که ورزش اگر برای مردم است باید با «ذائقه» آنها زندگی کرد و اگر شعارهای طلائی و اصول المپیادها است، بحث دیگری است . مردم ما اگر ورزشهای دیگر را کمتر دوست دارند این یک فاجعه نیست، مثل اینکه مردم یک کشور یک شراب مخصوص و یک غذای مخصوص را بیشتر بپسندند، شما می آئید ذائقه ها را عوض میکنید که نه....این درست نیست باید از تمام غذاها به یک نسبت استفاده شود؟

«ایتالیا» است و غذاهای خمیری، اسپاگتی ایتالیا شهرت جهانی دارد، حالا شما بگوئید نه این درست نیست باید در آشپزخانه همه نوع غذا مساوی یا در یک حد طبخ شود!

خدایان فوتبال در بتکده ها!

البته یک توضیح بدهم که این حرفها همه جا هست اما فوتبال جهانگیر شده و نمی توان با آن جنگید، باید تقویتش کرد، این سلیقه مردم قرن ما است، سرانجام روزی حتی ایالت متحده آمریکا را نیز دربرخواهد گرفت و مردمی که این روزها یک استادیوم را برای یک دونده صدمتر پر میکنند به فوتبال گرایش خواهند یافت و دوومیدانی ـ شنا و غیره... و غیره ارزشهای خود را از دست خواهند داد.

اینجا برزیل است، زادگاه مردانی چون پله و گارینشا، مادربتکده ها خدایان فوتبال داریم و هیچ اصراری هم نداریم که این بتکده ها را روی یک تصور باطل ویران کنیم.

البته این توضیح را بپذیرید که در باشگاههای فوتبال ما همه چیز هست، سالنهای بسکتبال ـ والیبال ـ استخرهای شنا ـ پیست دوومیدانی و خیلی چیزهای دیگر که هرکس در حد علاقه میتواند بهرورزش گرایش داشته باشد ولی، هرگز فوتبال را برای تقویت سایر ورزشها سرکوفت نمیزنیم، فوتبال کاخ آرزوهای ورزش ما است و حاصلخیزترین زمین برای زندگی ورزشی ما.

وقتی «جورج کوری» دستهای مرا بعنوان خداحافظی فشرد با تاسف عمیق نگاهش کردم، تاسف از اینکه او را آسان از دست داده‌ام، تاسف از اینکه هنوز فوتبال برزیل در زاویه های تاریکش، در پشت صحنه، حوادث فراوانی دارد که برایم روشن نشده و ناپیداست ولی حتی «جورج کوری» که با این سخاوت ساعتها بمن وقت داد، راز بزرگ فوتبال برزیل را برایم آشکار نکرد، راز فوتبال سرزمینی که شاید طول سالهای آینده نیز شناخته نشود.

در این جستجوی بزرگ و بعد از این شناخت نسبی حالا به دیدار مردی میرویم که خود افسانه‌ای دردل فوتبال افسانه‌ای برزیل است، مردی که قدم زدن در کنار سالهای تولد ورشد او، قدم زدن درون زندگی فوتبال برزیل است. و تولد تا وداع او درفوتبال قهرمانی دریچه های فراوانی بروی ما میگشاید تا فوتبال برزیل و بزرگترین مردی را که در این پهنه اسرارآمیز متولد شده و شکل گرفته بهتر بشناسیم.

مردی که سلطان نام گرفت

نامش «ادسن ارانتس دوناسیمنتو» است و او را بعنوان بزرگترین پدیده فوتبال طول قرون و اعصار می شناسند.

بزرگترین

٦

این حماسه بزرگترین است، حماسه تولد و مرگ افتخارات مردی بنام «پله».
این مجموعه‌ایست که گردآوری آن شما را صاحب بزرگترین کتاب تاریخ فوتبال میکند، حتی یک شماره آنرا از دست ندهید.

گروهی برآنند که همه برتریهای شناخته شده بزرگان دنیای توپ گرد در وجود او یکجا گرد آمده است



نامش «ادسن آرانتس دوناسیمنتو» است و او را بعنوان بزرگترین پدیده فوتبال طول قرون و اعصار می‌شناسند، مردی که سلطان نام گرفت و مروارید سیاه یا جادوی فوتبال!

مردی که سلطان نام گرفت و مروارید سیاه یا جادوی فوتبال. او مردیست که در دنیای ورزش از دروازه های تاریخ گذشته و برای نسلهای آینده به افسانه ها خواهد پیوست، افسانه های افتخارات او را همه میدانیم و بارها و بارها شنیده‌ایم، درباره‌اش هزاران داستان گفته‌اند و بازهم بگونه های متفاوت از او خواهند گفت ولی معدود انسانهائی هستند که چهره حقیقی ـ شخصیت و احساس او را چنان که هست شناخته باشند، حتی در میان فامیل و دوستان و همبازیهایش.

در این سری یادداشتها با شناخت کلی درباره او میخوانید که بچه‌ای فقیر و غمگین، با آن پاهای برهنه‌ای که هیچکس نمیدانست در راه افتخار تا کجا توانائی صعود دارد در یک دهکده کثیف برزیل چگونه متولد شد، راه رفتن آموخت، استوار شد، اوج گرفت و به افسانه ها پیوست؟

این مردیست که لاشه های افتخار فوتبال برزیل، مردانی که قبل از او در بتکده های فوتبال این سرزمین افسانه‌ای متولد شده بودند زیرپاهای برهنه و سیاهش مدفون شدند و به فراموشی سپرده شدند!

این زندگی امپراطور بزرگ فوتبال در قرون و اعصار است، زندگی مردی که چون خدایان افسانه‌ای اندازه های پیکرش، ترکیب پاهایش، مجسمه وجودش مظهر هستی و زندگی فوتبال آمریکای لاتین شده است.

شاید فوتبال قبل از تولد این سیاه بزرگ در رگ و پی مردم امریکای لاتین جریان گرفته باشد ولی بدون تردید تولد او سبب شده، افسانه توپ گرد برای این مردم بصورت یک مذهب تجلی کند.

داستان زندگی «پله» و کتاب تولد او یک داستان استثنائی است، این سرگذشتی از یک کشور فوتبال خیز است، کشوری که با هر بهانه‌ای می رقصد، آواز میخواند، مستی میکند و اوج احساس فرزندان خورشید را با همان حرارت و شکوه بنمایش میگذارد.

این قصه زندگی مردی است که هزاران بار استادیومها را از هیجان و شکوه به آتش کشیده است، مردی که روی ماسه های ساحل دهکده‌ای دور افتاده به دنبال قوطی های کنسرو دویده است، پله‌ای را که پاهای برهنه‌اش هنوز نقش های جاودان برماسه های ساحل گذاشته، پله‌ای را که سرانجام در قلب «آزتک» زیر نور خورشید به افسانه ها پیوست و پایداری ابدی گرفت. در این قصه شیرین از دیدگان خود او می بینید، پله‌ای را که شاید تردید تاریخ، برای پذیرش بزرگترین در مورد او برای مردم زمان ما مسئله‌ای سخت بی اهمیت باشد، چرا که هر دوستدار فوتبالی بارها و بارها به احترام او از جا برخاسته است.

انسانی با تمامی استعدادها

و اینست داستان شخصیتی که انچه گفته شده قادر نیست نمایشگر همه شکوه او در دنیای توپ گرد و روی زمرد سبز چمنهای استادیومهای جهان باشد.

شاید او با تمام استعدادهای بشری یک انسان متولد شده باشد، شاید هنگام تولدش فرشته‌ای مهربان گهواره محقر و چوبینش را که با «نی»های نیشکر گره خورده بحرکت درآورده باشد و برایش لالائی گفته باشد، چرا که انسانهای زمان مادر ورزش کمتر چنین بوده‌اند، او در حالی فوتبال را شروع کرد که بنظر میرسید با همه ناتوانیهای دوران کودکی هرگز احتیاج به آموختن ندارد.

رکوردهای او نیز افسانه‌ای است و منحصر به فرد، او در سه دوره پیروزی برزیل درسوئد ۱۹۵۸ ـ شیلی ۱۹۶۲ و مکزیک ۱۹۷۰ همراه مردان طلائی و سبز برزیلی بوده است و در آزتک اوج شکوه خود را به نمایش گذارد و این رکوردی است جاودانی برای مروارید سیاه فوتبال جهان.

گذشته از این افتخار ابدی «پله» در سال ۱۹۵۸ در مسابقه های قهرمانی برزیل ۵۸ گل بثمر رساند و این نیز رکوردیست که طول سالها پایدار خواهد ماند، چرا که نه قبل از او مردی به این حد نصاب دست یافته است و نه طول ده سال گذشته کسی به این حد نصاب نزدیک گردیده است.

بهر حال گروهی برآنند که همه برتریهای شناخته شده بزرگان دنیای توپ گرد دروجود او یکجا گرد آمده است، استعداد شگرف ـ بازی زیبای دی استفانو ـ ضربه های فوق العاده لوستر ـ تسلط بیش از اندازه دی ـ دی و تیز بینی و عکس العملی فوق تصور که قبل از او هرگز کسی بنمایش نگذاشته است.

با این شناخت به برزیل باز میگردیم، به آغوش ملتی که افسانه های زیاد از تولد «پله» دارد و در این میان بیش از همه مردی بنام «والد ماردو بریتو» مربی سالهای آغاز تولد این افسانه و «جردارزاپیتو» انسانی فداکار که مادر حقیقتی «پله» میتواند باشد.

«والد ماردو بریتو» از پله اینطور آغاز میکند:

او در رویا هم خواب گل می دید، وحشی و سرکش و سخت، در خارج از میدان بی اعتنا بود ولی روی زمین بازی یک پارچه آتش، راز بزرگی که کشف کردم، این بود که روح او را نباید تصاحب میکردم یا در یک محدوده فکری اسیر و بهمین دلیل می کوشیدم همانطور که بود باقی بماند.

در بازیهای قهرمانی نوجوانان «سانو ـ پولو» در یک مسابقه برگشت، زود به استادیوم رسیدیم و به رختکن رفتیم چون در این زمینهای محلی یا استادیومهای کوچک در خانه حریف در میدان تنها ماندن خطرناک است.

آغاز راه طلایی افتخار

در رختکن صحبت از بازی، اضطراب فراوان بچه ها، چهره های تازه تیم و این مسائل بود، «پله» را تازه برای بازی انتخاب کرده بودیم ولی در تمام گفتگوها فقط او غایب بود، کیف دستی کوچکش را زمین گذاشت، از من و دیگران معذرت خواست سپس روی نیمکتی دراز کشید، چشمهایش را بست و به خوابی عمیق فرو رفت، هنگامی که میخواستیم بزمین برویم با داد و فریاد بچه ها چشمهایش را باز کرد، آماده شد و باز هم در سکوت بمیدان رفت.

ولی هنوز سوت داور در فضا طنین داشت که توپ روی پای او خوابید، چند مهره را جا گذارد و با شلیکی سنگین خاک «تور» دروازه حریف را تکان داد باین ترتیب بچه ها شیفته او شدند و این آغاز راه طلائی افتخار برای فرزند کوچک محله مادر کوچه «۷» سپتامبر بود.

«والدماردوبریتو» از روز بزرگ زندگی پله با هیجان و شکوهی خاص صحبت میکند، او روزی را بیاد می آورد که بچه سیاه کوچه ۷ سپتامبر را به استادیوم «ویلا بلمیرو» برده بود.

کتاب خاطره‌ها

خانه سفید و زیبای خاطره ها

در میان هزرعه سرسبز زندگی خانه سفید و زیبای خاطره ها همیشه پایدار است. در هر مسافرخانه ای «من و تو» همیشه یک رهگذریم، رهگذری خسته ـ رهگذری شادو مغرور.

ولی سرانجام روزی مسافرخانه را ترک خواهیم کرد و خانه سفید و زیبای خاطره ها همیشه پایدار است.

از این هفته خانه سفید و زیبای خاطره ها را «در» میزنیم و به دیدار خاطره ها میرویم. خاطره هائی که همیشه پایدار است. مجموعه این یادداشتها بی تردید کتابی زیبا و دوستداشتنی از خاطره همه آدمهائی خواهد بود که کتاب ورزش ایران را نوشته اند.

نویسندگان و مفسرین ورزش ـ قهرمانان ـ مسئولین و دست اندرکاران و تماشاگران و دوستداران ورزش.

اگر ما بخانه سفید و زیبای خاطره های شما دسترسی نداریم خودتان بنویسید و برای ما بفرستید، زیباترین ها را و پرشکوهترین را، لطفا روی پاکتها مرقوم فرمائید: خانه سفید و زیبای خاطره ها.

و توای خواننده و دوستدار عزیز ورزش و توای قهرمان محبوب با جمع آوری این خاطره ها با هر برگ این نوشته ها میتوانی در مزرعه سرسبز زندگی سازنده خانه سفید و زیبای خاطره هائی باشی که دوست داری.

صفر ایرانپاک

زمانی بود که ایرانپاک، مهاجم اهوازی تیم پرسپولیس شهره‌ی خاص و عام بود. بهترین گلزن ایران شناخته میشد و در نوک حمله کمتر کسی بپایش میرسید. آقای گل باشگاهها شده بود و از اینها گذشته یکی از مجلات بر سر رابطه‌ی او با یکی از هنرپیشگان ـ سینمای ایران کلی سروصدا و جنجال بپا کرده بود.

معمولا شهرت گرفتاریهایی بدنبال دارد و مهاجم خوزستانی تیم ملی ایران هم از عواقب وخیم آن در امان نماند و حرفهایی که درباره‌ی او زدند و قلمفرسائیهایی که با غراق درباره‌ی او شد و از نشست و برخاستن او با یک هنرپیشه کاهی را کوه کرده بودند زیانی برد که هنوز هم دارد قسطهای آن تهمتها را پس میدهد!

خودش درباره‌ی این خاطره‌ی بد میگوید: «هرگز فکر نمیکردم یک نشست و برخاست ساده و چند کلمه گفتگو با هنرپیشه یی که در یک جشن با او برخورد کرده بودم اینقدر ماجرا آفرین باشد.

کاش هر چه بود بهمان روزها خاتمه پیدا میکرد و بیش از آن لطمه بمن نمیخورد. اما درست آن زمانی که فکر میکردم این قضیه را همه فراموش کرده اند واقعه یی اتفاق افتاد که مثل پتک توی سر من فرود آمد.

موجبی پیش آمد که به خواستگاری یک دختر رفتم. تقریبا بتوافق رسیده بودیم. اما ناگهانی مسئله یی پیش آمد که یاد آن ماجرا در این محفل زنده شد و والدین دختر بشدت پافشاری کردند تا این وصلت صورت نگیرد.»

وقتی این حرفها از دهان بازیکن بیرون می آمد کاملا غم و اندوه بر چهره‌ی او نمایان بود. گویی ده سال پیرتراز آنست که چند دقیقه قبل بنظر میرسید.

پرویز دهداری (فوتبالیست و مربی سابق تیم ملی)

من مرده بودم، خودم نمی دانستم!!

یاد آن روزها که دهداری توپ میزد آنقدر کهنه نشده است که ندانید او چه بازیکن صاحب تکنیکی بود، چه خوب در میانه میدان نبض بازی را در اختیار داشت ودر نقش کاپیتن تیمهای ملی وشاهین چه مدیریتی بخرج میداد.

او یکی از آن یادگارهای خوب فوتبال ماست که میتواند از همه حیث، اخلاق، جوانمردی وسلامت نفس الگوی بسیاری از جوانان کنونی ما باشد.

پرویز دهداری، سرپرست کنونی وسرمربی تیم ملی زیر ۲۱ ساله های ایران که به جشنواره تولون دعوت شده است. زمانی فوتبال را رها کرد که از درد یک بیماری مرموز رنج میبرد، وسرانجام چیزی نمانده بود که این درد، که هر دو کلیه های او را از کار انداخت خود او را نیز از ما بگیرد. حتی خبر مرگ او را نیز در خبرها خواندیم واحساس عمیقی را که در بین طبقه ورزشی وهر کس که او را کم وبیش میشناخت، بخوبی دیدیم واین خاطره که او بزبان میآورد، مربوط بهمان زمان است. روزی که او در لندن، در یک بیمارستان بستری بود وخودش از خبر مرگ خودش بی اطلاع. از زبان خود دهداری بشنویم:

«روی تخت بیمارستان، دوران نقاهت را میگذراندم جراحی کلیه‌ها مرا بکلی از پا در آورده بود. با یک کلیه‌ی عاریتی از برادر، برادری که سخت جوانمرد ومهربان است دوباره به زندگی برگشته بودم. ودر این حال زیر بار سنگین



محبت مردم، آنها که از راههای دور ونزدیک با نامه یا تلفن ویا حضوری مرا قوت قلب میدادند، خود را ناتوان تر میدیدم.

در همین احوال، در یکی دو روز اول پس از عمل بود که در اتاق باز شد. خانمی بود. نمیشناختمش یکی دو قدم که تو آمد دو زانو روی زمین نشست وزار زار شروع کرد به گریه! من از هیچ چیز خبر نداشتم واز آنجا که قبلا او را ندیده بودم تعجب وکنجکاوی من بیشتر شد. خانمم که در کنار تخت ایستاده بود بسراغش رفت. او را از زمین بلند کرده ودر حالیکه او هم از تعجب شاخ در آورده بود او را آرام کرد.

دقایقی گذشت تا او به خود آمد. قبل از آنکه حرفی بزند نامه ای را بسوی من دراز کرد. هنوز قادر بتکلم نبود. نامه از یک دوست بود وما بیشتر حیرت زده شده بودیم که لب به سخن گشود وگفت:

به لندن میآمدم که یکی از دوستان شما این نامه را داد تا در اینجا بشما برسانم. برطبق معمول توی هواپیما وقت خودم را با روزنامه های ایرانی میگذراندم که خبر فوت شما را در آن خواندم. از آنجا تا اینجا در فکر بودم که چگونه با این صحنه روبرو شوم ونامه را به زنی که شوهرش مرده است بدهم حتی قصد کردم نامه را پاره کنم وبدور بیندازم. با اینحال دلم قرار نگرفت وبه بیمارستان آمدم وشما را زنده دیدم. از شوق واز این غافلگیری نتوانستم خودم را سرپا نگهدارم. شوکه شده بودم.»

براستی که در آن موقع، خبر مرگ دهداری بهمه جای ایران پخش شد. خیلی جاها برای او یک دقیقه سکوت دادند، آنروز بود که احساس میشد چگونه میشود در قلب مردم جا گرفت. بی آنکه پولی خرج کرد. وبرنامه‌ای پیش ساخته تدارک دید.

دهداری با این واقعه بازگشت خودش را به یک زندگی دوباره شرح داد. اما این خاطره ی زنده یی بود که خیلی ها از آن با خبر بودند وما در پی خاطره های قدیمی تر او را بحرف کشیدیم واو نیز چندتائی از آنها را برای خوانندگان ما جدا کرد.

«آنوقتها که جوان بودیم وتیم جم را تازه تاسیس کرده بودیم. فوتبال آبادان به هنر فردی بازیکنانش میبالید. میشد

خواستگاری بهم خورد!

(فوتبالیست سابق ملی)



ذهن او را متوجه خاطره‌ی دیگری کردم. او که کمتر آدم بگو و بخند و شلوغی است و پس از آن ماجرا خیلی ساکت‌تر هم شده است هر چه دنبال یک خاطره‌ی شیرین گشت چیزی بیادش نیامد و سرانجام به این یکی که حکایتی دیگر از روح پر احساس او بود، اشاره کرد:

«به کرمانشاه رفته بودیم. با تیم پرسپولیس. مسابقه‌های منطقه‌یی قهرمانی باشگاههای ایران در آنجا انجام میشد و تیم ما برای رسیدن به دوره نهایی باید یک دوره بازی میکرد.

میدانید که پرسپولیس در همه‌ی ایران طرفدارانی دارد و من در کرمانشاه شاهد مردمی بودم که هر روز در اطراف زمین یا مواقع دیگر در محل خوابگاه ما جمع میشدند و بنفع ما شعار میدادند اما هیچکدام از این احساسات هواخواهان ما باندازه احساس پاک یک دختر افلیج مرا تحت تاثیر قرار نداد.

یک روز که از تمرین بر میگشتیم یک مرد مسنی آمد جلو مرا گرفت و خواهش کرد که بخانه‌شان بروم. تردید کردم که او از من چه میخواهد. دوست است یا دشمن. چرا همینجا حرفش را نمیزند. اصرار من در جمع بازیکنان و دیگر طرفداران تیم بی‌فایده بود. مدام خواهش میکرد بی‌آنکه چیز دیگری بگوید، یکوقت دیدم گوشه‌ی چشمانش اشک حلقه زده است. دیگر تاب نیاوردم و گفتم هر چه میخواهد بشود. بخانه‌اش رفتم. با منظره‌ای روبرو شدم که تصورش هم برایم مشکل بود. درو دیوار یک خانه پر از عکسهای من و تیم پرسپولیس بود. همینطور که حیرت زده توی اتاق بودم و هاج و واج به عکسها نگاه میکردم دختری را دیدم که با یک صندلی چرخ دار وارد شد. تعجب من بیشتر میشد که گفتند این اتاق به او تعلق دارد و او یکی از هواخواهان من است و به تقاضای او پدرش مرا به خانه‌شان دعوت کرده بود.

داشتم مثل بید میلرزیدم. نمیدانستم باید خوشحال باشم یا گریه کنم. مدتی نشستیم و باهم صحبت کردیم. دفترچه‌اش و تعدادی عکس را امضاء کردم و او گفت که این روز را فراموش نمیکند. منهم آنروز را فراموش نکرده‌ام.»

راستی که از صفر ایرانیاک احساساتی‌تر کسی را کمتر میشود پیدا کرد. و من سعی کردم که او را بدنیایی دیگر ببرم. به دنیایی که همه‌اش غم و غصه و درد نباشد و خیلی که بمغزش فشار آورد این را بیاد آورد:

«رفته بودیم به جام جهانی کوچک یا جام استقلال برزیل. من و جواد قراب در یک اتاق بودیم. چند تا از برزیلی‌های جوان و نوجوان بودند که مرتب برای ما صفحه و نوار می‌آوردند و باینطریق از ما میهمان نوازی میکردند.

«یکشب که موقع خوابمان بود قراباز اتاق بیرون رفت و هر چه منتظرش ماندم نیامد. صبح که از خواب بیدار شدم او را در رختخوابش ندیدم و این غیبت او مرا خیلی بوحشت انداخت زیرا که میگفتند اگر کسی در اینجا شبها از خانه بیرون برود ممکن است او را بکشند. صبح، سر صبحانه بود که قضیه را آفتابی کردم. همه‌اش خدا خدا میکردم که مبادا بلایی سر او آمده باشد.

دردسرتان ندهم. نزدیکیهای ظهر بود که پیدایش شد. هر چه میخواست حرفی بزند توی حرفش میدوند و او را متلک باران میکردند. آخر سر تصمیم گرفته شد برایش یک دادگاه اردویی تشکیل بدهیم. آقای «تاری» سرپرست تیم رئیس جلسه بود و بچه‌های دیگر اعضا و تماشاگران این جلسه.

سرانجام قرار شد او را جریمه کنند و بچه‌ها که فکر میکردند اگر باو کمتر پول بدهند جیره‌ی آنها بیشتر میشود باتفاق او را محکوم کردند. طفلک هر چه از خودش دفاع کرد فایده نداشت. همه در دادگاه بر ضد او بودند. اما حرفهای او در من تاثیر کرد. تنها من بودم که میدانستم او کجا رفته است. او بدعوت آن چند تا جوانی که دوستدار ما بودند و برایمان صفحه می‌آوردند بمنزل آنها رفته بود.»

گفت هر کس که صاحب توپ میشد آنقدر با آن ور میرفت تا آنرا از او بگیرند. بیخود نیست که هنوز هم وقتی صحبت از فوتبال خوزستان و آبادان میشود مهارتهای فردی بازیکنانش بیشتر از هر چیز نظر را جلب میکند.

ما هنوز در دبیرستان درس میخواندیم که تیم جم را ساختیم وتیم ما که کم کم سر وصدائی بپا کرده بود توانست در یکی از مسابقات خودش را به پای فینال رسانیده تا با تیم کارگر که یکی از قویترین تیمهای این شهر بود مسابقه نهائی را برگذار کند.

ما یک عده جوان لاغر وکوچولو وکم تجربه وآنها مردانی با تجربه واغلب با اندامی درشت، مثل فیل وفنجان روبروی هم ایستادیم وبهمین دلیل از ترس هم شده ما دست از عادت همیشگی برداشتیم وهر وقت یکی از افراد کارگر را جلوی خود میدیدیم. خیلی زود توپ را پاس میدادیم.

این ابتکار این خاصیت را داشت که ما با آنها تن بتن درگیر نمیشدیم وبازی داشت مساوی ادامه پیدا میکرد که توپ با یک شوت سنگین از استادیوم خارج شد وناچار یک توپ یدکی ایرانی که آنجا بود بما دادند تا اوت بیندازیم. روی همین توپ بود که من با یک ضربه آنرا گل کردم.

همان ترس که ما را مجبور به پاس دادن کرد سبب شد که شیوه بازی در فوتبال آبادان تغییر کند. در آن روز همه فکر میکردند ما با این شیوه توانسته ایم تیم کارگر را مغلوب کنیم. در حالیکه واقعا از آنها میترسیدیم»

دهداری که بدون شک خاطرات ریز ودرشت زیادی از دوران فوتبال خود دارد ما را بهمراه افکارش به بازیهای منطقه ای فوتبال آسیا به سالهای ۶۰ـ۱۹۵۹ (۱۸ـ۲۵۱۷) میبرد واضافه میکند:

در بازیهای آسیائی سال ۱۹۵۸ که تیم ایران به ژاپن رفته بود، دو شکست سنگین از اسرائیل (۵ـ۰) وکره (۴ـ۰) چنان تاثیری بر ما وبر فوتبال ما گذارده بود که وقتی سال دیگر در هند، بحکم قرعه با اسرائیل روبرو شدیم کاملا خود را باخته بودیم وهیچکس حتی یک در صد امید پیروزی ما را نداشت.

اما تقدیر چنان شد که تیم کاملا جوان ودگرگون شده‌ی ما در این بازیها در دیدار رفت ـ که عنوان مقدماتی هم به آن داده بودند ـ سه بر صفر اسرائیلی ها را مغلوب کند.

قضیه از این قرار بود که من وضع بیماری داشتم وقرار بود بازی نکنم، اما بیست دقیقه که از بازی گذشت مرا بزمین فرستادند. از قضا هنوز توی زمین آفتابی نشده یک توپ از گوش برای برمکی فرستادم واو سر ضرب آنرا بدروازه کوبید که این توپ کمانه کرد وتوی دروازه رفت.

بار دوم از روی خط کرنر یک توپ برای حجری بعقب پاس کردم وحجری با آنکه شوتهای سنگینی داشت. آنرا با نوک پا وضربه یی نامطمئن بدرون دروازه فرستاد.

گل سوم از اینها نیز سهلتر بدست آمد. راستش رفتم این یکی را هم پاس بدم که از زیر پای باز شده گلر اسرائیل بدرون دروازه رفت وهمه فکر کردند که من گل زده‌ام در حالیکه دروازه‌بان اسرائیل گل خورده بود!

ما اسرائیل را بردیم وبر سر زبانها افتادیم، تقریبا کاری ناباورانه از ما سر زده بود. اتفاقا یکی دو دیدار دیگر را نیز کم وبیش بهمین شکل بردیم وباز من که نیروی کافی برای ۹۰ دقیقه بازی نداشتم مدتی روی نیمکت ذخیره ها می نشستم وبعد وارد زمین میشدم

این نکته از چشم روزنامه نگارها پنهان نماند ونوشتند که ایران یک شماره ۱۲ دارد که روی نیمکت می نشیند بازی را دید میزند وسر از اسرار تیم حریف در میاورد وقتی پا بزمین میگذارد تیم ایران برنده میشود!!

تا آنکه شب دیدار با هند رسید. رئیس فدراسیون فوتبال هند برای خوش وبش آمد سراغ سرهنگ مصطفی مکری رئیس فدراسیون فوتبال ایران واز هر دری از جمله بازی فردا صحبت کردند. در همین موقع یک خبرنگار هندی از سرهنگ مکری سئوال کرد سیستم بازی شما چیست. ودر واقع میخواست بداند در عرض یکسال چه کرده ایم که اینطور فوتبال ما زیر ورو شده واسرائیل را شکست داده است.

مکری با همان خنده های معروفش لبخندی زد ورو کرد به بچه ها وبفارسی گفت: «طرف خیلی کلکه. میخواد دست مارو بخونه. الان گیجش میکنم». وبعد به خبرنگار هندی گفت: ما «زیگزاگ» بازی میکنیم.

آن شب گذشت. ما هند وپاکستان را هم بردیم ودیدارهای رفت (بازیها دو دوره یی انجام میشد) پایان گرفت.

نوبت بازیهای برگشت شد. بار دیگر با هند روبرو شدیم. من هنوز بیمار وبیحال بودم وقرار نبود که بازی کنم. بازی که شروع شد تا بچه های ما آمدند بجنبند دو گل خوردند که ناگهان فریاد تماشاگر بلند شد ونمیدانم بشوخی یا جدی بود که میخواستند شماره ۱۲ ایران ـ که من باشم ـ وارد زمین شوم.

بناچار آمدم میدان. اما ورود من تاثیری در روحیه هندیها نکرد وآنها ۲ گل دیگر هم زدند وما چهار بر صفر مغلوب هندیها شدیم.

وقتی بازی تمام شد. همان خبرنگار هندی به طعنه گفت: معنی زیگزاگ را فهمیدم!!



۱۶ـ ایران

در گروه چهارم، هلند، اسکاتلند، ایران و پرو باهم روبرو میشوند. اسکاتلندیها صحبت از قهرمانی میکنند و کمتر از حضور در فینال درخود نمی بینند.

هلندیها هنوز آوازه‌ی جام جهانی مونیخ را با خود یدک میکشند و غیبت کرویف آنها را دربیم و امید نگهداشته است.

پرو تاکنون در دیدارهای تدارکاتی چنگی بدل نزده است و همچون ایران با گرفتاریهای بسیار روبرو بوده است.

و ایران، در نخستین بار حضور در تاریخ جام جهانی، بلند

آوازه‌تر از آ
میخواهد، نه
دارد... بهرحا
این یک چ
نصرالله عبد
رضاعادلخانی
نشسته:
نایب آقا، حس

www.iran-archive.com

ایران: همگروه با دو بزرگ اروپائی





برگزیدگان برای جام جهانی
۱۹۷۸ (آرژانتین)

ت که به این جام پا میگذارد، نه از هلند پیروزی
کاتلند، اما برای پرویی ها نقشه هایی در سر
حضور در جام نیز برای ایران افتخاریست بزرگ
تیم ایرانست که در برابر بلغارها بمیدان آمد،
غفورجهانی، علی شجاعی، ناصرحجازی،
یم قاسمپور،
روین، حسن نظری، انرانیک اسکندریان، حسن
ن.

فریاد بلند خوشبختی...!

قصه یک زندگی

... مادر و دختر، روبیاروی هم نشسته بودند. در فضای نیمه روشن اتاق، آفتاب شادی بر چهره‌ی هر دو می‌تابید. چشم هر دو، از فرط مسرت، برق می‌زد، و من احساس میکردم که قلب هر دو واقعا، مالامال از غرور است و نیز احساس افتخار، و احساس رضایت از لطف پروردگار...

دختر سیه چرده و لاغراندام، با آن جثه‌ی کوچکی که به اندام کودکان دبستانی میماند، میکوشید، که نزد ما، موج احساسات خود را مهار کرده، هرگزعنان متانت و وقار را از کف ندهد، تا مبادا این تصور پیش آید، که او، یک رکورد شکستن در روزگار خواب پهلوان ها و حرافی پهلوان پنبه‌ها را، نهایت پیروزی و افتخار قهرمانی و انسانی خود می‌داند. و ظرفیت و پذیرش یک قهرمان منیع الطبع را ندارد... او، همواره براحساس درونی خود، غلبه میکرد و چنان مینمود که از شکستن یک رکورد در زمانه‌ی قحطی رکوردها برای ما، بال و پر در نیاورده است که بسوی آسمان سر بر دارد. اما... اما بعکس مادر او، که در سالهای آغاز کهولت گام بر می‌دارد، نقطه مقابل او بود: «میخواست، هر آنچه در دل دارد، هر آنچه را که لمس و احساس میکند، و هر احساسی را که زائیده‌ی قهرمانی دختر کوچولوی اوست، باتمامی قدرت وجودش بازگو کند و بروز دهد... و حتی در صورت امکان، با صدایی رسا، برای جمعیت شهر اعلام کند: اهای؛ ای خلایق خفته در رختخواب مال و منال، از خواب گران برخیزید، چشم‌ها و گوشهایتان را باز کنید، و بشنوید و بدانید که من از شادی فیروزی فرزند دلبندم، لذتی میبرم ورای تمامی لذت های زندگی... من، در چنان لحظه‌هایی شیرین غرق شده‌ام که جز صدای پای پیروزی دخترم، هیچ صدایی را نمی‌شنوم. من از فرط شادی و مسرت، سر از پا نمی‌شناسم و بسوی کهکشان‌ها پر گشوده‌ام، تا صدای شادی خود را در آسمان‌ها، طنین افکن کنم. من از آن بالا، چیزهایی در زندگی می‌بینم و لمس و احساس می‌کنم که هرگز شما را راهی به قلب آن نیست... من، اکنون هر چه دارم، حاضرم برای تضمین بقای این شادی، و ادامه‌ی موفقیت دختر کوچولویم ایثار کنم... این فرزند ریزه و میزه و ۴۰ کیلویی من کاری کرده که خیلی بزرگترها، نتوانسته‌اند. اصلا، حالا کسی نیست، که با او بتواند، به رقابت برخیزد... دختر من، اکنون در ۱۶ سالگی، یک قهرمان است. دختر من، فرداهم قهرمان خواهد بود، و من نشانه «فرداهای دیگر را بر چهره‌ی او می‌بینم... فرداهایی را که برای او پر بار خواهند بود، و هر روز پربارتر...

فریاد خوشبختی

واقعا، این مادر چه نعمت و موهبت گرانقدریست، و چه موجود پر مهر و شفقت و بی‌همتا در دلسوزی و ایثار هستی به فرزند...

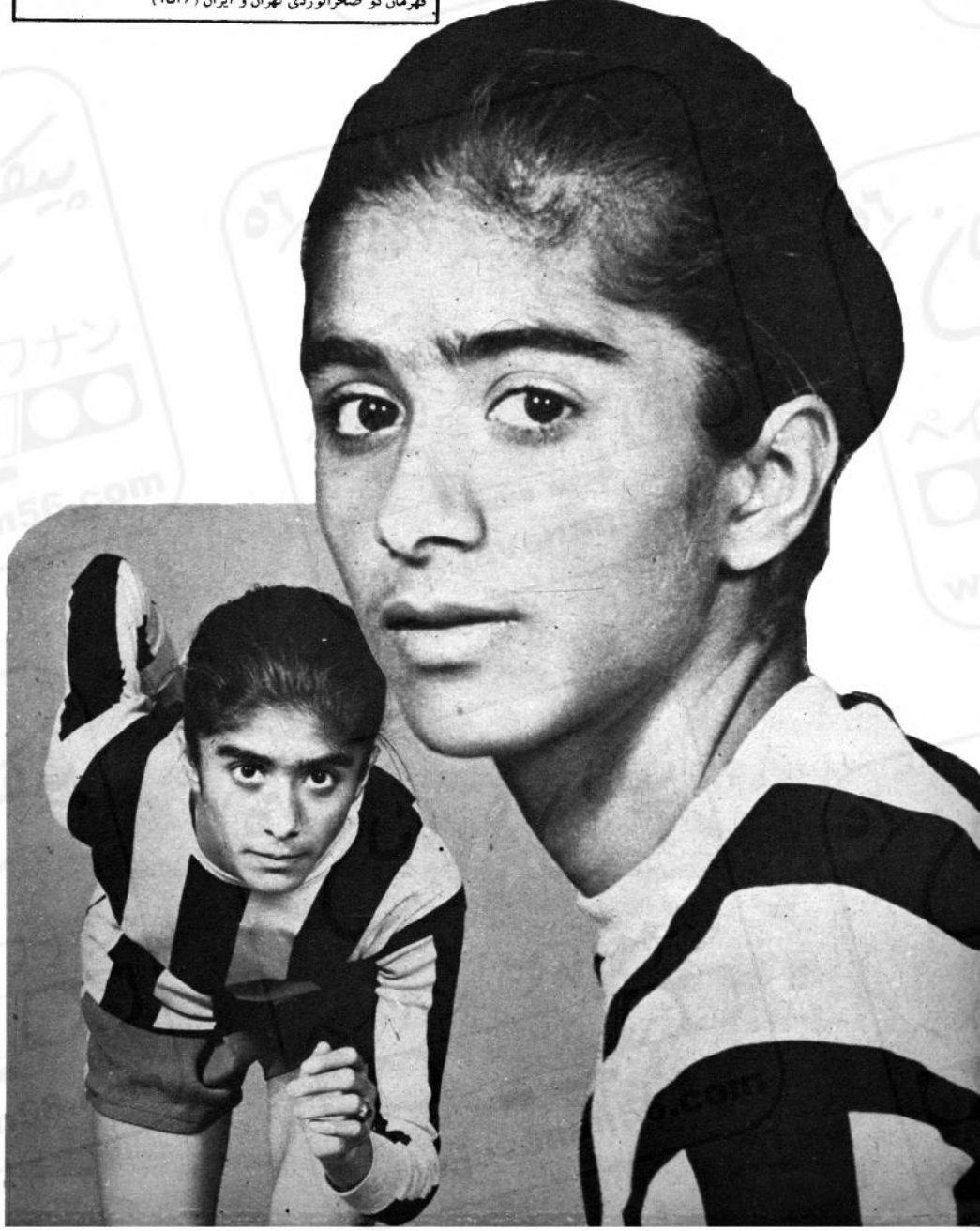
مادر فریبا جعفرزاده، هم مانند همه مادرهای دوست داشتنی دنیا، که هیچ چیز را به اندازه سلامت و سعادت و کامیابی فرزندشان نمی‌خواهند، بخاطر کامیابی فرزندش، سرشوق و شعف آمده است، و چنان ذوق زده شده، که انگاری اینروزها، دربهشت برین روز و شب را سر میکند...

فریبا کوچولوی دو و میدانی که میرود تا به بزرگان ملحق گردد، می کوشد مادرش، کمتر از او و فرزندان دیگرش بگوید و پنداری، بیم دارد، که یک وقت حرف گرافی از زبان مادر جاری گردد، ولی مادر که شوق گفتن دارد، و شوق خالی کردن گفتنی‌ها از مغز، و شور وافر او را آرام نمی گذارد، این شور و شوقش، مرا به چنین فکری می‌اندازد:

- «این مادر مهربان، اگر می‌توانست، که هر آنچه در دل دارد، خالی کند، قلب شهر را تسخیر می کرد. فریاد بلند خوشبختی را سرمیداد که آهای مردم! من صاحب یک خانواده خوشبخت هستم که کوچکترین عضوش، قهرمان مملکت شما و ماست. آهای مردم! این دختر مرا نگاه کنید. طفلکی یک مثقال گوشت بر تن ندارد. ۱۶ سال

شناسنامه قهرمان

نام و نام خانوادگی: فریبا جعفرزاده دوانی
نوع ورزش: دو و میدانی
باشگاه: تاج
سابقه ورزش: دو سال و نیم
سن: ۱۶ ساله
موقعیت خانوادگی: مجرد، دارای چهار برادر و سه خواهر، و آخرین فرزند خانواده
موقعیت تحصیلی: کلاس سوم نظری
افتخارات: قهرمان ۸۰۰ متر در مسابقه‌های دو و میدانی جوانان ایران (۲۵۳۵) ـ نایب قهرمان ۱۵۰۰ متر در مسابقه‌های دو و میدانی قهرمانی کشور (۲۵۳۵) ـ رکورددار ۸۰۰متر آموزشگاههای کشور (۲۵۳۶) قهرمان ۱۵۰۰متر در مسابقه های دوومیدانی قهرمانی کشور (۲۵۳۶) رکورددار غیررسمی ۱۵۰۰متر در ایران با زمان ۵/۲/۵ (این رکورد بعلت قانونی نبودن پیست امجدیه رسمیت نیافت!) ـ رکورددار ۳۰۰۰متر با زمان ۱۱/۲۷/۳ دقیقه (۲۵۳۷) ـ قهرمان دو صحرانوردی تهران و ایران (۲۵۳۶)



این هفته: فریبا جعفرزاده دوانی

بیشتر، سن ندارد، ولی، همت و پشتکار و سرعتی دارد، به مقاومت و سرعت قویترین آدم‌های شهر شما...» احساس مادرانه‌ی او را کاملا نمی‌توانم بازگو نمایم. مشکل این نیست که نمی‌توانم، تمامی آنچه را استنباط و احساس کردم، بنویسم، مشکل اینست که قادر نیستم، با همه‌ی نیروی خود، همه احساس و ادراک یک مادر را مجسم و لمس کنم و آنگاه، با این، روحیه‌ی متاثر از ماشینیزم سرگیجه آور به نقاشی کردن احساس موجودی بنشینم که جنت و عدن را زیر پای او نهفته پنداشته‌اند...

دختر او، فریبا جعفرزاده، آخرین هفته فروردین بود که در ۳۰۰۰ متر حدنصاب خوبی را بدست آورد، و درست اول اردیبهشت ماه، رکورد ایران در این مسافت را ۱۲ ثانیه بهبود بخشید و دو و میدانی را در بحران خواب و رخوت بزرگان صاحب رکوردی تازه کرد.

نوستاره‌ی دو و میدانی ما، دختریست از سرزمین تفتیده خوزستان، قلب آبادان، با ۱۵۷ سانتیمتر قد و ۴۰ کیلو وزن... شنیدنی است، بدانید که این دختر ـ به روایت مادرش شش ماه و نیمه بدنیا آمده و شاید هم از اینروست که تعجیل وی در تولد، باعث شده تا به دو و میدانی روی کند و برای فتح قلل قهرمانی شتاب و باز هم شتاب!؟

این روح شورو شتاب را در حرکات و سکنات، و تصمیماتی که دختر آبادانی در مورد آینده‌اش می‌گیرد، می‌توان دریافت که البته، در این قصه اشارتی بدان خواهد رفت...

بچه منزوی و گریان

فریبا جعفرزاده، در محله «بریم» آبادان پابه عرصه زندگی نهاد. تا کلاس چهارم دبستان، بقدری گوشه‌گیر بود که حوصله مدیر و معلم مدرسه را سر آورده بود... نه با کسی اخت می‌شد و می‌جوشید، نه با کسی حرف می‌زد، و نه با کسی بازی می‌کرد... بقدری گوشه گیر و خجالتی بود، که حتی وقتی در کلاس اول دبستان، سئوالی از او کردند، گریه می‌کرد. مدیر مدرسه، بارها، برای پدر و مادر او، پیغام دادند که بیایند، تکلیف این بچه را روشن کنید، شاید او مریض است، و یا بچه‌تر از آنچه باید... حتی یکی، دوبار، به پدر و مادر او، گفتند، که «فریبا»ی منزوی و گریان، استعداد ندارد، درس بخواند، اما پدر و مادر او، اصرار میکردند که نه... چنین چیزی نیست... او فقط بچه است، یک بچه نامانوس با محیط و مردم... او می‌تواند، درس بخواند. چنین بود و چنین میرفت از این شکایات و ایراز دلیل طرفین، که دخترک سیه چرده، یکباره همه را متحیر کرد. او، در امتحانات نهایی کلاس پنجم دبستان، شاگرد اول شد و به غائله خاتمه داد...

چهره‌ی تازه دو و میدانی ما، سه سال پیش بود، که از جنان انزوا و محیط سرد، گام به عرصه‌ی گرم و پرتحرک ورزش نهاد و بدین روایت:

ـ کلاس اول نظری بودم حرف سه سال پیش را می‌زنم. یک روز سر کلاس نشسته بودم که دوستم میترا دانایی فرد، «دختر خواهر علی دانایی فرد» آمد، و گفت: «فریبا! میدونی چی شد؟ من تو مسابقات دوم شدم»

گفتم: کدوم مسابقات؟

گفت: دو صحرانوردی

گفتم: میشه منم بیام، با شما بدوم؟

گفت: چرا نمیشه؟ تو هم بیا با ما تمرین کن...

درست یادم هست که دیماه ۱۳۵۴ بود. من و میترا و برگس بهجت رفتیم امجدیه... احساس میکردم که به محیط خیلی ناآشنا آمده‌ام. یک جایی که نمیدانستم، در درونش چه میگذرد. حتی نمیدانستم برای چه، گفته‌ام که بیایم با همکلاسانم بدوم و بخاطر چه می‌خواهم، چنین کاری را بکنم...

بهرحال، همان بار نخست شد، که مغناطیس امجدیه مرا گرفت.

از آن روز، با بچه‌ها پیش آقای مرتضی محمدی امدیم و من حدود یکسال و نیم، پیش این مربی که یک پدر روحانی ومعمم دارد، کار کردیم و الفبای دویدن را از وی یاد گرفتم بعد امدم پیش آقای مهدی فرجه داغی که مربی تحصیل کرده است و او خلاصه‌ای از درسهایی را که به قهرمانان المپیک و جهان میدهند، بما داد، و اوست که مرا از صفر به اینجا رسانید.

خودنویس مستر «هاگر»

مادر فریبا، که در راه تعلیم و تربیت و پرورش او و خواهران و برادراش موسپید کرده است، میگوید: «آقا، من در سفر بودم که دخترم به این ورزش کشیده شد. رفته بودم امریکا، پیش پسرهایم، و اینجا نبودم. وقتی شنیدم که او، به دو و میدانی روی کرده، ناراحت شدم. چون فریبا، از نظر بدن، خیلی ضعیف است. او، شش ماه و نیمه بدنیا آمده، و لابلای پنبه، توی دستگاه بزرگ شده است. من سراین بچه زمین خوردم، و امیدی به حیات فریبا نبود، ولی خوب، خدا خواست که او زنده بماند و خدا خواست که وی زودتر بدنیا بیاید؛ فرزند زودرس و تیز پای من!

خانم جعفرزاده، هرگاه که دخترش را می‌نگرد، میخواهد، خصلتی از خصلت های او را بگوید. میخواهد، حرفی از او بزند، و از فرزندان دیگرش، که در خارج تحصیل می کنند و آنگاه یاد از مسعود برادر فریبا میکند و می گوید، او فوتبال بازی میکند، و برادر دیگر فریبا که نادر نام دارد، در شنا خوبست...

من سراین بچه‌ها، زحمت کشیده‌ام و یادم می آید، یک روز عید، مادرخانه دوتا «پا» شکسته داشتیم...

وقتی که حرفهای مادر فریبا تمام میشود، دختر قهرمان می گوید:

ـ «این را هم از یاد نبرید که پدر و مادرم مخالف ورزش بودند» و مادر که انگاری از آن ایام مخالفت شرمگین مینماید، می گوید: «آخه عزیزم، تو آن موقع کوچک بودی. بچه‌ای ضعیف بودی قربونت برم»

موج شادی مادر فریبا، قابل مهار نیست، می خواهد در قصه زندگی فریبا، قصه خانوادگی او بیاید، و از اینروست با لحنی گله مندانه میگوید: «چرا نمی گونی، که پدرت و برادرانت ورزشکار بوده‌اند و هستند، ولی از مخالفتشان می گویی.»

پدرت قبلا «دونده بود، و آنموقع از مستر «هاکرانگلیسی» در آبادان خودنویس... جایزه گرفت... خودمن هم ورزشکار بودم و شنا کار میکردم» و فریبا در پاسخ مادر، به طنز یابه جد، می گوید: «مادر جون! بابایک بار در عمرش دویده، و یک خودنویس جایزه گرفته، قهرمان که نبوده..؟!»

همگی از این گفت و شنودهای پراز مزاح به خنده می افتیم، بعد، مسیر زندگی ورزشی رکورد شکن تازه دو و میدانی را طی می کنیم: «هیچکس فکر نمی کرد، که فریبا، یک روزی بیاید و رکورد ایران را فرو بریزد، جز مربی او، و دو دوست او: میترا و نرگس که هردو دونده‌اند...

محیط دو و میدانی، اکنون چندان محیط گرم نیست، ولی کانون این چند دختر و پسر که دور «فرجه داغی» گرد آمده‌اند، ازعطوفت و گرمی جالبی بهره دارد.

فریبا، خود را مدیون اعضای این کانون می داند، و عقیده دارد که اگر اینها، او را به رکورد گیری نمی کشیدند، کاری نمیتوانست بکند، ولی این را هم ناگفته نمیگذارد که او در استقامت، تنها می دود. رقیبی ندارد، اما، مربی اش چنان به وی یاد داده که هرگاه روی پیست می دود، تصور کند که چند رقیبی او را تعقیب می کنند.

یک شب دعا تا دم صبح

دختر آبادانی، رکورد ۱۵۰۰ متر ایران را هم زد، منتهی چون پیست امجدیه «لبه» ندارد و قانونی نیست، این رکورد وی رسمیت نیافت. اما رکورد ۳۰۰۰/ متر را در شرایطی بهبود بخشید، که از شهین رضایی رکوردار ۱۵۰۰ متر خواهش کرده بود که به استادیوم آمده، برای او، محرک باشد.

فریبا، از آن روز چنین یاد میکند: «من تا ۱۰۰ متر، آخر هم نمیدانستم که رکورد ۳۰۰۰ متر را میزنم. درست در ۱۰۰ متر آخر بود که مربی‌ام گفت: ۵ ثانیه دیگر رکورد ایران را می‌زنی، نیروی خودت را کار بینداز. و من چنین کردم که رکورد شکست. محمدی مربی قبلی من، اولین کسی بود که جلو آمد، و با من دست داد و گفت ۴ ثانیه رکورد زدی، که البته، این ۳ ثانیه و ۵دهم ثانیه بود. دوستم «لوکسانا» مرا در آغوش گرفت و اشک شوق در چشمانش حلقه زد. من هم میخواستم اشک شوق سردهم. اما فکر کردم که اینرا به حساب بی ظرفیتی من می گذارند و بهمین رکورد قانع هستم...

پیش از این، یکبار هم رکورد ایران در ۳۰۰۰/ متر را در تمرین زده بودم، یعنی یک هفته پیش، و آن موقع، مربی‌ام یک حلقه گل میخک سفید خیلی خوب بگردنم آویخت و این، در روز مسابقه هم تکرار شد...

«فریبا» از خانم «زیناسوکاسیان» رکورددار قبلی ۳ هزار متر به تیکی یاد میکند و از کوششهای او، در بیشتر مسابقه هایی که هیات دومیدانی تهران برگزار مینمود. میگوید: خانم «سوکاسیان» اغلب، جلوی من راه می افتاد. و مرا در رکورد گیری‌ها بکار میکشید. او، محض تشویق من، دوبار دور پیست را می‌دوید، وبعد، دو دور دیگر را خودم به تنهایی می‌دیدم، اما جز او و خانم «ناتاشا سلیمانی» دیگر خانم‌های رکورددار در دومیدانی، هرگز فرصت به جوانها نمیدهند، در خفا تمرین کرده، سالی یکبار، سر مسابقه ها ظاهر میشوند...

ستاره تازه ورزش ما، یک خاطره از دوران کوتاه دوندگی خود تعریف میکند و میگوید: «من، از اول دارای چنین روحیه‌ای نبودم، و اوایل از رقابت‌ها، می‌هراسیدم، یادم هست، در مسابقه‌های جام حنظل، که در اهواز بود، یک شب تا صبح دعا کردم که «کارمن اللهوردیان» را در مبارزه ۸۰۰ متر بگیرم. کارمن میگفت من ترا پشت سر خواهم گذارد، و من عجیب از او می ترسیدم و از اینرو، تا صبح خوابم نبرد، و مدام دست به دعا برداشتم...

شکست و خنده های تلخ

فریبا جعفرزاده، در رشته‌های ۸۰۰ و ۱۵۰۰ متر هم می‌دود. فی‌الواقع این دو ماده، رشته‌های اصلی اوست، منتها، او احساس کرده بود، که رکورد ایران در ۳۰۰۰ متر پائین مانده و بایستی ترقی کند و بهمین علت، گاهی در مبارزه این مسافت را ۱۲ ثانیه در تمرینات بهبود بخشید، و امیدوار و مترصد شد که به رکورد گیری رسمی دست بزند.

تلخ ترین خاطره‌ای که در دو و میدانی نصیب این چهره‌ی نوشکفته شده، اینست: «تیم دو و میدانی تهران، که در مسابقه های قهرمانی کشور شرکت کرده بود، او را هم در عضویت داشت. توران شادپور، ویکتور غریبیان، میترادانایی فرد، و فریبا جعفرزاده، در ماده ۴×۱۰۰ متر برابر تیم اصفهان جدال داشتند. اینها، امیدوار بودند که حریف را می برند و طلای را هم. اما تیم تهران، بخاطر اشتباه فریبا که چوب را انداخت، شکست خورد. فریبا عقیده داشت که مقصر شادپور بود که جلوی او بود، و مقداری بیشتر چلوتر آمده، او را وادار به انداختن چوب کرده بود.»

دختر ۴۰ کیلویی می گوید: آن روز، مربی‌ام آقای محمدی با من خیلی بد صحبت کرد، و من نه یکبار و بلکه دو، سه بار از توران شادپور و غریبیان عذرخواهی کرده، رفتم توی اتاق، و تا می توانستم گریستم...

فردای آن روز که سر میز صبحانه رفتیم، اصفهانی ها، با نیشخند و کنایه های پرمعنی، از من تشکر می کردند که باعث قهرمانی شان شده‌ام، و من هم چاره‌ای جز ارائه لبخندهای مشابه و تلخ نداشتم...

من، این دو و میدانی را دوست دارم و برایم مهم نیست که از این قبیل مسایل پیش بیاید... این، ورزشی است انفرادی، که یک فرد خوب می تواند، تحرک و قدرت خود را به تنهایی نشان دهد، و به تنهایی هم موفقیتش را مال خود سازد. نفس، نفس زدن، و دویدن تا آخر خط و خسته شدن لذتی دارد که ستودنی نیست. اما، امان از این تماشاگران که توجهی به دو و میدانی ندارند. میدانید، تماشاگران ما کیستند؟ خود دونده ها!

من شما مطبوعاتی ها و رادیو تلویزیونی ها را هم بی تقصیر نمی دانم و انتظار ما از همکاران شما اینست که دو و میدانی را یاری دهید. به مردم بشناسانید، و بر رونق آن بیفزائید...

رکورد آسیا شکستن و قابله شدن!

«فریبا» به پاتیناژ، اسکی، شنا و والیبال علاقه دارد اما بیش از همه اینها، عاشق نویسندگی است و قابلگی!! بلی، قابلگی یا قابله بودن! که آرزوی او هم هست! می دانید چرا؟ مادر بزرگ ۷۵ ساله او، قابله است و هنوز هم بدین کار اشتغال دارد. مادر «مادربزرگش» هم قابله بوده، و چون فریبا، این کار را رشته‌ای سخت می داند، و دوست دارد، می خواهد ولو بصورت حرفه‌ای ارثی، در خانواده حفظ کند...

مادر فریبا می گوید. که خانواده‌اش، ۴۰ سال در آبادان زندگی کرده‌اند، و دخترش راست می گوید که یکی از آرزوهای او، قابله بودن است، و فریبا، می افزاید: آقا، فکر نکنید، ه در ورزش آرزویی ندارم. من، دلم می خواهد در ۸۰۰ ـ ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ متر، رکورد آسیا را برای ایران بدست آورم و این ها برای من بیشتر از آن آرزوهایم ارزش دارند...

فریبا، در مدرسه مهر ایران درس می خواند. عشق به خلق افتخار، علاقه به قهرمانی، چنان در وجود او ریشه دوانیده که حاضر نیست، با پدر و مادرش، به کشوری دیگر رفته، در آنجا زندگی کند. مادرش می گوید که همه چیز را برای سفرشان مهیا کرده‌اند، ولی دختر تازه قهرمان، می گوید، شما بروید من اینجا می دوم و درس می خوانم، و پیش برادر بزرگم میمانم. از آنها اصرار است و از او انکار... می گوید، من اینجا هم می توانم دردس بخوانم. اگر قابله نشدم، یک حقوقدان خواهم شد. مربی او هم مایل نیست که فریبا برود، و فدراسیون و او میدانی بیشتر از هر دو... آخر، قحطی قهرمانی در دو میدانی بپیداد میکند.

گویا، رئیس فدراسیون به مربی فریبا گفته که دخترک را تا فتح سکوی قهرمانی آسیا رها نسازد. حیف است که او از دست برود... این، البته گویای توجه فدراسیون به آتیه دو و میدانی است، اما، همه‌ی واقعیت دو و میدانی نیست، و تضمین کننده‌ی همه‌ی سعادت فریبا هم نیست.

حساس و سمج و زودرنج

مادر فریبا، نگران حال اوست. می گوید، آقا این دخترم در این دو سال و نیم آب شده. صبح ساعت ۷ از خانه می رود و شب ساعت ۸.۷ می آید... او، در منزل نیست که من به غذا و استراحتش برسم. یا غذای بیرون سر میکند و می دود و می دود، و هر روز، لاغر و لاغرتر میشود...

می گویم، مادر! میشود خصایص فریبا را در چند سطر تعریف کنی؟

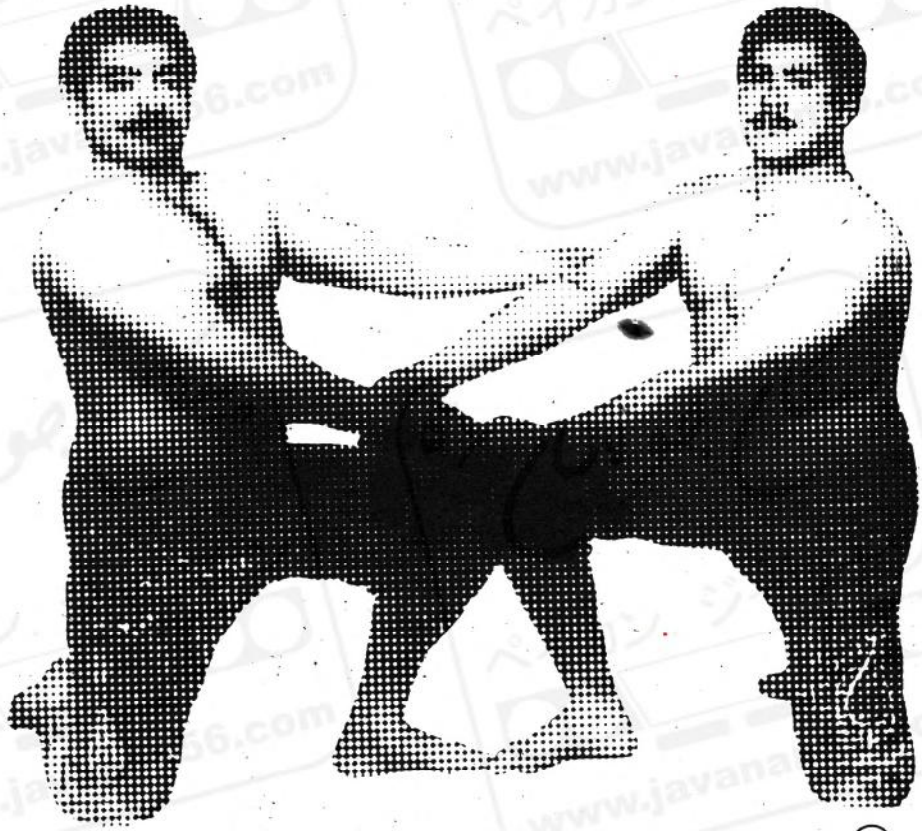
می گوید: دختر حساسی است. حساس و سمج. می خواهد، هر آنچه را که دوست دارد، بدست آورد. زودرنج و احساساتی است و کمی هم بذله گو و شوخ... خودنمایی را هم دوست ندارد... نماز هم می خواند. مثل پدرش با خداست، دست از طاعت و عبادت نمی کشد... اما من... دروغ چرا بگویم.. یعنی نمی توانم دروغ بگویم، من مثل اینها نیستم...

فریبا، از مادرش دلخور میشود: مادر چرا از نماز من بعنوان تبلیغ استفاده می کنی... من خوشم نمی آید...

و مادر، گریزی میزند، به جای دیگر: آخر، پدرش واقعا فداکار است. بخاطر تامین آتیه ما، ۴۱ سال تمام خدمت کرده، و حالا هم که بازنشسته شده، در جنوب تهران در بخش خصوصی کار میکند. واقعا پدر نمونه است...

این حرفهای مادر تمام میشود، و فریبای کوچولو، به حرف می آید: «آقای... حدود یکهفته است. نمی دانم چرا آفتاب از آنطرف درآمده! مادرم از لحظه رکورد شکستن من تا حالا، خیلی بمن می رسد. صبح ها لیوان شیر، آب پرتقال... نمیدانی چقدر با ما خوب شده! حالا دیگر نمی خواهد، من ضعیف بشوم. چون، او هم قهرمانی را دوست دارد...

سولیران و... ورزش



رشد جامعه ایران امکان آنرا فراهم آورده است که ورزش بعنوان یک فریضه ملی در کشور ما مطرح شود. ایرانی باید تن سالم داشته باشد تا روح سالم او سازندگی جامعه را هرچه بیشتر میسر سازد. اکنون ورزشگاهها و سالن‌های ورزشی در همه جای ایران در دست ساختمان است و سولیران افتخار می‌کند که در این سازندگی نقشی اساسی را بعهده دارد.

طرف ۱۶ سال اخیر شرکت سهامی عام سولیران با استفاده از آخرین تحقیقات ومطالعات گروه سولهٔ آمریکا و با در اختیار داشتن ماشین آلات مدرن و تمام اتوماتیک خود اسکلت‌های فولادی بسیاری از کارخانه‌ها، کارگاهها، انبارها، سردخانه‌ها، سالن‌های ورزشی، آشیانه‌های هواپیما، مرغداری و دامداری، مدارس و سوپر مارکت‌ها و سالن‌های اجتماعات ایران و سایر کشورهای خاورمیانه را تولید و نصب نموده است.

Su-۲۰۲-۳۷

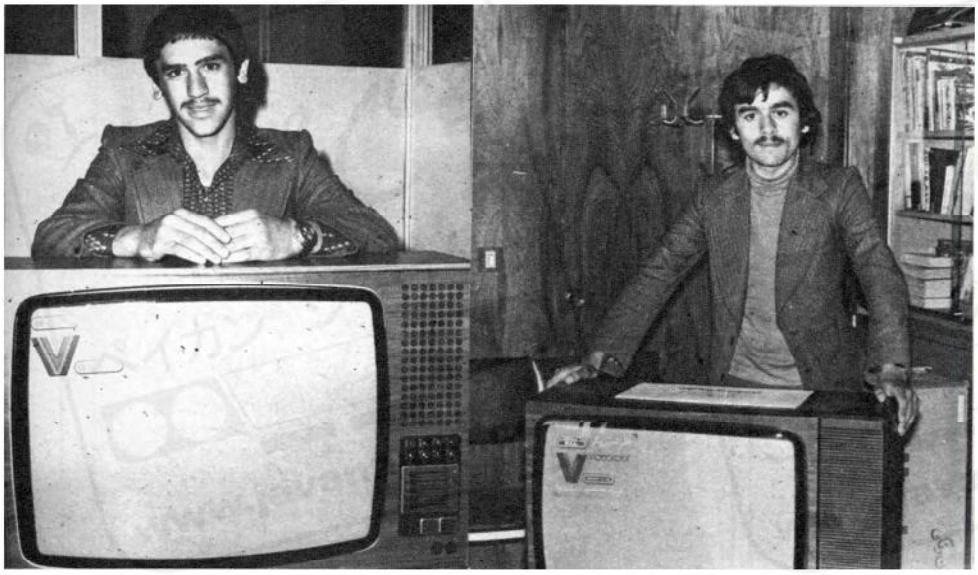
«سولیران»، یعنی ساختمان مدرن، محکم و باصرفه

SULIRAN

شرکت سهامی عام سولیران

(وابسته به گروه صنعتی بهنهر)

تهران - جاده جنوبی کرج کیلومتر ۲۲ - خیابان سولا کام تلفن ۴-۹۵۴۷۴۱ ۰۹-۹۶۵۰۸۵ - آدرس مکاتباتی: تهران - خیابان سپهبد زاهدی شماره ۵۶



برندگان جوایز مسابقه بزرگ جام جهانی دنیای ورزش

درخواب شنید که برنده شده است!

برنده جایزه هفتـه سوم، «اسکاتلندی ـ اصفهانی» از آب درآمد!

۲ چوان رشید برنده ۲ تلویزیون از جوایز مسابقه بزرگ جام جهانی دنیای ورزش. سمت راست اعباس حیدری از امل برنده هفته چهارم و سمت چپ بهنام امیری از کرمانشاه برنده هفته پنجم.

هفته گذشته بدنبال اعلام اسامی برندگان جوایز مسابقه های بزرگ دنیای ورزش بمناسبت بازیهای جام جهانی فوتبال ۱۹۷۸ ارژانتین و برندگان برنامه «توتو» که به مناسبت مسابقه های جام تخت جمشید دردنیای ورزش اجرا شده بود، ۲ تن از برندگان بزرگترین جایزه سال «تلویزیون رنگی» به دفتر مجله مراجعه کردند و جوایز خود را گرفتند.

آقای عباس حیدری دانش آموز شهرستان آمل که با ۱۹ پاسخ صحیح دربین ۲۲ نفر مدعی هفته چهارم قرارگرفته بود دربرابر پرسش ما که: وقتی فهمیدی برنده شدی چه احساسی داشتی جواب داد:

من وقتی سئوالات هفته چهارم مسابقه بزرگ جام جهانی را پاسخ دادم حتم داشتم که جزو رده بالای شرکت کنندگان قرارمی گیرم، چون به سئوالات با مطالعه کافی و پرس و جو از این و آن جواب داده بودم ووقتی نام خودم را دربین ۲۲ نفر حائزین بیشترین پاسخ صحیح دردو شماره قبل دیدم خودم را به تلویزیون رنگی نزدیک تر احساس کردم!

عباس حیدری که با هیجان صحبت می کرد ادامه داد: گویا به من الهام شده بود که برنده این جایزه ارزنده خواهم شد و با اینکه خیلی میل داشتم درروز قرعه کشی به تهران بیایم بخاطردرگیری با امتحانات نتوانستم این خواست خودم را انجام دهم.

برنده خوش شانس هفته چهارم مسابقه بزرگ دنیای ورزش که محصل سال اول نظری دبیرستان طبری آمل می باشد می گفت:

به ورزش علاقه مند هستم. درمواقع بیکاری ورزش می کنم. من و دوستانم درزمین اسفالت بسکتبال آمل دنبال توپ می دویم و این بدان علت است که درشهرما زمین ورزش به اندازه کافی وجودندارد. درباره بسکتبال ووسایل ورزش آمل هم که خودتان درصفحه «شهرفرنگ» شماره قبل، عکس و مطلب داشتید و خبرنگارتان گفتنی ها را گفته بود.

خوش شانس ترین برنده

اما از خوش شانس ترین برنده مسابقه بزرگ دنیای ورزش درطول پنج هفته برگزاری این مسابقه بگوییم که با حساب دقیق خودش از بین یکصدویک نفر رقیب که همگی به ۲۰ سئوال پاسخ صحیح داده بودند قرعه فال بنامش زده شد و برنده یکدستگاه تلویزیون رنگی شد. آقای بهنام امیری شاگرد سال اول نظری دبیرستان محمد رضا شاه کرمانشاه که حتی بنام برادر ۷ ساله اش بهرام امیری نیز پاسخ داده بود! بهنام امیری که همچون برنده هفته چهارم مسابقه بزرگ دنیای ورزش، درروز قرعه کشی، درمراسم حضورنداشت خبربرنده شدن خودش را درخواب شنید! حالا خوب است داستان را اززبان برادر بزرگتر بهنام امیری که دانشجوی دانشگاه ملی درتهران است بشنویم:

من وقتی درمجله روز شنبه نام برادرم را به عنوان برنده تلویزیون رنگی دیدم دراواخر شب که فرصت پیدا کردم به کرمانشاه، منزل پدرم تلفن کردم. بهنام خوابیده بود و من با برادردیگرم دراین مورد صحبت کردم و مژده برنده شدن بهنام را اطلاع دادم و گفتم او را از خواب بیدارکنند و جریان را به او بگویند.

دراین موقع بهنام امیری برنده تلویزیون گفت: وقتی مرا صدا کردند به فکرم رسید که می خواهند با من شوخی کنند ولی وقتی کلمات «تلویزیون رنگی» ـ دنیای ورزش ـ جایزه بگوشم خورد خواب از سرم پرید و هیجان زده با برادرم درتهران صحبت کردم ووقتی اطمینان یافتم که برنده شدم تا صبح راحت خوابیدم و حالا هردرفتر مجله دنیای ورزش هستم که جایزه ام را بگیرم!

بهنام امیری می گفت: خانواده ما با ۴ نماینده ای! که دربین ۱۰۱ نفراسامی اعلام شده داشت ۴ درصدشانس پیروزی داشت و بالاخره هم کاردست ما دادند و ما را برنده کردند!!

برنده اصیل اصفهانی

اما از برنده هفته سوم مسابقه بزرگ دنیای ورزش بشنوید که ثابت کرد اصفهانی اصیل است!

بهرام صفی زاده دانش آموز اصفهانی که درهفته سوم این سری مسابقات بخاطر ۲۰ پاسخ صحیح به سئوالات و بدون اینکه از جانب کسی تهدید شود به تنهایی برنده تلویزیون رنگی شده است هنوز برای دریافت جایزه اش مراجعه نکرده است. لابد خاطرش جمع است که اگر دیرا زود بشود سوخت و سوز نمی شود!

شاید هم منتظر است جایزه اش را بیریم اصفهان دم منزل؟ چون هرچه باشد اصفهانی است و بین اصفهانی ها و اسکاتلندی ها درمنزل ارتباطی هست! و البته درمنزل هم منافقه نیست!

گلد GOLD

فقط گوشنوازترین صدا را از استریو گلد میتوانید بشنوید

استریوگلدتک خال خود را

با برگزیده ای از صدا های جوان، همراه با آهنگهائی از آهنگساز پرتوان حسین واثقی و کلام پراحساس رضاشمسها و تنی چند از شاعران دیگر راانحصاراً درکاست شماره ۵۰۰ استریوگلد عرضه میدارد. صداقت :لیدوش- شاید : پرستو- شکسته دل: کامیار - هفت: مهرداد محبوبیان- اومدم :دینامیک تن آلوده : بهمن - آدمها :ساحره - هیبت: کامیار - یادتو: مهرداد محبوبیان -عاشقی دروغه :لیدوش - رفاقت : وفائیان - طلوع محبت :مهرداد تیموری من میخوام : کامران و سجاده : با صدای میلاد زرعکانی و کلام یوسف شایسته

لطفا درموقع خرید به علامت بالا توجه فرمائید. کاست های فاقد این علامت علاوه برغیر مجاز بودن از کیفیت ضبط عالی استریوگلد برخوردار نمی باشند

تلفن مرکز پخش درتهران ۹۷۰۹۹۶

نماینده فعال درتهران و شهرستانها میپذیریم

تهران قهرمان والیبال شرکت ملی گاز ایران

مسابقات قهرمانی والیبال شرکت ملی گاز ایران که از چندی پیش آغاز شده بود با شرکت چهار تیم تهران، اغاجاری، اصفهان و مشهد دیدارهای رده بندی و فینال خود را انجام داد.

این مسابقات درسالن شماره ۲ استادیوم ورزشی نصیری برگزار شد و رئیس و اعضای فدراسیون والیبال و مقامات شرکت ملی گاز ایران بتماشای آن نشسته بودند.

تهران دراین سری مسابقات مقام اول را بدست آورد و اغاجاری و اصفهان دررده های دوم و سوم قرار گرفتند.

شهرستانها

بازی خدا حافظی برای رضی نخلی‌پور یار سابق نیرو

«نیرو اهواز» ۰ـ۱ صنعت نفت آبادان را برد

رضی نخلی‌پور، بازیکن خوب و با تکنیک اهوازی را همه خوزستانی‌های فوتبال دوست بخوبی میشناسند و حرکات جالب او را با توپ در میدان‌های فوتبال هرگز از یاد نخواهند برد. این بازیکن که سالها برای زادگاهش افتخار آفریده بود، فصل پیش از تیم نیرو به ماشین سازی تبریز نقل مکان کرد اما چندی قبل در اثر سانحه اتومبیل از ناحیه دست بسختی آسیب دید و مجبور به ترک همیشگی فوتبال شد.

«نیرو» ی اهواز برای ارج نهادن به بازیکن سابق خود یک مراسم خدا حافظی برپا نمود و از تیم همسایه نیز دعوت کرد تا در این خدا حافظی سهیم شود. صنعت نفت آبادان این دعوت را پذیرفتند و در دیداری که در حضور ۸ هزار تماشاگر اهوازی در ورزشگاه ولیعهد برگزار شده شرکت نمودند. درامد مسابقه ۲۸۱۰۰ تومان بود که قرار شد به غنی پور پرداخت گردد. ایرج شریف زاده داوری این دیدار را به کمک شکوفه یی و گنجاپور بعهده داشت.

هر دو تیم صنعت نفت و نیرو با تمام یاران صاحب نام خود وارد زمین شدند و بازی خود را آغاز کردند رضا غنی پور که همراه تیم نیرو توپ میزد بیش از ۱۰ دقیقه به بازی ادامه نداد اما هنگام ترک زمین چنان مورد ابراز احساسات تماشاگران قرار گرفت که وصف ناپذیر بود. گروهی از دوستداران همیشگی فوتبال اهواز با حلقه‌های گل نخلی‌پور را احاطه نمودند او را روی دوش از زمین بیرون بردند

بعد از آن، نیرو در وقت اول چند خطر جدی روی فرار جالب شریفی و گلناریان بوجود آورد و بالاخره‌های دروازه آبادان را به لرزه انداخت. سرانجام اهوازی‌ها در دقیقه ۳۹ به تنها گل بازی دست یافتند. این گل بدینترتیب بود که گلناریان از جناح چپ فرار کرد و خود را به خط ۱۸ قدم صنعت نفت نزدیک نمود. وی توپ را از لابلای ساقهای مدافعان آبادانی به ملک زاده سپرد و این یکی با شوتی آرام، توپ را در قعر دروازه صنعت نفت جای داد.

نیمه دوم با سرعت بیشتری ادامه یافت. گاموش مربی نیرو دقیقه ۶۵ جعفری، عساکره، سودانی، جهانگیری و کارون یعقوبی بازیکنان جوان خود را برای آزمایش به میدان فرستاد ولی تا پایان مسابقه گل دیگری رد و بدل نشد.

اهواز ـ رضا گنجاپور

وزنه‌برداری جوانان یزد

مسابقه های انتخابی وزنه‌برداری جوانان استان یزد، با حضور وزنه‌برداران شهرهای استان در باشگاه کارگران استان انجام شد و این عده در سکوهای قهرمانی قرار گرفتند.

مگس وزن علی مخدوم‌زاده از اردکان با ۱۳۰/۵کیلو خروس وزن محمدحسین صادقی از تفت با ۱۰۵کیلو، پروزن محمدرضا حجتی از کلوب شیخ‌داد یزد با ۱۶۰کیلو، سبک وزن سیدعلی موحدپور از باشگاه کارگران یزد با ۱۳۰کیلو، میان وزن مهدی مهربانیان از باشگاه کارگران یزد با ۱۲۰ کیلو ونیم سنگین رضا علی‌الله از تفت با ۱۵۰کیلو.

یزد ـ محمدعلی نیک روان

یک پیروزی، یک مساوی و یک شکست

سه مسابقه فوتبال در ورزشگاه شهرضا برگزار شد که حاصل آن یک مساوی از بازی خانگی، یک پیروزی و یک شکست از دیدار های با تیم های اصفهانی بود.

اولین دیدار را تیم «فلات ایران» که بدعوت عقاب شهرضا از اصفهان آمده بود انجام داد و با شکست ۱ ـ ۲ از عقاب، شهرضا را ترک گفت. در دیدار دوم، تیم های پاس و شهباز شهرضا مقابل هم قرار گرفتند که نتیجه آن ۳ ـ ۳ مساوی بود، سومین مسابقه دیداری بود بین تیم های فوتبال پاس اصفهان و شهباز شهرضا که اینبار میهمان اصفهانی با نتیجه ۱ ـ ۲ به پیروزی رسید.

بازکنان تیم فوتبال عقاب شهرضا: عابدی، مهرابی، مرتضی، احمد و رحمت الله طحان، فریبرز ابراهیمی، مهدی لطفی، مصطفی خاتمی، ناصر فضلی، قاسم هندی، رسول تیموری و علی سالک.

شهرضا ـ عباسقلی سالاری

بانک ملی با ضربه‌های پنالتی برد

مسابقه های فوتبال «جام رضاشاه کبیر» که از چندی قبل به همت هیات فوتبال قصرشیرین با شرکت ۱۳ـ تیم در ورزشگاه ساسانی آغاز شده بود پایان گرفت و تیم های هما و بانک ملی به فینال راه یافتند.

هر دو تیم در دیدار پایانی به نتیجه مساوی رسیدند و در وقت اضافی هم نتوانستند گلی از دروازه ها بگذرانند و سرنوشت مسابقه را با ضربات پنالتی بردند. بانک ملی ۴ پنالتی را به ثمر رساند و هما ۳ بار موفق به گشودن دروازه بانک ملی شد.

یاران پیروز تیم بانک ملی: مصطفی زیدعبدی، حسین زارعی، جبار ملول، محمد محمدی، شمس الله سلیمانی، ناصر کاجی، محسن کاظمی، عباس آیینه، قاسم محمدی، اسماعیل میرزابیگی، حسین سپاه، فرامرز گهواره‌ای مربی: مصطفی نیلی.

قصرشیرین ـ فرهاد صالحانی

کیان آبادان، فاتح جام خلیج فارس

بوشهر ـ دومین دوره مسابقه های فوتبال جام خلیج که از چندی قبل در ورزشگاه ۲۴ اسفند بوشهر آغاز شده بود به خط پایان نزدیک شد و دیدار پایانی را پاس خرمشهر و کیان آبادان برای کسب قهرمانی برگزار کردند.

فرمانده پایگاه دریایی، معاون عمرانی استاندار، دبیرشورای ورزش و بیش از سه هزار تماشاگر، برای دیدن این مسابقه در ورزشگاه ۲۴ اسفند حضور داشتند.

بعد از نواختن سلام شاهنشاهی و رژه تیم های شرکت کننده، عزیزالله صمیمی دبیر شورای ورزش استان گزارشی از برگزاری مسابقه های جام حذفی و جام پهلوی داد. آنگاه تیم های ساسان و پاس خرمشهر درچهارچوب جام پهلوی دیدار کردند که نتیجه ان صفر ـ۱ بسود پاس بود. گل های پاس را کریم هتفکری دقیقه ۴۰ و قیم موسوی دقیقه ۵۵ به ثمر ساندند. بعد از این بازی جوایز، مدال های قهرمانان وهمچنین توپ های اهدایی فدراسیون فوتبال کشور توزیع شد. آنگاه تیم های سکان بوشهر و کیان آبادان رو بروی هم قرار گرفتند که کیانی ها ۲ـ۳ به پیروزی رسیده و دومین جام خلیج فارس را تصاحب کردند. مسابقه دیگری نیز برای رده بندی جام خلیج فارس بین تیم های آریا گچساران و ناوگان شاهنشاهی بندرعباس انجام شد که با پیروزی ۱ـ۲ آریا همراه بود. در نتیجه تیم های کیان آبادان، پاس خرمشهر آریاگچساران، ناوگان بندرعباس و ساسان بوشهر در رده های اول تا پنجم قرار گرفتند.

«افسر» اولین پیروز فوتبال جوانان شیراز



تیم فوتبال افسر اولین فاتح هفتمین دوره فوتبال جوانان شیراز، در گوشه‌عکس دهزادهنگام گزارش فعالیتهای هیات فوتبال دیده می شود

هفتمین دوره مسابقه های فوتبال جوانان جام والاحضرت همایون ولایتعهد (شیراز)، با حضور دکتر منوچهر آزمون استاندار، دبیر شورای ورزش، گروهی از مقام های محلی و بیش از دوهزار تماشاگر، در ورزشگاه حافظیه آغاز شد.

ابتدا ورزشکاران شرکت کننده ۶۰تیم فوتبال جوانان رژه رفتند سپس کریم دهزاد سرپرست فوتبال استان فارس گزارشی از فعالیت های هیات فوتبال را بیان کرد و از کسانی که در برگزاری این مسابقه ها همکاری نموده اند، تشکر و قدردانی کرد. بعد از آن چندتن از فوتبالیست ها حرکاتی با توپ انجام دادند سپس با پرتاب توپ به میدان توسط دکتر آزمون، اولین مسابقه بین تیم های افسر و پارچه بافی انجام شد که نتیجه آن صفر ـ۱ بسود افسر بود.

داوری این مسابقه را سهندژ به کمک قنبرپور و رفعت ماه بعهده داشت و سرپرستی مسابقه ها با قهرمانی وطیران است.

شیراز ـ منصور سپهری

دختران شاه عباس کبیر برفراز بسکتبال اصفهان



تیم بسکتبال شاه عباس کبیر اصفهان (نشسته) همراه مسئولین تربیت بدنی آموزش و پرورش ناحیه ۳ اصفهان

مسابقه های قهرمانی بسکتبال دختران ناحیه ۳ آموزش و پرورش اصفهان، در چهار چوب دیدارهای ورزشی آموزشگاهها که از چندی قبل آغاز شده بود به پایان رسید و سرانجام تیم دختران دبیرستان شاه عباس کبیر که از بهترین چهره های بسکتبال اصفهان تشکیل یافته است بر سکوی قهرمانی قرار گرفت، شهربانو، ۱۶ مهر و فروغ در رده های بعدی ایستادند.

تیم شاه عباس کبیر که از رهبری خوب و با ارزش فرزین سود می برد، بازی های امید بخشی ارایه داد و در تمام دیدارهایش سر بلند و موفق بود. دیدار شاه عباس کبیر و شهربانو که با نتیجه ۷ـ ۳۲ بسود شاه عباس خاتمه یافت، یکی از مسابقه های جالب این دوره از بازی ها بود.

تیم بسکتبال شاه عباس کبیر تشکیل یافته است از: آنت بالیان، رنا غریبیان، ریما هوسپیان، لرتا داودیدیان، آیدا آوانسیان، آیدا بارسامیان، آنیتا خسرو متیان، مارتیا وارطانیان، ولگا سرکیسیان، مارنیا کشیشیان، سونیا بغوزیان، وارتو هوسپیان، مربی: اصغر فرزین.

اصفهان ـ هدایت الله بهبهانی

مرتضوی، والیبال و دوومیدانی شیراز را فتح کرد



تیم دختران مدرسه مرتضوی قهرمان والیبال و دوومیدانی شیراز

در چهارچوب بازیهای ورزشی آموزشگاههای شیراز، دو مسابقه در رشته‌های والیبال و دو و میدانی در گروه مدارس دخترانه راهنمایی تحصیلی ناحیه یک آموزش و پرورش برگزار شد.

هر دو دیدار در کلوب ورزشی دختران شیراز انجام گرفت و تیم‌های والیبال و دو و میدانی دختران مدرسه راهنمایی تحصیلی مرتضوی در هر دو رشته به قهرمانی رسیدند. شکوفه و ناموسی نیز در رده‌های دوم و سوم قرار گرفتند.

تیم دو و میدانی مدرسه مرتضوی: مظفری، پرهیزی، ریگی‌زاده، معدلی، ترک‌زاده، گلرخ، افشار، حقیقی، زارع، مربی: خانم پگاه نوش امامی.

تیم والیبال مدرسه مرتضوی: شهناز ساجدی، مهناز رستمی، فریده قهرمان‌زاده، نسرین نعمت‌الهی، مرضیه شاکری، فرنگیس کشاورز، سهیلا مهدیون، پروین غضنفری، رویا غلام‌پور، ژیلا جلالی. مربی: خانم پگاه نوش امامی.

شیراز ـ منصوره سپهری

مسابقه فوتبال جوانان کلاچای

مسابقه های فوتبال جوانان کلاچای درچهار چوب جام والاحضرت همایون ولایتعهد که از چندی قبل بسرپرستی حبیب اخلاقی در زمین فوتبال کلاچای آغاز شده بود پایان یافت و جام قهرمانی را تیم شهاب تصاحب کرد. تاج، نیرو، پرسپولیس، پاس و عقاب در رده های بعدی ایستادند.

تیم شهاب: محمود، احمد، مصطفی و قاسم اخلاقی، غلامرضا شیخ نصیری، احمدرضا شیخ نصیری، حسین و حجت رضایی، حسین مجاوری، سعیدرحمت‌پور، بیژن عالمی، عزیزرضادوست، حسین واحد، احمداقاجانی، حکمت یوسفی و رضارمضانی.

کلاچای ـ محمد بحری

مسابقه های قهرمانی فوتبال کارگران مشهد



بازیکنان تیم روزنامه اطلاعات

باشگاه کارگران مشهد برای اولین بار بکنوره مسابقه فوتبال برای باشگاهها و دستجات آزاد کارگری برپا داشت که مورد استقبال باشگاههای کارگری مشهد قرار گرفت.

در این پیکارها تیم های صنعتی رضا، قندشیرین سیمان، شرکت مینو، کشتارگاه، پپسی کولا،روزنامه اطلاعات، صنایع فلزی، امیدقماش فروشان، لوازم خانگی،قماش فروشان، صنایع بسته بندی، خیاطان، تزئینات ساختمانی، کفاشان، شرکت چین چین، فرش صایر، رانندگی صایر، کوکاکولا، ناتواها و بقال ها شرکت داشتند.

در روز گشایش بازی ها ۵۲۴ ورزشکار شرکت کننده ابتدا رژه رفتند، سپس عطا مهاجرانی دبیر شورای ورزش استان در زمینه اهمیت ورزش در محیط کارگاهها، سخن گفت و اضافه کرد اگر هر کارگاه یا کارخانه‌ای در حد توانایی خود بتواند امکاناتی برای ورزش کارگران بوجود آورد قدمی در راه پیشرفت ورزش شهر خود برداشته است و سلامتِ کارگران را نیز تضمین مینماید و باعث میشود انان با علاقه بیشتری بکار بپردازند.

آنگاه مسابقه ها با حضور بیش از ۱۵۰۰تماشاگر در زمین شنی خیابان ضد مشهد برگزار شد واین نتایج بدست آمد: شرکت مینو با کشتارگاه بدون زدن گلی مساوی کرد. سیمان و قندشیرین ۱ـ۱ کردند. پپسی کولا صفر صنعتی رضا ۱، صنایع فلزی ۱ قماش فروشان ۳، لوازم خانگی صفر قماش فروشان ۲، تزئینات ساختمانی صفر روزنامه اطلاعات ۱ـ صنایع بسته بدنی ۱ خیاطان ۱، دنباله مسابقه ها تاتعیین قهرمان همچنان ادامه خواهد داشت تیم روزنامه اطلاعات که در این بازی ها خوب درخشید از اینقرار است: محمداسدی، ایرج روانبخش، عباس منزل آبادی، محمد روانبخش، محمدرضا متنظری، مجیدمحمدی، حبیب رضایی، اصغرفرجی، احمدخاک پور، محسن محمدی، حسن یعقوبی، محمدسادات، حسین جهان پناه، محمدمنیری و محمود یعقوبی.

مشهد ـ علی کاویانی

کشتی آزاد و فرنگی آموزشگاههای بروجرد

مسابقه های کشتی آموزشگاههای بروجرد در دو رشته آزاد و فرنگی با شرکت دبیرستانهای پهلوی، محمدرضاشاه، توسی، بحرالعلوم، هنرستان، دانشسرای مقدماتی و کشاورزی در رشته های آزادوفرنگی برگزار شد که کشاورزی در کشتی آزاد بقهرمانی رسید محمدرضاشاه و پهلوی دوم و سوم شدند. کشتی فرنگی را تیم دبیرستان محمدرضاشاه فتح کرد و کشاورزی دوم شد. هنرستان درجای سوم قرار گرفت. نتایج مسابقه ها باینشرح اعلام شد:

کشتی آزاد در وزن ۴۸کیلو: ۱ـ نوح جا از محمدرضاشاه ۲ـ رفیعی از هنرستان ۳ـ مهراب‌پور از کشاورزی.

۵۲کیلو: ۱ـ رسولیان از کشاورزی ۲ـ نادعلی‌پور از محمدرضاشاه

۵۷کیلو: ۱ـ رضایی از محمدرضاشاه ۲ـ نم‌نم از توسی ۳ـ الماسی از کشاورزی.

۶۲کیلو: حاتمی از محمدرضاشاه ۲ـ حوری از کشاورزی ۳ـ چمن ساز از دانشسرای مقدماتی.

۶۸کیلو: ۱ـ مستعد از هنرستان ۲ـ محمدزاده از محمدرضاشاه ۳ـ دشتستانی از پهلوی

۷۴کیلو: ۱ـ معماری از پهلوی ۲ـ شاهوردی از دانشسرای مقدماتی ۳ـ ریاحی از محمدرضاشاه.

۸۲کیلو: خزایی از کشاورزی ۲ـ گودرزی از محمدرضاشاه.

۹۰کیلو: ۱ـ گودرزی از کشاورزی ۲ـ ابراهیمی از محمدرضاشاه

کشتی فرنگی در وزن ۴۸کیلو: ۱ـ عسکری از پهلوی ۲ـ بندیان از کشاورزی ۳ـ نواری از محمدرضاشاه.

۵۲کیلو: ۱ـ یاراحمدی از کشاورزی ۲ـ ترکاشوند از محمدرضاشاه.

۵۷کیلو: شیرو از محمدرضاشاه ۲ـ سلیمانی از توسی ۳ـ یعقوب فر از کشاورزی.

۶۲کیلو: ۱ـ حسین زاده از محمدرضاشاه ۲ـ شاه کرمی از کشاورزی ۳ـ کریمی از پهلوی.

۶۸کیلو: چگنی از کشاورزی ۲ـ اروان از دانشسرای مقدماتی ۳ـ برزاور از محمدرضاشاه.

۷۴کیلو: ۱ـ بنایی از کشاورزی ۲ـ بهنام از محمدرضاشاه.

۸۲کیلو: ۱ـ یارم طاقلو از کشاورزی.

داوری مسابقه ها را عقدایی، خزایی، فطرسی، ارکانی و صالحی بعهده داشتند. سرپرستی بامطهری بود.

بروجرد ـ محمدرضامایلی

گزینش مشتزنهای برتر

مسابقه های انتخابی مشتزنی گنبدکاوس، زیر نظر شورای ورزش این شهر و با شرکت ۲۵ تن از بوکسورهای زبده برگزار شد.

مسابقه ها بداوری فریبرز نصیری، ایمانعلی قلی و افشار در سالن ورزشی سربوشیده الاتست و با حضور ابراهیم نژادی حسن دبیر شورای ورزش گنبدکاوس انجام گرفت و این نتایج بدست آمد:

۳۲ کیلو حسن عرفانیان، ۴۵/۵ کیلو حاجی قلی خانی، ۴۸ کیلو عارف عرفانیان، ۵۱ کیلو علی اف، ۵۴ کیلو عباس محمدیان، ۵۷ کیلو رحمت کیانی ۶۰ کیلو سیروس شهپوری، ۶۳/۵ کیلو ارمنی، ۶۷ کیلو قجقی، ۷۱ کیلو یوسف شهپوری و ۷۵ کیلو حمید اسدی.

گنبدکاوس شهرپرتلاش درورزش مازندران

۳۷۹ مسابقه ورزشی دریکسال

گنبد کاوس در سال پیش، از لحاظ انجام فعالیت های ورزشی یکی از درخشانترین سالهای تاریخ سر گذاشت که میتوان این شهر را یکی از موفقترین شهرهای مازندران بشمار آورد.

نمودار تهیه شده خبرنگار ما از برگزاری مسابقه ها طول سال گذشته حکایت از آن دارد که در این مدت، هر روز حداقل یک مسابقه ورزشی در گنبد کاوس و بخش های تابعه برگزار شده و هرگز این منطقه از تک و تاب ورزشی نهی نبوده. طبق این نمودار، فعالیت های رشته های مختلف ورزشی سال گذشته گنبدکاوس و بخش های تابعه چنین است.

در گنبد کاوس ۱۲۶ مسابقه انجام گرفت، مینودشت با برگزاری ۷۸ مسابقه در جای دوم قرار دارد، را میان جمعا ۷۳ رویداد ورزشی داشت و کلاله ۷۲ مسابقه برگزار نمود. خان بیین با انجام ۲۰ مسابقه مکان پنجم منطقه را بعهده دارد.

گنبد کاوس در مسابقه های زیمناستیک پسران که در چهارگروه سنی در تالار سربوشیده الاتست برگزار شد؛ وجود حضور زیمناست های خوب ساری، بابل، امل، شاهی و گرگان در سر گروه خردسالان و نوجوانان، بقهرمانی رسید.

در مسابقه های پینگ پنگ پسران نیز گنبد کاوس در رقابت بابابل، ساری، بندرشاه و شاهی که سه روز بطول کشید، اول شد.

مسابقه های قهرمانی والیبال مازندران که چندی قبل با شرکت، پسرهای ساری، بندرشاه و گرگان در گنبدکاوس برگزار شد، میزبان باز هم درصدر قرار گرفت

امتیاز تیم های ورزشی گنبدکاوس در مسابقه های قهرمانی مازندران بدینگونه است: در زیمناستیک سه قهرمانی در رشته های نوجوانان و خردسالان. در چهارجوب مسابقه های فوتبال جام ارتشبد خانمی اول. وزنه برداری سوم. فوتبال جوانان مازندران در گروه خود اول. والیبال دختران و پسران در چهارجوب جام رضاشاه کبیر اول. ضمنا الیاس سیدی در رشته جودو با بدست آوردن کمر بند مشکی قهرمان کشور شد.

گنبدکاوس: قربان بردی شیرمحمدلی





چون آب روی آتش

شامپو ضد شوره **افشان**

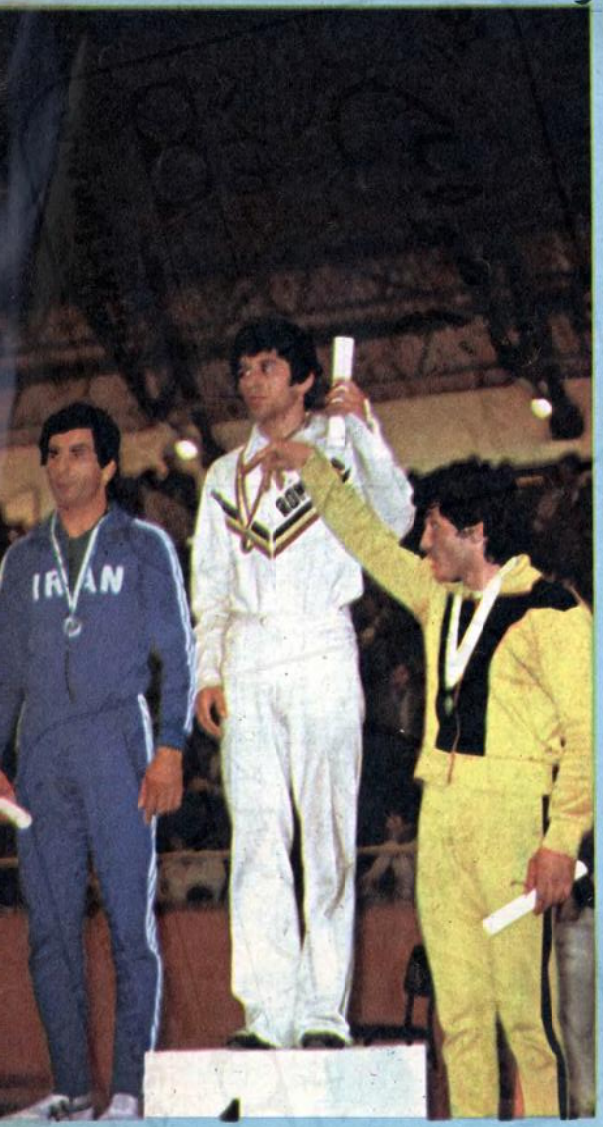
شوره و خارش سر را از بین میبرد

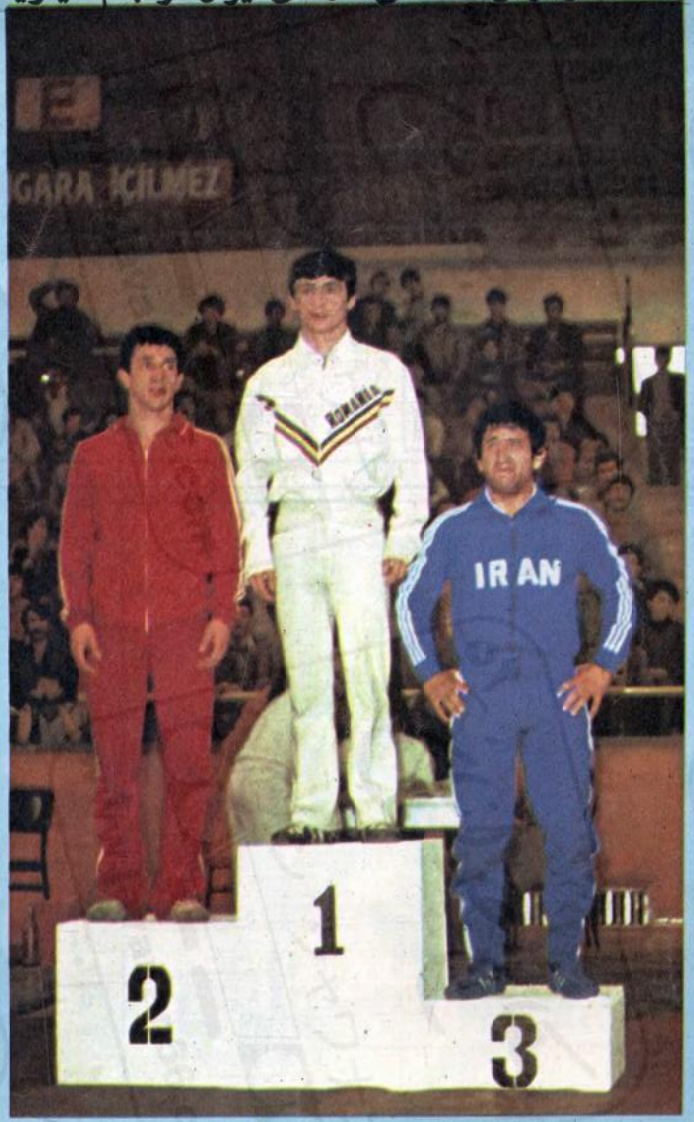
فقط چهار هفته موهای خود را با شامپو ضد شوره افشان بشوئید و اثر آن را ببینید

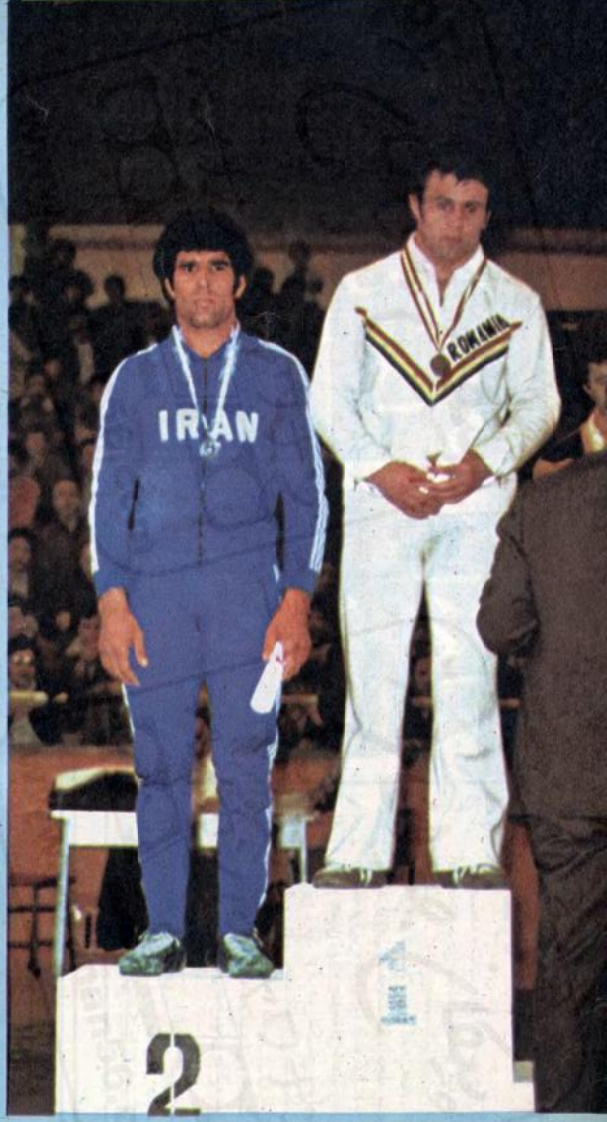
شامپو **افشان** شامپوی اختصاصی برای شوره سر

تهیدی

مردان افتخارآفرین کشتی فرنگی ایران در جام طیاریالاز







قنبری و افتخاری دیگر

پرسابقه ترین کشتی گیر فرنگی تیم ملی هنوز هم حرفهائی برای گفتن دارد. قنبری که دورخیز برای فتح دومین مدال طلای آسیائی کرده در ترکیه چیزی برای رسیدن بمقام قهرمانی کم نداشت ولی رقیب رومانی با هوشیاری در ثانیه های پایان طلا را از آن خود ساخت و مدال نقره را تقدیم قنبری نمود.

خانی و مدال برنز ۵۲ کیلو

بدشانس ترین کشتی گیر ایرانی در جام طیاریالاز علی خانی بود که در عین شایستگی کسب مدال طلا بمقام سوم رسید. او در شرائطی که تراسیمون بلغاری را تا ثانیه های آخر مغلوب کرده بود، براثر یک حادثه پیروزی را با شکست عوض کرد. تصویر از سکوی قهرمانی ۵۲ کیلوست که خانی را برروی سکوی شماره ۳ نشان میدهد.

درخشش قربانی در اولین صحنه بین المللی

اکبرقربانی در اولین صحنه بین المللی که گام گذاشت خوش درخشید و مدال نقره ۶۸کیلو را صاحب شد. قربانی با دست و پای بلند و علاقمندی مثال زدنی می تواند روزهای روشنتری در پیش داشته باشد. قربانی با مدال نقره در سکوی افتخار دیده میشود.

یادها و یادگارها

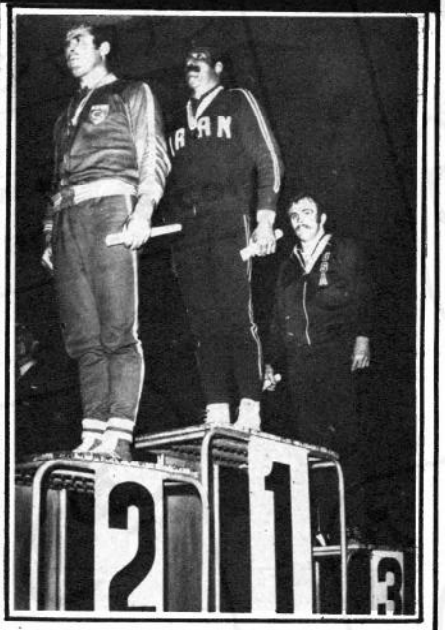
اشاره

صفحه «کتاب خاطره ها» در در گرگونیهای تازه دنیای ورزش یکی از صفحات موفق مجله بحساب میاید که خوانندگان با نامه های مکرر خواسته اند که این صفحه را پایدار نگاهداریم، در بین نامه های رسیده و در جمع خوانندگان علاقمندی که هر هفته با ارسال نامه های مختلف ما را در راه بوجود آوردن صفحات تازه مجله مدد میکنند، دوشیزه‌ای علاقمند بنام «فرشته فرزین» طول چند هفته گذشته با پیشنهادهای جالب ما را تشویق کرد که در همین زمینه صفحه ای «مصور» از خاطرات ورزش بوجود آوریم.

بی تردید تولد هنر عکاسی تحولی بزرگ در پایداری تاریخ مصور بوجود آورده و تحت تاثیر این پیشنهاد از این هفته میکوشیم با عنوان «یادها و یادگارها» دو صفحه مصور از رویدادهای تاریخ ورزش داشته باشیم در این راه به کمک علاقمندان و دست اندرکاران ورزش نیاز داریم و امیدواریم با ارسال عکسهای خاطره ساز و زیرنویس کامل آن ما را در این راه یاری کنند.

کلیه عکسهائی را که در آلبوم خاطره ها دارید و میتواند زینت بخش این صفحات باشد برای ما ارسال دارید و توضیح کامل درباره آن مرقوم فرمائید، بعد از چاپ عکسها را با تشکر فراوان تقدیم خواهیم کرد.

رکورددار فتح برنز سنت شکن شد!



اگر عبدالله موحد بزرگ ستاره کشتی ایران با ۶ مدال طلای پیاپی صاحب رکوردی استثنائی در کشور ماست، اگر الکساندر مدوید غول بزرگ شوروی با حکومتی ۱۲ ساله درجهان صاحب افتخاراتی کم نظیر می باشد و اگر مصطفی داغستانلی قهرمان دو المپیک ملبورن ورم در ۲ وزن ۵۷و۶۲ کیلو برای ترکها همچنان پرافتخارترین کشتی گیر بحساب میاید، یک قهرمان ایرانی نیز از جهتی صاحب رکورد مدال برنز بحساب میاید.

ابوالفضل انوری پرافتخارترین کشتی گیر فوق سنگین تیم ملی در ۳۰ سال گذشته بحساب میاید، مردی که در دو مسابقه جهانی صاحب مدال برنز گردید براستی از نقطه نظر تصاحب مدال برنز در بین همتاهای خود کم نظیر و رکورددار است.

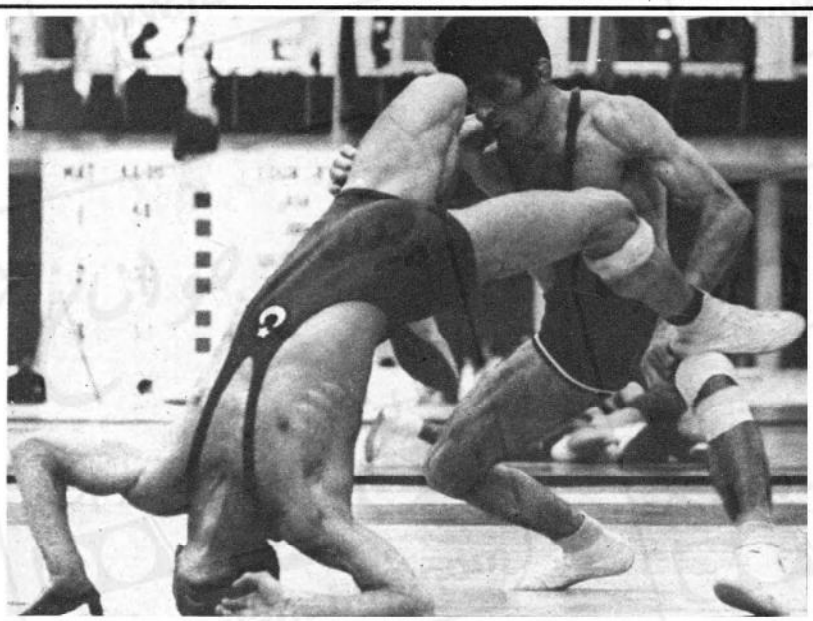
ابوالفضل انوری که طی سالهای ۱۹۶۶ تولیدو تا سال ۱۹۷۲ مونیخ در خدمت تیم های ملی ـ منتخب قرار داشت دو مدال برنز جهانی درسالهای ۱۹۶۶ تولیدو و ۱۹۶۹ ماردل پلاتا و یک مدال برنز از مسابقه های آسیائی بانکوک نصیب او گردید.

او براستی سرنوشتش گونی با مدال برنز عجین شده بود، زیرا دیده شد وقتی همگان در انتظار تغییر رنگ مدال او بودند باز یک حادثه حق را به حقدار رسانید و انوری را از مدال برنزش دور نکرد.

برای انکه تاحدی شمار مدالهای برنز او را بیاداوریم لازم است عنوان کنیم که انوری طی دوره های اول تا ششم جام اریامهر بدون استثناء صاحب مدال برنز شده در حالیکه در دوره ششم وقتی انوری شیمون ولادیسلاو کشتی گیر شاخص رومانی ها را با امتیاز شکست داد، همگان از شادی تغییر رنگ مدال انوری شادمانی کردند ولی بازهم بحکم جدول مدال برنز نصیب قهرمان ایرانی شد.

در مسابقه های آسیائی ۱۹۷۰ بانکوک نیز پیروزی انوری، امری دور از ذهن نبود و با توجه به ضعف آسیائی ها در قاره پیش بینی حکومت انوری و فیلایی یک حساب ساده بشمار میرفت ولی بازهم حادثه گذشته تکرار شد و انوری با شکست از رقیب ژاپنی تا پله سوم نزول کرد. ولی ملی پوش پرسابقه کشتی سرانجام در آخرین سالهای قهرمانیش سنت شکن شد و برای اولین و آخرین بار در یک صحنه بین المللی به مقام قهرمانی رسید.

مسابقه های قهرمانی ارتشهای جهان درسال ۱۹۷۱ دراستانبول انجام شد، تیم ایران با تکیه برمردان نامدار خود چشم به مقام قهرمانی داشت ولی ترکها همچنین ایده‌ای در سر داشتند ولی دور از همه چیز ابوالفضل انوری بکار بزرگی توفیق یافت و برای نخستین بار در عمر قهرمانی خود به بالاترین سکوی قهرمانی صعود کرد و دلیلی شد که یکبار هم به افتخار پیروزی او سرود شاهنشاهی ایران بصدا درآید، مردی که سرنوشتش را با مدال برنز نوشته بودند سرانجام سنت شکن شد و یکبار هم مقام قهرمانی را زیر دندان مزه مزه کرد. تصویر از همان پیروزی سال ۱۹۷۱ قهرمانی ارتشهای جهان است که انوری را بالاتر از رقبای ترک و امریکا نشان میدهد.



کوچولوی استثنائی کشتی ایران

اگر در تاریخ ۳۰ ساله کشتی جستجوگر پرافتخارترین سبک وزن ایران باشیم، درصدر همه ستارگان دور و نزدیک این رشته به ابراهیم جوادی نام‌اور بزرگ کشتی در وزنهای ۴۸و۵۲ کیلو برخورد میکنیم، مردی که طول سالهای ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ کشتی ایران را به افتخارات فراوانی رساند و بارها سبب برافراشته شدن پرچم سه رنگ شاهنشاهی ایران گردید.

اگر بعوض سال ۱۹۶۹، تغییر و تحولات کشتی مربوط به اضافه شدن دو وزن به ابتدا وانتهای اوزان هشتگانه، این دگرگونی درسال ۱۹۶۵ رخ میداد، بی گمان ابراهیم جوادی قادر بود حالا در گنجینه افتخارات خود بعوض ۴ مدال طلای جهانی صاحب ۸ مدال زرین باشد، زیرا در همان سالی که علی اکبرحیدری در توکیو بدون شکست صاحب مدال برنز المپیک شد، جوادی می توانست شایسته ترین ۴۸ کیلوی جهان باشد.

ولی افسوس اینکه در آن دوران در مسابقه های رسمی جانی برای ۴۸ کیلوئی ها درنظر گرفته نشده بود و جوادی که در التهاب مبارزه‌جوئی آرام و قرار نداشت چندان پرتحمل نبود و خیلی زود با همان وزن کم رویاروی مردان ۵۲ کیلوئی میایستاد.

از ارزش و اعتبار او همین بس که گفته شود که در برابر نامداران ۵۲ کیلو نیز یک از پیش باخته نبود و براستی پایای آنان می جنگید و اگر فراموش نکرده باشیم در اوج قدرت محمدقربانی، جوادی او را با نتیجه مساوی متوقف کرد.

ولی بهرحال وقتی کاروان ورزشی ایران از مکزیک بازگشت، بزرگترین مژده ممکن را برای جوادی با خود همراه داشت و جوادی از همان اغاز جای پای خود را در وزن نوبنیاد محکم کرد.

اگر تفلیس را با آن شرائط استثنائی برای جوادی دوران آمادگی یا بهتر یک دوره تدارکاتی بحساب اوریم بلند پروازی چهره استثنائی ۴۸ کیلوی جهان از ماردل پلاتا بسال ۱۹۶۹ آغاز شد.

او چنان تحسین انگیز و جسور از کمند رقبا گذشت که شب قبل از پایان مدال طلای قهرمانی جهان برسینه افراشته اش درخشید.

داستان پیروزی او در ادمونتون کانادا و صوفیه نیز با اقتدار فراوان تکرار شد ونزدیکترین رقبا با اختلافی بیش از ۱۰ امتیاز تسلیم او شدند.

اگر جوادی در مونیخ از مدال طلا دور شد، دلیل آنرا باید در مسائل جنبی جستجو کرد، جائیکه «باتی» داور شاخص رومانی ماموریت داشت مدال طلای المپیک ایران را به برنز تبدیل نماید.

بهرحال مونیخ آخرین منزلگاه جوادی در ۴۸کیلو بود، زیرا در سال ۱۹۷۳ جوادی در ۵۲ کیلو یک فوق ستاره نشان داد و در حضور تاکادای ژاپنی که از آن سال ببعد در همه میدانها قهرمان شده است چهارمین مدال طلای جهانی را صاحب شد.

سال بعد وقتی جوادی در استانبول غیبت کرد، مدال طلای ۵۲ کیلو برسینه تاکادا قرار گرفت ولی همین قهرمان در تهران زیر دست او ایستاد، درباره جوادی باید گفت او یک موحدثانی در تیم ملی بود، مردی که در هنگام مبارزات از مغز خود فرمان میگرفت. تصویر مربوط به دیدار جوادی و صفر بایگن از ترکیه است که درسال ۱۹۷۰ در کانادا مغلوب دلاور ایرانی شد.

استانبول نقطه عطفی برای کشتی ما



سال ۱۹۵۷ در تاریخ کشتی ایران نقطه عطفی بحساب میآید، زیرا اکثر نفرات تیم پیروز و پرفروغ کشتی ایران پس از بازیهای المپیک ۱۹۵۶ ملبورن که در پناه بزرگ ستارگان آن روزگار کشتی ۲ طلا و ۲ نقره و عنوانهای چهارمی، پنجمی و ششمی بمقام سوم المپیک رسید، بواسطه برخی مسائل پشت پرده، خود را از شرکت در جام جهانی ۱۹۵۷ استانبول کنار کشید.

در حالیکه اگر همه ستارگان تیم ملی در اختیار کشتی بودند، ایران قادر بود قبل از یوکوهاما، آتش بازی پرشکوهی در استانبول و پیش چشم ترکهای متعصب و صاحب کشتی برپا کند.

ولی وقتی خجسته پور - یعقوبی - گیوه چی، حبیبی، زندی خود را کنار کشیدند همگان رویای پرشکوه پیروزی را از سر بدر کردند و دل به حوادثی بستند که نمایانگر هیچ چیز نبود. هرچند که جانشینان بزرگان خود حرفهایی برای گفتن داشتند همه چیز با بیم و امید درشرف انجام بود.

اگر مردان ۵ وزن نخستین خود را کنار کشیدند، سروری - تختی و نوری پیوستگی خود را به تیم ملی اعلام کردند ولی همین سه تن نیز در وزنهای مختلف خود را جابجا کردند.

سروری با وزن ۷۵ کیلو به ۷۹ کیلو رفت، مرحوم تختی با ۹۲ کیلو وزن به جنگ غولان ۱۲۰ کیلوئی روی کرد و نوری از سنگین وزن به ۸۷ کیلو قدم گذارد.

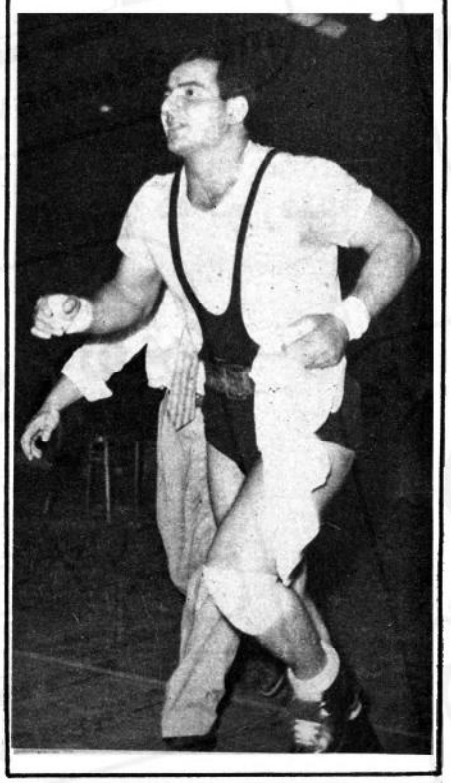
در استانبول و در پیش چشم ترکهای متعصب براستی رسیدن به پیروزی کار حضرت فیل بود، بعنوان نمونه یادآور میشویم که وقتی دکتر بالاوازه برقیب ترک اسمعیل اوغان غلبه کرد، تماشاگران حاضر در استادیوم مدحت پاشا چنان هیاهوئی براه انداختند که پس از ساعتی پیروزی اوغان اعلام شد.

با این نمونه مشکلات مبارزه‌جوئی در ترکیه نمودار میشود.

مسئولین وقت فدراسیون کشتی دران زمان تلاش فراوانی برای گردهم‌آئی همه بزرگان کشتی ایران کردند ولی بدلایل مختلفی آب رفته بجوی باز گردانیده نشد و تیم کشتی ایران متشکل از ابوالفضل حسین پور، مرحوم نبی هاشمی، حسین ملاقاسمی، مصطفی تاجیک، محمدعلی فردین، نبی سروری، حسین نوری و مرحوم غلامرضا تختی راهی استانبول شد، در استانبول شوروی و ترکیه مکانهای همیشگی را در انحصار خود داشتند ولی رقابت ایران و بلغارستان براستی میلی متری بود و ایران با تکیه برمدال طلای سروری و نقره ملاقاسمی و مقامهای چهارم تا ششم دیگر نفرات صاحب ۲۰ امتیاز شد، در حالیکه بلغارستان به ۱۹ امتیاز رسید و با همین فاصله اندک بلغارستان باردیگر زیردست ایران قرار گرفت.

تصویری که در پیش دیدگان شما قرار دارد، بعد از یکی از تمرینات درسال ۱۹۵۷ برداشته شده است که جمعی از بزرگان کشتی را در کنار مسافرین استانبول نشان میدهد. حاضرین در عکس عبارتند از محمدعلی فردین - عطاء بهمنش، مرحوم مهندس توفیق جهانبخت، امامعلی حبیبی، سرهنگ معروفخانی رئیس فدراسیون وقت، مصطفی تاجیک، کیومرث ابوالملوکی، علی غفاری نشسته: حسین نوری، مرحوم محمدعلی نبی‌هاشمی، محمدعلی خجسته پور و پرویز سیروسپور. این عکس در باشگاه پهلوی در هنگام اردوی تدارکاتی جام جهانی استانبول برداشته شده است.

زندگی در قلب تیم ملی دشوارتر از قهرمانی



مردی که ده سال قبل در بحبوحه بازیهای المپیک مکزیک بخاطر بی توجهی فدراسیون وقت وزنه‌برداری با صحنه‌های قهرمانی وداع گفت، هنوز نامش در فهرست رکوردهای ایران بعنوان رکورددار بچشم میخورد. رکورددارى بنام منوچهر برومند با ۲ رکورد ملی و قاره‌ای که از سالها قبل بکرودست نخورده باقی مانده است. ۱۴۸ کیلو یکضرب و ۳۳۵ کیلو مجموع.

رهبر فعلی تیم ملی از سالها قبل در ورزش ایران مطرح بود، مردی با خصوصیاتی دلپذیر و شخصیتی جالب توجه در کنار صحنه، جنگنده‌ای مبارز با روحیه‌ای مثال زدنی در روی صحنه.

برومند با تکیه برهمین ویژگی های انحصاری بود که در قلب تیم ملی زندگی تازه‌ای را در کنار همتاهای دور و نزدیک خود آغاز کرد واین زندگی را بلطف دلسوزی و تلاش فراوان هنوز ادامه میدهد.

ولی برومند آسان به این مرحله راه نیافت، زیرا برای یک شهرستانی در سالهای پیش ورزش، با توجه به نبود امکانات و مربیان آگاه شکلی دلپذیر و آسان نداشت و تنها اراده محکم و عشق و علاقه فراوان مردان شهرستانی بود که آنان را بسوی اوج رهنمون می ساخت.

برومند یک ۹۰کیلوی امیدساز برای جانشینی محمدحسن رهنوردی بحساب می آمد و رهنوردی پس از پیروزی سال ۱۹۵۷ تهران که درپی دکتر وروبیف روسی مدال نقره گرفت از وزنه‌برداری درحالی کناره گرفت که ادامه آن برای سلامتی‌اش مضر تشخیص داده شده بود.

منوچهر برومند که دران هنگام رقیبی بنام سیرون هامازاسب را در کنار داشت از سال ۱۹۶۰ رسما در عرصه مسابقه های جهانی ظاهر شد و رکوردهای بهتر او نشانه‌ای از صعود کیفی او بود. درسال ۱۹۶۲ درهنگامه مسابقه های بوداپست ملی پوش نامدار ما با رکورد جالب توجه ۴۴۵ کیلو بمقام چهارم رسید و خیلی زود در مسابقه های پاکستان رکورد ایران را به ۴۵۲/۵ کیلو افزایش داد.

از آن پس برومند به کلاس سنگین وزنها گام نهاد، سنگین وزنی که سبکترین درجمع غولها بحساب می آمد ولی با این حال برومند با یک برنامه فشرده تا آنجا بجلو گام برداشت که بعنوان نخستین آسیائی از مرز ۵۰۰کیلو گذشت و با رکورد۵۰۲/۵ کیلو بمقام چهارم جهان رسید.

بدون شک اگر او در شرائط بهتری به ادامه تمرینات می پرداخت می توانست ارزشهای بیشتری از قدرت و شایستگی خود را نشان دهد. افتخارات او تنها به سالهای قهرمانی مربوط نمیشود، بل اینکه پیروزی تیم های ایران درسال ۱۹۷۴ تهران، درخشش در صحنه مسابقه های قهرمانی سال ۱۹۷۴ مانیل، نمایش خوب وزنه برداران در مونترال و پیروزی در مسابقه های قهرمانی آسیا در بغداد، همه و همه نشانه های قابل لمس از موجودیت او در کار مربیگری تیم ملی است. یک مربی که بدون حضور در کلاس های بین المللی چنین دانشی از خود بروز داده است.

سوای همه این نکات باید به محبوبیت او در جمع ملی پوشان فعلی اشاره کرد. شاید ضرورت نداشته باشد که عنوان کنیم که اکثر بزرگان تیم ملی بخاطر وجود او هنوز عاشقانه به ورزش وزنه برداری عشق میورزند.

جهان موزیک

هدیه‌ای استثنایی از بهترین آهنگهای
سال را تقدیم میکند





انتخابی از تازه‌ها ۲

۱ ـ هایده	خداحافظ
۲ ـ گلپا	خونهٔ عشق
۳ ـ پوران	رسم روزگار
۴ ـ حمیرا	گذشته
۵ ـ عماد رام	اشک روزگار

۱ ـ مهستی	لبخند
۲ ـ گلپا	فریاد عاشق
۳ ـ هایده	بخشش
۴ ـ الهه	یاقوت مذاب
۵ ـ حمیرا	وقتی که تو رفتی

کلیه آهنگهای این نوار انحصاراً در کاستهای جهان موزیک ببازار عرضه میشود

جهان موزیک... فریادگر بزرگ

مرکز پخش کالای فیلیپس ۳۰۲۴۴۶ و ۳۱۸۲۴۵
فروش در خیابان پهلوی استریو رسیتال ۶۶۷۰۳۶ و ۶۴۲۶۵۴

QUICK

فروش در کلیه استریوهای سراسر ایران

داوری در فوتبال

از سری مطالب آموزشی دنیای ورزش

درگیرودار مسابقه های فوتبال قهرمانی باشگاههای ایران (جام تخت جمشید) یکی از مسائلی که همیشه تعادل میدان را بهم زده و تحت تاثیر آن تماشاگران واکنشهای گوناگون داشته اند مسئله ای بنام «داوری» است.

دنیای ورزش طول سالهای دور و نزدیک در همه حال در تدارک بوده که بگونه های متفاوت تسهیلات لازم را برای آموزش خوانندگان نیز بوجود آورد و سری مطالب آموزشی در موارد مورد لزوم ارائه کرده است.

در این صفحه که از نوشته های «استان لاور» رئیس کمیته داوران فوتبال انگلیس مدد گرفته شده در عین سرگرمی شما میتوانید پرسشهای عنوان شده را پاسخ دهید و در پایان به پاسخهای صحیح نگاه کنید.

بی تردید دشواریهای فراوانی حل خواهد شد و پاسخ خیلی از سئوالهای خود را در آن خواهید یافت.

۱- از روی نقطه کرنر توپی زده میشود، در شرایطی که بازیکنان در انتظار رسیدن توپ روی دروازه هستند یکی از بازیکنان مهاجم شانه بشانه دروازه‌بان سعی میکند، او را بجهت داخلی دروازه تغییر مسیر دهد داور در این مورد چه عکس‌العملی نشان میدهد؟



۲- مهاجم تیم پیراهن سفیدها در یک گریز سریع به زمین افتاده و مدافع مستقیم او صاحب توپ شده، مهاجم پیراهن سفیدها در لحظه‌ای که روی زمین میافتد میکوشد مدافعش را با لگد بزند ولی موفق نمی شود، داور چه میکند؟



۳- در پشت محوطه پنالتی یک ضربه آزاد به سود بازیکنان تیم پیراهن سیاه ها اعلام میشود، یکی از مهاجمین تیم پیراهن سفیدها میکوشد در میان خط زنجیری مدافعین تیم پیراهن سیاه ها بایستد، کاپیتن تیم اعتراض میکند تصمیم داور چیست؟



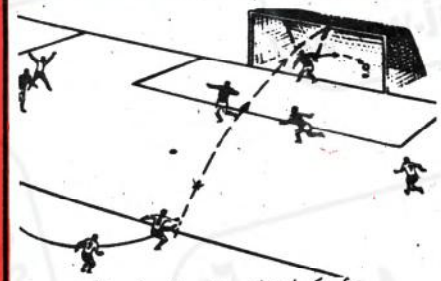
۴- یک بازیکن آسیب دیده در بازگشت مجدد به زمین با یکدست بسته شده به بدن وارد میدان میشود، داور اجازه بازی به او را میدهد؟



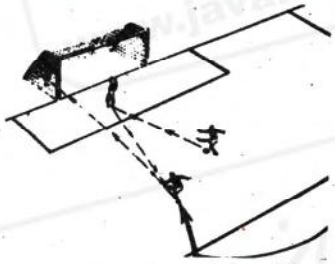
۵- توپ بسوی بازیکنی که در آفساید است میرود داور قصد سوت زدن دارد که آن بازیکن «هند» میکند بعد از سوت زدن داور چه تصمیمی میگیرد؟



۶- یکی از مهاجمین تیم پیراهن سفیدها پشت محوطه پنالتی یک خطای دو ضرب را مستقیما بطرف دروازه حریف شلیک میکند، توپ پس از برخورد به تیر دروازه به دستهای دروازه‌بان میخورد ولی موفق به مهار آن نمی شود آیا گل مورد قبول است؟



۷- روی یک ضربه پنالتی دروازه‌بان تیم پیراهن سفیدها خوب عمل میکند و توپ را با مشت برمیگرداند، یکی دیگر از بازیکنان تیم حریف بداخل محوطه پنالتی میرود و توپ بازگشته را درون گل میفرستد، داور آفساید اعلام میکند چرا؟



پاسخ ها

۱- چون دروازه بان صاحب توپ نیست عمل ناصحیح مهاجم را داور با یک خطای دو ضرب و یک اخطار جریمه میکند.

۲- داور با بصدا درآوردن سوت یک ضربه آزاد به مدافع تیم پیراهن سیاه ها میدهد و به مهاجم زمین خورده اخطار. چون قصد خطا کردن نیز جریمه دارد.

۳- در چنین شرایطی اعتراض کاپیتن تیم وارد نیست چون مهاجم در هر مکانی که بخواهد میتواند بایستد. این مدافعین هستند که باید با خط دروازه ۹ متر و ۱۵ سانتیمتر فاصله داشته باشند.

۴- اگر شرایط بگونه‌ای باشد که برای سایر بازیکنان خطری نداشته باشد و فقط «بانده پیچی شده باشد بله در غیر اینصورت خیر.

۵- جریمه آفساید است چون در محل آفساید مرتکب هند شده یک خطای دو ضرب به زیان بازیکن.

۶- داور گل را میپذیرد چون ضربه دوم دستهای دروازه‌بان بحساب میاید که توپ را لمس کرده.

۷- چون مهاجمی که ضربه پنالتی را زده بود، بطرف دروازه‌بان دویده و در مسیر توپ حرکت کرده داور آفساید اعلام میکند، اگر زننده پنالتی پشت نقطه پنالتی ثابت باشد گل قبول خواهد بود.

شهرستانها

والیبالیستهای بندرعباس در میز گرد ورزشی دنیای ورزش:

تابستان گرم و طولانی بندرعباس نفس کشیدن را در تنها سالن ورزشی مشکل می‌سازد



گوشه‌ای از میز گرد ورزشی در بندرعباس

تنی چند از بازیکنان تیم والیبال بندر عباس بهمراه دبیر هیات و مربی تیم، در میز گرد ورزشی دنیای ورزش این شهرستان شرکت کردند و پیرامون مشکلات و همچنین تا رسایی های موجود که موجب حرکت لاک‌پشتی این ووزش شده است مطالبی عنوان نمودند:

در آغاز حمیدی دبیر هیات والیبال گفت، سال گذشته هنگامی که برای شرکت در مسابقه های قهرمانی به تهران می‌رفتیم، وضع نارسای والیبال را برای آقای استاندار تشریح کردم و کمبودها را عنوان نمودم بامید انکه در برنامه های عمرانی، مختصر توجهی هم به ورزش والیبال هرمزگان بشود، لیکن در طرح های خاص ناحیه ای، شهرها و بخش های استان را نسبت به مرکز استان در اولویت قرار دادند و بودجه ورزشی، بیشتر به بخش ها رسید، در حالی که بیشتر والیبالیست ها در مرکز استان مستقراند و با توجه به ورود و خروج ناوها و کشتی های خارجی و وجود برگزاری مسابقه با انها، حق بود توجه بیشتری به بندرعباس می‌شد.

وی به نداشتن امکانات اشاره کرد و افزود، دربندرعباس فقط یک تالار ورزشی سر پوشیده وجود دارد که وضع خوشایندی ندارد و ما مجبوریم در همین سالن از تیم های خارجی پذیرائی کنیم.

«صفاء یکی از والیبالیستهای با سابقه بندرعباس گفت: گرمای تابستان این شهر وحشتناک است و تنها سالن سرپوشیده نیز دستگاه خنک کننده ندارد، اخیرا آمده اند شیشه های انرا با ورقه های فلزی تغییر داده اند و این خود وضع خفقان اورتزی را بوجود می آورد که نفس کشیدن را مشکل میسازد. این کار را برای جلوگیری از شکستن شیشه کرده اند اما فکر نکرده اند که سلامت یک ورزشکار از یک شیشه شکسته با ارزش تر است. آنگاه به تنها دوش آب سرد سالن اشاره کرد و گفت: والیبال در بندرعباس از لیست ورزش ها حذف شده است.

دبیر هیات گفت: در سال جاری اولویت را به جوانان بومی داده ایم، کلاس و مربی برای آنها دایر نموده ایم و با همکاری فدراسیون والیبال کشور، نهایت تلاش را برای بارور ساختن استعدادها بکار خواهیم برد. ولی با کدام امکانات؟... خدا می داند!

امیری مربی تیم والیبال اظهار داشت: چند تن از والیبالیست های بومی مراجعه کردند که چرا در مسابقه ها از انها استفاده نمیشود، دعوتشان کردم تا در تمرین ها شرکت کنند ولی چند جلسه که آمدند و امکانات بد محیط تمرین را دیدند دیگر ادامه ندادند، زیرا در تنها سالن شهر نه آب سرد کن وجود دارد، نه از توالت خبری هست و نه از دستشوئی....! هر چه هم برای تامین این نیازهای اولیه مراجعه می کنیم، توجهی نشان نمیدهند.

رضوی کاپیتن تیم ملوان گفت: قرار است یک سالن سر پوشیده مجهز در جنوب استادیوم ورزشی بسازند، زمین انهم مشخص شده، اما هنوز از شروع کار ساختمانی ان خبری نشده است. باید برای جلوگیری از انحراف جوانان هم که شده، هر چه سریعتر نسبت به ایجاد ساختمان های ورزشی اقدام کنند.

عسگری یکی دیگر از ورزشکاران گفت: وقتی در بندرعباس باران ببارد، سیلاب وارد سالن میشود و بجای والیبال باید واترپلو بازی کنیم....! وی اضافه کرد، همین سالن هم بعلت کم توجهی جولانگاه مارمولک و موش شده و هر گوشه ای از ان، لانه این حشرات است.

حسینی، رحمانی، عسگری، علی اکبرنژاد، و نوروزی نیز در باره مسایل مختلف و نارسایی ها مفصلا بحث کردند و در پایان اظهار امیدواری نمودند که با توجه به علاقمندی استاندار هرمزگان به این ورزش، مشکلاتی را که تشریح کردند از پیش پای بر داشته شود.

با ۳۰ میلیون تومان هزینه در الیگودرز و بروجرد، ۲ مجتمع بزرگ ورزشی ساخته می‌شود

بزرگترین مجتمع ورزشی بروجرد با هزینه‌ای معادل ۱۵ میلیون تومان در زمینی بمساحت ده هزار متر مربع ساخته خواهد شد.

این مجتمع در چهار سالن سرپوشیده شماره دو آموزش و پرورش بروجرد بوجود می‌آید و بطوری که مسئولان اجرای این پروژه اظهار داشته‌اند کار عملیات ساختمان آن آغاز شده و تا بحال حدود هشت میلیون تومان از اعتبار لازم به مقاطعه کار پرداخت گردیده است. همچنین مسئولان برنامه ریزی استان اعلام کرده‌اند که این مجتمع ورزشی تا سال ۲۵۳۹ شاهنشاهی آماده بهره برداری خواهد بود و هفت میلیون تومان بقیه، حین انجام کارها پرداخت خواهد شد.

این مجموعه شامل دو سالن ژیمناستیک و کشتی، دو سالن والیبال و بساری اتاق‌های مخصوص دیگر ورزش‌ها و سایر تجهیزات است که از هر لحاظ با توجه به همه امکانات تهیه میشود.

مسئولان ساختمان این مجموعه همچنین اعلام نمودند که همزمان با ساختن ورزشگاه بروجرد، یک مجتمع بزرگ و مجهز ورزش نیز در شهر الیگودرز در مجاورت کارخانه ساخته میشود که هزینه ایجاد این مجموعه هم ۱۵ میلیون تومان برآورد شده اما زمین آن حدود ۳۰ هزار متر مربع می باشد و در این ورزشگاه نیز سالن‌هایی برای کشتی، والیبال، بسکتبال و دیگر ورزش‌ها در نظر گرفته شده است.

بروجرد ـ محمدرضا مایلی

«نیرو» قهرمان کشتی باشگاههای اهواز

مسابقه های کشتی آزاد باشگاههای اهواز که از سوی هیات کشتی خوزستان برگزار شده بود، با بقهرمان رسیدن تیم کشتی باشگاه نیرو پایان گرفت سازمان اب و سرباز در رده های بعدی ایستادند. نفرات اول هر وزن از اینقرارند:

۴۸ کیلو بهرام یزدانی از سازمان آب، ۵۲ کیلو عبدالرضا ارجمندی از سازمان اب، ۵۷ کیلو محمود جعفری از نیرو، ۶۲ کیلو خداداد شاعری از نیرو، ۶۸ کیلو حسین مردانی از تاج، ۷۴ کیلو حسنی از تاج، ۸۲ کیلو خلیل رحیمی نژاد از سرباز، ۹۰ کیلو عبدالرضا خلفی نژاد از سرباز، ۱۰۰ کیلو جلالی از نیرو و باضافه ۱۰۰ کیلو علی مسعودی از باشگاه نیرو.

اهواز ـ رضا گنجاپور

«پاس» قهرمان فوتبال نو جوانان یزد

چهارمین دوره مسابقه‌های فوتبال نوجوانان، جام ارشید خاتمی که با رقابت ۱۵ تیم از باشگاهها و دستجات آزاد یزد در ورزشگاه شماره دو آغاز شده بود، با بقهرمانی رسیدن تیم پاس، پایان گرفت.

تیمهای نوجوانان راه‌آهن و تاج، در رده‌های دوم و سوم قرار گرفتند و جوایزی که تهیه شده بود، وسیله فیروز آبادی دبیر شورای ورزش استان یزد، به ورزشکاران داده شد.

یاران پیروز تیم نوجوانان پاس: قاسم کریمی، محسن بهرامی، منصور دهقانی، محمد علی غنی پور، مصطفی اعیان، حسین ساعتچی، علی نام بخش، جمال فلاح، محمد رضا صادقی، محمد حسن دهقان، خلیل سپهری، محمد رضا خلاق، محمود زارع زاده، علی رضا خبازی اشرف، نادر زاهدی، محمد رضا کاوه، احمد علی اشرفیان و رضا کافی

یزد ـ محمد علی نیک روان

گزینش چهره های برتر کشتی جوانان کرج

برای گزینش چهره های برتر کشتی جوانان کرج، یکدوره مسابقه زیر نظر هیات کشتی این شهرستان در تالا ورزشی محمد رضا شاه پهلوی کرج برگزار شد که ۵۷ کشتی گیر در صحنه پیکارها حضور یافتند. پس از انجام ۸۶ مسابقه طی دوشب، این نتایج بدست آمد:

۴۸ کیلو: ۱ ـ مسعود کیان ۲ ـ جعفر رخشی نژاد ۳ ـ بهلول حجر کش.

۵۳ کیلو: ۱ ـ محمد بابایی ۲ ـ غلام کیان پور ۳ ـ یدالله خدا دادی.

۵۷ کیلو: ۱ ـ محمد خالقی ۲ ـ فرید کلاشی ۳ ـ عباس رهبر دهقان

۶۲ کیلو: حسن کیان پور ۲ ـ احمد کشت پور ۳ ـ چنگیز کمال زاده.

۶۸ کیلو: ۱ ـ جمشید خرمن بیز ۲ ـ فیروز حنیفی ۳ ـ پرویز حنیفی.

۷۴ کیلو: ۱ ـ اکبر طهماسبی ۲ ـ وحید کلاشی ۳ ـ سیف علی قنبوئی.

۹۰ کیلو: ۱ ـ مسعود حصیری ۲ ـ اسماعیل ترابی

۱۰۰ کیلو: ۱ ـ حسن شاه نظری ۲ ـ محمود مداح فر

کرج ـ غلام بیگ زاده

۶۸ گل برای ۲۷ بازی جوانان کرج

هفتمین دوره مسابقه‌های جوانان جام والاحضرت همایون ولایتعهد، با رقابت تیم‌های پیام، محسن آزاد، ستاره، عقاب، اکباتان، رضا پهلوی، رازی، پاس، هیو، نوب اهن، نوید، دارایی، گارد مهرشهر، هما، حاجی، سپهر، بهرام، شهباز و بهرام در ورزشگاه کورش کرج برگزار شد و تا کنون این نتایج بدست آمده است:

پیام و محسن آزاد ۱ـ۱، ستاره صفر عقاب ۰، اکباتان ۱ رضا پهلوی ۱، پاس صفر، هیو صفر نوب اهن ۳، نوید صفر دارایی ۱، گوهردشت ۱ رضا پهلوی ۱، رازی ۳ گارد ۱، پیام صفر نوب اهن ۱، عقاب ۲ نوید ۲، هیو ۳ اکباتان صفر، دارایی ۲، پاس ۲، نوب اهن صفر محسن آزاد ۱، نوید صفر ستاره ۱، هیو ۳ گوهردشت صفر، گارد صفر دارایی ۴، اکباتان ۲ پیام ۴، پاس ۲ عقاب ۵، حاجی صفر هما ۲، سپهر صفر بهرام ۲، رضا پهلوی صفر هیو ۳، رازی ۱ نوید ۱، محسن آزاد و اکباتان بدون گل، ستاره صفر، دارایی ۲، سپهر ۱ شهباز ۲، هما و شهباز بدون گل و حاجی ۱ بهرام ۲.

پاس خرم آباد نماینده والیبال لرستان در دسته دوم جام پاسارگاد

دیدار پایانی والیبال قهرمانی باشگاههای لرستان برای راه یابی بدسته دوم جام پاسارگاد، بین دو تیم پاس خرم آباد و بروجرد، بداوری حمید عطاری در تالار سرپوشیده ورزشی دبیرستان پهلوی خرم اباد برگزار شد.

خرم اباد با برخورداری از زمین و حمایت بیش از هزار تن تماشاگر درگیم اول خوب ظاهر شد و از همان آغاز به بالا بردن امتیازها پرداخت و سرانجام این گیم را با نتیجه ۱۳ـ۱۵ از ان خود ساخت. درگیم دو بروجردی ها بخود امدند و با تلاش بسیار جبران شکست گیم قبلی را نتیجه ۱۳ـ۱۵ نمودند. خرم ابادی ها در گیم سوم باز هم به پیروزی رسیدند اما اینبار با نتیجه ۱۲ـ۱۵ و با امیدواری بانکه گیم چهارم را هم خواهند برد با بی میلی شروع به بازی کرد اما بروجردی ها از این بی توجهی غرور پاس خرم آباد نهایت استفاده رابرده و این گیم را با نتیجه ۷ـ۱۵ بسود خود تمام کردند.

اوج رقابت و هیجان در گیم پنجم که سرنوشت مسابقه را تعیین می کرد شکل گرفت پاس بروجرد در این گیم نتوانست چون گیم های قبلی شانه بشانه پاس خرم ابادی بساید و امتیاز بگیرد و از طرف دیگر مرتب به نحوه قضاوت اعتراض کرد. هنگامی که خرم آباد در امتیاز ۱۴ بود بروجرد در امتیاز ۷ـ شدت اعتراض بیشتر شد و داور دستور به ادامه بازی داد اما بروجردی ها چون دیدند نتیجه ای نمی گیرند، زمین را ترک کردند و به بازی ادامه ندادند. داور نیز مسابقه را صفر ـ ۳ بسود پاس خرم آباد اعلام داشت. خرم ابادی ها با این پیروزی بعنوان نماینده لرستان برای حضور در مسابقه های والیبال دسته دوم جام باسارگاد برگزیده شدند

تیم پاس خرم آباد: هوشنگ و جمشید شجاع، قاسم عرب، بهروز پور ابراهیم، ناصر سلاحورزی، محمود نظامی، داود توکلی، مجید موسوی. اکبر اسدی.

استاد ایزد پناه در گفتگو با خبرنگار دنیای ورزش در آبادان:

دوومیدانی بسیاری از بیماریها را علاج می کند!

برگزاری مراسم بزرگداشت ورزشی برای شخصی که بگونه ای به ورزش خدمت کرده، شاید یک خصلت جالب وقابل پسند باشد که نشان میدهد خادمین ورزش را هیچگاه از یاد نبرده ایم وخدمات وکوشش وتلاشهایش را ارج مینهیم. بامید آنکه سرمشقی باشد برای آیندگان که اگر در راهی مثبت گام بر میدارند وخدمتی بورزش مینمایند، بدانند که از یاد نخواهند رفت وهمیشه به نیکی از آنها یاد خواهد شد.

چه خوب که هیات دوومیدانی آبادان سنت شکن شد و بقول معروف مرده پرستی را به وادی خاموشی سپرد و با ترتیب دادن یکدوره مسابقه دوومیدانی، از مردی تجلیل کرد که در قید حیات است و با وجودی که بیش از نیم قرن از بهترین سال های عمر خود را وقف ورزش ایران خصوصا دوومیدانی نموده هنوز همچون یک جوان در تلاش و فعالیت می باشد و یک لحظه از فکر پیشبرد ورزش دوومیدانی غافل نمی گردد.

در پایان مسابقه های دوومیدانی جام ایزدپناه که هیات دوومیدانی آبادان برای گرامی داشت این مرد عاشق «دو» ترتیب داده بود، پای صحبت او نشستیم تا از زبان مردی که به حق پدر دوومیدانی ایران لقب گرفته، نظرش را درمورد این ورزش جویا شویم. از او سئوال شد چند سال است که در ورزش ایران فعالیت دارید؟... کمی بیشتر از نیم قرن، حدود ۵۳ سال است که به ورزش ایران خدمت میکنم. این خدمت تنها در دوومیدانی نبوده، بلکه در فوتبال، کوهنوردی دوچرخه سواری و ورزش کودکان که زمانی خود بعنوان یک شرکت کننده، گاهی بعنوان مربی و سال ها در مقام



استاداحمد ایزدپناه

مسئول این ورزش ها.

ازاستاد ایزدپناه درباره ارزش و اعتبار گذشته ورزش دوومیدانی آبادان و اینکه قهرمانان آبادانی درزمین ناهموار مسابقه می دادند. تمرین می کردند و در سطح کشور صاحب نام بودند و همواره تماشاگران مسابقه های دو بیش از فوتبال امروزه بود سئوال شد علت نزول این ورزش در چیست؟ وی گفت نزول دوومیدانی علل مختلف دارد که یکی از آنها کم توجهی ورزش درگذشته نسبت به این ورزش دنیا پسند بوده و دیگر بارسنگینی است که فوتبال براین رشته سایه افکنده است. اگر درگذشته شاهد این بودیم که دوومیدانی تماشاگرانی درحد فوتبال داشت، این امر بستگی به مردمان آن زمان دارد. درآن هنگام خود مسئولان ورزش که اغلب از کارمندان عالیرتبه شرکت نفت بودند، در مسابقه ها شرکت می کردند و گاه دیده میشد که مسئول ورزش از همه ورزشکاران پیشی می گرفت.

نام مرحوم هاشم پرویز که همه ساله بیاد او مسابقه هایی برگزار می کنیم، برای همه آشنا است، او خود که یکی از کارکنان عالیرتبه شرکت نفت بود، در مسابقه ها شرکت می کرد و رکوردهای خوبی هم بدست می آورد.

علت دیگر عقب ماندگی دوومیدانی مربوط به وسایل ارتباط جمعی مملکت است. رادیو و تلویزیون نسبت به این ورزش کم لطفی نشان میدهند و بیشتر برنامه های خود را به فوتبال اختصاص داده اند در حالیکه اگر گاهی فیلمی از مسابقه های دوومیدانی اروپا را به نمایش بگذارند، شاید بی تاثیر درعلاقمند نمودن مردم و جوانان نسبت به این ورزش نباشد.

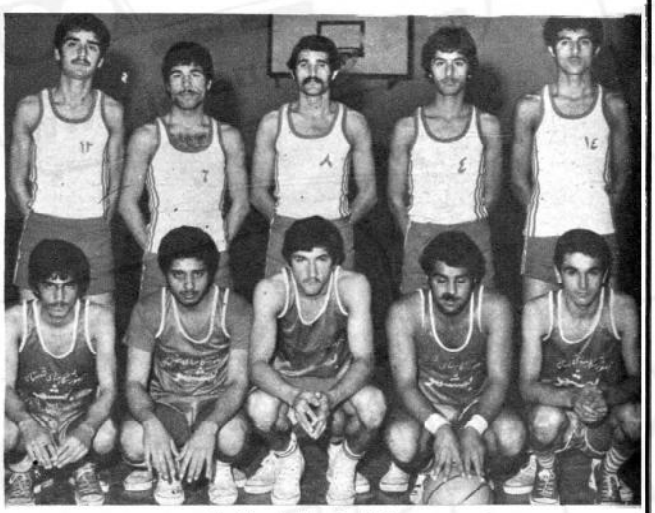
استاد ایزدپناه اضافه کرد دوومیدانی ورزشی است که ملل مترقی آنرا خوب درک کرده اند. دوومیدانی ورزش اجباری مدارس این کشورها است و بعد از آن به دیگر ورزش ها روی می آورند. امروزه متوجه شده اند که بسیاری از امراض را با دوومیدانی شفا میدهند و این معجزه دوومیدانی است. درآمریکا هر شناگری باید برای آمادگی بدن خود ۱۵۰۰ متر بدود.

از ایزدپناه پرسیدم شما که این همه صحبت از دوومیدانی میکنید و این همه نسبت به این ورزش علاقه نشان میدهید و زمانی خود رییس این فدراسیون بودید و بعنوان پدر این ورزش بشمار می روید، چرا بمادر ورزش ها آنطور که باید سروسامان ندادید...؟ درحالی که از چهره اش پیدا بود از چنین سئوالی ناراحت شده، اما با خوشرویی پاسخ داد، کسی مرا از دوومیدانی کنار نگذاشت و من خودم کنار رفتم، من با بودجه ناچیزی معادل ۷۵ هزارتومان توانستم خدمات زیادی به این ورزش بکنم و اگر قهرمانانی در سطح مسابقه های آسیایی دیدید، همه آنها شاگردان من بوده اند و همه اینها در زمان من اینهمه پیشرفت کرده اند. کشمیری، غیاثی، انتظاری، حسام و سایرین را در نظر بگیرید. اگر پیشرفتی در دوومیدانی ایران داشته اند درآن زمان بوده. اگر پول نداشتیم، ولی ایمان بکار داشتیم اما هنوز شرمنده ام که نتوانستم به شهرستانها کمک کنم.

استادایزدپناه در پایان اضافه کرد، من معتقدم اگر بخواهند دوومیدانی ایران پیشرفت داشته باشد، باید به ورزش مدارس توجه بیشتری بشود و معلمان ورزش حرکات دوومیدانی و بدن سازی را با مهارت های گوناگون توام نموده و به بچه ها بیاموزند.اگر ما از پایه به ورزش مدارس توجه کنیم، بدون شک درآینده ورزشی بنام دوومیدانی در ایران خواهیم داشت.

آبادان ـ خیرالله فرخ نیا

گنبدکاوس و بهشهر در صدر والیبال و بسکتبال مازندران



تیم بسکتبال بهشهر قهرمان مازندران

بیست و چهارمین دوره مسابقه های ورزشی آموزشگاههای مازندران فقط در دو رشته والیبال و بسکتبال در بهشهر انجام شد.

مسابقه های والیبال در تالار ورزشی کورش کبیر و بسکتبال در تالار ورزشی بهپاک بهشهر برگزار گردید و این نتایج بدست آمد.

والیبال: ۱ـ گنبد کاوس ۲ـ آمل ۳ـ بابل

بسکتبال: ۱ـ بهشهر ۲ـ بابل ۳ـ آمل

اعضای تیم بسکتبال بهشهر: قاسم سعیدی، مهدی ظریبان، شیرازی، مدونی، رسول ابراهیمی، محمود شاکری، زین العابدین پور، محمود جانلو، میرزایی، خراسانی، تفاخری، صولتی، مربی: ابراهیم تهرانی. سرپرستی مسابقه ها بعهده اکبر امیدی رئیس تربیت بدنی آموزشگاههای بهشهر بود.

در پایان مسابقه ها، رئیس آموزش و پرورش و رئیس تربیت بدنی بهشهر جوایزی به تیم های برنده دادند.

بهشهر ـ ناصر امیدی

تجلیل از قهرمان وزنه برداری خوزستان

در مسابقه های قهرمانی وزنه برداری خوزستان که بارقابت ۶ تیم وزنه برداری شهرهای استان در اهواز آغاز شده بود، رحمت‌الله بیاتیان عضو باشگاه هخامنش مسجد سلیمان که در یادگان مسجد سلیمان خدمت مقدس سربازی را می گذراند در دسته پروزن عنوان اول خوزستان را بدست آورد.

بمناسبت قهرمانی این وزنه بردار مسجد سلیمانی مراسمی در یادگان این شهر برگزار شد و تیمسار علایی فرمانده یادگان مسجد سلیمان جوایزی به قهرمان داد

مسجد سلیمان ـ محمود سروندیان

۲ پیروزی و یک مساوی برای نبرد فیروزآباد

تیم فوتبال نبرد فیروزآباد فارس، طی ده روز گذشته ۳ دیدار با تیم های فوتبال فراشبند، عقاب و پیوند برگزار کرد که حاصل آن دو پیروزی و یک مساوی بود.

فوتبال نبرد در اولین دیدارش ۱ـ۲ تیم فوتبال فراشبند را شکست داد، عقاب را صفر ـ۱ مغلوب نمود اما برابر تیم فوتبال پیوند با مساوی بدون گل متوقف شد، داوری این مسابقه ها را رضا ایزدپناه، عبدالله پناهی و نعمت‌الله رحمانی بعهده داشتند.

تیم نبرد: بهادروزیری، عبدالرضا عباس پور، محمدصالح زارعی، شاپور شهبازی، محسن عزیزان، بهنام نادری، امرالله رضائیان، مسعودمحمدی، حبیب صیرفی، ناصرآذریان، احمدخبازی، سیف‌الله فاتح، مظفرفیلسی، خسرورحمانی، ناصرنجفی، محمدکیامرزی، امان نجفی و مهدی طالب‌زاده.

مربی: ناصرآذریان فیروزآباد ـ تقی چاوشی

بنیانگذار

عباس مسعودی

دنیای ورزش

صاحب امتیاز

مصطفی فرزانه

زیر نظر

بیژن رفیعی

نشریه ورزشی اطلاعات ـ ۶۴ صفحه ـ ۳۰ ریال ـ سال هشتمشنبه‌شانزدهم اردیبهشت ماه ۲۵۳۷ ـ شماره ۳۹۳ ـ نشانی دفتر مجله خیابان خیام موسسه اطلاعات

تلفن سردبیر: ۳۱۲۴۱۲ ـ ۳۲۸۳۲۰

تلفن های تحریریه: ۳۲۸۳۷۴ ـ ۳۲۸۳۷۵ / ۳۲۸۳۷۷ ـ ۳۲۸۳۷۸

تکسها از: قاسم محمدی ـ امیر عیوقی



یک لحظه با پولاروید

یک عمر خاطره شیرین

با دوربین پولاروید 'SX-70 آلفایک' عکسهای رنگی بطور اتوماتیک در مقابل چشمان شما ظاهر میشوند.

هیچ دوربین دیگری نمیتواند کار پولاروید 'SX-70 آلفایک' را انجام دهد.
این تنها دوربین تا شود نیا با یک عدسی رفلکس است.
حساسیت و دقت عدسی این دوربین به شما امکان میدهد که از جسم یا منظره دلخواه خود از فاصله ۲۶ سانتیمتری تا بی نهایت با دقت و شفافیت کامل عکس بگیرید و با آن میتوانید حتی در روز نیاز فلاش جهت حذف سایه ها استفاده کنید.
فقط کافیست فاصله را تنظیم کنید و دکمه الکتریکی را فشار دهید.





در کمتر از دو ثانیه عکس از دوربین خارج میشود و بلافاصله بطور اتوماتیک در مقابل چشمان شما با رنگهای زنده و طبیعی ظاهر میگردد.
و سپس با یک اشاره انگشت دوربین 'SX-70 آلفایک' شما به راحتی تا شده و به صورت یک جعبه زیبا و ظریف چرمی در میاید.





تنها با پولاروید میتوانید لذت عکسهای SX-70 را تجربه کنید.

پولاروید در عکاسی اینستانت ۳۰ سال با تجربه تر است.

پولاروید و SX-70 علائم تجارتی شرکت پولاروید در شهر کمبریج، ایالت ماساچوست امریکا هستند. حق چاپ برای شرکت پولاروید محفوظ است ـ ۱۹۷۸

ADDISHGAR / LINTAS-3.5



لذت بیشتر در فوتبال با کوکا کولا



دیدار های دسته دوم | زیر گروه اتخت جمشید

دیروز دسته دومی ها کار خود را شروع کردند، در دو منطقه و بصورت دوزیرگروه. درمنطقه یک که شامل تیمهای شمال ایران و پایتخت میشود، آرارات تهران، اکباتان تهران، مخابرات مازندران و خانه جوانان ساری به پیروزی رسیدند، که در این میان پیروزی دو تیم تهرانی شیرین تر از دیگران بود.

آراراتی ها که به لطف مربی یوگسلاو خود از هم اکنون نشانه های یک حرکت خوب به سمت یک فوتبال حساب شده را نشان میدهند با دو گلی که وارد دروازه پهلوی کردند، امیدهای صعود را دردل هواداران ارمنی خود زنده کردند. اگر چه آنها درنیمه دوم کمی از حیث قدرت بدنی نزول داشتند و یک گل هم خوردند، اما چنان برمیاید که یکی از حریفان سرسخت برای همه‌ی تیمهای گروه خود باشند. و از آنجا که پهلوی تیمی بود قلدر، پرتوان، سرسخت، اماناهم‌آهنگ و خواه ناخواه روزهای بهتری خواهد داشت، آراراتی ها پیروزی شیرین و دلچسبی داشتند.

چنین است وضع اکباتان که تیمی ازافراد با تجربه را دراختیار دارد و پیروزی اش برسپیدرود نمودار قدرت این تیم متمول و صاحب زمین است.

دراین منطقه تیمهای آرارات، پهلوی، اکباتان، سپیدرود، راه‌آهن، کمپیدرو، خانه جوانان، توانیر، سپاهان، تهرانجوان، ۲۵ شهریور و مخابرات حضور دارند.

درمنطقه ۲ که تیمها گمنام ترند، قند دزفول و هخامنش مسجد سلیمان به پیروزی سرمست کننده یی رسیدند و برای مسجد سلیمانیها که با تیمی صاحب تجربه بنام الکترونیک روبرو میشدند (و این تیم شیرازی خود میتواند یکی از مدعیان گروه ۲ باشد) دو امتیازی که گرفتند بسی پرارزش بحساب می آید.

اینطور که پیدا است درگروه ۲، گمرک اهواز شانس برتر و تیمهای ایران جوان بوشهر، الکترونیک شیراز و هخامنش مسجد سلیمان دررده بعدی برای صعود می جنگند.

درمنطقه ۲ تیمهای سیمان فارس، مجتمع گوشت لرستان، شیشه همدان، قند دزفول، بیژن سنندج، تابان بوشهر، هخامنش مسجدَ سلیمان، الکترونیک شیراز، ایرانجوان بوشهر، بیستون کرمانشاه، گمرک اهواز، شهرداری خرمشهر شرکت دارند.

آرارات تهران ۲ـ پهلوی تهران ۱

ورزشگاه آرارات ـ پنجشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه ۲۵۳۷ (دسته دوم جام تخت جمشید ـ زیرگروه یک)، آرارات تهران ۲ (دقیقه ۳۵ ورژ خاچیکیان از نقطه پنالتی. دقیقه ۴۴ هویک سیمونی) ـ پهلوی تهران ۱ (دقیقه ۴۸ سرکیس اورشاهی)، داوری قاطع جعفر نامدار ـ کمک داوران: دکتر پرویز سیار ومحمدعلی جمال، تماشاگر حدود ۴ هزارتن، زمین نیمه چمن. هوا آفتابی، ارزش بازی ✱✱✱

ارارات: هنریک آذریان (۲) ـ آلبرت اسکندری (۲)، مارتیک میریگیان (۳)، مارکارنرسیان (۳)، نوریک باباخانی (۲) ـ ویگن کوانیان (۲)، ورژخاچیکیان (۳)، نوریک شهنـدری (۳) ـ هویک سیمونی (۴)، ورژنواسارتیان (۲) و ازدقیقه ۴۶ ژرژ اسرائیلیان (۱) و بعد ساکو هاروطونیان از دقیقه ۸۳ (ـ)، آبوامیریان (۳). مربی: زورا کورایکوف ارزش بازی گروهی ✱✱✱

پهلوی: فرامرز معصومیان (۲) ـ حمید شفاهی (۲)، علی فارسی (۳)، مهدی فردعلی نیا (۳)، اکبر پروین ضمیر (۲) ـ علی اکبر صادقی موحد (۲) واز دقیقه ۷۳ اشور یادگار (۱)، سرکیس اورشاهی (۳)، محمدحسین محمدابراهیم (۳) ـ بهرام گلشنی (۲) و ازدقیقه ۶۰ جعفر ایراندوست (۲)، مجیدساعدی فر (۳)، مجید وحدت خواه (۲) وازدقیقه ۷۸ شهرام سپهری زنگنه (ـ). مربی: حسین راغفر. ارزش بازی گروهی ✱✱

بیژن سنندج صفر ـ تابان بوشهر صفر

سنندج: جمعه ۱۵ اردیبهشت ماه ۳۷ـ ورزشگاه امین (سومین دوره فوتبال دسته دوم باشگاههای ایران ـ روز اول منطقه دوم). بیژن سنندج صفر. تابان بوشهر صفر. داوری خوب جمشید نیک مهر. کمک داوران: کریم ایرانی و جلیل نیک مهر. تماشاگر ۵ هزار تن. هوا خوب زمین چمن. ✱✱

تابان بوشهر: داران پور (۳) ـ هلال هلال بحر (۲) جلکی ثابت (۲) چابی پور (۳) ـ شمس (۲) احمدی (۲) تنورانی (۲) کارلیک (۳) ـ امیریان (۲) عرب زاده (۲) وحیدفر (۲) (از دقیقه ۴۶ یحیی پنهان «۲»). مربی: باوی ارزش کار گروهی ✱✱

بیژن سنندج: ترقی (۲) ـ رازی (۲) یثربی (۳) داراب پور (۳) فرزاد شریف پور (۲) ـ مقدمی (۳) خورشیدی (۳) رازی (۲) ـ فرهاد جلالی پور (۲) (از دقیقه ۴۶ سعید صلاحیان پور «۲») رضا یغموری (۲) عارف برخوردار (۳). مربی: بیژن ذوالفقارنسب ارزش کار گروهی ✱✱✱

سیمان فارس ۱ مجتمع گوشت لرستان ۱

شیراز: جمعه ۱۵ اردیبهشت ماه ۳۷ ورزشگاه تاجگذاری (سومین دوره فوتبال دسته دوم باشگاههای ایران ـ روز اول منطقه دوم) سیمان فارس ۱ (دقیقه ۲۴ فضل‌الله سخندانی) مجتمع گوشت لرستان ۱ (دقیقه ۵۹ مرتضی دارایی زاده). داوری متوسط علی رضاامامی.

کمک داوران: علی یوسفی و قیصر. تماشاگر ۲ هزار تن. درآمد ۳ هزارتومان. هوا و زمین خوب ارزش بازی ✱✱

سیمان فارس: سیدکمال موسوی (۲) ـ عزت الله سخندان (۳) غلامرضا فرهنگ (۳) غلامرضا خاوری (۲) منصور پستاوند (۳) ـ جمشید قدیری (۲) (ازدقیقه ۵۳ علی رضا قدرت ملایری (۲)) و سعید کهزادپور (۳) خلیل آتش افروز (۳) ـ هاشم بهنامیان فرد (۲) حسن شیرازی نژاد (۲) (ازدقیقه ۸۰ عباس شهرجو) فضل‌الله سخندانی (۳) مربی: حسام طاعت. ارزش کارگروهی ✱✱✱

مجتمع گوشت لرستان: جهانبخش اوزبهانی (۲) ـ محمدحسین رستمی (۳) مهدی کرد (۲) چنگیز اسماعیلی (۴) نبی‌الله دالوند (۲) ـ عبدالوهاب صالح (۲) (ازدقیقه ۷۷ هدایت الله الیاسی (۱)) جعفر سپهوند (۳) کریم کلکیان (۲) ـ علی یاجولونه (۲) یوسف دفتری (۲) علی اصغر جعفری (۲) (ازدقیقه ۵۳ مرتضی دارایی زاده (۲)) مربی: کاوه. ارزش کار گروهی ✱✱

مخابرات مازندران ۱ ۲۵ شهریور مشهد صفر

بابل: جمعه پانزدهم اردیبهشت ۲۵۳۷ شاهنشاهی ـ استادیوم ورزشی بابل (سومین دوره فوتبال دسته دوم باشگاههای ایران ـ روز اول منطقه دوم) مخابرات مازندران ۱ (گل دقیقه ۳۴ توسط سهراب فضل الله پور) ۲۵ شهریور مشهد صفر، داوری خوب هادی دزفولی، کمک داوران متیسم و سلیمانی، تماشاگر بیش از دوهزارنفر، ارزش بازی ✱✱✱

مخابرات مازندران: محسن ملاآقاپور ـ اکبر خدامی، سهراب فضل‌الله پور، محمد تقی رمضان نژاد از دقیقه ۵۱ احسان کیان، حسن نصیری ـ مهدی آقاپور، مرادعلی یزدان نژاد، خیرالله علی زاده ـ عبدالحمید حمیدی، محمدعلیزاده، ابوالقاسم امیدی جویباری از دقیقه ۶۵ علی اصغر علیپور

۲۵ شهریور مشهد: محمد فوشیار ـ عباس حامد پروانه، منصور صفاری از دقیقه ۵۱ مرتضی خرسومنش، محمد پرکیان، حسین غیورنیا ـ علی اکبر متجدد، ناصر شریفی، رضا سهما ـ محمداعظم، محمد شهریاری، شهریار رضائی

راه آهن تهران صفر کمپیدرو تبریز صفر

تهران ـ جمعه ۱۵ اردیبهشت ماه ۲۵۳۷ شاهنشاهی، ورزشگاه راه آهن (سومین دوره مسابقه های دسته دوم باشگاههای ایران ـ روز اول منطقه یکم) راه آهن تهران صفر ـ کمپیدرو تبریز صفر، داوری محمدریاحی، تماشاگر بیش از دوهوار نفر، ارزش بازی ✱✱

راه آهن: مرتضی شاهپرست ـ سعید پهلوان افشاری، حمید الماسی، حسین نوروزی، کریم غیاثی (کاپیتان) ـ بهروز تابانی، مرتضی نامور از دقیقه ۷۸ حسن کلاته، محمدنادری از دقیقه ۶۵ حسن مرادی ـ منوچهر طاهرخانی، غلامرضا فتح آبادی، ناصر محمدخانی مربی: امیر ابوطالب

کمپیدرو تبریز: رضا اذری از دقیقه ۲۳ یعقوب احمدلو ـ خلیل سلیمی کاپیتان، مجید واجاری، سعید فکور، مهدی محمد دوخت ـ قادر شراب هور، سعید آخوندی، مسعود طالبی ـ بیوک اصغری، محمود گلشنی، غلام کریم پور.

خانه جوانان ساری ۱ توانیر کرمان صفر

ساری: جمعه ۱۵ اردیبهشت ماه ۳۷ـ ورزشگاه پهلوی (سومین دوره فوتبال دسته دوم باشگاههای ایران ـ روز اول «منطقه یکم»). خانه جوانان ساری ۱ (دقیقه ۸۹ محمود سمیع) توانیر کرمان صفر. داوری خوب ایرج نجاران. کمک داوران: محمد پژند و علی اربابی. تماشاگر ۴ هزار تن. درآمد ۱۱۳۰۰ تومان هوا خوب. زمین نیمه چمن. ارزش بازی ✱✱✱

خانه جوانان ساری: جمپور صفرزاده (۲) ـ محمدرضا فولادی (۴) صفر هوشمند (۲) اکبر اقلندی (۲) (ازدقیقه ۸۱ کسری مختاری) ـ پرویز بشیری (۲) غلامرضا پور اعلمی (۲) علی رضا هاشمی (۲) موسی حسینی (۳) ـ محمد حسن روحی (۳) محمود یحیایی (۲) (ازدقیقه ۴۶ ابوالقاسم علی زاده «۳») محمود سمیع (۴) مربی: محمود سورتیجی ارزش کار گروهی ✱✱✱

توانیر کرمان: اکبر نام بخش (۴) ـ ابراهیم محمدی (۲) محمد ایران منش (۲) مهدی عمرانی (۲) (ازدقیقه ۵۶ حسن شانس «۲») حمید امیری (۴) ـ مهدی خان دانی (۳) مهدی محمدی (۲) مجید ظهور علی نیا (۲) غلامرضا میرزایی (۲) ـ رضا ستاری (۲) (از دقیقه ۷۵ خواجه زاده «۱») محمد زیدابادی (۲) مربی: سیدمحمود مستقیمی. ارزش کار گروهی ✱✱

هخامنش مسجد سلیمان ۱ الکترونیک شیراز صفر

مسجد سلیمان: جمعه ۱۵ اردیبهشت ماه ۳۷ استادیوم ورزشی هخامنش (سومین دوره فوتبال دسته دوم باشگاههای ایران ـ روز اول منطقه دوم) هخامنش مسجدسلیمان ۱ (دقیقه ۱۰ فرهاد لاله‌زار) الکترونیک شیراز صفر. داوری خوب شاه مراد شکرخدایی. کمک داوران. رضاگنجاپور و حمید سالمی. تماشاگر ۴ هزارتن درآمد ۱۷۸۸۵ تومان. ارزش بازی ✱✱✱

هخامنش مسجد سلیمان: خدامراد بابایی ـ شاپور منصوری، حسن سلیمانی، پرویز بوذری، هوشنگ یاوری ـ قربانعلی آزادگان، فرهاد لاله‌زار، علی اصغرکمالی، سعید فتاح پور ـ محمدعلی احمدپور، مظفربالی زاده. مربی: عباس گیشویی.

ارزش کارگروهی ✱✱✱

الکترونیک شیراز: علی حسینی ـ حسین حسین زاده محمدرضاامیری، غلامرضا اجدادیان ـ جواد صمصام،ناصر شاملی، رسول گلابی، وهاب نیسیان پور ـ رضا رفیع پور، فتح الله علی آبادی، اسماعیل کشتیرانی. مربی: بیوک وطنخواه. ارزش کارگروهی ✱✱

قند دزفول ۲ ـ شیشه همدان ۱

همدان: جمعه ۱۵ اردیبهشت ماه ۳۷ـ ورزشگاه پهلوی (سومین دوره فوتبال دسته دوم باشگاههای ایران ـ روزاول منطقه دوم) قند دزفول ۲ (دقایق ۱۰ و ۶۹ حسن سرابی) شیشه همدان ۱ (دقیقه ۸۰ محمد بی گندم). داوری خوب مصطفی بهرامی. کمک داوران حسین پور اهوازی و علی محمدقشتاقی. تماشاگر ۵ هزارتن ارزش بازی ✱✱✱

قند دزفول: رضا پوررکنی ـ عبدی رخ سرا، حسن دهقان، حسن مستور ـ محمدرضا پوروش، محمدحسین روغنی، کاظم ریمان پور ـ غلامحسین پندپور، ایرج چراغی، حسن سرابی، عبدی نقشینه. مربی: غلامعلی کبایی. ارزش کارگروهی ✱✱✱

شیشه همدان: امیر رهبرنژاد ـ علی آقامحمدی، علی رمضانی، قدیر گودرزی ـ ناصر سیفی، محمد دارودند، عباس شمس، ناصر حمزه لو ـ عباس خلیل شانه‌ای، هاشم شمس، محمد بی گندم. مربی: صفرشاه زیدی. ارزش کارگروهی ✱✱✱

اکباتان تهران ۱ ـ سپیدرود صفر

ورزشگاه اکباتان ـ جمعه ۱۵ اردیبهشت ۲۵۳۷ (دسته دوم جام تخت جمشید ـ زیرگروه یک)، اکباتان تهران ۱ (دقیقه ۷۱ هادی آهنگران) ـ سپیدرود رشت صفر، داور: رضاحیدری ـ کمک داوران: منوچهر ایلدرم و داود کریمپور، هواگرم، زمین چمن خوب، تماشاگر حدود ۵ هزارتن، ارزش بازی ✱✱✱

اکباتان: اسماعیل اردلان (۲) ـ ساسان اصغرپور (۲)، مسعود معینی (۳)، میربهرام میرشیبانی (۳)، فرهاد بهرامی (۳) ـ حاصل مولانا (۲) و از دقیقه ۸۵ حمید ناجی (ـ)، امین عباس زاده (۳)، محمدرضا خلعتبری (۳) ـ هادی آهنگران (۳)، جهانگیر فتاحی (۲) و ازدقیقه ۶۰ فیروزسلطانزاده (۲)، علی مودت (۳) وازدقیقه ۷۰ مسعود ضرابی (۲). مربی: ابراهیم آشتیانی. ارزش بازی گروهی ✱✱✱

سپیدرود: کاوه کاویانپور (۳) ـ محمد احمدپور (۲)، سیروس جوشن شیری (۳)، جمشید پذیرا (۳)، رسول حقدوست (۲) و از دقیقه ۷۸ ایرج حلیمپور (ـ) ـ حسین کامیاب (۲)، جاوید جهانگیری (۳)، علیرضا اسماعیلی (۲) ـ مهرداد بیگلری (۲) وازدقیقه ۷۹ محمدرحیمی (۲)، محمدحسن بهلول (۲) و از دقیقه ۶۰ عبدالحسین عترتی (۱)، داریوش غوره دان (۳). مربی: فریدون عسکرزاده. ارزش بازی ✱✱✱

سپاهان اصفهان صفر تهران جوان تهران صفر

اصفهان: جمعه ۱۵ اردیبهشت ماه ۳۷ ورزشگاه باغ همایون (سومین دوره فوتبال دسته دوم باشگاههای ایران ـ روز اول منطقه یکم). سپاهان اصفهان صفر. تهران جوان تهران صفر. داوری ضعیف بهمن بهلولی کمک داوران: اصغر صدرالاشراف و منصور ابراهیم زاده تماشاگر ۶ هزارتن درآمد ۳۱ هزارتومان. هوا گرم زمین نیمه چمن. ارزش بازی ✱✱✱

سپاهان اصفهان: ناصر علیان (۳) ـ ضیاء برق قریشی (۲) (ازدقیقه ۴۶ بهروز مردانی (۳)) مسعود تابش (۳) حسین ملاافضل (۳) حسین جهانشاهی (۳) ـ رضا دهقان (۴) حمید ولیوند (۲) (ازدقیقه ۷۰ حسن قاضی (۳)) ـ سیاوش حیدری (۲) (ازدقیقه ۵۶ رضاصفاپور (۱)) رضا رحیمی (۳) امیرحسین شاه زیدی (۳) مربی: محمد برزمهری. ارزش کارگروهی ✱✱✱

تهران جوان تهران: وحید قلیچ (۴) ـ حسین شیرزاد (۳) (ازدقیقه ۷۸ محمود علی پور (۱)) مهدی محمدی (۴) بهزاد مرجانی (۴) منصور افشار پور (۳) ـ حسین نایب مکرم (۳) فرهاد جلالی (۳) محمدعلی پارچ (۳) ـ محسن نقیب زاده (۳) ابراهیم اسپندی (۳) محمد نوراقشان (۲) (ازدقیقه ۸۵ کریمی) مربی: جمشید وطن دوست. ارزش کار گروهی ✱✱✱

✱ آقای رمضان سلطان تبار ـ از این آدمهائی که درورزش ما هستی و وجودشان تنها درسایه هیزم کشی و آتش افروزی میشود احساس کرد کم نیستند و متاسفانه، آدمهای تازه رسیده ورزش ماهم که امیدداریم این چهره ها را از ورزش دور کنند، خیلی زود تحت تاثیر لالائیهای فریبندهٔ این گروه بخواب میروند.

آن جوانمردی که آمده بود کشتی بابل را درست کند و برایش پرونده سازی کردند باید با مقاومت و پشتیبانی آدمهائی مثل شما استوار میماند واز مردان بزرگ بابل چون حبیبی و موحد کمک میگرفت و شما خانواده ها و دستگاههای ملی و دولتی را به پشیبانی از او هدایت میکردید.

والاتسلیم شدن همیشه همین را درپی خواهد داشت استواری و پایداری تنها عاملی است که بیکاره ها و دلقکها را وادار به عقب نشینی میکند، بهرحال این فقط دربابل نیست درهمه جا «بادو» ها دشواری بوجود میاورند، چون اگرآدمهای باشخصیت و توانا مورد توجه قرار گیرند، جائی برای زندگی بیکار و مفت خوری آنها پیدا نمیشود.

✱ آقای حسین نیکورزم ـ متاسفانه شماره های درخواستی شما را نداریم، برنامه‌ای تدارک خواهیم دید که درآینده با کمک خود خوانندگان شماره های مورد نیاز را تهیه کنیم.

✱ آقای قربانعلی نیکی یزدجی ـ داوری درفوتبال را از نوشته های «استان لاور» رئیس کمیته داوران فوتبال انگلیس تهیه میکنیم که درگذشته هم این کار را انجام داده‌ایم، گذشته از این داودنصیری و جعفر نامدار هم قبل از چاپ نوشته ها مورد مشورت قرار میگیرند و هرگاه اشتباهی داشته باشیم توضیح میدهند. به این ترتیب جای تردید کمتر باقی میماند ولی درمورد مسئله شماره ۳ درشماره ۳۸۹ مجله حق با شمااست و باید افساید باشد.

✱ دوشیزه افتخار نبی‌زاده ـ وقتی ابتکار نباشد، وقتی ما آدمها عادت نکرده باشیم از قدرت دماغی درکارها مدد بگیریم دنباله رویها چنان میشود که اصالت هر کاری را به بازی میگیرد. ماحتی درانتخاب نام هم بخودمان و به مغزمان زحمت نمیدهیم توی خیابانها دقت کنید یک مغازه‌ای نام «فرد» را انتخاب کرده است دو قدم بالاتر «فرد» نو را می بینید، ۸ قدم بالاتر «فرد» سال ۱۹۷۰ را و ۲۰ قدم پائین تر «فرد» تهران را... اینها نشانه آن است که زحمت اندیشیدن را حتی دراین مراحل ابتدائی نداریم، حالا هم مسئله عوارض برای ورزش سبب شده انجمنهای شهر چنان مسابقه‌ای دراین کار بگذارند که سرانجام یک ابتکار خوب را تکه. تکه کنند، عقیده داریم سازمان ورزش باید قدم جلو بگذارد و تحت شرایط خاصی با تدارک یک کمیته تحقیق دراین باره با ضوابط مخصوصی این برنامه را کنترول کند که هم سروسامانی داشته باشد و هم برای هر منطقه با شرایط خاص خود قابل اجرا باشد و حساب و کتابها هم مشخص

✱ آقای اصغر صیاد ـ هفته گذشته ۲ صفحه از یکی از قهرمانان پرورش اندام قصه زندگی داشتیم، در آینده هم در این باره کوتاهی نخواهیم کرد ولی تفاوت این است که مثلا فوتبال ـ والیبال و کشتی و بسکتبال مسابقه های رقابتی دارد و در جریان مسابقه تلاشها را هیتوان نقاشی کرد ولی در پرورش اندام این رقابت لحظه‌ای کمتر بچشم میخورد و این سبب میشود خبرها فقط یک گزارش باشد بدون تفسیر و بدون اظهار نظر.



✱ دوشیز موسوی ـ تا آنجا که بخاطر دارم واترپلو ایران درهیچ دیداری حاضر نبوده که ۵۰ تیم درآن حضور داشته باشد و ایران مقام پنجاهمین را بدست آورد ولی رویهم درسطح اروپا شانس ما ناچیز است و معلوم نیست دراسیا چه جائی را داشته باشیم این را بازیهای تایلند نشان میدهد.

اما درباره تماس با قهرمانان دربرنامه ارتباط غیر مستقیم گروه رپورتاژ دنیای ورزش تمام این تدارکات را دیده و به ترتیب انجام خواهد داد.

✱ آقای جواد پارسا ـ انتخاب شیوه‌ای تازه برای امتیاز دادن به تیمهای جام تخت جمشید درجریان مسابقه روی تیمهای پیروز با گلهای بیشتر ـ مساوی بارد و بدل شدن گل و مساوی بدون رد و بدل شدن گل چیز تازه‌ای نیست، خیلی از کشور ها نیز بارها آزمایش کرده‌اند ولی عملا طرح موفقیت آمیزی نبوده است ولی اگر هم مورد توجه باشد بایددر کنگره جام تخت جمشید بررسی شود، در سطوح پائین تر از جام قهرمانی به آزمایش در آید و در پایان اگر راضی کننده بود مورد تائید قرار گیرد ولی تصورش خیلی سازنده تر از اجرای آن میباشد.

✱ دوشیزه فتانه جباری ـ میتوانید درکلاس مکاتبه‌ای دانشگاه تربیت بدنی شرکت کنید، معلمین ورزش این شانس را دارند که با طرح تازه دراین راه موفق شوند، با رئیس تربیت بدنی محل کار خود تماس بگیرید دربخشنامه‌ای که به تمام واحدهای فرهنگی ارسال شده درباره تمام سئوالهای شما توضیح کافی وجود دارد.

✱ آقای حسن آزمون ـ در کار ارسال مجله های گذشته ما دشواریهای فراوان داریم. بارها یادآور شده‌ایم اگر در انبار موسسه موجود باشد میتوانیم برای شما بفرستیم و اگر نباشد چاره‌ای جز معذرت نداریم، باز هم مجددا یادآور میشویم، اول نامه بنویسید اگر مجله ارسال کردیم بعد تمبر باطل نشده بفرستید متشکریم.

✱ آقای هرمز خسروی. درباره صفحه شطرنج هر سئوال و هر پیشنهادی دارید برای ما پست کنید، مسئول صفحه شطرنج هر روز در دفتر مجله نیست که تلفنی تماس بگیرند.

✱ دوشیزه مهین سروری ـ درمطلب خط سوم اگر دقت کرده باشید ماکوشیده‌ایم یک واقعیت را نشان دهیم و آنچه شما نوشته‌اید تائید همان مسئله است. دشواری بزرگ درورزش این است که اندازه ها را بدرستی نمی شناسیم، درکار جام جهانی اعتقاد ما اینست که مهاجرانی و مردانش وقتی گذرنامه ورود به جام جهانی را بدست آوردند پیروزی فوتبال ما به اوج رسید.

حالا تنها باید به خوب ظاهر شدن قانع باشیم و دراین راه چنان مسئله را بزرگ نکنیم که فردا زیر فشار آن درهم شکنیم، مادر جام جهانی فقط یک شرکت کننده‌ایم و نمی توانیم بیشتر از اندازه های حقیقی خود باشیم و دراین راه تاکید کردیم که جام تخت جمشید را نباید تعطیل کرد و همه چشمها را نباید بدنبال تیم ملی به آرژانتین کشید،همین!

✱ آقای غلامحسین جامه شورانی ـ دراین باره چندین بار صحبت کردیم، این خود مردم کرمانشاه هستند که باید به عواطف بومی خود احترام بگذارند و دیگران را وادار کنند آن را بزرگ بدارند.

✱ آقای مهران نریمانی ـ خبرنگار ما دراصفهان هدایت بهبهانی درشمار آدمهای پرکار ورزش است، اگر آنچه بفکرتان میرسد با او درمیان بگذارید و کمکش کنید ممنون خواهد شد ولی توجه داشته باشید خواستن و انجام دادن دوتا است درخیلی از موارد پشت درهای بسته نمی شود خواستها را انجام داد، با اینهمه میکوشیم نامه شما را بیاد داشته باشیم و با انجام مجدد بازیهای تخت جمشید درحد توانائی انجام دهیم.

✱ آقای حسین برکات صفحه هدیه قهرمانان برای شما و «تو ـ تو» دنیای ورزش را هم خواهیم داشت دراین زمان بعلت تعطیل فوتبال قادر به انجام این کار نیستیم.

✱ خانم یا آقای امضاء محفوظ ـ دراین گفتگوها مامسئله‌ای نداریم که امضاء محفوظ باشد، چون دراین صورت پاسخ هم محفوظ خواهد بود، حداقل اینکه باید بدانیم چه پاسخی به چه کسی باید داده شود، چقدر خسیس هستید!

✱ آقای جهانگیر جعفری ـ این عین نوشته شما است: هنگامی باید به آینده ورزش امیدوار بود وافق ورزش را روشن تر و زیباتر دید که همه مفهوم واقعی ورزش را در یابند، آگاهانه و دلباخته آن باشند.

تفاوت در اندیشه ها است، اگر روزی چنین باشد که همگان عاشق و دلباخته ورزش باشند و در راه آن سرو جان بگذارند که دیگر نیاز به انجام کاری نیست و آن روز هرگز نخواهد آمد، مگر اینکه همین امروز به آینده ورزش امیدوار باشیم و برای رسیدن به آن راههای سازنده را جستجو کنیم.

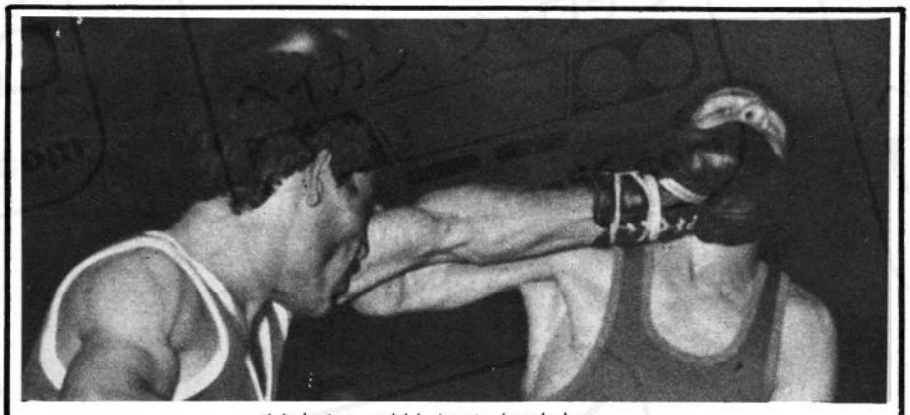
اینکه تدارک لازم است تردید نیست ولی راههای بوجود آوردن این تدارکات متفاوت است و اینجا است که جستجوی راههای سازنده میتواند سازنده باشد.

✱ آقای عادل منشی ـ طرح ابتکاری شما جالب است ولی خوب توضیح نداده‌اید اگر ممکن است دوباره بنویسید یا با نمایندگی اطلاعات درکرمانشاه تماس بگیرید، تا با آگاهی کامل از این طرح مجری آن باشیم، ممنونیم.

اون دور، مورا چه خبر؟

تنظیم از: اکبر شیرازی

همکاران این هفته: منصور سپهری «شیراز»، حبیب چرندابی «تبریز» علی یوسفی «هفتگل»، مصطفی حسینی «کردکوی»، حسن اکبری «شاهی»، فرامرز گل مرادی «کرمانشاه»، قربان بردی شیرمحمدلی «کنبد کاوس»، حمید باغخانی «کرمان»، هدایت الله بهبهانی «اصفهان»



صحنه‌ای از دیدار مشتزنهای ارارات و منتخب اصفهان

«چنته» مشتزنی اصفهان خالی است!

تیم منتخب مشتزنی اصفهان در دیدار دوستانه‌ای که با آرارات این شهر برگزار کرد، در مقابل ۳ پیروزی و ۶ باخت، مغلوب مشتزنان ارامنه شد.

این دیدار دوستانه با حضور گروهی از علاقمندان بورزش مشتزنی در محل باشگاه آرارات اصفهان انجام شد و شکست تیم منتخب این شهر از تیم بوکس ارامنه باردیگر نشان داد «چنته» اصفهان ازمشتزنی خالی است.

گرچه بوکسورهای اراراتیِ با در اختیار داشتن امکانات کافی، یک تیم آماده و سرحال را تشکیل میدهند، اما مشتزنان اصفهانی هیچگونه وسایل و امکاناتی در اختیار ندارند و موقعیتی برای تمرینشان موجود نیست این نارسایی ها باعث شده، بوکس اصفهان روز بروز ضعیفتر بشود تا جایی که قدرت زورآزمایی خود را حتی مقابل شهرهای کوچک اصفهان هم از دست بدهد.

وزنه برداری ژاندارمریهای کشور

مسابقه های قهرمانی وزنه برداری ژاندارمری های کشور با رقابت ۹ تیم از نواحی و مراکز آموزش کشور در تالار سر پوشیده وزنه برداری مرکز آموزشی پادگان نوده انجام شد و این نتایج بدست آمد.

مگس وزن: صادق ضیایی از جلدیان بارکورد ۱۵۵ کیلو

خروس وزن: ۱ـ سهراب هاشمی از نوده با ۱۳۵ کیلو ۲ـ عبدالعلی لطفی از کردستان با ۱۳۰ کیلو ۳ـ اکبر شریتی از نوده با ۱۰۰ کیلو.

پروزن: ۱ـ احمد رستمیان از نوده با ۱۵۵ کیلو ۲ـ قربان علی حسن وند از زابل با ۱۴۵ کیلو ۳ـ حجت الله بخشعلی از کردستان با ۱۱۵ کیلو.

سبک وزن: ۱ـ یعقوب رحمانی از کردستان با ۲۰۵ کیلو ۲ـ رحیم ابراهیم پور از کردستان با ۱۷۰ کیلو ۳ـ روح الله ترابی از زاهدان با ۱۵۵ کیلو.

میان وزن: ۱ـ رحمان قاهری از مرزن آباد با با ۲۱۰ کیلو۲ـ سعدالله مستعد از نوده با ۲۰۷/۵ کیلو ۳ـ رضاپور احمد از آذربایجان با ۱۹۵ کیلو.

سنگین وزن: ۱ـ محمدرضا چرچی زاده از نوده با ۱۹۲/۵ کیلو ۲ـ فیروز حیدری از کردستان با ۱۸۵ کیلو ۳ـ رضا رحیمی از زابل با ۱۸۰ کیلو.

میان سنگین: ۱ـ رحمت الله امین خوازنوده با ۲۳۰ کیلو ۲ـ عظیم شهبازی از کردستان با ۱۷۷/۵ کیلو ۳ـ جعفر ظهوری از کردستان با ۱۷۷/۵ کیلو.

فوق سنگین: قربان محمد بهمنی کمی از نوده با ۱۷۲/۵ کیلو

سنگین وزن: ۱ـ بهروز بیگی از نوده با ۱۹۲/۵ کیلو ۲ـ عباس کریمی از کردستان با ۱۸۲/۵ کیلو ۳ـ حمید رضا پیرزاده از نوده با ۱۲۰ کیلو.

در جمع امتیازها تیم وزنه برداری مرکز آموزشی پادگان نوده با کسب ۱۰۹ امتیاز در صدر قرار گرفت. کردستان ۷۱ امتیاز آورد و دوم شد و زابل با ۳۱ امتیاز در جام سوم ایستاد. در پایان مسابقه ها، سرهنگ منصور پورشهاب فرمانده مرکز آموزشی نوده جام قهرمانی و مدال ها را به ورزشکاران داد.

پادگان «نوده» فاتح کشتی ژاندارمری های کشور

«نوده» ۹ مدال طلا و ۴ برنز گرفت

تیم کشتی پادگان آموزشی نوده دربیست و یکمین دوره مسابقه های کشتی ازاد قهرمانی ژاندارمری‌های کشور که درگنبدکاوس برگزار شد بقهرمانی رسید.

این مسابقه ها با حضور اکبری فرماندار گنبدکاوس، سرهنگ پور شهاب فرمانده پادگان آموزشی نوده، ابراهیمی حسن نژاد دبیر شورای ورزش گنبدکاوس و گروه زیادی تماشاگر درتالار ورزشی الاشت انجام گردید و این نتایج بدست آمد:

۴۸ کیلو: ۱ـ سادات زاده ازنوده ۲ـ ولی‌الله شربتی از ابادان ۳ـ شریاف از زاهدان.

۵۲ کیلو: ۱ـ دباغی از نوده ۲ـ مرتضی فغانی از آبادان ۳ـ محمد حسین میرشکار از زاهدان.

۵۷ کیلو: ۱ـ یعقوب زاده از نوده ۲ـ صادق علی داری از آبادان ۳ـ حسین صحت نیاکی اززاهدان.

۶۲ کیلو: ۱ـ حسینی از پادگان نوده ۲ـ رفیعی از کرمان ۳ـ اسدالله غلامی از زابل.

۶۸ کیلو: ۱ـ حسین خان از نوده ۲ـ یحیی مقدم از کرمان ۳ـ روح الله ترابی از زاهدان.

۷۴ کیلو: ۱ـ حسین وحدانی از کردستان ۲ ابوالفضل حبیبی از مازندران ۳ـ رستم کلامی از نوده.

۸۲ کیلو: ۱ـ عبدالله سیما از نوده ۲ـ اسماعیل عسگری از مازندران ۳ـ عباس دهقان از نوده

۹۰ کیلو: ۱ـ حسین زاده از نوده ۲ـ حبیب الله جعفری از بوشهر ۳ـ جوادالله خداراز نوده.

۱۰۰ کیلو: ۱ـ محمد مشایخی از نوده ۲ـ مهدی شعبانی از بوشهر ۳ـ حسین شهرکی از نوده.

۱۰۰+ کیلو: ۱ـ کردرستمی از نوده ۲ـ حافظی از بوشهر.

تیم کشتی پادگان آموزشی نوده درمجموع با کسب ۹ مقام قهرمانی و ۴ عنوان سومی و ۴۰ امتیاز درصدر قرارگرفت و تیم های زابل و مازندران هرکدام با بدست اوردن ۲۲ و ۲۰ امتیاز پشت سربادگان نوده ایستادند.

دراین دوره کشتی‌گیران شهرهای ساری، زاهدان، خراسان، پادگان اموزشی نوده، زابل، جلدیان، اصفهان، کرمان، ناحیه یک مرکز، کردستان و خوزستان شرکت داشتند.

جهرم، قهرمان وزنه برداری جوانان فارس

مسابقه های انتخابی وزنه برداری جوانان فارس با حضور ۳۵ وزنه بردار از شهرهای داراب، جهرم، لار، فیروز آباد و مرودشت در تالار وزنه برداری حافظیه شیراز انجام شد.

این مسابقه ها زیر نظر هیات وزنه برداری و سرپرستی «همایون» انجام گرفت و در مجموع تیم جهرم با برتری کامل نسبت به دیگر تیم ها، صدرنشین استان شد. داوری این مسابقه ها بعهده معانی، سلیمانی و پاداش نیک بود و نتایج آن از اینقرار است:

مگس وزن: محمد جواد حسینی بارکورد ۱۲۵ کیلو.

خروس وزن: سیدعلاء الدین سیدی بارکورد ۱۵۵ کیلو

پروزن: جعفر حاتمی بارکورد ۱۶۰ کیلو

سبک وزن: بهزاد پورسالمی بارکورد ۱۸۵ کیلو

میان وزن: سیداحمد رضا حسینی بارکورد ۲۰۵ کیلو

نیم سنگین: شجاع الدین سهیدی با رکورد ۱۴۰ کیلو

گزینش چهره های برتر وزنه برداران جوان کرمانی

برای گزینش بهترین وزنه برداران جوان استان کرمان، یکدوره مسابقه از سوی هیات وزنه برداری استان در تالار ورزشی رضاپهلوی کرمان برگزار شد که تیم هایی از سیرجان، بم، جیرفت، رفسنجان و کرمان در صحنه رقابت ها حضور داشتند و نتایج آن از اینقرار است.

مگس وزن: رضاافغانی از بم

خروس وزن: حمیداسفندیاری از سیرجان

سبک وزن: اسماعیل باقرجانی از سیرجان

میان وزن: محمودبابک از سیرجان

سنگین وزن: مهدی ابدایی از سیرجان

فوق سنگین: اصغر قاضی‌زاده از سیرجان

در مجموع تیم های سیرجان، بم و کرمان در رده های اول تا سوم قرار گرفتند.

فوتبال جام دوحذفی «پهلوی» مازندران

تیم فوتبال بانک تهران شاهی در رویارویی با منتخب گنبدکاوس که در چهار چوب مسابقه های جام دو حذفی پهلوی مازندران انجام داد، به پیروزی ۳ـ۰ رسید.

گل های تیم بانک تهران شاهی را رحیم دست نشان در دقیقه ۳۸ و ۵۳ و محمد بسگاه بادی دقیقه ۷۹ درون دروازه گنبد کاوس جای دادند.

داوری این مسابقه را که در زمین ورزشی شاهی برگزار شد، محمد جمال به کمک مجید خوزینی و امان الله کرور بعهده داشت.

تیم بانک تهران شاهی: خرخ حجازی فرد، محرم آقا محمدی، کاظم خوشبخت، اکبر امیدوار، کیومرث جمشیدی، محمدگلکار، قاسم اعطیمی، نادر دست نشان، محمد بسکابادی، رحیم دست نشان، مهرداد نصیری، محمدامیری، حسین رنجبر، عباس توسلی، مربی: سادات.

فوتبال جوانان هفتگل

مسابقه های فوتبال جوانان جام والاحضرت همایون ولایتعهد بارقابت تیم های تاج، پرسپولیس، شهباز، نفت سفید و گزین هفتگل برگزار شد که باپیروزی تاج همراه بود.

تاج برای کسب قهرمانی گروه خود، پرسپولیس را پیش رو داشت که بانتیجه ۲ـ۰ ازسداین تیم گذشت. داوری این مسابقه را که با حضور بیش از دو هزار تماشاگر انجام گرفت، اورگی، صادقی و عسگرپور و کرمی بشمر رساندند.

یاران پیروز تاج هفتگل: اسفند یارکلاه کج، مسعود احمدی، حمید کاوسی، جهانبین، علی اصغر شیخ، ابراهیم محمد موسی، عسگرپور، مگوندی، محمود احمدی، لرکی، حسینی، مهران طاهری، صادقپور، مربی: علی اکبر ده چشمه.

در اولین هفته مسابقه های بهاره اسبدوانی انجمن سلطنتی اسب گنبدکاوس

۱۸۴ چابک سوار ترکمن ترکتازی کردند!

میدان مدرن و زیبای اسبدوانی گنبدکاوس، پاردیگر شاهد رقابتی پرهیجان از تک تازی چابک سواران ترکمنی بود. این میدان ۳۰ هزارنفری که با بهترین و مجهزترین میدان های اسبدوانی جهان برابری میکند، ده هزار تماشاگر مشتاق و بی قرار به مسابقه های اسبدوانی را که از شهرهای دور و نزدیک آمده بودند، دردل خود جای داد.

۱۸۴ چابک سوار ترکمن، دراولین هفته مسابقه های بهاره که از سوی انجمن سلطنتی اسب گنبدکاوس برگزار شده بود، پیکاری جالب در ۱۲ کورس برپا ساختند. همچنین از طرف انجمن سلطنتی اسب جمعا ۱۸۹۸۰۰ تومان جایزه نقدی پرداخت شد که بین نفرات اول تا سوم هرکورس که از اینقرارند، تقسیم گردید.

کورس اول ۱۰۰۰ متر مخصوص اسبهای ۳ ساله: ۱ـ عبدالرحمن قجقی با اسب آق درویش ۲ـ کریم نظر نژاد با اسب عیسی نظر ۳ـ عطاهری تاجی زاده با اسب بالالر.

کورس دوم ۱۰۰۰ متر مخصوص اسبهای ۳ ساله: ۱ـ ارمک اسماعیلی با اسب شاه مقصود ۲ـ صفرمحمد سیدچاروابا اسب قانقرمد ۳ـ احمد گرگانی با اسب غضنفر

کورس سوم ۱۰۰۰ متر مخصوص اسبهای ۴ ساله به بالا: ۱ـ منحی قراج با اسب حلیم قراج ۲ـ پورجان خوجیلی با اسب برکت ۳ـ ارازدردی گوگرد با اسب آتش.

کورس چهارم ۱۰۰۰ متر مخصوص اسبهای ۴ ساله به بالا: ۱ـ امام وردی مهرانی با اسب چار و آتاپای ۲ـ بهمن جرجانی با اسب رازسنجر ۳ـ عبدالله محمدی با اسب رخش محمدی.

کورس پنجم ۱۰۰۰ متر مخصوص اسبهای ۴ سال به بالا: ۱ـ پوجان خوجلی با اسب شاه پسند ۲ـ اراز محمد کردی با اسب سیجوان ۳ـ نورجان میرابی با اسب میراب

کورس ششم ۱۰۰۰ متر مخصوص اسبهای ۴ سال به بالا: ۱ـ دکتر منصور گرگانی با اسب ترکمن عبدی ۲ـ ایشانقلی آق با اسب امیدرضا ۳ـ رحمان پردی اینچه برون با اسب رحمان سقر.

کورس هفتم ۱۶۰۰ متر مخصوص اسبهای ۴ سال به بالا: ۱ـ رحیم آخوند مصطفوی با اسب حمید ۲ـ گرگان میرابی با اسب سبزدشت ۳ـ شاه نظرخان با اسب طاووس.

کورس هشتم ۱۶۰۰ متر مخصوص اسبهای ۳ ساله: ۱ـ کورش جلالی با اسب تیزپا جلالی ۲ـ گل عبدالله بقه با اسب گل دوشن ۳ـ رحیم جرجانی با اسب آلبتگین.

کورس نهم ۱۶۰۰ متر مخصوص اسبهای ۳ ساله: ۱ـ قاقاکم با اسب حاج محمد ۲ـ صفردردی نظری با اسب خمید ۳ـ آق محمد صحنه با اسب بیک کوراوغلی.

کورس دهم: ۱۶۰۰ متر مخصوص اسبهای ۴ ساله به بالا: ۱ـ جواد میرمحمد با اسب دلشاد غفوری ۲ـ اراز گلدی گربااسب نظر ۳ـ مجید مختومی با اسب مجید آخوند

کورس یازدهم ۱۰۰۰ متر مخصوص اسبهای ۳ سال: ۱ـ بایرام محمد دلیجه با اسب قیصر احمد ۲ـ عبدالخیل جعفربای با اسب شهباد جعفربای ۳ـ غفور آق بااسب آوستمر.

کورس دوازدهم ۱۰۰۰ متر مخصوص اسبهای ۴ سال: ۱ـ حاجی کرباسب پیمان منصور ۲ـ محمد سود آور با اسب شاه نظرخان ۳ـ عبدالغفور قزلجایی با اسب پیشقدم یایلر.

بسکتبال جهرم، مغلوب دانشگاه پهلوی شد

در دیدار دوستانه ای که بین تیم های بسکتبال جهرم و دانشگاه پهلوی در تالار ورزشی این دانشگاه انجام شد، نتیجه آن پیروزی ۵۷ ـ ۶۰ بسود دانشگاهیان بود. دانشگاه پهلوی در دیدار ۱۲ با نتیجه ۶۷ ـ ۷۶ مغلوب جهرم شده بود و بهمین جهت دیدار دوم دو تیم از هیجان زیادی برخوردار بود.

مصاف دو تیم جهرم و دانشگاه پهلوی، تماشاگران زیادی را به سالن ورزشی کشاند. جهرمی ها در همان ۶ دقیقه آغاز روی درخشش کامران پور ودخش ۱۶ـ۲ از دانشگاه جلو افتادند و تماشاگران را به تحسین واداشتند. با آنکه اصدقائی پارسا سابق جهرم برای شیرازی ها بازی می کرد و امتیازهای خوبی هم گرفت، در نتیجه نخست پیروزی با نتیجه ۳۷ ـ ۳۳ از آن جهرمی ها بود. دانشگاه در دقیقه ۱۶ نیمه دوم موفق شد با تلاش فراوان در امتیاز ۵۲ با جهرم برابر کند و از این به بعد دور بدست شیرازی ها افتاد و توانستند بازی را با نتیجه ۵۷ـ۶۰ بسود خود پایان دهند.

یاران پیروز تیم دانشگاه پهلوی: جمشیدی، نوآبی، ارفعی، بهبهانی، شاه پسندزاده، کجوری، زارع، قلیلی، ابراهیم زاده، اصدقائی، پایدار و ناظری. مربی: رحمانیان.

تیم جهرم: کامران پور، سالاری، دخش، صحرائیان، تخشید، امیر عضدی، کامران، کریم یار، مجلس آرا. مربی: محمد ابراهیمی. صادق زاده و صفویان داوران مسابقه بودند.

«کارگران» درصدر والیبال تبریز



احدنوایی از کارگران درحال عبور دادن توپ از بلوکی دست مدافعان پاس

هیات والیبال آذربایجان شرقی به برپایی یکدوره مسابقه اقدام نمود که تیم های والیبال باشگاههای رستاخیز، کارگران، شهپر، ناحیه یک آموزش و پرورش و پاس تبریز در صحنه رقابت ها ظاهر شدند.

مسابقه ها بصورت دو حذفی بود و بمدت ۶ روز در سالن ورزشی رضاپهلوی ادامه داشت که سرانجام تیم کارگران با سود بردن از چد یار مستعفی تیم تراکتورسازی تبریز، بقهرمانی رسید. ناحیه یک و رستاخیز در رده های بعدی قرار گرفتند.

قضاوت این مسابقه ها را عباچی زاده و صالحی بعهده داشتند و سرپرستی آن با اکبر گهرخانی بود. بازیکنان پیروزتیم کارگران عبارتنداز: جمال رضوان، احمدنوایی، حسن شربت اوغلی، سعیداهری، مختاریان، عبدالله نژاد، شیرعلی زاده. مربی: جمال رضوان.

تیم ناحیه یک: امینی، بخشعلی پور، غیاثی، روده چی، افشار، ارجمندی و نعلبندی.

استاندار کرمانشاهان در گفتگو با بازیکنان تیم فوتبال بیستون:

گل زدن از شما... پول دادن از من...!



امیر حسین امیرپرویز
استاندار کرمانشاه

بازیکنان تیم فوتبال بیستون باتفاق اعضای هیات فوتبال کرمانشاه درملاقات با امیرحسین امیر پرویز استاندار کرمانشاهان، یک سبد گل به استاندار هدیه کردند و از تلاش ایشان برای حفظ فوتبال کرمانشاه دردسته دوم باشگاههای ایران قدردانی نمودند.

استاندار کرمانشاهان بعد از دریافت سبدگل خطاب به ورزشکاران، روسای هیات های ورزشی، فرماندار کرمانشاه و مربی تیم فوتبال که درکاخ استانداری حضور یافته بودند، گفت، با توجه به دستورات والاحضرت همایون ولایتعهد برای گسترش ورزش درهمه سطوح، شورای ورزش استان دراین راه گام های موثری برداشته و تاکنون با توفیق هم همراه بوده است.

استانداردرباره فوتبال گفت، ما به یک تیم خوب نیاز داشتیم تا بتواند علاوه بردرخشش درمسابقه های دسته دوم، بعنوان پرچمدار، فوتبال را دراستان توسعه دهد و تیم بیستون میتواند این رسالت را انجام دهد. وی سپس به لزوم تشویق ورزشکاران اشاره کرد که پشتوانه یک تیم موفق، تشویق و حمایت مردم است. توصیه میکنم این پشتوانه را از نظر ایجاد روحیه ورزشدوستی فراهم کنید. آنگاه از یکایک بازیکنان تیم فوتبال بیستون پیرامون وضع تحصیلی و کارآنها سئوال کرد و دستورهایی برای فراهم ساختن آسایش فکری آنان به فرماندار داد.

دراین موقع ناصرابراهیمی مربی تیم بیستون علت ترک ۵ ماهه تیم خود را خواست تشریح کند، استاندار اجازه نداد صحبت کند و گفت درباره گذشته مطلبی عنوان نکنید چون به آنچه گذشته اعتقادی ندارم فقط به تشریح برنامه های خود بپردازید.

ابراهیمی گفت، مسایلی که از گذشته گریبانگیر من شده و باعث گردیده که ۵ ماه از تیم خودفراری شوم و بازیکنان هم ۵ ماه خوردند و خوابیدند، اکنون فرصتی است که آنرا درمیان بگذارم. امیرپرویزباز اجازه سخن نداد و ابراهیمی به ناچار از گفتن ان صرفنظر کرد و به تشریح برنامه هایش پرداخت و افزود، درحال حاضر بچه هایش درفرم ایده آل قراردارند و این اطمینان را میدهم که تنها تیم بیستون سقوط نخواهد کرد، بلکه دررده های بالای جدول هم جای خواهد گرفت.

استاندار باردیگر به نیاز کرمانشاه بداشتن یک تیم خوب اشاره کرد و گفت باید از این تیم حمایت و پشتیبانی بشود. من به هیات فوتبال توصیه میکنم وسایل کار این تیم را هرچه زودتر فراهم آورد و ترتیبی هم بدهند که مورد توجه و استقبال بیشتر مردم قرارگیرد.

ناصر ابراهیمی گفت، پارسال بی پول بودیم و این یک مقدار فکر مارا برای تهیه پول مشغول می کرد و بیشترین وقتمان صرف دوندگی و رفت و آمد به شهرداری می شد. استاندار گفت، امسال پول فراوان است و هیچ نگرانی از این بابت نداشته باشید. بازیکنان هم باید روحیه ورزشکاری داشته باشند و خود را آلوده خرید و فروش نکنند. برای شهرشان توپ بزنند و افتخار کسب کنند، من اعتمادی به بازیکنان قراردادی ندارم تاآنجایی که میسرباشد سعی می کنم از بازیکنان بومی استفاده شود. آنها خوب بازی بکنند و گل بزنند، از لحاظ مالی تامین خواهند شد.

دراین موقع استاندار از بازیکنان خداحافظی کرد تا درجلسه‌ای شرکت کند و از فرماندار خواست تا دنباله گفتگو را ادامه دهد.

ابراهیمی باردیگر بوضع تیم پرداخت و گفت، من سال پیش ناراحتی و مشکلات بسیاری داشتم و دراخر هم ناگزیر به ترک تیم شدم اما امسال دوباره از صفرشروع کرده‌ام و یاران تازه نفسی هم دارم، سال گذشته برای فراهم نمودن وسایل و امکانات اعزام تیم به مسابقه ها، هربار چند روز مرا از تربیت بدنی به شهرداری و از شهرداری به تربیت بدنی پاس می دادند. البته شهرداری کمک کرد و ۳۸۰ هزار تومان به این تیم پرداخت ولی کافی نبود، اغلب بعلت بی پولی مجبور میشدیم به بچه ها درقهوه خانه ها صبحانه و ناهار بدهیم. مثلا یک وعده غذای ۲۱ تن از اعضای تیم را با ۷۰ تومان برگزار می کردیم. با وجود این بچه ها خوب جنگیدند و درمیدان ها تعصب نشان دادند و درحال حاضر همه بازیکنان ما بومی هستند و همه بچه ها قول داده‌اند درمسابقه ها با تعصب بجنگند و افتخاراتی برای شهرشان کسب نمایند.

مسعودی دبیر شورای ورزش کرمانشاهان گفت، آقای ابراهیمی اشاره کرد به سال گذشته و مشکلاتی که داشته، این موضوع را تائید میکنم و گناه آنرا نیز به گردن می گیرم چون سال پیش توجه کافی به تیم فوتبال کرمانشاه نکردیم.

تولون، دیدار در بهشت، وعده در جهنم



این تیم زیر ۲۱ ساله ها است که به تولون میرود، به میعادگاه نوستاره های جهان فوتبال. تا نماینده فوتبال آسیا و ایران باشد.
به چهره‌ی آنان بنگرید. آینده‌ی تیم‌ملی را در قیافه‌ی آنها جستجو کنید.
تا چه حد این برازندگی را نشان دهند، آینده نشان خواهد داد.
ایستاده از چپ براست: پرویز دهداری (سرپرست و مدیر تیم)، اصغرصدری، حمیدعلیدوستی، رضارجبی، نادرفریادشیران، مرتضی شاهپرست. عبدالرضابرزگری، حسین فداکار، غلامرضا باغ آبادی جلال طالبی (مربی) و صادق سیدعلیخانی (کمک مربی).
نشسته از چپ: شهریار قاسمپور، علی اهوازی، جعفرنوری، مجیدسبزی، عبدالعلی‌چنگیز، غلامرضا فتح آبادی، رضاتعلچگر، غلامحسین قاشمپور.

جهانی شدن فوتبال ایران و عبور از گذرگاه آسیا ـ اقیانوسیه و پانهادن به درگاه جام جهانی از آنتین، تاکنون این امتیازات را به فوتبال ما داده است که جوانان و نوجوانان ما نیز قدم به عرصه های بین‌المللی، بویژه جامهای اروپایی، بگذارند و درچنین میدانهای بزرگ و پراعتبار و درجمع رقیبان بلندپایه و نیومند، قدرت خود را محک بزنند و برتجربه های خویش بسی بیفزایند.

بدون شک برای آسیا و برای ایران افتخار بزرگی است که اروپا فوتبالش را تایدان حد قبول کند و به جامهایی بخواندش که سمبل های فوتبال ۵ قاره جهان را درکنارهم پذیرفته تا به جشن و جشنواره هایش رونق بیشتری بدهد.

و دراین میان، وقتی یک جای خالی هم نصیب فوتبال ایران میشود و به عنوان سرآمد دوقاره آسیا ـ اقیانوسیه به جامهای کان و تولون دعوت میشود، باید به این جهانی شدن و کسب اعتبار تازه بیالد.

گرچه دعوت از جوانان ایران به جشنواره تولون و قرارگرفتن فوتبال ایران درکنار اوروگوئه، لهستان، مکزیک، هلند، ایرلند و مجارستان بسی شوق‌انگیز است، اما مسئولیتی که ازاین پس و دراین میدانها بر دوش ما نهاده میشود صدچندان بزرگتر از گذشته و سنگین‌تر از زمانی است که تنها در آسیا بدنبال مقام و افتخار بودیم.

مسلما شکستهای پی درپی، ناکامی دراین میدانها وناتوانی برای ابراز وجود، بهمان اندازه که ما را از بهشت موعود و خیالی دور میکند به جهنم میکشاند و بعبارتی دیگر راه نابودی را بهمان اندازه بر ما کوتاه میسازد که راه بهشت را دور.

و بهمین نیت است که می پنداریم حضور دراین میدانها را هرچه بیشتر باید جدی گرفت و تا وقتی که تیمی نیرومند، آماده و قابل عرضه درچنین میدانهایی را نداریم، به این دعوتها، اگرچه مفت و مجانی و با صرفه است، پانگذاریم، حتی اگر بمنظور شرکت، نه پیروزی به این جامها میرویم.

بی توجهی

همین چندی پیش، در روزهای آغاز سال نو بود که نوجوانان ما درکان، درمیان هشت تیم حاضر، بمقام هشتم رسیدند و حتی یک پیروزی، یا مساوی هم بدست نیاوردند و این ناکامی که لطمه‌ی زیادی به فوتبال جوانان ما زد، بدلیل برنامه های غلط و بی توجهی به اهمیت میدانی بود که نوجوانان ما بدانجا پا مینهادند.

و این بار جوانان زیر ۲۱ سال ما به تولون، به جشنواره یی بهمین نام میروند و درکنار حریفانی قرار میگیرند که بهترین فوتبالیستهای اینده اروپا را درحال شکوفایی، معرفی میکند.

گرچه برای تولون، تدارکی وسیعتر، جدی‌تر و منظم‌تر دیده شد و پرویز دهداری و جلال طالبی، دومرد بلندآوازه فوتبال ایران و دومربی موفق بدین کار گمارده شدند، اما از فحوای کلام این دومربیاید که در شرایط موجود، تدارکی دلخواه برای حضور در تولون ندیده‌اند و این برای آنها تاحدی تشویش و دلمشغولی بیار اورده است که مبادا آنها نیز خالی دست‌تر از نوجوانان، تولون را ترک کنند.

گفتگو با دهداری و طالبی، پیرامون اردوی تدارکاتی زیر ۲۱ ساله ها هم شنیدنی است و قابل تعمق، هم خوانندگان ما را به احوال تیمی که میخواهد در گروه خود با اوروگوئه (۲۳ اردیبهشت) و با مجارستان (۲۶ اردیبهشت) و با هلند (۲۸ اردیبهشت) روبرو شود آشناتر میسازد.

بخاطر داشته باشیم که اوروگوئه از سال ۱۹۳۰، قریب ۳۸ سال پیش فوتبال جهانی داشت و درهمین سال که میزبان جام جهانی اول بود، حتی بمقام قهرمانی رسید، که این عنوان را یکبار دیگر، ۲۰ سال بعدهم در ۱۹۵۰ تکرار کرد و بتحقیق چنین فوتبال ریشه‌داری نباید جوانان زیر ۲۱ ساله‌اش حریفی آسان و تسلیم پذیر برای ایران باشند، بخصوص که دراین کشور امریکای جنوبی، کشوری که آرژانتین و برزیل را در اطراف دارد، جوانان پابتوپ فراوان بدنیا می آیند و ازقدرت سحر و جادو با توپ بر روی چمنهای سبز و مخملین، بخوبی آگاهند.

مجارها نیازی بتعریف ندارند. حتی دراین زمان که اروپا میدانی برای مجال بدانها نمیدهد. هیچکس منکر زیبایی و طراوت فوتبال دراین سرزمین نیست.

مجارها با آن آهنگ دلپذیری که در فوتبالشان دارند، با آن ظرافتی که از حرکاتشان می باردو با آن نظم کلاسیک فوتبال خود، نه تنها در برابر جوانان ما میدان آرا خواهند بود، بیقین، ازاین قدرت برخوردارند که جشنواره تولون را تحت تاثیر هارمونی تماشایی فوتبال خود درآورند.

و سرانجام به هلند میرسیم که سومین حریف جوانان ما دراین جشنواره است. تیمی که نشانه هایی کوچکتر از قدرت بزرگ اروپا ومظهر فوتبال چهارساله‌ی اخیر جهان را درخواهد داشت و طبیعی است که ۲۱ ساله هایی در قدوقواره بزرگان خود را بتولون میفرستد تا با دستی پر به کشور خویش بازگردند.

میعادگاه نوستاره ها

جشنواره‌ی تولون از جهاتی متعدد برای ما اهمیت دارد: یکی آنکه فرانسویها میزبان این بازیها هستند و فرانسه کشوری است که هرچه در زمینه‌ی ورزش دران اتفاق بیفتد، جلوه جهانی دارد و دو ویژه نامه ورزشی، یکی روزنامه اکیپ و دیگری فرانس فوتبال ـ که برگزیده ترین، معتبرترین نشریه های ورزشی درجهان است ـ شکستها را بزرگتر و سنگین‌تر و پیروزیها را پرسروصداتر بچشم جهانیان میرسانند و ناگزیر هرچه دراین کشور اتفاق بیفتد، در لاک نمیماند و بدوخوبش را باید بجان خرید.

دوم آنکه تولون میعادگاه امیدها و نوستاره های فوتبال اروپا و جهان است که درست در زمان شکوفایی و عبور از مرزگمنامی به نام‌آوری و شهرت، دراوج قدرت و توانایی و درکمال اشتها، به این جشنواره دعوت میشوند و با تفاوتی نه چندان زیاد، در بهترین شرایط زمان خود، یک جام جهانی کوچک و زودرس را پیش روزنده میکنند.

و گاه تاورهایی که مربیان فوتبال جهان با افکار تازه خود با مهره های دست پرورده‌ی خود دراین جشنواره عرضه میکنند و سبا که در یکی دوسال بعد تحولی و تغییری در سیستم ها، روش ها و شیوه های بازی پدید اورند.

و سرانجام تولون، یکی از مراکز آزمایش و بکارگرفتن قوانین و مقرراتی است که بورد بین‌المللی (بزرگترین مرجع قانونی فوتبال در جهان) باتوجه به پیشنهادات و اشکالات موجود، میخواهد درصورت امکان آنها را بمرحله اجرا درآورد و به قوانین و مقررات فوتبال بیفزاید.

و برحسب همین نکته است که در تولون، مینی کرنر، ضربه آزاد بجای «پرتاب اوت» و اخراج موقت بازیکن بجای اخطار بطور آزمایشی اجرا میشود تا نتایج آن در بالابردن تعداد گل، هیجان بیشتر و جلوگیری از یاره یی مسائل مبتلابه فوتبال، بررسی گردد.

و تیم ملی زیر ۲۱ ساله های ایران برای نخستین بار به چنین جامی دعوت شده‌اند. به ششمین جشنواره بین المللی تولون که از روز شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه در ورزشگاه «بن ـ رنکونتر» تولون آغاز میشود و تیمهای ملی دوکشور ایران واوروگوئه آغازگر این بازیها، در روز افتتاح خواهند بود.

و نخستین روز، بهنگامی که ورزشگاه پرتر از روزهای دیگر و وسائل ارتباط جمعی کنجکاوتر از همیشه میخواهند جشنواره را با قلم خود موشکافی کنند، تردیدی نیست که ایران، جوانان زیر ۲۱ ساله‌ی ما، باید برقدر و منزلت فوتبال ما بیفزایند.

سابقه جشنواره

چنانکه برمیاید، این ششمین بار است که جشنواره تولون برپا میشود. بسال ۱۹۶۷، یازده سال پیش بود که گردانندگان فرهنگ و ورزش تولون به تاسی از جشنواره کان، به چنین اقدامی دست زدند واز آنجا که دشوار بوددر بحبوحه‌ی مسابقات فراوانی که فوتبال اروپا را دربرگرفته، بجمع اوری تیمهای ملی دریک تورنمنت ده روزه موفق شوند از چند تیم باشگاهی که فراغتی داشتند دعوت بعمل آوردند که تنها تیم اندرلشت (بلژیک) براتیسلاوا (چکسلواکی)، ووی ودینا (یوگسلاوی) و فیورنتینا (ایتالیا)، بهمراه دوتیم فرانسوی «نیمس» و تولون درآن دوره حضور پیدا کردند.

عدم استقبال تیمهای بزرگ اروپای غربی، مسئولان را برآن داشت تا پس از ۷ سال تعطیل و توقف دراین جشنواره و با یک برنامه ریزی دقیق که برمبنای یک هدف عالی تنظیم شده بود بدعوت از تیمهای ملی جوانان زیر ۲۱ سال کشورها بپردازند. جوانان و امیدهایی که دراین دوران سنی، درکمتر جام یا مسابقات ویژه‌ی خود میتوانستند هنرنمایی کنند و اغلب در سایه‌ی ستاره ها، بهترین سالهای عمر خود را درحسرت شهرت میگذراندند. بندرت بودند چنین جوانهایی که قدرت مافوقی داشتند و دراین دوران از عمر خود شهره‌ی روزگار میشدند.

جشنواره تولون، پایگاه مناسبی بود برای آن گروه جوانان زیر ۲۱ ساله‌ی اروپا و جهان که هنوز موفق نشده بودند در کنکور شهرت، خود را از زیر سایه‌ی بزرگان فوتبال کشور خود یا جهان فوتبال بدربکشند.

و جشنواره تولون، با این نیت، دوباره از سال ۱۹۷۴ جان گرفت و تیمهای جوانان زیر ۲۱ ساله‌ی لهستان، مجارستان، چکسلواکی، برزیل بهمراه چهارتیم باشگاهی دریی کانتی (انگلیس)، اندرلشت بلژیک (قهرمان دوره پیش)، نیمس (فرانسه) و مونشن گلادباخ (آلمان) دراین دوره حضور یافتند که طبیعی است چهارتیم ملی سه کشور سوسیالیستی اروپای شرقی بهمراه برزیل مقامها را بترتیب ازان خود کردند و برگزارکنندگان جام را تشویق که ازاین پس تیمهای باشگاهی را به چنین جشنواره یی دعوت ننمایند.

سال بعد آرژانتین، ایتالیا، مکزیک، چکسلواکی، مجارستان، لهستان، پرتقال ۲۱ ساله های فوتبال خود را به تولون فرستادند تا در کنار جوانان فرانسوی بر ارزش و اعتبار این جشنواره بیفزایند.

آرژانتینی ها قهرمان شدند و فرانسویها نایب قهرمان و ایتالیا روی سکوی سوم ایستاد.

ازاین پس فرانسویها خود به گزینش تیمها پرداختند و برحسب شرایط زمان و توجهی که معطوف به کشورهای صاحب فوتبال بود و درخشش تیمهای باشگاهی یا ملی کشورها دریکی دوسال گذشته بدعوت ۷ تیم خارجی پرداختند.

در ۱۹۷۶، بلغارها، مکزیکی ها، پرتقالیها، فنلاندیها، ایتالیائیها، بلژیکی ها و هندیها با یک تیم فرانسوی دراین جشنواره حضور پیدا کردند که بلغار، فرانسه و بلژیک مقامهای اول تا سوم را بخود اختصاص دادند.

و سرانجام به سال قبل جوانان فرانسوی، پس از چندسال انتظار بقهرمانی این جام دست یافتند و بلغارها، هلندیها، مجارها، ایتالیائیها، یونانیها، پرتقالیها و بلژیکی ها را که بترتیب مقامهای بعدی را صاحب شدند به عقب راندند.

وباتوجه به آنچه گفته شد،درسال جاری ایران، بلندآوازه درآسیا و یکی از ۱۶ تیم جام جهانی آرژانتین میهمان تازه‌ی این جشنواره است. که بهمراه اروگوئه، هلند ومجارستان در گروه «ب» قرار گرفته است. و چهارتیم لهستان، ایرلند، فرانسه و مکزیک، چهارتیم دیگری هستند که گروه الف را تکمیل میکنند.

برحسب مقررات این جشنواره، تیمهای اول هرگروه برای قهرمانی جام یک پیکارنهایی دارند و تیمهای دوم برای مقامهای سوم و چهارم روبروی هم قرار میگیرند و بهمین ترتیب تیمی که در گروه خود چهارم شود باهمتای خود در گروه دیگر برای مقام هفتم دیدار آخر را انجام میدهد.

یادگارهای تولون

برای انکه بدانیم این جشنواره درجهان فوتبال و بین اروپائیان چه ارزش خاصی دارد به کوتاهی نامهای بزرگی را که در اروپا و امریکا بر سر زبانها افتاده اند و اولین گام شهرت خود را در تولون برزمین زده اند، در زیر میاوریم، اگر چه ممکن است بعضی از این نامها در ذهن خوانندگان ما و دوستداران فوتبال در ایران آشنا نباشد، اما هریک از اینان پس از بازگشت از جشنواره تولون، شهرتی بسزا کسب کرده اند و یادگای از تولون بجا نهاده اند.

✸ سال ۱۹۶۷: دالگر (فرانسه)، مزی (فرانسه)، توگلز (بلژیک)، دسانگر (بلژیک) بان کابکوویچ و زوزف کابکوویچ (چکسلواکی)

✸ سال ۱۹۷۴: اوسکار (برزیل)، جارباس (برزیل)، نیلاسی (مجارستان)، ابدلی (مجارستان).

✸ سال ۱۹۷۵: پاوونی، تارانتینی، گالهگو، پارسارلا، تروبیانی و والنسیا (آرژانتین) ـ نادایی، نوولینو، انتونلی، سالاو گارلا (ایتالیا) ـ بوسیس، که مریش، فری و هیارد (فرانسه) ـ ازبویا (لهستان)، دلاروزا، رانگل، اوگو سانچز و کابالرو (مکزیک) ـ اوریکو، گومز، پریرا، رومتو (پرتقال)، و تورو شیک (مجارستان).

✸ سال ۱۹۷۶: ورکاترین و هیندریک (بلژیک) ـ بوریانی (ایتالیا)، بوسدیرا (فرانسه)، رانگل (مکزیک)، اوگوسانچز (مکزیک) نیکولوف، اینچف، دژویسوف، دونچف و مانولوف (بلغارستان) کابالرو (مکزیک) شو، رودولفو، اوریکو، رزینهو (پرتقال).

✸ سال ۱۹۷۷: نیکولوف، اینچف، یونچف (بلغارستان) ـ سولر، رنو، فرانسووا، فلوره، روکو، گنگینی (فرانسه) ـ سولماش، بابک (بلژیک)، البیستون، هانسن، والاس (یونان) ـ دوس بابا، اوتو و پیترز (هلند)، گومز (پرتقال).

✸ و حالا، در سال ۱۹۷۸، باید دید کدام چهره ها گل میکنند و کدام جوان ایرانی نامش در بین این نامهای افتخار نقش میگیرد!

ماکجا آنها کجا؟!

به تولون میرویم که خود باشیم

در اوایل این هفته، پرویز دهداری وجلال طالبی، بهمراه ۱۷ بازیکن ۲۱ ساله ی ایرانی راهی شهر تولون در جنوب فرانسه میشوند تا برای نخستین تجربه در این جشنواره، فوتبال ایران را معرفی کنند.

از آنجا که این جشنواره، بدور از نامی که دارد، رقابتی جدی وچشمگیر را دربرمیگیرد وبرای جوانان ما گامی است پر خطر وپر دلهره که باید بردارند. آشنایی با مهره ها وبی بردن بقدرت این تیم ومسائل ومشکلاتی که این گروه پیش از سفر به تولون با آن در گیر بوده یا هستند، ضروری مینماید وآنچه در زیر میآید حاصل گفتگویی است که با پرویز دهداری مدیر تیم وجلال طالبی مربی تیم کرده ایم:

«مشکل بزرگ ما محدودیت سنی عجیبی است که این سفر پیش پای ما نهاده است. ما از هر دو سو با محدودیتی روبرو هستیم که ما را مجبور میکند از جوانانی سود ببریم که سنشان از بیست سال وهشت ماه گذشته وکمتر از بیست ویکسال وهشت ماه است واین در فرصت کوتاهی که برای انتخاب ودستچین کردن برایمان باقی بود، کاری غیر ممکن بنظر میرسید.

از یکسو رسیدگی به پرونده های موجود بازیکنان در فدراسیون فوتبال واز سویی گفتگو ومشورت با مربیان تیمها ودر کل شناخت واشنائی قبلی که با اینگونه بازیکنان وجود داشته است بزحمت ما را در آغاز اردو صاحب ۲۳ بازیکن نا هم آهنگ میکرد. که از این جمع چندی بخاطر مشکلات درسی وشغلی نتوانستند مارا در اردو ودر این سفر همراهی کنند.

ممکن است این سئوال پیش آید که محدودیت سنی گریبان همه ی تیمهای حاضر در این جشنواره را میگیرد وما نباید گله مند وشاکی باشیم، اما این تفاوت کاملا بچشم میخورد که در اروپا یا در هر کشور صاحب فوتبالی که قیمت مسابقات رسمی وباشگاهی شان به صد سال هم میرسد، سنین آموزش، یادگیری پائین است وهر نوجوان ده تا دوازده ساله از همان سالهای خردسالی میتواند بطور کلاسیک فوتبال را فرا گیرد وزمانی که به سنین بلوغ، ۱۸ تا ۲۰ سالگی قدم میگذارد یک بازیکن کامل وتمام عیار شده است که در بالاترین حد قدرت وتکنیک، حتی تجربه ی کافی قرار میگیرد ورقم اینگونه بازیکنان پخته در اینگونه کشورها اتقدر بالا است که هر کشور میتواند چند تیم یکدست وروانه ی مسابقاتی چنین بنماید.

اما در قیاس با فوتبال خودمان، حدس بزنید که ما چه کرده ایم وچه امکاناتی برای دستچین کردن یک تیم زیر ۲۱ ساله داشته ایم. شاید خیلی ها قبول نکنند، اما این حقیقت دارد که ما بسختی توانستیم ۲۱ جوان ۲۱ ساله را که شایستگی حضور در اردو را داشته باشند فراهم آوریم وتازه این عده نیز در چنان حدی که بتوانند در تولون، با آن شیرهای جوان کارکشته روبرو شوند، خیلی چیزها را کم دارند ونباید توقع داشت که برومند واز آنجا با دست پر برگردند.

البته ممکن است ضیق وقت وعدم دسترسی بهمه ی نقاط کشور ما را از ۵ تا ده در صدی از بازیکنان خوب دیگر که فراموش شده اند محروم کرده باشد، اما این یک حقیقت باور کردنی است که با همه ی گسترشها وامکاناتی که در این چند ساله در فوتبال ما بوجود آمده، وقتی برای یک تیم جوان، دریی ۲۱ جوان با تکنیک وبا تجربه می گشتیم نزدیک بود از ناامیدی سکته کنیم وناچار، با محدودیتی که از نظر تعداد بازیکن (۱۷) واستفاده از دو بازیکن زیر ۲۳ سال در هر بازی تعیین شده بود، به سراغ بازیکنانی رفتیم که در چند پست بتوانند تیم خود را یاری بدهند.

بر طبق این فرمول واین امکانات بود که بازیکنان خود را برای این سفر انتخاب کردیم. اگر چه تعداد کمی از بازیکنان خط خورده نیز لیاقت داشتند که با ما باشند.»

دندان طمع را دراوریم

طالبی در مورد شیوه انتخابی برای تیمی که بجشنواره تولون میرود این توضیحات را ضروری میدید:

«پیش از آنکه تمرینات بدن سازی در اردو باتمام برسد ناگزیر شدیم دست به یک سفر کوتاه مدت، به شهرهای اصفهان وشیراز بزنیم وبا توجه به خصوصیاتی که از بازیکنان در اختیار داشتیم شیوه بازی وافراد نهایی را برای حضور در تولون انتخاب کنیم.

متاسفانه این مسافرت یک هفته زودتر وبوقتی انجام شد که هنوز بچه ها از کوفتگی تمرینات فشرده بدن سازی رهایی نیافته بودند، اما از آنجا که ما به نتیجه فکر نمیکردیم وکوشش ما ببازی گرفتن همه ی بازیکنان وانتخاب آنان بود، تن به این سفر دادیم ودر حالیکه میدانستیم این دیدارها کم خطرتر از مسابقات تولون نخواهد بود واز آنجا که گاهی بعضی از مربیان، جوانان تیمها وتماشاگران شهرستانی غافل از محدودیت سنی وشکل کار ما حق خود را پایمال میدیدند، میدانستیم که باحتمال با خشونت، سر سختی تیمها وگاه ضایعات وآسیب دیدگیهایی روبرو خواهیم شد.

پیروزی ۲-۰ بر الکترونیک، شکست ۱-۰ از برق شیراز ومساوی با سپاهان ۱-۱ که هر سه دیدار در طول چهار روز انجام شد، گرچه طاقت فرسا بود اما قدرت ومقاومت تیم را بما نشان میداد.

مسلما در این هر سه دیدار بدنبال روشی بودیم که باید در تولون بپاده میکردیم وکم وبیش با شناختی جهانی که از فوتبال هلند، مجارستان واروگوئه داریم وبیقین مورد تقلید جوانهای این کشورها قرار میگیرد والگوی کوچکتری از آنرا در تولون خواهیم دید، کوشش نمودیم که هر چه بیشتر شناخت کافی از بچه های خودمان داشته باشیم.

بی تردید، آنچه از هر سه حریف خود جسته وگریخته میدانیم، نمیتواند آنطور که باید ما را یاری دهد وما قادر نیستیم با توجه به شرایط تکنیکی ودرک بازی که بچه هایمان دارند، شیوه یی خنثی کننده وگاه برنده تر از آنان پیش بگیریم وبدین علت سعی ما در اینست که با توجه به خصوصیات فردی بازیکنانی که در اختیار داریم، شیوه یی را برگزینیم که بتوانیم آنچه واقعیت وحقانیت فوتبال ماست در آنجا ارائه دهند.

براین حساب هدف ما اینست که با آنچه باید خود انجام دهیم آشنا شویم وبچه ها را در پی یک هم آهنگی که بتواند مشکلات خود را در زمین حل کند، راه بیندازیم. میخواهیم حداقل بدانیم که در میدان حریفان خود چه میکنیم تا مگر بتوانیم صاحب توپ ومیدان هم بشویم وبهمین علت باید این دندان طمع را از دهان خودمان بیرون بکشیم که از آنجا با دستی پر ومقامی والا بایران برگردیم.

در حال حاضر بزرگترین مشکل باقی مانده نا آشنائی بچه ها بکاری است که در زمین باید انجام دهند وما از آنها میخواهیم وچون هر کدام در باشگاه خود بدنبال کار دیگری بوده اند، اگر بتوانیم ۵۰ در صد آنها را بکار گروهی وهدفی که داریم بکشانیم، موفق شده ایم.

تاثر وتاسف ما در اینست که گاهی در جمع خود بازیکنانی را می بینیم که هنوز از لحاظ تکنیکی کمبودهائی دارند واین، خود در فوتبال ما یک عیب بزرگ است که یک تیم منتخب از ۲۱ ساله هایش، از حیث تکنیک فردی به تکامل نرسیده است.

با اینحال، چنین بر میاید که با توجه بخصوصیات بازیکنانی که قادرند به حفظ توپ بپردازند ودر میانه ی میدان کار ساز باشند وقدرت حمایت از دفاع یا خط حمله را بموقع داشته باشند، سیستم ۲-۴-۴ را برگزینیم که این سیستم را کم وبیش بخاطر بهره گیری از علیدوستی، چنگیز ونوری در خط حمله وبرزگری، نعلچگر، هاشمپور، چنگیز واهوازی در خط میانی انتخاب کرده ایم.

شهر فرنگ

تنظیم از: صفر خواجوی راد

همکاران این هفته شهر فرنگی:
منصور سپهری «شیراز» - قربان بردی شیر محمدلی «گنبد کاووس»

پاکسازی محیط ورزش گنبدکاوس قبل از گسترش آن ضروری است

شورای ورزشی گنبد کاوس بمنظور تشویق جوانان ونوجوانان بورزش وهمچنین گسترش هر چه بیشتر آن، برنامه هایی تدارک دیده تا هر هفته مسابقه ای بین تیم های محلات مختلف گنبد کاوس در رشته های گوناگون انجام شود.

برنامه ای که شورای ورزشی برای توسعه وترویج ورزش بین جوانان ونوجوانان تهیه نموده، بسیار نیکو وپسندیده است، اما باید توجه داشت از بین بردن عوامل آلوده ساختن ورزشکاران وپاکسازی محیط ورزش بر دیگر برنامه هایی که به گسترش وتوسعه ورزش منجر میشود، ارجحیت دارد، چه اگر محیط پاک نباشد فساد اخلاق نوجوانان را موجب میگردد که نه تنها نتیجه ای از برنامه های مورد نظر بدست نخواهد آمد، بلکه باعث گمراهی جوانان نیز خواهد شد. بطور مثال باید یاد آوری کرد که در مجاورت مدرسه راهنمایی امان پور گنبد کاوس یک زمین ورزش وجود دارد که بنام زمین ورزش خیام معروف است وهر هفته چندین مسابقه نیز در این محل برگزار میگردد. لیکن همین زمین ورزش، به محل تاخت وتاز افراد بیکاره وولگرد تبدیل گشته که اغلب در گوشه وکنار آن، عده ای به «قمار» سرگرمند واگر اقدامی برای برچیدن بساط قمار بازان ورفت وامد افراد بیکاره به این محل نشود، این خطر وجود دارد که جوانان بسوی ان کشیده شوند واز راه اصلی که مورد نظر شورای ورزشی است بدور افتند.

امید داریم با توجه وعلاقه ای که در دبیر شورای ورزشی گنبد کاوس نسبت به پاک بودن ورزش سراغ داریم، از این پس شاهد تکرار صحنه های قمار بازی ورفت وامد افراد ولگرد به این محوطه ورزشی نباشیم.

بهرحال اولین مسابقه ای که در پی انجام برنامه های شورای ورزشی گنبد کاوس برگزار شد. دیداری بود بین تیمهای فوتبال البرز وتوفان که ابراهیم نژادی حسن دبیر شورای ورزش وگروهی تماشاگر حضور داشتند. داوری این مسابقه را محمود خداوردی، علی رضا افتابی ومحمد رضا ازقندی عهده دار بودند.

توپچی های تیم توفان موفق شدند ۴ بار دروازه البرز را بگشایند ویکبار هم دروازه خود را از دست بدهند. در پایان این دیدار، جوایزی به هر دو تیم شرکت کننده در مسابقه های محلاتی داده شد. یاران پیروز تیم فوتبال توفان: عباس بخشی جمشید مستخدمین «کاپیتن»، رحیمی، ستار، سراب، مظفر فریدون، بیغمی، حاج حسینی، اریانژاد، امین، شاهی، محمد رضا قنادیان، جنت ابادی، هادی پیغمبری. مربی: عباس برزگری

تکلیف جام چه می شود؟

چندی پیش در شهرستان لار، مسابقاتی تحت عنوان جام پهلوی در فوتبال برگزار گردید که ۱۶ تیم در چهار گروه دسته بندی شدند و همین دسته بندی، «دسته بندی» های بعدی را هم بدنبال داشت! چون پس از پایان گرفتن دور مقدماتی که ۸ تیم بالا آمدند بعلت ضعف داوری مسابقات به تعطیل کشیده شد.

من میخواهم بدانم چرا شهرستان لار، داور خوب ندارد؟

شهر فرنگی: ما هم می خواهیم بدانیم!

باور کنید داورهای لاری عدالت را برقرار نمی کنند و بیشتر تیم مورد علاقه خود را پشتیبانی می کنند و حق تیمهای دیگر را از بین می برند و این باعث جنجال در مسابقات می شود. نمونه‌اش جام پهلوی است که هنوز تکلیفش معلوم نیست!

مسعود رجبیان

زمین دست دوم!

جناب شهر فرنگ! همه برای شما نامه می نویسند و از شما زمین ورزش می خواهند.

شهر فرنگی: شرمنده‌ایم که زمین هایمان دیگر تمام شد! شاید یک دست دوم برای شما پیدا کنیم!

من یکی از ورزشکاران روستای گلیسرد شهر آمل هستم جمعیت این روستا دو هزار نفر هستند جوانان این روستا به فوتبال خیلی علاقه دارند چند دفعه به آقای خسرو قبادی و آقای حسن ترحمی گفتیم جواب ندادند.

شهر فرنگی: آقایان کی باشند؟

حالا زمین فوتبال نداریم که تمرین کنیم فقط در هفته یک بار تمرین داریم آن هم روز جمعه مجبور هستیم در زمین مدرسه فوتبال بازی کنیم. یا فرستادن این نامه می خواستم بنویسید مسئولین به فکر ما هم باشند.

آمل - علی داداشی

میدان ورزشی، یا «تریا»؟



با وجود همه تلاش و کوششی که برای ورزش دختران اصفهان بعمل می آید، متاسفانه هنوز در این راه با ناکامی روبرو هستند و توفیقی نصیب طراحان و برنامه ریزان ورزش دختران حتی در سطح کشور نشده و می بینیم هر حرفی در ورزش بمیان کشیده میشود و هر خبری باشد، در حول و حوش ورزش پسران دور می زند.

عامل اصلی این ناکامی و رکود ورزش در چیست؟ آیا خود دخترها ورزش را بوسیده و آنرا کنار گذاشته‌اند یا بی توجهی به مسایل مربوط به آنان و نداشتن ورزشگاههای کافی است و یا بستگی به پایین بودن طرز تفکر بعضی از خانواده ها دارد؟ بهر حال هر چه که باشد، ورزش در نزد دخترها، جای چندان درخور توجهی ندارد.

البته صرفنظر از معدود دخترها. شاید دلیل این بی توجهی سوغات بعضی از فرنگ رفته های بی بند و بار باشد که فقط از یک دختر فرنگی، تریا و دانسینگ رفتن و از این نوع کارها را دیده‌اند، سری به ورزشگاهها نزده‌اند تا از نزدیک ببینند دخترها چه تلاشی برای بدست آوردن رکوردهای مورد نظر خود بعمل می آورند و چگونه در تمرین ها عرق می ریزند.

صرفنظر از این مسایل که جای بحث فراوان دارد، طرز فکر بعضی از خانواده ها هم نقش عمده و اساسی در جلوگیری از ورود دخترها به میدان های ورزشی دارد که هنوز برای این خانواده ها قابل پذیرش نیست که دخترانشان هم میتوانند دوش بدوش پسرها، به ورزش بپردازند.

متاسفانه بعضی از این خانواده ها نسبت به تریا و دانسینگ رفتن دخترانشان بی اعتنا هستند اما وقتی بشنوند همین دختر بجای پای گذاردن به این اماکن، به میدان های پاک ورزشی می رود، خشمگین شده او را از رفتن مجدد به ورزشگاهها برحذر می دارند. وحتی سرزنش می کنند. واقعا چنین طرز فکر و روشی پسندیده و قابل قبول است؟

سهم پدر و مادرها برای گرایش دخترهایشان به ورزش، کمتر از مسئولان ورزش که باید وسایلی فراهم آورند تا توجه بیشتر دخترها را به حضور در اماکن ورزشی جلب نمایند، کمتر نیست. می بینیم دخترهایی را که خانواده هایشان آنانرا تشویق میکنند که بورزش بپردازند و از حضور آنان در میدان ورزش نه تنها ممانعتی بعمل نمی آورند، بلکه خوشحال هم میشوند به درس و تحصیل خود بیشتر می رسند و اغلب در میان همکلاسان و دوستانشان هم بعنوان دختر نمونه معرفی میشوند.

صرفنظر از وظیفه خانواده ها به این امر حیاتی، مسئولیت مسئولان ورزش هر شهر بیش از هر کس روشن است که آن بوجود آوردن تاسیسات فراوان، امکانات ورزشی و از همه مهمتر تشویق دخترها به وورزش میتواند باشد که اغلب مشاهده میشود در این راه ناکام هستند!

والیبال، بسکتبال، شنا، ژیمناستیک، پینگ پنگ و شمشیر بازی از رشته هایی بود که دخترهای اصفهانی به آن علاقه داشتند و همیشه در مسابقه ها، با موفقیت روبرو میشدند و شایستگی خود را در این رشته ها نشان می دادند در حالی که بیش از یکسال است جز معدودی مسابقه، نامی از ورزش دخترهای اصفهان برده نشده که ادامه این وضع به از یاد رفتن کامل ورزش دختران ختم خواهد شد، چه بهتر که تا دیر نشده فکری اساسی و چاره‌ای فوری برای برپا ساختن دوباره ورزش دخترهای اصفهان بعمل آید.

فریما ایلیگ

زمین خاکی برای استادیوم مناسب نیست!

بندرکنگان با داشتن ۱۵ هزار نفر جمعیت و جوانان مستعد و علاقه مند به ورزش، فاقد استادیوم ورزشی است و با این که سالهاست یک زمین «خاکی» در بهترین نقطه شهر برای ایجاد ورزشگاه، دراختیار تربیت بدنی قرار گرفته، جز نصب ۲ پایه دروازه برای فوتبال در این زمین، اقدام دیگری بعمل نیامده است.

شهر فرنگی: فکر می کنم علت این باشد که زمین «خاکی» دراختیار تربیت بدنی گذاشته شده، اگر زمین «اسفالت» بود حتما تا حالا استادیوم درست شده بود!

جادارد مسئولان ورزش استان بوشهر این موضوع را مورد توجه قرار داده و در مورد ایجاد تاسیسات ورزشی درکنگان اقدام کنند. متشکرم

یعقوب علی نژاد

ورزش زنجان درخواب است!

مدت ۵ سال است که من یکی از خوانندگان مجله دنیای ورزش هستم و هر هفته هم یک شماره مجله می خرم ولی هنوز درچاپی نخوانده‌ام که در استان زنجام مسابقه‌ای برگزار شده باشد.

شهر فرنگی: این هفته دو شماره مجله بخر شاید نوشته باشد!

آیا یک استان نباید یک تیم داشته باشد حال تیم فوتبال یا رشته های دیگر؟ من خودم بچه ابهر هستم، ۲۰ سال سن دارم مدت ۴ سال در ابادان فوتبال کرده‌ام و خیلی دلم می خواهد بتوانم در شهر خودم فوتبال بازی کنم ولی نه تنها در ابهر، بلکه در زنجان هم ورزش بهیچ گرفته شده است.

می خواستم این چند سطر نوشته مرا در دنیای ورزش چاپ کنید تا همشهریهای من از خواب بیدار شوند!

شهر فرنگی: پس یادت باشد موقع خواندن با صدای بلند بخوانی!

استان زنجان در گذشته‌ای نه چنان دور کشتی گیرانی مثل جوادی کوچولوی افتخار آفرین کشتی ایران و جهان و برادران خرمی و در فوتبال هم کسی مثل ناصر حجازی دروازه‌بان خوب تیم ملی فوتبال را تحویل ورزش ایران داده است اما حالا ورزش استان درخواب است.

رضا صفری

کشتی اصفهان هنوز بی سروسامان است!

در سال پیش، کشتی اصفهان فعالیتی نداشت و این معلول درهم ریختگی و نبودن یک هیات دلسوز و پرکار بود.

از زمانیکه اولین دوره مسابقه های کشتی جام علیاحضرت شهباتو بپایان رسید بخاطر اختلاف شدید منصور تبریزی مربی کشتی اصفهان با فدراسیون وقت که منجر به محرومیت مربی کشتی استان شد، یکباره فعالیت های کشتی اصفهان متوقف شد، و کشتی گیران سرگردان و بلاتکلیف ماندند.

نوب آهن آریامهر که نماینده کشتی اصفهان دراولین دوره جام علیاحضرت شهباتو بود بخاطر مسائل فراوانی خود را کنار کشید و ترجیح داد تا درسطح کارخانه کشتی داشته باشد. از این رو کشتی اصفهان وضع نامطلوبی پیدا کرد و درباره‌ای از مسابقه ها، اصفهان نماینده‌ای نداشت.

حقیقت این است که مادرکشتی سیرنزولی را پیموده‌ایم و این نه بخاطر آن است که مربی ما به ورزش کشتی عشق نمی ورزد، بلکه مرجعی قابل اعتماد و دلسوز و توسعه طلب که احساس مسئولیت داشته باشد، برای اداره این امر وجود ندارد.

این برای چندمین بار است که برخلاف میل قلبی به جای تمجید از گردانندگان ورزش و کشتی گیران، بعلت رکود و عدم فعالیت مجبور بانتقاد می باشیم. گرچه با نوشتن حقیقت که حتما تلخ هم هست دوستانی چند رنجیده خاطر میگردند و گردیده‌اند! اما دیری نخواهد گذشت که برآنها مسلم خواهد شد منظور ماتنها پیشرفت ورزش کشتی و تشویق جوانان باین ورزش میباشد و هدف از انتقاد سالم رفع مشکلات و برطرف کردن نواقص است و دراین راه تاحدی که درقدرتمان باشد کوشا خواهیم بود.

زمانی بود که هیات کشتی اصفهان برای رونق دادن این ورزش ملی و سنتی بطور مرتب، یا از تهران و سایر شهرستانها تیمی دعوت میکرد و یا مسابقه های مختلفی درسطح استان برگزار می نمود و رویهمرفته کشتی با استقبال خوب روبرو بود و نیز سالن ۲۵ شهریور از تماشاگران علاقمند موج میزند.

ولی این شکوه و هیجان دیری نپائید و کشتی یکی از ورزش های مورد علاقه اصفهانیها بروزهای سیاه کشیده شد.

حتی آن چند نفر هم که دوستدار واقعی کشتی بودند با دلسردی میدانها را خالی کردند و درحقیقت بایستی گفت که کشتی اصفهان درحال حاضر وضع خوبی ندارد و از همه مهمتر این سالن محقر و تشک های کهنه و فرسوده کشتی اصفهان است که باعث شرمندگی میباشد.

اگر خدای ناکرده مسئولان ورزش، ییلاق کاریکساله هیات کشتی را منتشر کنند آنوقت متوجه خواهید شد که هیات کشتی اصفهان هنوز فاقد کادر قوی است، و اینها کاری کرده‌اند که مرادعلی شیرانی قهرمان پرافتخار اصفهانی و برنده مدال برنز مسابقه های جهانی ـ گوته برگ. سوئد مدتی است درصحنه مبارزات غیبت دارد و این رایشتر معلول بی نظمی و درهم ریختگی هیات کشتی باید دانست.

هوشنگ منتظرالظهور ملی پوش دیگر اصفهان نیز درخدمت مقدس سربازی است و حالا تمام موجودیت کشتی فرنگی اصفهان درسایه تلاش و تعصب فراوان هاشم قنبری پیرديرکشتی اصفهان است و معلوم نیست اگر قنبری هم خودرا از کشتی کنار بکشد دیگر عنوان قهرمانی را درکشتی فرنگی چه کسی بدست خواهد آورد!

البته وضع کشتی آزاد خود بخود روشن است! اصفهان که زمانی درکشتی آزاد مطرح بوده است و قهرمانان ارزنده‌ای را به تیم ملی تحویل داده، از چند سال پیش چنان نزول کرد که حتی جزوشش تیم اول کشور هم قرار نمی گیرد!

دلیل عدم موفقیت کشتی اصفهان درچند مورد است نخست آنکه نقش سازندگی دربین مربیان نیست و کسی کار مربیان را ارزیابی نمی کند! هیات کشتی فاقد برنامه تنظیم شده و تقویم سالانه است. درکار باشگاهها فعالیتی دیده نمیشود باشگاههای ذوب آهن، دخانیات، جعفری، تربیت شاهین شهر و... همه دارای سالن های کشتی هستند و نیز از مربیان حقوق بگیر هم برخوردارند اما عملا درکشتی فعالیتی بچشم نمی خورد و باشگاهها نقشی درکار کشتی ندارند.

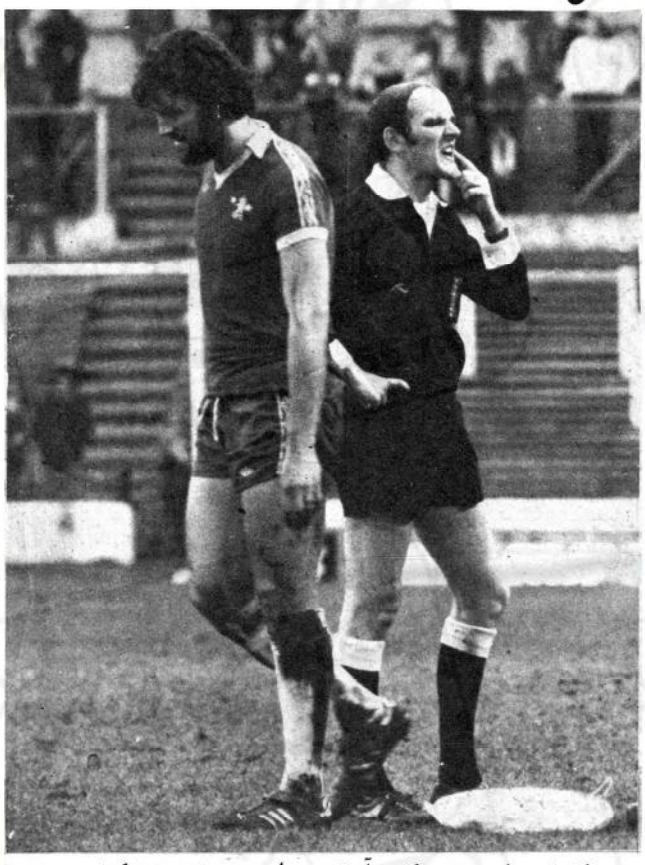
و تنها باشگاه شاهین شهر با بخدمت گرفتن هاشم قنبری و مهره های سابق ذوب آهن موجودیت خود را نشان داده است...

باید شورای ورزش استان اینهمه نارسائیها، و بیعلاقگی ها و مشکلات را مورد بررسی دقیق قرار دهد، زیرا منصور تبریزی مربی کشتی اصفهان که دوباره از سوی تاکی دبیرشورای ورزش اصفهان برای کار مربیگری بخدمت گرفته شده است قریب سه ماهی که دعوت شده، هنوز کار مهم و قابل بحثی صورت نداده است و خود وی طی گفتگویی اعلام کرد که من درهیات کشتی هیچکاره‌ام!

تبریزی هم چنین اعتراف کرد که درسال گذشته هیات کشتی کاری نکرده و نیز فعالیتی نداشته است. امید است این نوشته که درد دل کشتی گیران اصفهان است مورد توجه مسئولان ورزش، هیات کشتی و باشگاههای اصفهان قرار گیرد.

جمعی از کشتی گیران اصفهان

عکس هفته



ببخشمش یا بیرونش کنم؟ آنوقت جواب بیرون زمینو کی میده؟

هیات شنای فارس با همه ثروتش فقیرانه زندگی می کند!؟

اگر به فعالیت ها و در آمد هیات شنای استان فارس نظری گذرا بیفکنیم، می بینیم این هیات یکی از پر در آمدترین و ثروتمندترین هیات های ورزشی فارس است که با وجود داشتن پول کافی، زندگی فقیرانه ای دارد.

در آمد هیات شنا از سه استخر حافظیه، فرح و پارس شیراز سال گذشته حدود چهار صد هزار تومان بود که اغلب هیات های ورزشی این شهر، فعالیت های خود و اعزام تیم هایی برای مسابقه به دیگر شهرها را بر پایه در آمد هیات شنا، طرح ریزی کرده اند و همین در آمد از سه استخر شنا، بسیاری از کمبودها و مشکلات تربیت بدنی شیراز را برطرف نموده است. در اینجا است که ضرب المثل معروف چراغی که بخانه روا است به مسجد حرام.... به یاد می آید. زیرا حتی نیمی از این در آمد صرف نیازهای خود هیات شنا و نجات غریق نمی شود. جالب اینکه همین استخرهایی که کسب درآمد می کنند، خود با کمبودهایی روبرو هستند و فاقد بسیاری از امکانات ضروری که باید مورد استفاده عموم واقع شود.

شیراز هنوز یک استخر سرپوشیده شنا ندارد. استخر پیر حافظیه هنوز برای برگزاری مسابقه ها مجهز نیست و هر سه استخر فاقد دوش آبگرم هستند و حتی کپسول اکسیژن برای تنفس مصنوعی در مواقع ضروری ندارند. تاکنون برای استفاده شیرجه روها، دایو و سکوی شیرجه خریداری نشده است برای واترپلو فعالیت چندانی نمیشود چون وسایل و امکانات کافی در اختیار ندارند.

اما جای شکرش باقی است که با تمام این مشکلات هیات شنا و نجات غریق فارس که مسئولیتش را «ذوالقدر» یکی از مردان فعال ورزش بعهده دارد، تاکنون به توفیق هایی دست یافته است نوجوانان و جوانان دختر و پسر شناگر در کلاس های مختلف به تمرین شنا و آشنایی با فنون آن می پردازند و مسابقه های شنای زیر ۱۴ ساله ها که به همت هیات شنای فارس با نام جام رادیو تلویزیون برگزار شد با چنان استقبال کم نظیری روبرو گردید که بیش از ۶۰۰ نوجوان در آن شرکت نمودند و پشتوانه عظیمی برای شنای فارس نوید دادند. اما حیف که عمر تلاش و فعالیت این ورزش بعلت نداشتن استخر سر پوشیده کوتاه و محدود است.

جا دارد با توجه به پشتوانه کافی شنا و توجه بیشتر نوجوانان به این ورزش، قدری از آن همه درآمد به خود هیات شنا برسد تا بتواند امکانات بیشتری برای مشتاقانش فراهم آورد.

وسایل تفریح نداریم

خدمت شهر فرنگی عزیز.

جوانان و نوجوانان بخش لطف آباد از امکانات ورزشی بی بهره‌اند.

شهر فرنگی: اشکالی در آن دیده نمی شود!

پس از عرض سلام باید بگویم که جوانان و نوجوانان بخش مرزی لطف آباد از همه امکانات ورزشی بی بهره‌اند و هیچ نوع وسایل تفریحی درست و حسابی در این بخش وجود ندارد. سابقا در این بخش باشگاهی وجود داشت که دارای تشک کشتی و مربی و چندین میز پینگ پنگ بود ولی بمرور زمان همه این ها از میان رفت در حالیکه بعضی از ده های تابع این بخش از امکانات ورزشی برخوردارند، از مسئولان امر تقاضا می شود به تنها خواهش جوانان این بخش ترتیب اثر دهند و از فساد و گمراهی جوانان جلوگیری کنند، زیرا اگر باشگاهی وجود داشته باشد جوانان به جای ایستادن در چهار راهها و ایجاد مزاحمت برای دیگران به باشگاه ورزشی پناه خواهند برد.

جوانان لطف آباد

جنگ هفته

آتش سوزی درسالن والیبال

درحالی که یکسال تمام از حریق استادیوم محمدرضاشاه میگذرد، و هنوز بازسازی استادیوم پایان نگرفته، روزنامه ها خبر از سوختن قسمتی از سالن والیبال استادیوم آریامهر دادند.

در این آتش سوزی، قسمتی از سالن خسارت دیده، و تلاش ماموران آتش نشانی مانع از آن شده که همه سالن درکام آتش بیفتد.

نویسنده والیبال مجله می گفت: این جماعت که بلد نیستند، سالن تازه برای والیبال و یا ورزشهای دیگر بسازند، حداقل در حفظ و حراست سالن ها هم دقت عمل بخرج نمی دهند، و معلوم نبود، اگر آتش نشانان بموقع سرمعرکه نمی رسیدند، و سالن ۱۲هزارنفری هم میسوخت، تکلیف چه بود؟!

این مسئولان استادیوم ها، حداقل کاری که می توانند بکنند، اینست که ایمنی سالن ها و تاسیسات ورزشی را فراهم سازند، و اگر چنین کاری را هم نتوانند بکنند، پس باید گفت، «عدم»شان به «وجود»!

ذوب آهن و نیرو طلبکارند

با آنکه چند ماهی است که از زمان نقل و انتقال جام تخت جمشید میگذرد و تیمها چهار هفته از فصل ششم را پشت سر نهاده‌اند، اما هنوز هم نامه هایی به کمیته قضایی میرسد که بعضی از تیمها ادعای طلب و خسارت میکنند.

برای مثال، ذوب آهنی ها برای بازیکن سابق خود مهدی ویسی که به تیم نیرو اهواز رفته است، از تیم خوزستانی طلب ۳۸ هزار تومان خسارت کرده اند که این مقدار بنا بر مقررات و آئین نامه جام مقدار پولی است که بازیکن در طول یکسال از ذوب آهن گرفته است.

اما همین ادعا سبب شده است که تیم نیرو هم بیاد طلب خود از تیم شهباز تهران بیفتد.

در واقع جمال خلیلیان که مدت سه سال با تیم نیرو قرارداد بسته بود و یکسال آخر را بسفر رفته بود، حالا که به تیم شهباز پیوسته است، اهوازیها انتقال او را به شهباز نادرست میدانند و خسارتی را از بازیکن یا از تیم شهباز خواستارند که چندان مبلغ ناچیزی هم نیست.

در این مورد بخصوص، دادگاه فدراسیون فوتبال بازیکن را مقصر شناخته و او را برای رضایت گرفتن به اهواز فرستاده است.

مشتاقی روی جاده شانس!

بهرام مشتاقی قهرمان ۱۰۰کیلوی آسیا را میتوان بدشانس‌ترین کشتی‌گیر تیم فرنگی بحساب آورد. زیرا هنوز غم گم شدن چمدان را در سفر به بلغارستان فراموش نکرده که این بار در بازگشت از ترکیه دوربین عکاسی را در داخل هواپیما جا گذاشت!

و وقتی متوجه جریان شد و مجددا به داخل هواپیما بازگشت اثری از دوربین ندید. قضیه بهمین جا پایان نگرفت، زیرا از ناراحتی گم شدن دوربین چمدانی را اشتباها بجای چمدان خود از فرودگاه به‌منزل برد و بعد از یکی دو روز تازه متوجه اشتباه خود شد و بفوریت چمدان اشتباهی را به مسئولین فرودگاه تحویل داد ولی این بار خوش شانستر از آن بود که به تصور آید، زیر چمدان خود را در فرودگاه یافت و تا حدی از ناراحتی درآمد.

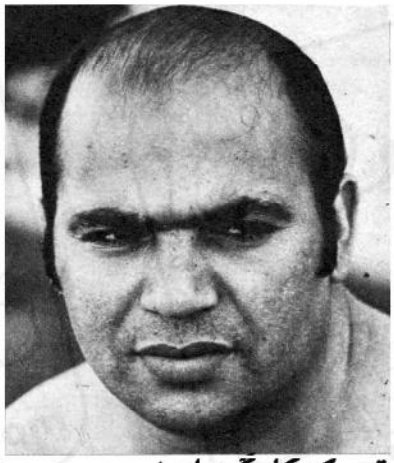
مشتزنان ملی حاضرند حقوق مربی را هم بدهند!

«...ما مشتزنان تیم ملی، حاضر هستیم، با مشارکت خود حقوقی را که یک «باشگاه بیلیارد» به مربی ما، ایرج ملک حسین‌پور میدهد، به او بدهیم، و او را به سالن بکس امجدیه و یا باشگاه «خانیات باز گردانیم... ما علاف و سرگردان شده ایم، و از روزی که مربی دلسوز ما، از بکس کنار کشیده، هیچ کاری نمی توانیم بکنیم، جز اینکه «سرخود» تمرین کرده، مایوس و نومید از سالن به خانه هایمان برویم.»

این حرفها را حسن ابراهیم‌زاده از جانب خودو دیگر دوستان ملی پوشش می گفت. مشتزن خوش تکنیک و جوانی که طلای آسیا را از چنگ غول کره‌ای بیرون کشید. مشتزنی که اکنون امید ما برای مشتزنی بازیهای آسیاتی تایلند محسوب میشود، و تاکنون هم دوطلا نصیب ایران ساخته است...

ابراهیم‌زاده، خبری را که هفته پیش در «جنگ هفته» نوشته بودیم، دیده و متاثر شده بود، و میگفت ما مشتزنان ملی، ماسیس، منصورصادقی، فیروزعبادی، محمودبرادران، حاضر هستیم، مربی خودمان را از مدیریت داخلی یک «باشگاه بیلیارد» بسوی مشتزنی باز گردانیم، و خواهش می کنیم، بنویسید، که فدراسیون مشتزنی به عمق این مطلب توجه کند.

این مشتزن ملی می گفت: فدراسیون می تواند با حقوقی ولونا‌چیز ملک‌حسین‌پور را با رینگ آشتی دهد و ما را از سرگردانی نجات...!



وقتی که کارگرنژاد با مربی‌خود مساوی کرد

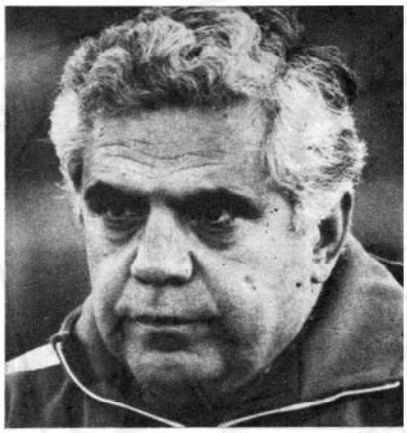
وزنه‌برداران ساکن اردوی داودیه هفته گذشته چند بار سورچرانی کردند! بار نخست در ضیافت فدراسیون وزنه‌برداری که بخاطر پیروزی در مصر برپا شده بود و مرتبه دیگر توسط هوشنگ کارگرنژاد ملی پوش فوق سنگین این رشته. کارگرنژاد که اوائل هفته پیش صاحب سومین فرزند شد، بقول وزنه‌برداران با مربی خود منوچهر برومند مساوی کرد، زیرا اونیز با علاوه شدن «محمد» نوزاد تازه از راه رسیده مثال منوچهر برومند صاحب سومین پسر شد.

هوشنگ که آرش ۵ ساله و علی سه ساله را قبل از تولد محمد داشت برای تولد این تازه وارد رقما را به صرف شیرینی دعوت کرد. به این خاطر باید به قهرمان آسیا برای تولد نوزادتازه تبریک گفت.

نماینده سپاهان در انگلیس

سپاهانی ها بسر و سامانی رسیدند. استاندار اصفهان، رئیس هیئت فوتبال و بسیاری از سازمانهای دولتی و خصوصی، حتی مردم این شهر برای بزرگی سپاهان، به شیوه پرسپولیس بسیج شدند، تا این تیم محبوب شهر خود را حفظ کنند.

و پس از این اطمینان خاطر، قرار است بزودی (شاید تا حالا رفته باشد) یک نماینده از این تیم به انگلیس برود و با «کمپبل» مربی انگلیسی و دو بازیکن بریتانیائی قرارداد ببندد و آنها را بایران بیاورد.



فکری، پر کارتر از همه

هر کس جای این اقا فکری خودمان بود باید توی خانه اش، روی یکی دو تا از این پشتی ها که حالا دوباره بین خانواده ها باب شده لم میداد، پایش را روی آن پایش می انداخت. کتاب میخواند یا تسبیح میچرخاند.

با آن موی سفید و آن سن و سالی که از او گذشته و با آن زحماتی که تا بحال برای فوتبال کشیده باید حالا بازنشسته میشد و یک کارت افتخاری همیشگی بدستش میدادند. یک جای خوب در لژ مدعوین عالی مقام فوتبال برایش خالی میگذاشتند و در سمت مشاور از تجربه های او سود میبردند.

اما این مرد، که یکپایش اینجا و یکپایش در تبریز است، در حال حاضر پر کارترین مربی فوتبال ایران است. نه تنها تراکتورسازی را در قد و قواره یی خوب در جام تخت جمشید نگهداشت. حتی سایه‌ی خود را بر تیم تهرانجوان در دسته دوم کم نکرد و حالا نیز که جوانان تهران جوان در جام ولیعهد بازی دارند، فکری یکی از پروپا قرص ترین تماشاگران این بازیهاست که همیشه به لباسکنی میرود و آنها را رهبری میکند.

مربی سابق تیم ملی، بجای آنکه تجربه هایش را گرانتر در خدمت فوتبال بگذارد. صبح تا شام از فوتبال منفک نیست و آنها که با او از نزدیک آشنایند میگویند که او هر چه از تیم تراکتورسازی در میاورد، خرج این دو تیم تهران جوان میکند.

راستی راستی که هنوز هم دود از کنده بر میخیزد.

پطرس و کوچار در مشتزنی جهانی

پطرس نازاربیکیان نایب رئیس فدراسیون بین‌المللی بکس و معاون فدراسیون بکس ایران، همراه قارایط کوچار داور بین‌المللی مشتزنی به یوگسلاوی رفت.

پطرس در یوگسلاوی که میزبان مسابقه های جهانی مشتزنی است، عضو هیات ژوری مسابقه هاخواهد بود، و بیشتر همراه رئیس کمیته داوران فدراسیون بین‌المللی، به مسایل داوری می پردازد، اما همکیش او، کوچار، به عنوان قاضی بالای رینگ خواهد رفت و درداوری مبارزات را چه به عنوان قاضی، و چه به عنوان داور کنار رینگ ایفای نقش خواهد کرد.

تیم ملی مشتزنی ایران که قرار بود، دراین مسابقه هاشرکت جوید، باتغییر رئیس فدراسیون، برنامه سفر خودرا لغو کرد، و بدین ترتیب، ایران دریوگسلاوی فقط دونماینده دارد.

برومند تقدیر شد

در ضیافتی که فدراسیون وزنه برداری بخاطر پیروزی تیم ایران در جام ال سیدنصیر در مصر برپا کرده بود، منوچهر برومند سرمربی تیم وزنه برداری ایران کتبا و شفاها مورد تقدیر قرار گرفت.

فدراسیون وزنه برداری منوچهر برومند رئیس کمیته مربیان و سرمربی فدراسیون را بخاطر تلاشهای بی وقفه و رکوردشکنی قهرمانان ساکن اردو را مورد تقدیر قرارداد.

برومند که سالها در دسته های میان سنگین و سنگین وزن در خدمت تیم ملی وزنه برداری قرار داشته از بازیهای المپیک مونیخ کار رهبری تیم ملی راعهده‌دار بود که در همین مدت وجودش منشاء خدمات قابل توجهی بود، و وزنه برداری ایران را در کار تدارکات شکلی تازه داده است.

ذوب آهن به سفر خارج میرود

تراکتورسازی تبریز و ذوب اهن اصفهان آنقدر قدرت مالی دارند که در زمان فترت جام تخت جمشید و برای رهایی از این تعطیلی بدفرجام برای باشگاهها، دست بسفر خارجی بزنند تا علاوه بر تنوع، در حفظ آمادگی تیم خود بکوشند.

تراکتورسازی برای دومین بار است که به سفر اروپایی میرود و ذوب آهن نیز اگر سفرشان به شوروی یا مجارستان قطعی شود بار دوم است از ایران خارج میشوند.

گویا دکتر محمودی، یکی از بلندپایگان سازمان ملی ذوب آهن قول این مسافرت را به لیادین و شاگردانش داده است و در صورت پاسخ مناسب از سوی شوروی یا مجارستان، در زمانیکه تیم ملی در آرژانتین بازی دارد، ذوب آهنی ها نیز در اروپا دیدارهای دوستانه‌یی خواهند داشت.

بچه های دارایی و اولین حقوق

سرانجام پس از مدتها رفت و آمد، صاحبان تیم دارایی با وزارت دارایی به توافق رسیدند و هفته پیش از طرف این وزارتخانه اولین حقوق به بچه ها داده شد و کلی آنها را خوشحال کرد.

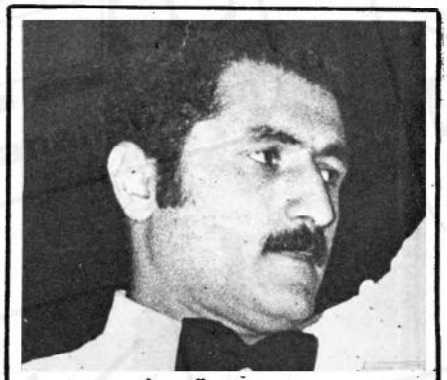
بازیکنان این تیم که یکی دو سالی بود لبخند به لب نمیاوردند وقتی اولین حقوق رسمی خود را گرفتند و خبرهای خوش دیگر را که شنیدند با تمام دندانهای خود خندیدند.

خبرهای خوش حاکی است که از این پس هرگاه این تیم به پیروزی برسد از یک پاداش خوب برخوردار خواهد بود. خدا عاقبت این بذل و بخشش را بخیر کند و امیدواریم این محبت بی پایان باشد.

داوران نمونه

در جلسات پیاپی کمیته فنی فدراسیون وزنه برداری همه کارهای خارج از برنامه داوران نمونه این فدراسیون نیز معرفی شدند.

ظلی، مقدسیان و میرفصیحی که از جمله داوران پرسابقه بین المللی می باشند بعنوان داوران نمونه معرفی شدند. اسامی این داوران نمونه برای کمیته بین المللی وزنه برداری ارسال خواهد شد تا در رده داوران نمونه کشورهای جهان قرار گیرند.



پورنعمتی دبیر هیات مشتزنی تهران شد

احمدپورنعمتی دبیر هیات مشتزنی تهران شد، و از این پس با سرهنگ اسکندری رئیس هیات تهران همکاری خواهد کرد.

پورنعمتی در مشتزنی سالها در لباس های یکسوری، مربیگری و داوری ظاهر گردیده، و اخیرا بخاطر تلاش های یکساله‌ای که بویژه در برگزاری مسابقه های هفتگی «دستکش زرین» نشان داد، مورد توجه فدراسیون قرار گرفت، و پست دبیری هیات تهران را اشغال کرد.

پورنعمتی، مدتی هم مربیگری مشتزنی کرج را برعهده داشت، و پس از آنکه وی کاملا در اختیار فدراسیون قرار گرفت، شاگردش سلیمان سلمان‌زاده، جای او را در مشتزنی کرج پر کرد.

امید میرود که همکاری این چهره آشنای مشتزنی با اسکندری هیات مشتزنی تهران را صاحب کارنامه‌ای بهتر از گذشته سازد و تحرک و تلاشی تازه در ورزش مشتزنی تهران بوجود آورد.

تبریک به حافظ حسنی

بعد از هوشنگ کارگرنژاد، نوبت حافظ حسنی بود که وعده یک سور مفصل به برو بچه های وزنه‌برداری ساکن اردوی داودیه بدهد، زیرا او هم در آخرین روزهای هفته از تولد سومین فرزند خود کلی شادمان بود.

حسنی که قبلا صاحب دو فرزند پسر بود، برای جوری جنس چشم انتظاری یک دختر را داشت که به ارزوی خود رسید و از این بابت کلی شادمان شد.

ولی سوای این شادمانی، حافظ حسنی مشکل عمده ای دارد که گره این مشکل را مسئولان سازمانی که حسنی را در خدمت دارند قادر به گشودن هستند.

زیرا حسنی برای رسیدن به تمرینات نیاز به زمان دارد ولی متاسفانه این زمان را سازمان مربوط به او نمی گذارد، امیدواریم با محبتی که همیشه مسئولان به قهرمانان داشته و دارند این مسئله هم آسان حل شود تا آسودگی خیال برنامه خود را دنبال کند!



پایان خدمت مقدس سربازی

خلیل رشیدمحمدزاده ملی پوش ۴۸کیلو جمعه «دیروز» دوران دوساله خدمت مقدس سربازی را به آخر رسانید.

محمدزاده که از سال ۱۹۷۵ به جرگه ملی پوشان کشتی فرنگی پیوسته طول سه سال گذشته در دو مسابقه بزرگ جهانی و المپیک سالهای ۱۹۷۵و۱۹۷۶ شرکت داشته، بزرگترین پیروزی او قهرمانی درجام طیاریالاز در سال ۱۳۵۴ بود، سوای این موفقیت محمدزاده در مسابقه های این دوره جام طیاریالاز نیز بمقام دوم رسید.

اگر سال پیش محمدزاده را در صف کشتی گیران باشگاه پهلوی دیدیم، امسال بخاطر کنار کشیدن باشگاه پهلوی، معلوم نیست او در تور کدام صیادی صید خواهد شد ولی بهرشکل او با به پایان رساندن خدمت مقدس سربازی از اول خردادماه برنامه تازه‌ای برای رسیدن به عنوانهای پرشکوه کشتی را آغاز خواهد کرد.

ورزشکاران، در کمین شهرداران

اگر شهرداران در تامین زمین وامکانات ورزشی برای جوانان همتی نمی کنند، و قدمی برنمی دارند، برخی از جوانان هم بلدند که چه جوری دامن شهرداران را با احترام بگیرند، و در ملاعام از آنها بخواهند، که برایشان زمین و امکانات ورزشی بسازند:

«هفته پیش، هنگامی که جناب‌زاده شهردار شمیران از منطقه «شاه آباد» دیدن می کرد، جوانان «شاه آباد» شمیران که روی سنگلاخ فوتبال تمرین می کردند، بمحض خبر یافتن از حضور شهردار در «شاه آباد» سراغ او رفته، ۳هزارمتر زمین از آقای جناب‌زاده گرفتند، و از وی خواستند که دستور تسطیح زمین را هم بدهد.

شهردار زمین را داد، و دستور آغاز کارلودرها و بولدوزرها را هم داد، و مرمت و تسطیح زمین آغاز شد، و بچه های ورزشکار، از بی سروسامانی نجات یافتند.

انشاءالله که جوانان محلات دیگر و شهرهای دیگر هم در کمین بازدید شهرداران از ساختمانهای بی پروانه و با پروانه و یا بازدیدهای دیگرشان بنشینند، و هرانچه در زمینه ورزش از شهرداران میخواهند، بگیرند!

جیمزباند فوتبال تهران

در فوتبال تهران هر جا اعتراضی میشود، همه نگاه به دهان ایرج چاوشی، سرپرست این بازیها دارند که زودتر از همه درباره‌ی این مسائل قضاوت میکند.

از روز اول که مسابقات جوانان تهران شروع شد خیلی ها به حرف های او ایراد گرفتند. روی هر کارت یا شناسنامه یی که ایراد بگیرد یک اشکالی در آن هست و آنقدر به فوت و فن این کار وارد است که او را جیمزباند فوتبال تهران میشناسند.

وقتی تیم افشین روی بازیکن بانک اعتراض کرد، او بود که آنرا مردود شناخت و زمانی که بازیکن فردوسی (باغی) مورد اعتراض مربی شهباز قرار گرفت، باز هم چاوشی بود که او را با سئوالهای پلیسی‌اش به تته پته انداخت.

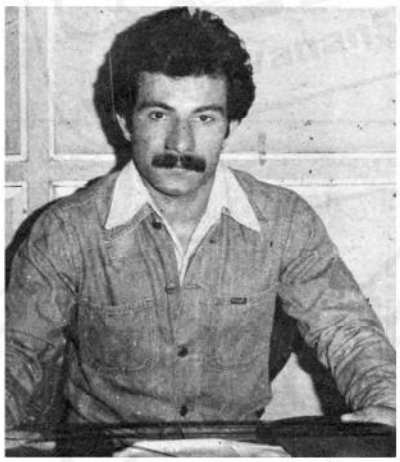
بندرعباس هم‌عوارض ورزشی درست کرد!

درپی انتشار مصوبات چند انجمن شهر، مبنی بروصول عوارض از ترياکيها، خبرشديم که انجمن شهرستا بندرعباس نيز برواردات مشروبات الکلی عوارض و ض کرد.

بموجب تصويبنامه انجمن شهرستان بندرعباس از هرکارتن مشروبات الکلی که به اين شهروارد ميشود. ۱۰ تا ۵۰ تومان عوارض برای گسترش ورزش بندرعباس گرفته خواهد شد.

اعضای انجمن هنگام بحث درباره علت وضع چنين عوارضی بودجه ورزش بندرعباس را خيلی ناچيز و ضعيف دانسته‌اند، وگفته‌اند ،که بايد اين بودجه افزايش يابد.

اين انجمن ضمن وضع ۱۰ تا ۵۰ تومان عوارض بنفع ورزش وصول ۱۰۰ تا ۲۰۰ تومان عوارض از هرکاميون کالاکه وارد بندرعباس ميشود راهم تصويب کرده‌اند، اما اين عوارض که سه، چهار برابر عوارض اولی است. بنفع ورزش نيست، بلکه بنفع سازمان پيشاهنگی است، بنابراين ملاحظه ميکنيد که در مسابقه وضع عوارض هم، ديواری پائين تراز ديواروورزش نيست!! ونگاه کنيد که چه مسابقه های شروع شده است، عوارض، پشت عوارض ولی نتيجه چی؟



برادران هم به فرانسه میرود

محمود برادران، مشتزن تیم ملی هم به فرانسه میرود، تاتحصیلات خودرا تواما با ورزش مشتزنی ادامه دهد. پیش از برادران، فرشید انتقامی به چنین کاری دست زد و به فرانسه رفت، وگویا پس از برادران مشتزن مشهدی ما، یک ملی پوش مشتزنی را هم بسوی خود خواهد کشید، محمود برادران، در مدت کوتاهی در رینگ، خودی نشان داد، و دراوزان ۵۴ و ۵۷ کیلو، بارها و بارها، مبارزات دیدنی کرد، امیدواریم که این سفر از هرنظر برای اوموفقیت آمیز باشد...

تبریکات

جناب آقای دکتر بطحائی استاندار محبوب استان بوشهر

حسن انتخاب شایسته جناب آقای صمیمی را بسمت دبیر شورای ورزش استان بوشهر تبریک عرض مینمائیم.

برازجان. باشگاه ورزشی پرسپولیس و برق - ایمنی و رئیسی.

جناب آقای مهندس ادب
جناب آقای عباس مقدس‌زاده - جناب آقای حیدری

انتخاب شایسته آنجناب را به نمایندگی ورزشکاران بسکتبال کردستان صمیمانه تبریک گفته، موفقیت جنابعالی را آرزو می نماید

سنندج - محمود مردوخی، رئیس هیئت بسکتبال کردستان

جناب آقای صمیمی دبیر محترم شورای ورزش آستان بوشهر

حسن انتخاب آقای علیمحمد مقصودی را بسرپرستی دبیر خانه شورای ورزشی شهرستان دشتستان تبریک میگوئیم.

برازجان باشگاه ورزشی پرسپولیس و برق - ایمنی و رئیسی.

جناب آقای مشحون ریاست محترم فدراسیون بسکتبال ایران

انتخاب شایسته آقایان مهندس ادب، عباس مقدس‌زاده، و حیدری را به نمایندگی ورزشکاران رشته بسکتبال بجنابعالی تبریک، برای آنجناب آرزوی موفقیت دارد

سنندج - محمود مردوخی، رئیس هیئت بسکتبال کردستان

جناب آقای عباس مقدس‌زاده

انتصاب شایسته وبجای آن جناب را بعنوان رئیس کمیته داوران بسکتبال ایران صمیمانه تبریک گفته توفیق روزافزون جنابعالی را پیوسته آرزومندیم.

مسجد سلیمان - خرسندی - حبیبی

استاندار محبوب استان بوشهر

حسن انتخاب شایسته جناب آقای صمیمی را بسمت دبیر شورای ورزشی استان بوشهر تبریک میگویم.

برازجان. احمد قنبری.

جناب آقای صمیمی دبیر محترم شورای ورزش آستان بوشهر

حسن انتخاب آقای علیمحمد مقصودی را بسرپرستی دبیرخانه شورای ورزشی شهرستان برازجان تبریک میگویم.

برازجان احمد قنبری.

اطلاعیه اداره کل امور ورزشی وتفریحات سالم کارگران وزارت کار و امور اجتماعی

(تشکیل کلاس کشتی برای کارگران)

بمنظور توسعه رشته کشتی بین کارگران اداره کل امور ورزشی کارگران وزارت کار وامور اجتماعی درادامه برنامه‌های قبلی با همکاری فدراسیون کشتی ایران کلاسهای متعدد کشتی برای کارگران ترتیب داده است.

این کلاسها برای نوجوانان، جوانان و بزرگسالان بطور جداگانه تشکیل خواهد شد و آقایان واعظی، مهرآموز، کوهکن و علیزاده قهرمانان سابق کشتی کلاسها را اداره خواهند کرد. کارگران علاقمند به فرا گرفتن فنون کشتی برای ثبت نام میتوانند روزهای شنبه - دوشنبه و چهارشنبه از ساعت ۲ تا ۵ بعد از ظهر به استادیوم ورزشی کارگران واقع درخیابان خزانه مراجعه نمایند.

اکازیون‌های هفته

شنبه‌ها

خرید - فروش - اجاره

آپارتمان - خانه - ویلا - زمین - باغ - مغازه - معاملات پول و...

آدرس و شماره تلفنهای سالنهای پذیرائی

رادر

نیازمندیهای روزنامه اطلاعات

مطالعه فرمائید

تسلیت

آقای محمدحسین قیامت داور بین‌المللی کشتی

با نهایت تأسف در گذشت پدر گرامیتان را تسلیت گفته و از پروردگار متعال بقای عمر جنابعالی و خانواده تان را خواهانیم

کمیته داوران فدراسیون کشتی ایران

آتلانتیک - دیانا

براساس قصه‌ای از غلامحسین ساعدی

عزت‌الله انتظامی. علی نصیریان. فروزان
بهمن فرسی. اسماعیل محمدی
و سعید کنگرانی

فیلمی از داریوش مهرجوئی

رایمونا



مدیر فیلمبرداری: هوشنگ بهارلو
سناریو: غ. محسین ساعدی - داریوش مهرجوئی
تولید از فیلم، شرکت خدمات سینمائی وزارت فرهنگ و هنر، شرکت نگاه ویدئو سینما آکران ایران

والیبال جام سوم
پاسارگاد - روز پانزدهم

تاج تکلیفش را با «جام» روشن کرد

تاجی ها کار قهرمانی خود را در روز پانزدهم تمام کردند وحالا در فاصله سه روز پایان بازیها، دیگر ابهامی در «صیدجام» از سوی این یاران نیست. وپیروزی ۳-۰ برابر ذوب آهن در واقع حکم قهرمانی «تاج» بود که یکشنبه پیش در پایتخت بر آن مهر تائید خورد ودر پی این پیروزی، شرایط برای تاج به شکلی در آمده که حتی سه شکست ۳-۰ در سه دیدار باقیمانده نیز این تیم را از قهرمانی دور نمیکند.

وکش وقوس در مکانهای بالا، بر سر عنوانهای دوم تا چهارم است که ایرانا، ذوب آهن ودخانیات تهران برای چگونگی تقسیم آنها رقابت دارند. وضمن اینکه تا بدینجای راه «ایرانا» بالاتر از ایندو رقیب مکان دوم را زیر سایه خود دارد، اما در حفظ این مکان کاری سخت خواهد داشت، چه حریفانش در سه مصاف آخریش تاج، دخانیات تهران ومخابرات میباشند در حالیکه ذوب آهن بایستی به میدان دیدار لیفت تراک سازی، ساندیس ودخانیات اصفهان برود واینکه دخانیات تهران بتواند از جای چهارمی بالاتر بیاید. دشوار بنظر میرسد.

با گذشت ۱۵ روز از بازیها تاج با ۳۰ امتیاز، حداکثر امتیازات را از دیدارهایش جمع آوری کرده، در عین اینکه با ۴۵ گیم برده وفقط ۴ گیم باخته کار نامه ای دلپذیر برای خود ساخته است.

در پی صدر نشین، ایرانا با ۲۷ امتیاز گام برمیدارد ومکان سوم هم زیر سایه ذوب آهن است که ۲۵ امتیازی میباشد. وتحت این حال وروز، حتی شکست تاج در سه مسابقه باقیمانده وپیروزی تعقیب کنندگانش بهر شکل که باشد، باز هم در حساب گیم شماری «نتیجه» بسود تاج خواهد شد. ضمن اینکه باخت ۳-۰ تاج در سه مسابقه آخرش چیزی شبیه معجزه وبعید بنظر میرسد.

تاجی ها از نیمه راه بازیها صحبت از قهرمانیش بود وحالا همه چیز رنگ واقعیت بخود گرفته است.

بازیها

هفته پیش تبریز وتهران شاهد برگزاری ۴ دیدار بودند، که پیش از اینها در ۵ شنبه دو هفته قبل ساندیس ومخابرات در اولین مسابقه روز پانزدهم روی دررو هم قرار گرفتند که پیروزی ۳-۲ از آن میزبان شد.

ودر برابر انجام این ۵ دیدار، بازی دخانیات تهران ودخانیات اصفهان به تعویق افتاد ودلیل آنهم در دست تعمیر بودن سالن ۲۵ شهریور اصفهان است که کف آن مورد ترمیم میباشد وفعلا بازیها در آنجا تعطیل است.

در تهران

✱ بازی تاج وذوب آهن در گیمهای اول ودوم هیجانی گیرا برای تماشاگرانش داشت وتاج هم در حالی ایندو گیم را با پیروزی به آخر برد که کار آسانی نداشت.

وذوب آهن اگر چه در حد قدرت قابل انتظار از نام ومهره هایش ظاهر شد، اما میکوشید سرسخت باشد وتا حدی هم در کارش موفق نشان داد که بهرحال از این تلاشش جز پیش رفتن تا مرز امتیازات ۸ و۱۱ در دو گیم چیزی بیشتر نصیبش نگردید. ودر پی ایندو گیم خوب، گیم سوم سریع وآرام وبا حالت تسلیم پذیری از ذوب آهن به آخر برده شد.

✱ بازی دیگر از روز پانزدهم در تهران را ایرانا وراه آهن برگزار کردند که پیروزی در سه گیم از آن یاران تیم تهرانی شد.

راه آهن دیر بازیست که «غولی» بنام اختلاف در خود داشته که هرگاه سر برافراشته همه چیز را در هم پاشیده وبا خفتن موقت او آرامش وجود داشته، ولی این غول هیچگاه کشته نشده وحالا هم از آن دورانی است اختلاف نقشی قابل احساس در این تیم دارد وچندی است راه آهن چند یار موثر خود را در کنارش نمی بیند وبا چنین حال وروزی شکست ۳-۰ برابر ایرانا چندان دور از انتظار نمیتوانست باشد.

دیدار همشهریها

✱ بازی دو همشهری تبریزی را لیفت تراک سازی ۳-۰ برد، واین طبیعی بنظر میرسید ضمن اینکه مصاف ایندو هم نتوانست برای تماشاگرانش دلچسب باشد. تراکتورسازان میکوشیدند تا مقابل حریف پرتوان خود حرفی برای گفتن پیدا کنند ولی تنها سخت کوشی برای جمع آوری امتیازات کافی نبود.

✱ دخانیات تهران که بازیش در اصفهان برابر دخانیات این شهر بتعویق افتاد، به تبریز رفت تا مسابقه عقب افتاده اش از روز یازدهم را برابر تراکتور سازی برگزار کند که با پیروزی ۳-۰ در آن به تهران بازگشت. با این اشاره به اینکه تراکتور، برخلاف بازی با لیفت تراک این بار سیمائی استوار داشت وحتی یک گیم هم از حریف پرتوانش گرفت.

✱ وپیش از همه اینها ساندیس مخابرات بازی اول روز پانزدهم را برگزار کرده بودند که این طولانی ترین جدال همه میدانها بود وپیروزی ۳-۲ به ساندیس رسید.

برنامه روز شانزدهم

شنبه ۱۶ اردیبهشت: ✱ تراکتورسازی - ساندیس (۵/۵ عصر - تبریز) ✱ مخابرات دخانیات اصفهان (۵/۵ عصر - بابل) ✱ ذوب آهن - لیفت تراک سازی (۵/۵ عصر - اصفهان) ✱ ایرانا - تاج ۵/۵ عصر - تهران).

ساندیس ۳ - مخابرات ۲

رضائیه: پنجشنبه ۷ اردیبهشت ۳۷ - تالار کوروش بزرگ (سومین دوره والیبال جام پاسارگاد - روز پانزدهم) ساندیس رضائیه ۳ (گیم های دوم: ۱۵-۱۲ چهارم: ۱۵-۱۲ پنجم: ۱۵-۱۱) مخابرات مازندران ۲ (گیم های اول: ۱۵-۱۲ سوم: ۱۵-۱۱) سرداور: رضاهدایتی. داور: عباس جلایر. داوری نامتعادل، بازیکن اخطاری: رحیم قارصی کاپیتن ساندیس. تماشاگر ۲هزار تن درآمد ۴هزار تومان.

ساندیس رضائیه: رحیم قارصی (کاپیتن) (۳) ابراهیم وطن پرست (۴) حمدالله تقی پور (۲) ابراهیم قادر (۳) رسول حاج رمضانی (۳) یحیی بلوری (۳) رسول بنایی (۳) تورج خطیب شهیدی (۲) پرویز رسولی وند (۳) مربی: نعمت صمدیان.

مخابرات مازندران: شکرالله ملوکی «کاپیتن» (۳) ارژنگ مهاجر (۳) قباد سوادکوهی (۲) حسن منصوری (۳) رمضان قاسمی (۳) قاسم ناتیچی (۱) قاسم مرآت (۲) اسماعیل پاکدامن (۳) مربی: احمدطبری.

ایرانا ۳ - راه آهن صفر

✱ سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۲۵۳۷ شاهنشاهی - تهران - سالن مهران (والیبال جام سوم پاسارگاد - روز پانزدهم) ایرانا ۳ (گیمها ۱۲-۱۵، ۱۶-۱۴، ۱۵-۸، ۱۵) - راه آهن صفر. سرداور: کاوه سرحدی. داور: حسین علائی. تماشاگر حدود ۱۰۰ تن.

ایرانا: هوشنگ ملک لو، جواد محتشمیان، امیر حیدری، خسرو نیاکیان، ناصر نظافت دوست، جمال شاه حسینی - حسن جبلی: مربی: دارابیان.

راه آهن: محسن جوان، حمید شانیکی، مسعود قاضی آذری، عباس صادقی، کاظم جلال نژاد، اصغر هنرور - کاظم معین دیرباری. مربی: جعفری

تاج ۳ - ذوب آهن صفر

✱ یکشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه - تهران - سالن مهران (والیبال جام سوم پاسارگاد - روز پانزدهم)، تاج ۳ (گیمها ۱۵-۸، ۱۵-۱۱، ۱۵-۵، ۱۵-۱۰) ذوب آهن صفر. سرداور: رضاهدایتی، داور: عزت رحمتی، تماشاگر حدود ۲۰۰ تن.

تاج: مصطفی ذوقی، علی تارزونی، احمدپور کاشیان، حسن شمشیری، منوچهر اخشین، پرویز کاظمی - مهدی صابرپور، مربی: فخرالدینی.

ذوب آهن: محمود محب، هاشم صفائیان، حسن حسینی، اصغر رزاقی، رضا صمدی، مرتضی ماموریان - حسن رهنما، احمداد، مربی: ورد.

لیفت تراک سازی ۳ - تراکتورسازی صفر

✱ تبریز - شنبه ۹ اردیبهشت ماه ۳۷ - تالار ورزشی رضا پهلوی (سومین دوره والیبال جام پاسارگاد - روز پانزدهم) لیفت تراک سازی تبریز ۳ (گیم های اول ۴-۱۵ دوم ۴-۱۵ سوم ۱۳-۱۵) تراکتورسازی تبریز صفر. سرداور: محمدباقرزاده داور: قدرت رحمتی. داوری خوب. تماشاگر ۴۰۰ تن. درآمد ۱۶۰۰ تومان.

لیفت تراک سازی: یدالله کارگرپیشه «کاپیتن» (۳)، قاسم تاجری (۳)، حسین آبادی (۳)، حسین باقرزاده (۳)، بهروز معالی (۲)، احمدنعمت زاده (۲)، محمدحسین غیاثی (۱)، خلیل رستم نژاد (۱) مربی: کارگرپیشه.

تراکتورسازی: حبیب طهوری «کاپیتن» (۲)، سعیدامینی (۲)، محمدخامنه یان (۳)، اردشیر بذرافشان (۲)، رحیم فیروزی (۲)، جمال نیلوفری (۳)، علی بهبودی (۲)، باقر نصیرزاده (۱)، مربی احمدخواجه نصیری.

دخانیات تهران ۳ - تراکتورسازی ۱

تبریز: دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۳۷ - تالار ورزشی رضا پهلوی «سومین دوره والیبال جام پاسارگاد - بازی عقب مانده هفته دوازدهم» دخانیات تهران ۳ «گیم های اول ۹-۱۵ سوم ۴-۱۵ چهارم ۹-۱۵».

تراکتور سازی تبریز ۱ گیم دوم ۱۳-۱۵». سرداور: محمود کشفی. داور: جواد امینی. تماشاگر ۱۵۰ نفر.

دخانیات تهران: محمود چابچی «کاپیتن» (۳) عزیز پرتوی (۲) نادر پاک رو (۳) علی مؤذن (۳) اصغر تیمورنیا (۱) مربی: حسن کرد.

تراکتورسازی تبریز: حبیب طهوری «کاپیتن» (۲) سعید امینی -۴- محمدرضا خامنه یان (۳) اردشیر بذرافشان (۲) جمال نیلوفری (۲) باقر نصیرزاده (۲) محمدصادقی (۱). مربی: احمدخواجه نصیری.

رده بندی

تیم	بازی	برد	باخت	«گیم برد»	گیم باخت»	امتیاز
۱- تاج	۱۵	۱۵	-	۴۵	۴	۳۰
۲- ایرانا	۱۵	۱۲	۳	۳۹	۱۸	۲۷
۳- ذوب آهن	۱۵	۱۰	۵	۳۳	۲۷	۲۵
۴- دخانیات	۱۴	۹	۵	۳۱	۱۹	۲۳
۵- لیفت تراک	۱۳	۸	۵	۲۹	۲۴	۲۱
۶- مخابرات	۱۴	۵	۹	۲۱	۲۶	۱۹
- راه آهن	۱۴	۵	۹	۲۵	۳۳	۱۹
- ساندیس	۱۴	۴	۱۰	۲۱	۳۴	۱۸
۹- تراکتورسازی	۱۷	۲	۱۵	۱۶	۴۶	۱۸
۱۰- دخانیات اصفهان	۱۳	۲	۱۱	۱۴	۳۶	۱۵

گوناگون

جلسه مشترک برای بسکتبال

هفته گذشته هیئت رئیسه فدراسیون بسکتبال کشور و مسئولین تربیت بدنی آموزش و پرورش استان تهران در جلسه‌ای که در محل فدراسیون بسکتبال ترتیب داده شد، شرکت کردند.

این جلسه در پی تقاضای مسئولین ورزش آموزش و پرورش برای ایجاد هماهنگی و همکاری همه جانبه با فدراسیون بسکتبال در این ورزش انجام گرفت و پس از این نشست تصمیمات زیر گرفته شد.

* سالنها و زمین های بسکتبال که در پی انحلال سازمان تربیت بدنی سابق به وزارت آموزش و پرورش سپرده شده در اختیار فدراسیون قرار خواهد گرفت و فدراسیون نظارت کامل بر استفاده این سالنها با کمک تربیت بدنی آموزش و پرورش خواهد داشت.

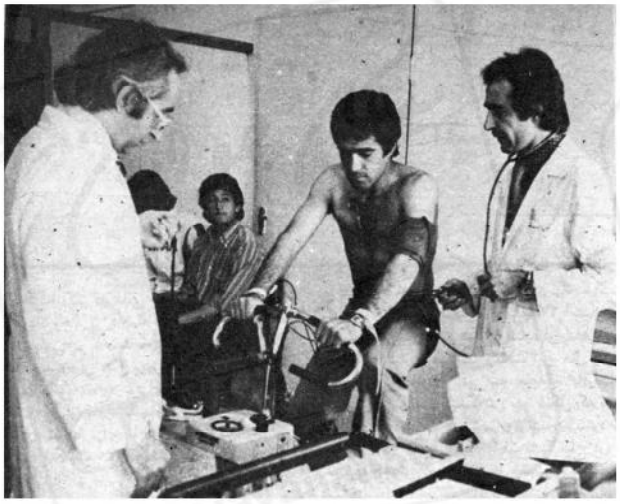
* افرادی که قرار است از طرف فدراسیون برای راهنمائی معلمین ورزش انتخاب شوند، بایستی از بهترین ها باشند و دارای شرایط خوب بدنی و همچنین در سطح خوبی از بسکتبال قرار گرفته باشند.

* هر ناحیه از نواحی نوزده گانه پایتخت طبق گفته تربیت بدنی آموزش و پرورش بایستی ۱۰ تیم در اختیار فدراسیون قرار دهد که این تیمها زیر نظر مربیان فدراسیون تمرینات خود را در سالنهای مزبور انجام دهند. ضمن اینکه از میان بهترین‌ها، تعدادی به اردوی تیم‌ملی جوانان دعوت می شوند تا شانس خود را برای پوشیدن پیراهن تیم ملی جوانان بیازمایند.

ضمنا نتیجه اولین همکاری فدراسیون و آموزش و پرورش تشکیل کلاس داوری برای معلمین آموزش و پرورش میباشد که از بعد از ظهر امروز کار آن شروع گردید.

۵۲ تن در این کلاس شرکت دارند که بمدت ۱۰ روز، زیر نظر عباس مقدس زاده رئیس کمیته داوران فدراسیون بسکتبال در سالن فردوسی دوره می بینند.

در ضمن قرار شد آموزش و پرورش از وجود بازیکنان تیم ملی برای تمرین و آموزش جوانان استفاده نماید.



حسن روشن هنگام آزمایش مقاومت روی دوچرخه ثابت در مراسم معاینه بازیکنان تیم ملی

ملی پوشها، از سرتاپا معاینه شدند

هفته گذشته فوتبالیست های حاضر در اردوی تیم ملی ایران، مورد «چک آپ» کامل قرار گرفتند و تحت ۲۳ نوع آزمایش از هر جهت معاینه های پزشکی روی آنها انجام پذیرفت.

این کار زیر نظر چهار متخصص در پلی کلینیک کاخ وابسته به شبکه شماره ۴ وزارت بهداری و بهزیستی صورت پذیرفت تا مهره های ملی پوش در آستانه سفر به فرانسه و در روزهائی دورتر برای رفتن به آرژانتین اگر نشانه هائی نگران کننده از جهت جسمی درخود دارند، برطرف گردد.

معاینات کلی شامل: خون، نوار قلب، ادرار، اندازه میزان هوای ششها، قدرت مقاومت برابر خستگی های مختلف، معاینات چشم و گوش و حلق و بینی، دندان، عکسبرداری از ریه ها می شد.

«جام» چهارم تنیس «دنیای ورزش»

چهارمین دوره مسابقات تنیس جام دنیای ورزش که یکبار دیگر در قالب نخستین نشانه های تلاش این ورزش در سراغاز فصل، برپا گردیده است، ضمن پشت سرگذاردن پنجمین روز دیدارهایش، در قسمت های انفرادی به مرحله نهائی رسید.

مجله دنیای ورزش که بانی و مبتکر این دوره مسابقه های تشویقی تنیس میباشد، امسال در شرایطی چهارمین دوره این مسابقه ها را با همکاری فدراسیون تنیس برگزار میکند، که با برپائی این مسابقه ها آغازی جذب کننده - برای این فصل بوجود آورده است.

ضمن اینکه بطور کلی این «مسابقات» بخاطر استقبال فراوان علاقمندان و قهرمانان این رشته چنان مورد توجه قرار گرفته که فدراسیون تنیس ایران، آن را در رده ۴ برنامه رسمی سالیانه خود قرار داده است.

امسال مبارزات تنیس در ۵ رشته بمرحله انجام درآمد که عبارتند از: انفرادی مردان، انفرادی زنان، دوبل مردان، میکس دوبل (مختلط) و انفرادی نوجوانان تا ۱۵ سال.

بهرحال پس از گذشت ۵ روز از بازیها ضمن رویدادهای جلب کننده‌ای که دیدارها درخود داشتند، چهره های فینالیست انفرادی گروه دختران شناخته شدند که پروانه خیل تاش و مرجان اسکونی دیدار پایانی را برگزار می نمایند.

در گروه مردان نیز چهار چهره برتر باقیمانده که سرنوشت قهرمانی را در گروه دیدارهای خود دارند، (محرم خدائی، منصور بهرامی، کامبیز درفشی جوان و عباس دهقانی) باقی مانده اند که رقابت فشرده ای برسر کسب مقام قهرمانی دارند. از نکات جالب توجه مسابقات مردان حذف شدن عبداله صالح چهره سرشناس تنیس است.

نتایج دیدارهای انجام شده در روز پنجم بشرح زیر می باشد.

انفرادی مردان:

* عباس دهقان با عبدالله صالح ۱ـ۶ و ۴ـ۶ دهقانی.
* منصور بهرامی با هادی صالح ۴ـ۶ و ۴ـ۶ بهرامی.

انفرادی بانوان:

* پروانه خیل تاش با فرح هداوند ۵ـ۷ و ۲ـ۶ خیل تاش.
* مرجان اسکونی با معصومه معین پور ۲ـ۶ و ۲ـ۶ اسکونی.

انفرادی نوجوانان زیر ۱۵ سال:

* حسین غفاری با کاظم بازافکن ۵ـ۷ و ۰ـ۶ بازافکن.
* صادق بازافکن با عوض شرافتی ۱ـ۶ و ۲ـ۶ شرافتی.
* جهانبخش سوری با محمد صوفی آبادی ۱ـ۶ و ۲ـ۶ سوری.
* شهرام میرحسینی با هارش ۰ـ۶ و ۵ـ۷ میرحسینی.
* علی اکبر فرخ نیا با رضا قادری ۶ـ۸ و ۰ـ۶ قادری.
* محمد سودآوند با رحیم بهزاد پور ۱ـ۶ و ۰ـ۶ سوداوند

حسن کوهستانی باعلی خلیلی ۱ـ۶ و ۱ـ۶ کوهستانی.

* حسین خلیلی با ایر، ادوارد ۱ـ۶ و ۲ـ۶ ادوارد.

از این گروه تقی زرین کلاه، اکبر حسین زاده، جعفر توکلی، امیرتکش بخاطر غیبت حریفانشان به پیروزی بدون مسابقه رسیدند.

دوبل مردان:

بیژن دریابانی و علی بامشاد با عباس حسین زاده و جوادطاهری ۲ـ۶ و ۱ـ۶ حسین زاده و طاهری، عبدالله صالح و مصطفی صالح با سلیمانی و رهبری ۰ـ۶ و ۰ـ۶ عبدالله و مصطفی صالح محرم و فرج خدائی با ادب و بشارت ۰ـ۶ و ۴ـ۶ محرم و فرج خدائی.

انفرادی مردان:

* عباس دهقانی با عبدالله صالح ۱ـ۶ و ۴ـ۶ دهقانی.
* منصور بهرامی «هادی صالح ۴ـ۶ و ۴ـ۶ بهرامی.



مرجان اسکونی



پروانه خیل تاش

لجستیک قهرمان شد

مسابقه های کشتی آزاد نیروی زمینی مقیم مرکز با شرکت ۵۰ برگزیده از واحدهای هوانیروز ـ لجستیک ـ دژبان ـ توپخانه ـ کادر فرح آباد ـ نوحد ـ دانشگاه جنگ ـ دانشکده افسری طی دو روز در باشگاه پهلوی انجام شد و مبارزات با پیروزی تیم کشتی لجستیک به آخر رسید.

مجتبی نیویه مربی جوان و پرتلاش کشتی نقشی چشم گیر در پیروزی کشتی گیران لجستیک داشت

تربیت بدنی نیروهای مسلح شاهنشاهی که تابستان امسال میزبان کشتی گیران برگزیده ارتشهای جهان می باشد، برای این که بهترینهای کشتی ارتش را بمصاف رقبای خارجی بفرستد، ابتدا با برگزاری مسابقه های واحدها، به بازشناسی قدرت خود پرداخته تا تصویر آینده را روشن تر رویت کند.

اگر دیدارهای این مرحله را گام نخست برای شناسائی تیم ارتش شاهنشاهی بدانیم، قدم دوم در تبریز برداشته خواهد شد و طی روزهای ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت ماه برگزیدگان یکانهای نیروی زمینی شهرستانها به مقابله خواهند پرداخت.

انتخاب شدگان مبارزات تبریز در کنار سایر منتخبین واحدهای مختلف در روزهای اول تا پنجم خرداد ماه مرحله نهائی را به انجام میرسانند.

بهر شکل با چنین خصوصیاتی باشگاه پهلوی شاهد مبارزات کشتی گیران نیروی زمینی مقیم تهران بود که وجود بزرگانی چون ابوالفضل انوری ـ حمید علیدوستی ـ مصر زینعلی زاده ـ هاشم کلاهی صحنه مبارزات را گرم کرده بود.

ابوالفضل انوری که بخاطر نیاز تیم لجستیکی بار دیگر به میدان گام گذارده بود، در شرائطی در صدر قرار گرفت که حریفی تهدید کننده چون ایرج هدایتی قهرمان کشتی فرنگی ایران را در روبرو داشت.

این مبارزات که بین دو نسل قدیمی و جوان کشتی انجام شد، با پیروزی انوری به آخر رسید، گرچه انوری چیزی تا سه اخطاره شدن فاصله نداشت ولی پیروزی ۲ـ۶ انوری حاکی از قهرمانی او بود.

مبارزه حساس دیگر را حمید علیدوستی و مصر زینعلی زاده کشتی گیران آشنای تیم ملی انجام دادند، این دو که بخاطر نیاز تیم های وابسته در ۱۰۰ کیلو شرکت کرده بودند دیدار نهائی را برای رسیدن به مقام قهرمانی انجام دادند که مبارزه نزدیک و فشرده آنها ۵۵ به آخر رسید و این علیدوستی بود که بواسطه کسب اولین امتیاز به عنوان مرد پیروز معرفی شد.

هاشم کلاهی ملی پوش نامدار کشتی فرنگی آسوده بال از کمند رقبا گذشت و با برتری قابل توجهی درصدر قرار گرفت، در وزنهای سبک در غیاب نامداران مبارزات شکل دلپذیرتری داشت با این خصوصیات رده بندی نهائی از این قرار اعلام شد.

رده بندی

۴۸ کیلو: ۱ـ محمد ترکمن (توپخانه) ۲ـ حمید رسولی (هوانیروز)

۵۲ کیلو: ۱ـ حمید کاظمی (هوانیروز) ۲ـ علیرضا پیمانقر (لجستیک) ۳ـ ناصر احمدی (کادر).

۵۷ کیلو: ۱ـ مرتضی اسماعیل زاده (دانشگاه جنگ)) ۲ـ رضا رمضانی (لجستیک) ۳ـ غلام بادگر (هوانیروز)

۶۲ کیلو: ۱ـ سعید فره وشی (دژبان) ۲ـ اشرف ده حقی (لجستیک) ۳ـ داود عباسی (هوانیروز)

۶۸ کیلو: ۱ـ خسرو خالگیران (لجستیک) ۲ـ علی اکبر قدیم خانی (کادر) ۳ـ پرویز میرزائی (دانشکده)

۷۴ کیلو: ۱ـ محمود کاظمی (لجستیک) ۲ـ رستم رضائی (هوانیروز) ۳ـ خسرو رحمانی (نوحد)

۸۲ کیلو: ۱ـ داود نقوی پور (دژبان) ۲ـ محمد حسینی خورشیدی (توپخانه) ۳ـ مجتبی اقبالی (لجستیک)

۹۰ کیلو: ۱ـ هاشم کلاهی (لجستیک) ۲ـ مطلب بکان (دژبان) ۳ـ داود پرورش (هوانیروز)

۱۰۰ کیلو: ۱ـ حمید علیدوستی (لجستیک) ۲ـ مصر زینعلی زاده (کادر) ۳ـ حسین قوامی (توپخانه)

+۱۰۰ کیلو: ۱ـ ابوالفضل انوری (لجستیک) ۲ـ ایرج هدایتی (دژبان) ۳ـ عباس براتی (توپخانه).

به این ترتیب تیم کشتی لجستیک با ۴۲ امتیاز به مقام قهرمانی رسید و تیم های دژبان با ۲۶، هوانیروز با ۲۵، توپخانه با ۲۵، کادر با ۱۴ و دانشکده افسری با ۱۱ امتیاز عنوان های بعدی را تصاحب کردند.



امیر اتابک، قهرمان بسکتبال ناحیه ۳ تهران

تیم بسکتبال مدرسه راهنمایی امیراتابک، پس از پیروزی های پیاپی در مسابقه های آموزشگاههای ناحیه ۳ تهران که با شرکت ۱۶ تیم انجام گرفت، بمقام قهرمانی ناحیه دست یافت.

این تیم را خانم فرح کاشفی مربی ورزش مدرسه راهنمایی امیراتابک رهبری میکند.

بازیکنان امیراتابک در مبارزات خود برابر حریفان، نمونه هایی از مهارت و آمادگی را بنمایش نهادند.

درعکس، آقای ایرج دادمند رئیس مدرسه، خانم کاشفی مربی باتفاق بازیکنان تیم بسکتبال قهرمان ناحیه ۳ دیده میشوند



مزینی قهرمان مدارس ناحیه ۸ تهران همراه رهبری دبیر ورزش و سیف الدینی رئیس تربیت بدنی ناحیه

مزینی قهرمان والیبال و بسکتبال ناحیه ۸ تهران

مسابقات والیبال و بسکتبال مدارس راهنمائی تحصیلی ناحیه ۸ آموزش و پرورش تهران که از چندی پیش آغاز شده بود پایان گرفت و تیمهای بسکتبال و والیبال راهنمائی تحصیلی مزینی در هر دو رشته قهرمان ناحیه شناخته شد.

بازیکنان تیم والیبال مدرسه راهنمائی مزینی قهرمان مدارس ناحیه ۸ تهران در سال ۳۷ـ۲۵۳۶ را این افراد تشکیل می دهند:

امیر بابا اوغلی، قاسم توحیدی، مجید فاخری، داریوش حاجی قدیری، محمد تقی مویدی، علی بابا اوغلی، مسعود بابائی، سید حسین حسینی، علی دوانگه و وحید معینی.

تیم بسکتبال راهنمائی مزینی از این افراد تشکیل شده بود:

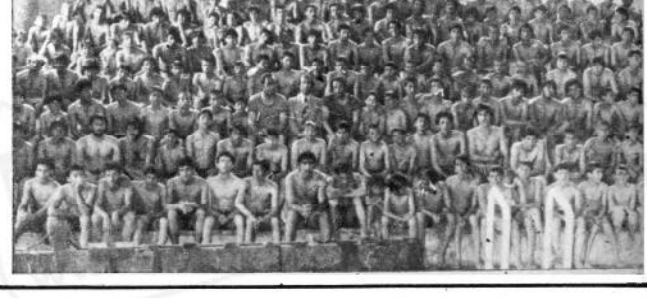
امیر رجب پور، محمد رضا افراشته، مسعود کمالی، علیرضا صمدیه، هوشنگ انصافی، مسعود نیک، اسماعیل طحانی، مهدی کشاری، علی مرادی، مسعود آقا شریف، علی داد مرزی و فرهاد بهرامی.

آموزش رایگان شنا برای دانش آموزان اصفهان

اداره تربیت بدنی کل آموزش و پرورش اصفهان برای اشاعه و گسترش ورزش شنا در سطح آموزشگاهها طرحی وسیع پی ریزی کرده که شناگران جوان دبستانها و آموزشگاهها با یک برنامه حساب شده به فراگیری فن شنا مشغول شوند.

ـ بموجب برنامه تنظیم شده اداره تربیت بدنی کل آموزش و پرورش اصفهان، هفته ای شش روز اختصاص به آموزش علاقمندان این رشته داده شده است، که روزهای شنبه ـ دوشنبه و چهارشنبه اختصاص به دانش آموزان ابتدائی و راهنمائی دختران و روزهای یکشنبه ـ سه شنبه و پنجشنبه خاص دانش آموزان ابتدائی و راهنمائی خواهد بود.

برای این برنامه استخر سرپوشیده رضا پهلوی مد نظر قرار گرفته که همیشه مملو از داوطلبین مشتاق شنا میباشد، تصویر داوطلبین پسر آموزش و پرورش را در حالیکه کارشناس تربیت بدنی و مربیان شنای استخر را در میان دارند نشان میدهد.



ناشنوایان و پیروزی در واترپلو

تیم واترپولوی ناشنوایان ایران که قرار است تابستان آینده برای شرکت در مسابقه های جهانی راهی ایتالیا گردد، در یک دیدار تدارکاتی ۳ـ۷ تیم منتخب استخر امجدیه را شکست داد. ناشنوایان ایران که در مسابقه های جهانی بخارست درخشش خوبی نشان دادند، برای رسیدن به حد و اندازه تابستان گذشته تلاش چشمگیری آغاز کرده اند که بهمین خاطر هر روز در استخر امجدیه تمرینات مرتبی را دنبال میکنند.

در بازی انجام شده سوای نتیجه که بسود ناشنوایان بود، همکاری گروهی شناگران ناشنوا در راه پیروزی جلب کننده بود.

برگزیدگان جام خلیج فارس

مسابقه های انتخابی تنیس روی میز پسران تهران برای شرکت برگزیدگان پایتخت در جام خلیج فارس در سالن تنیس روی میز امجدیه با حضور ۱۶ شرکت کننده برگزار گردید که پس از ۵ روز مبارزه، سعید مصلحی، مجید خزائلی، بهمن زمینی و ناصر رجبی، بهترین نتایج را آوردند.

برگزیدگان این مسابقه ها، به زاهدان خواهند رفت تا در جام خلیج فارس شرکت جویند. هنوز تاریخ این مسابقه ها، معلوم نشده، ولی احتمالا، جام خلیج فارس، حدود بیست روز دیگر آغاز خواهد شد.



ORIS

اوریس

ساعت دقیق سوئیس